

از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
در آغاز درس خارج فقه در تاریخ ۱۴/۶/۱۳۷۴
در شرایط کنونی، جامعه ما نیازمند علما و
بزرگانی است که بتوانند با بیان خود و
نوشتن کتابها، جزوه‌ها و رساله‌ها و نیز انتشار
مجلات گوناگون، شبهات روشنفکران و
جوانان اهل فکر و اندیشه را در ابواب مختلف،
برطرف کنند و به نیازهای دینی مردم پاسخ دهند
و حوزه‌های علمیه در این زمینه وظیفه بسیار
مهمی را بر دوش دارند.



سبحان الله العظيم



دو هفته نامه داخلی
خبرگزاری قرآنی ایران
(ایکنا)

سال پنجم، شماره پنجاه و ششم، ۱۵ خرداد ۱۳۸۸
ویژنامه بزرگداشت خادم القرآن الکریم، آیت الله العظمی سبحانی (مدظله العالی)

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سردبیر: مرتضی رضائی زاده

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

مدیر اجرایی و هنری: احسان حسینی

معاون تحریریه داخلی: غلامرضا حسین پور

هیئت تحریریه:

دبیر گروه اندیشه: غلامرضا حسین پور

حمیدرضا یونسی، ابوالفضل عنابستانی، سیدمیلاذ او صیا،

سید حسین امامی، رقیه گل محمدی

دبیر سرویس عکس: سیدمحمد نمازی

نقی خوش خلق، فضیلت سوخکیان، محسن رضایی

حسن آقامحمدی

فهرست

سخن نخست ۲

زندگی نامه آیت الله العظمی سبحانی (مدظله العالی) ۵-۱۶

جامعیت علمی و شخصیت اخلاقی آیت الله العظمی سبحانی ۱۷-۴۴

روش شناسی تفسیری آیت الله العظمی سبحانی ۲۵-۶۴

ویژگی آثار و آرای آیت الله العظمی سبحانی ۶۵-۸۸

شخصیت فقهی - اصولی آیت الله العظمی سبحانی ۸۹-۹۸

مقالات برگزیده آیت الله العظمی سبحانی ۹۹-۱۰۶

آلبوم خاطرات آیت الله العظمی سبحانی ۱۰۷-۱۱۴

نشانی نشریه:

تهران- خیابان قدس- خیابان بزرگمهر- پلاک ۸۵

خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه: Rayche@iqna.ir

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷-۹۸



مجلس شورای اسلامی



مرکز ملی مطالعات قرآنی
تهران



شهری تهران

این شماره از «رایحه» با مشارکت و حمایت مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.



سیره و شخصیت

دانش وسیع و بی نظیر خود در علم کلام برداشت تا به دانشوران مسلمان بقبولاند که علم کلام لازمه و سپر دفاع از اصول عقاید اسلامی است، اما با تمام وسعت معلومات و اطلاعات و جامعیت در علوم مختلف اسلامی و با درنوردیدن بحرهای عمیق و موج تاریخ و فقه و اصول و فلسفه و کلام، همچنان یگانه راه نجات انسان را تمسک به قرآن و عترت می‌داند.

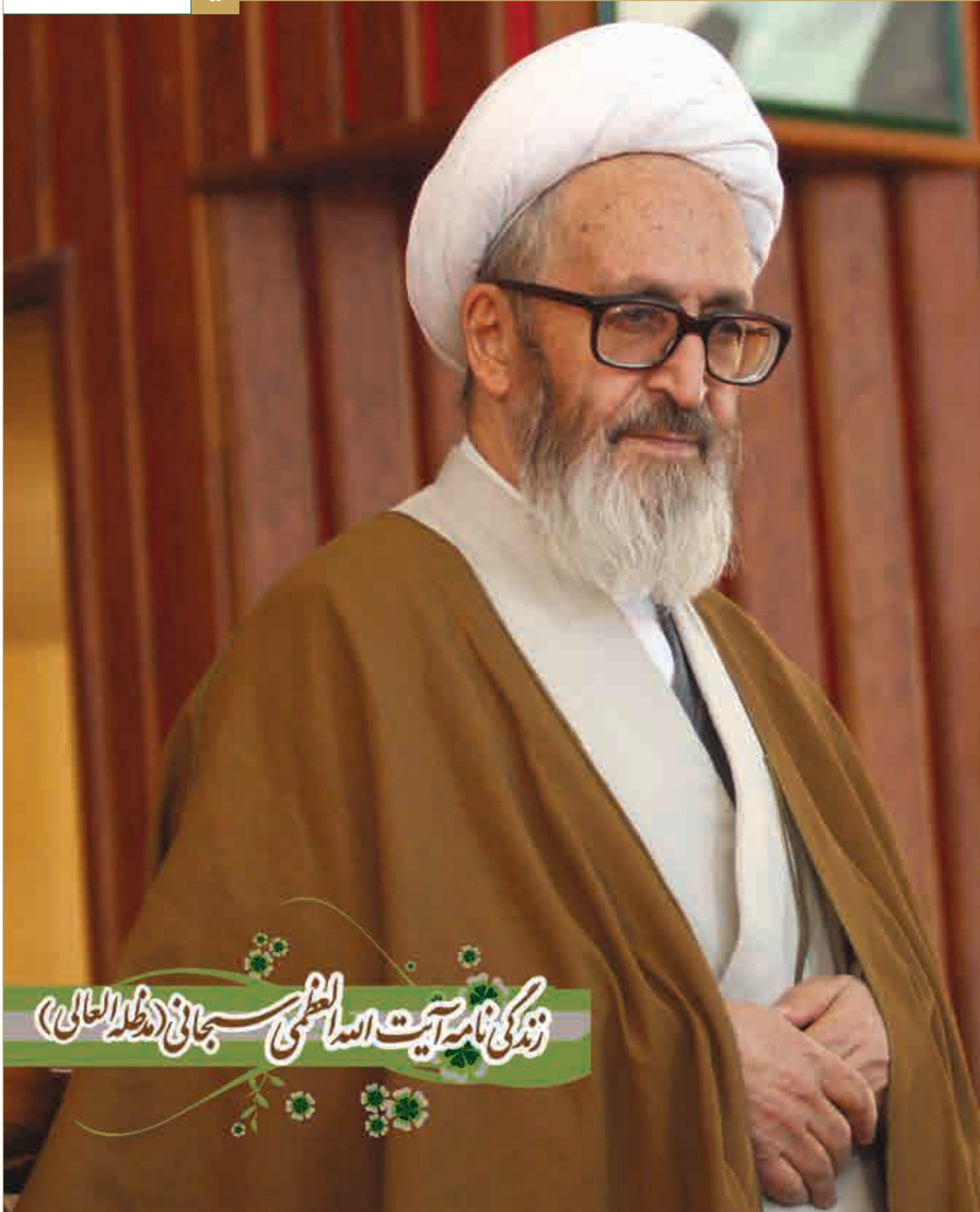
بی‌شک تکریم و تجلیل از استاد سبحانی، تجلیل از حکمت و دانش و خرد است، لذا سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) بر همین سیاق، بر آن شد تا ریحانه‌ای را در شش بخش - زندگی‌نامه، جامعیت علمی و شخصیت اخلاقی، روش‌شناسی تفسیری، ویژگی‌های آثار و آرای کلامی، شخصیت فقهی - اصولی و مقالات برگزیده آیت‌الله العظمی سبحانی (مدظله العالی) - برای بزرگداشت این دانشمند نامی معاصر تدوین و تنظیم کند تا شاید گوشه‌ای از شخصیت علمی - فرهنگی ایشان را نمایان سازد.

غلامرضا حسین پور
دبیر سرویس اندیشه و علم
خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

اگر اسلام بر سه محور اصول عقاید، اخلاق و احکام می‌چرخد و اگر عالم اصیل و حقیقی اسلامی کسی است که بر تمام علوم اسلامی احاطه و استیلا داشته باشد، بی‌شک حضرت آیت‌الله العظمی میرزا جعفر سبحانی تبریزی (مدظله العالی)، عالمی اصیل و جامع است که نسب از استادان سترگش؛ امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی (ره) می‌برد و همانند آنان قرآن و برهان؛ باطن و ظاهر؛ حقیقت، طریقت و شریعت را جمع کرده است.

قرآن، سنت و عقل شیوه‌های این عالم ذوالفنون در کشف و اثبات مفاهیم و معارف عمیق و عالی اسلام شیعی و تفسیر قرآن، فلسفه و کلام، اخلاق، فقه و اصول، تاریخ و سیره و ... جولانگاه این مفسر برجسته هستند.

بی‌تردید استاد سبحانی فقیه مبرز و برجسته‌ای است؛ چرا که از تفسیر، کلام و تاریخ به عنوان مهم‌ترین پشتوانه‌های فقه کاملاً آگاه و صاحب نظر است؛ همو که منشور جاوید و مفاهیم‌القرآن را در تفسیر موضوعی کتاب مبین نگاشت تا به آنانی که حوزویان را تنها فقه‌پیشگان اصولی مشرب می‌خوانند، پاسخی رسا گفته باشد؛ با نگاشتن الاهیات، بحوث فی الملل و النحل، مدخلی بر مسائل کلام جدید و ... پرده از



زندگی نام آیت الله العظمی بروجردی (مد ظله العالی)

A portrait of Ayatollah Sistani, a prominent Islamic scholar, wearing a white turban and glasses, seated against a background of intricate blue and gold Islamic geometric patterns.

زندگى نامه
آيت الله العظمى
سبحانى (مدظله العالى)

کتاب پربرگ تاریخ، در صفحات زرین خویش، مردان بزرگی را به ما می‌نمایاند که زندگی خویش را وقف هدایت بشر کرده و برای نجات انسان‌ها از گرداب فساد و گمراهی از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. پیامبران الهی و اوصیای آن‌ها قافله‌سالاران این گروهند که پیشاپیش عالمان و حکیمان متأله گام بر می‌دارند. پیامبران در تاریخ انسانیت مشعل‌دار آگاهی بوده و در طریق رشد و تعالی روح و روان انسان‌ها و به‌سازی اجتماع بشری، عقل‌ها و مردم را از تاریک‌نای جهل و غفلت به روشنای تفکر و ایمان فرا خواندند و سر خویش را بر این هدف نهادند.



عالمان دین نیز ادامه‌دهندگان همین راهند و مانند پیامبران خدا، مصمم و قاطع، گام به عرصه نبرد با جهل و نادانی و فساد و بیدینی می‌نهند و مشعل فروزان هدایت را به دست گرفته و راه پیچ و خم تاریخ را در برابر ره گم‌کردگان روشن می‌کنند. به راستی آنان مصداق بارز «العلماء ورثة الأنبياء» و «الفقهاء أمناء الرسل» و «المؤمنون الفقهاء حصون الإسلام» بوده و در راه رساندن پیام رسولان خدا و گسترش آیین خاتم پیامبران، تمام توان خویش را به کار می‌گیرند و از رنج و بلا نمی‌هراسند و در راه انجام وظیفه خطیر «بیان احکام حلال و حرام»، فقر و غربت و بیماری و تبعید و اسارت و شهادت، آنان را از هدف والای خود باز نمی‌دارد.

یکی از فقیهانی که سالیان دراز به تدریس و تربیت شاگردان، تبلیغ معارف دینی و تحقیق و تألیف و ترجمه کتاب‌های ارزنده علمی و خدمات جاودانه اشتغال داشته و دارد، متفکر بزرگ اسلامی و اندیشمند سترگ معاصر، فقیه اصولی، مفسر رجالی، متکلم ادیب، و فیلسوف مورخ، آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی است.

تولد آیت‌الله سبحانی

آیت‌الله العظمی سبحانی در ۲۸ شوال المکرم ۱۳۴۷ ق (۲۰ فروردین ۱۳۰۸ ش) در تبریز در خانواده علم و تقوا و فضیلت دیده به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان، زاهد وارسته، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین سبحانی خیابانی، یکی از عالمان و فقیهان تبریز بود که بیش از ۵۰ سال به کار تدریس، تألیف، راهنمایی مردمان و پرورش شاگردان اشتغال داشت.

شروع به تحصیل

آیت‌الله سبحانی، پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، در مکتب‌خانه مرحوم میرزا محمود فاضل فرزند فاضل مراغی از شاگردان شیخ اعظم انصاری به فراگیری متون ادب پارسی پرداخت و کتاب‌هایی مانند: گلستان، بوستان، تاریخ معجم، نصاب الصبیان، ابواب الجنان و غیره را فرا گرفت. سپس در ۱۴ سالگی (۱۳۶۱ ق) رهسپار مدرسه علمیه طالبیه تبریز گردید و به آموختن مقدمات علوم و سطوح پرداخت. علوم ادبی را نزد

مرحومان: حاج شیخ

حسن نحوی و شیخ علی
اکبر نحوی، و بخشی از
مطول، منطق منظومه
و شرح لمعه را در محضر

پیشرو و غلام یحیی (در شهر یور ۱۳۲۵ ش) و تشکیل حکومت وابسته به شوروی، عرصه را برای تحصیل تنگ کرد و به همین جهت، استاد لازم دید محیط تحصیل را عوض کرده و رهسپار حوزه علمیه قم گردید. لذا در مهر ماه ۱۳۲۵ شمسی وارد قم شد و به تکمیل سطوح، همت گماشت. باقیمانده فرائد الاصول را نزد مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی تبریزی (۱۳۲۷ - ۱۳۷۹ ق) و آیت الله حاج میرزا احمد کافی (۱۳۱۸ - ۱۴۱۲ ق) آموخت و کفایة الاصول را هم نزد مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (م ۱۴۱۴ ق) بیاموخت.

اساتید استاد سبحانی

آیت الله سبحانی پس از تکمیل سطوح عالی در ۱۳۶۹ ق، به درسهای خارج فقه و اصول راه یافت و به خوشه چینی از محضر بزرگان زیر پرداخت: ۱. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق) که در آن روزها مبحث وقت از کتاب صلاة را تدریس می فرمود. ۲. مرحوم آیت الله حاج سید محمد حجت کوهکمری (۱۳۰۱ - ۱۳۷۲ ق) که در آن زمان تدریس خارج بیع را آغاز کرده بود. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی،

علامه بزرگوار میرزا محمد علی مدرس خیابانی صاحب ریحانة الأدب (م ۱۳۷۳ ق) بیاموخت و این همه پنج سال (تا ۱۳۶۵ ق) به طول انجامید. آیت الله سبحانی، در آن زمان سخت مشغول تعلیم و تعلم (دروس مقدمات) و مباحثه و تألیف بود. یادگار قلمی ایشان از آن زمان (با اینکه نوجوانی ۱۷ ساله بود) دو کتاب است که هم اینک موجود می باشد: معیار الفکر (در منطق)، ۲. مهذب البلاغة (در علم معانی، بیان و بدیع).

مهاجرت به حوزه علمیه قم

دگرگونی در آذربایجان و ظهور فرقه دمکرات به رهبری

شاگردان

خویش را با آرای قدما، فتاوی اهل سنت، و نیز تتبع در اسناد و فهم روایات و ریشه یابی مسائل آشنا می ساخت و درس مرحوم آیت الله حجت نیز، از نظر دسته بندی مطالب و نتیجه گیری، امتیاز خاصی داشت.

۳. مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی (ره) (۱۳۲۰ - ۱۴۰۹ ق) که در آن زمان بحث استصحاب را مطرح می فرمودند. معظم له تا پایان دوره اول درس اصول حضرت امام، به درس ایشان حاضر گشت آنگاه بران شد تا مجموع درسهای ایشان را به دقت ضبط کند و تحریر نماید، این کار در ضمن ۷ سال (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ ش) انجام گرفت و در همان زمان به چاپ رسید

امام راحل (قدس سره) در آغاز کتاب مزبور - در تقریظی - چنین نگاشته اند: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين. و بعد فمما من الله تعالى على هذا العبد اتفاق صحابة جم من الأفاضل و عدة من الأعلام أيدهم الله تعالى و منهم العالم العلم التقى صاحب الفكر الثاقب و النظر الصائب الأغميرزا جعفر السبحاني التبريزي و فقه الله

تعالی لمرضاته

و کثر الله أمثاله و

لقد جد و اجتهد فی

تنقیح مباحث الألفاظ من

بحث هذا الفقير بحسن سلیقته

و توضیحا بجودة قریحته فصار

بحمد الله و له المننة صحيفة كافلة

لمهمات المسائل... فی تاریخ ۲۴ شهر ربیع

المولود ۱۳۷۵ ق روح الله الموسوی الخمينی

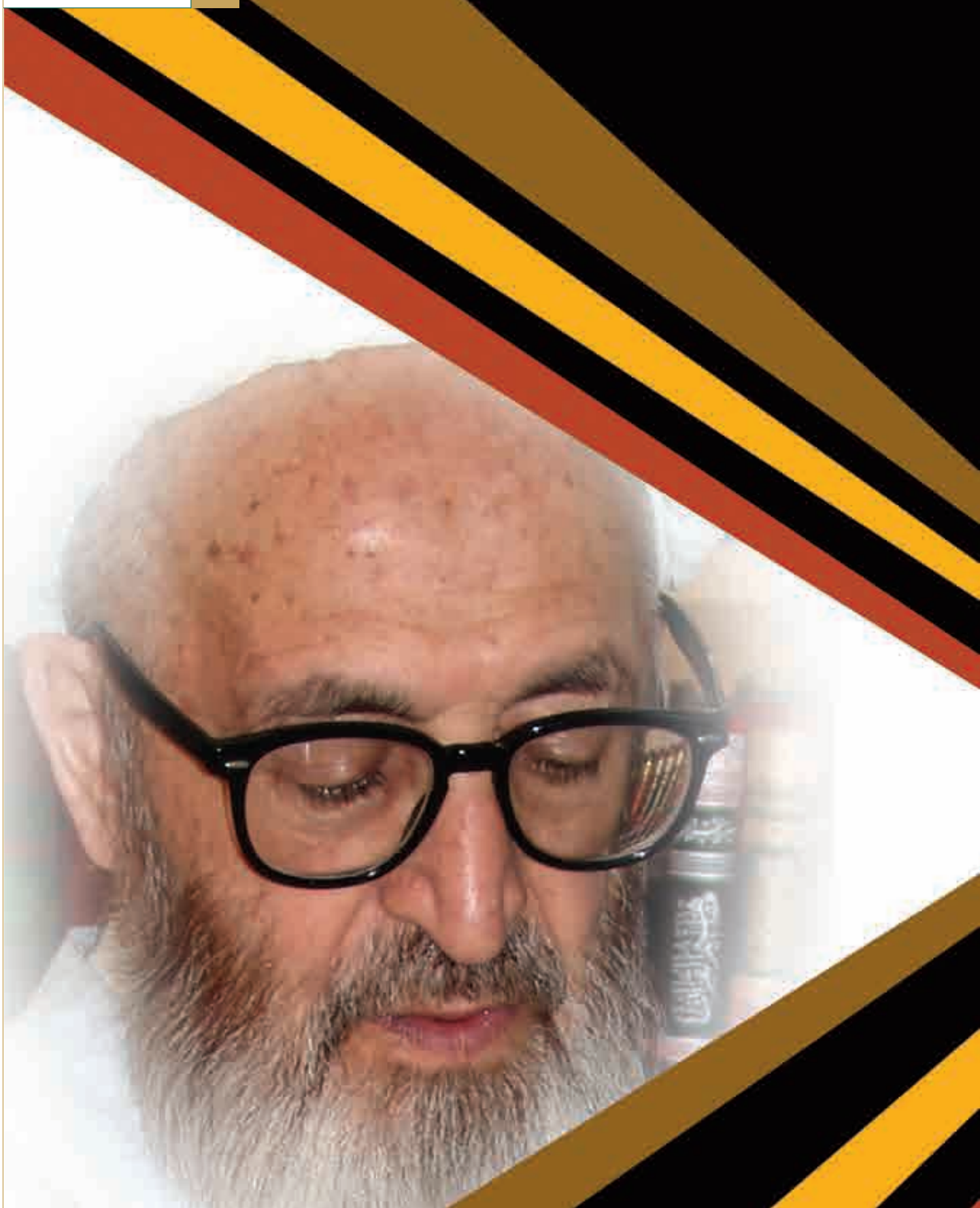
چاپ این کتاب به وسیله استاد سبحانی مایه

شگفتی بود. چرا که در آن زمان ۲۸ بهار بیشتر از عمر وی

نمی گذشت و سبک نگارش کتاب هم به عربی شیوا و سلیس

بود. آیت الله سبحانی به غیر از تحصیل دروس فقه و اصول، به

آموختن فلسفه و کلام و تفسیر نیز اشتغال داشت. استاد از دوران



است که هر روز درس معظم له زیر نظر ایشان به چاپ رسیده و بیش از ۶۰۰ نفر در آن شرکت می‌نمایند.

استاد معظم تاکنون ۳ دوره کامل اصول و هر دوره در ۶ سال، تدریس نموده و هم اکنون ۴ دوره آن را پشت سر می‌نهد. تقریرات این درس‌ها بسیار است و یک دوره کامل آن در ۴ جلد به نام المحصول فی علم الأصول به چاپ رسیده است.

ایشان در طول بیش از ۲۰ سال تدریس منظم خارج فقه، تا کنون مباحث مختلفی را بحث نموده است که عبارتند از: کتب زکات، حدود، دیات، قضاء، مضاربه (دو بار)، مکاسب محرمه، خیارات، ارث، طلاق، نکاح، خمس و بسیاری از فضایل حوزه به ضبط افادات استاد پرداخته‌اند، که برخی از آنها نیز به چاپ رسیده است.

همچنین استاد سالیان درازی کتاب عمیق اسفار را برای گروه بسیاری تدریس نموده است که پاره‌ای از آنان اکنون خود از اساتید فلسفه به شمار

می‌روند. ایشان به غیر از تدریس منظم فقه، اصول و فلسفه در حوزه علمیه، سالیان دراز به آموزش عقاید، رجال، درایه، تاریخ اسلام و تشیع، ملل و نحل، تفسیر و ادبیات پرداخته و در هر یک از آنها آثار مفید و متعددی را به جامعه اسلامی تقدیم نموده است.

شیوه تدریس

استاد سبحانی همواره سر وقت (بدون اندکی تأخیر) در جلسه درس حاضر می‌شود و با بیانی شمرده و منظم به القای دروس فقه و اصول و عقاید می‌پردازد. ایشان در آغاز، دورنمایی از بحث را ترسیم می‌کند و آنگاه به تفصیل، موضوع مورد بحث را توضیح می‌دهد.

ایشان به هنگام نقل گفتار صاحب نظران از محققان پیشین تا محققان معاصر، از آنان تکریمی شایان می‌کند و در عین حال، با دقت و ژرف نگری سخن آنان را نقد می‌کند. جلسات درس ایشان، بخصوص فقه - آمیزه‌ای



نوجوانی به مسائل فکری و عقلی کشش بسیار زیادی داشت و به شخصیت‌های متفکر و اساتید منطق و معقول ارجی شایان می‌نهاد.

از همین رو در تبریز به محضر مرحوم آیت الله حاج سید محمد بادکوبه‌ای (م ۱۳۹۰ ق) شتافت و از او شرح قواعد العقائد علامه را بیاموخت. سپس در حوزه علمیه قم مطالعات فلسفی خویش را با شرکت در درس‌های منطق و فلسفه علامه سید محمد حسین طباطبائی (م ۱۴۰۲ ق) تکمیل کرد و در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰ ش شرح منظومه و پس از آن بخش اعظم اسفار را نزد ایشان فراگرفت و همزمان، در جلسه شبهای پنجشنبه و جمعه علامه طباطبائی، که در آن فلسفه مادی به نقد کشیده می‌شد و نگارش کتاب ارزشمند «اصول فلسفه و روش رئالیسم» توسط استاد شهید آیت الله مطهری حاصل آن جلسات بود، شرکت جست و پس از پایان این دوره به خواست حضرت استاد علامه، کتاب اصول فلسفه را به عربی باز گرداند که اولین جلد آن با تقریظ علامه طباطبائی به چاپ رسید.

تدریس

آیت الله سبحانی، از زمان تحصیل (۱۳۶۲ ق/ ۱۳۲۲ ش) به تدریس مقدمات می‌پرداخت و پس از آنکه به حوزه علمیه قم آمد (۱۸ سالگی) کار تدریس را ادامه داد و پس از زمانی چند نیز به تدریس سطوح پرداخت.

ایشان نزدیک به ۷ سال مطول، چند دوره معالم و لمعتین، ۷ دوره فرائد شیخ انصاری (در ۲۱ سال)، چند دوره مکاسب و کفایه، و پنج مرتبه شرح منظومه (در ۱۰ سال) را تدریس نمود. سال ۱۳۹۴ ق (۱۳۵۴ ش) نیز بر اثر اصرار فضلا و طلاب علاقمند حوزه، درس خارج فقه و اصول را تشکیل داد که تاکنون بحمد الله ادامه دارد. درس خارج اصول ایشان یکی از شاخص‌ترین حلقه‌های درسی حوزه به شمار می‌رود و از مزایای آن این

از پند و اندرز و اخلاق و تاریخ است و به خوبی به اشکالات شاگردان (هر چند سست باشد) گوش فرا داده و با متانت و بردباری به پاسخ آنان می‌پردازد.

شرکت در تدوین قانون اساسی

استاد سبحانی از روز نخست در مبارزات حق طلبانه روحانیت بر علیه رژیم فاسد شرکت داشت و نامش همراه در ذیل اعلامیه‌های مدرسین حوزه علمیه قم دیده می‌شد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی که ثمره شیرین مجاهدات روحانیت و مردم مسلمان ما بود

استاد سبحانی از روز نخست در مبارزات حق طلبانه روحانیت بر علیه رژیم فاسد شرکت داشت و نامش همراه در ذیل اعلامیه‌های مدرسین حوزه علمیه قم دیده می‌شد

برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، احساس وظیفه نمود و به امر و ترغیب امام خمینی قدس سره از استان آذربایجان شرقی کاندید شد و با آرای میلیونی مردم استان به عنوان نماینده اول انتخاب شد. در تنظیم قانون اساسی هم از نظر تعبیر و هم از نظر محتوا تأثیر بسزایی داشت و مرحوم آیت‌الله شهید دکتر بهشتی رسماً از تریبون مجلس از دقت و ژرف نگری ایشان تقدیر به عمل آورد.

ایشان در درس بر زیبا نویسی و رعایت نکات ادبی و ویرایشی تأکید فراوان می‌نماید و بسیار می‌گوید: این جا را از اول سطر بنویسید و این مطلب را با رعایت فاصله از مطلب پیشین جدا سازید. نیز تا مدتی پس از درس، نشسته و

برای شنیدن پرسشهای دیگران و پاسخ بدان‌ها درنگ می‌کند. دفاتر شاگردان خود را گرفته و آنان را به بهتر نویسی راهنمایی می‌کند و در روزهای چهارشنبه به شرح حدیثی از ائمه اطهار (ع) نیز می‌پردازد.

استاد برخی از نوشتارهای شاگردانش در فقه، اصول، کلام و تاریخ را (که درس‌های او را به نگارش در آورده‌اند) مطالعه کرده و با تصحیح برخی از مطالب آن، آنها را به دست چاپ سپرده و از این رهگذر آنان را مورد تشویق قرار می‌دهد.

بنیانگذار تفسیر موضوعی قرآن

از هنگامی که پایه مجله مکتب اسلام گذاشته شد، نگارش تفسیر قرآن بر عهده آیت‌الله سبحانی قرار گرفت و استاد در طول سالیان متمادی به نگارش تفسیر قرآن پرداخت و از این رهگذر به ترجمه و توضیح سوره‌های: توبه، رعد، فرقان، لقمان، حجرات، حدید، صف و منافقین توفیق یافت.

در خور ذکر است که آیت‌الله سبحانی پس از گذشت زمانی چند به ضرورت تفسیر موضوعی قرآن پی برد و به این نتیجه رسید که: قرآن مجید در موضوعات گوناگون به بحث و بررسی پرداخته است، اما آیات هر موضوع، در

محل واحدی گرد نیامده و چه بسا آیات یک موضوع در سوره‌های مختلف پخش شده است و نتیجه گیری کلی از آیات قرآنی درباره هر عنوان، در گرو آن است که آیات در جای واحدی جمع آوری شود و آنگاه با ملاحظه مجموع آیات، و احیاناً با پرتوگیری از تبیینات حضرات معصومین (ع)، دیدگاه قرآن مشخص شود.

البته نخستین کسی که این باب را به روی ما و دانشمندان گشود، مرحوم علامه مجلسی است که در کتاب ارزشمند بحار الانوار در هر باب، آیات آن را گرد آورده و به صورت کوتاه مانند تفسیر بیضاوی و یا طبرسی تفسیر کرده است.

استاد در این راستا به بررسی و تفسیر آیات عقاید اسلامی پرداخت و در این مورد تفسیر بی‌همانند «مفاهیم القرآن» را در ۷ جلد به رشته تألیف کشید، که از همان زمان انتشار مورد تقدیر دانشمندان جهان اسلام قرار

استاد در درس فقه به تتبع گفتار فقها و دقت در آن‌ها، تحقیق در رجال مسند احادیث و دقت در فهم روایات می‌پردازد و در درس اصول با

تکیه بر متن «کفایة الاصول» گفتار اصولیان را به نقد می‌کشد. هم‌اکنون بسیاری از شاگردان فرهیخته ایشان از مدرسین حوزه علمیه، مؤلفین کتابهای اسلامی، اساتید دانشگاه، قضات دادگاه‌ها، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ائمه جمعه و جماعات کشور به شمار می‌روند.

شرکت در تأسیس مجله مکتب اسلام

در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ ش خلأ فکری بر جوانان کشورمان حاکم بود و غالب محلات کشور وابسته به دولت فاسد بودند و کمتر مجله‌ای بود که به طور مستقیم و غیر مستقیم به تخریب بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی نپردازد. از همین رو استاد و گروهی از فضلاء حوزه تصمیم گرفتند تا شالوده بنای یک مجله وزین فکری اسلامی را بریزند، و این چنین بود که مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» تأسیس شد.

روزهای نخست تصور نمی‌رفت که مجله مزبور تا این اندازه مورد استقبال جامعه مذهبی کشور قرار گیرد، اما به مرور زمان مجله سراسر ایران را فرا گرفت و در برخی اوقات با تیراژ بیش از صد هزار منتشر گردید. استاد در این مجله با نگارش تاریخ اسلام و تفسیر قرآن آثار ماندگاری از خویش به یادگار نهاد و هم‌اکنون نیز صاحب امتیاز آن بوده و مجله تحت سرپرستی ایشان به حیات علمی خود ادامه می‌دهد.



گرفت. برخی از کسانی که بر این کتاب تقریظ نگاشته‌اند عبارتند از حضرات آیات: سیدمحمدباقر صدر، علامه طباطبائی، شیخ محمدتقی شوشتری، محمدجواد مغنیه، سیدمرتضی عسکری و دیگران.

استاد بزرگوار پس از چندی به نیاز شدید جامعه فارسی زبان به این گونه تفاسیر آگاه شد و بر آن شد تا با استفاده از کتاب فوق، نخستین تفسیر موضوعی قرآن به زبان فارسی را نگارش دهد که به فضل الهی به نوشتن کتاب «منشور جاوید قرآن»، توفیق یافت که تاکنون ۱۴ جلد آن در تفسیر موضوعات مختلف قرآن مجید چاپ و منتشر شده است.

پاسخ به پرسش‌های دینی

از بدو تأسیس مجله مکتب اسلام، پرسش‌های مختلفی از سوی جوانان و دانشجویان به دفتر مجله می‌رسید که خواهان پاسخ بودند. لذا ستونی در مجله با نام «پرسش و پاسخ» گشایش یافت که به سؤال‌های علمی و دینی مردم پاسخ می‌داد.

جواب این سؤال‌ها از آغاز بر عهده آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله مکارم شیرازی بود، که بعدها در ۴ جلد با نام «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» چاپ و منتشر شد. پس از آن نیز پرسش‌های گوناگونی از نقاط مختلف کشور و نیز مراکز فرهنگی اسلامی جهان به دست حضرت استاد می‌رسید که خود باعث بر تألیف کتاب ارزنده «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» از سوی ایشان شد.

هم‌اینک نیز ایشان به طور مرتب به پاسخگویی مشکلات دینی مردم می‌پردازد و شبهه‌زدایی از اذهان جوانان را یکی از مهمترین وظایف خویش می‌داند و معتقد است که باید مرکزی منظم برای رفع اشکالات دینی مردم به وجود آید. پرسش‌هایی که در این کتاب پاسخ گفته شده است، بیشتر پرسش‌های کلامی و فلسفی، تاریخی، تفسیری، اجتماعی می‌باشد و خود نوعی دائرة المعارف به شمار می‌رود.

دگرگونی در برنامه درسی حوزه

پس از انقلاب اسلامی، ضرورت تحول و دگرگونی در برنامه‌های درسی حوزه و دانشگاه بیش از پیش احساس شد و برای رفع نیاز طلاب و دانشجویان مراکز تأسیس گردید. شورای مدیریت حوزه علمیه قم

برای پر کردن خلأهای نظام درسی حوزه به فکر تدوین متون آموزشی در برخی از رشته‌های علوم اسلامی برآمد، و برای این کار از فکر و اندیشه استاد سبحانی بهره گرفت.

استاد نیز مدتی در ۴ رشته از علوم اسلامی:

رجال، عقاید، فرق و مذاهب دست به تألیف کتاب

زد، که به تصدیق اهل فن هر یک از آنها در نوع خود بهترین

است. در رشته عقاید، کتاب «المحاضرات فی الالهیات» را در ۴ جلد، و در

باب مذاهب اسلامی نیز کتاب وزین «بحوث فی الملل و النحل» را در ۷ جلد به

رشته نگارش درآورد، که هم‌اینک همراه دو کتاب دیگر ایشان «کلیات فی علم

الرجال» و «اصول الحدیث و احکامه» جزو کتاب‌های درسی رسمی طلاب و فضلاء حوزه علمیه قرار گرفته و چند بار نیز ترجمه و تلخیص گردیده است.

کتاب وزین «الالهیات» مبسوطترین و مشروحترین کتاب کلامی است که به آرای دیروز و امروز متکلمان اسلامی نظر دارد و دقت در کتاب ارجمند «بحوث فی الملل و النحل»

نشانگر رنج بسیار مؤلف در تدوین این کتاب است که با

مراجعه به مصادر گوناگون به نگارش عقاید پرداخته و در نوشتن عقاید

هر فرقه‌ای، به کتاب‌های خود آنها مراجعه کرده و به نقل قول دیگران

اکتفا نکرده است.

استاد سبحانی از دیر زمان به دفاع از باورهای عقیدتی شیعه پرداخته و در این راستا کتاب‌های

فراوانی را به نگارش در آورده است



عهده می‌گیرند.

دفاع از کبان تشیع

استاد سبحانی از دیر زمان به دفاع از باورهای عقیدتی شیعه پرداخته و در این راستا کتاب‌های فراوانی را به نگارش در آورده است. وی اولین گام را با نگاشتن کتاب «تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن» در نقد کتاب «تفسیر آیات مشکله قرآن» برداشت و پس از آن با احساس ضرورت، به نقد کتاب محرف «۳۲ سال» پرداخت.

در سال‌های بعد برای روشن ساختن عقاید شیعه برای غیر شیعیان و تفهیم علمی آن برای دیگران به نوشتن کتاب‌هایی پیرامون مسئله امامت، خلافت پیامبر، بداء، توسل، شفاعت، رجعت، امامان دوازده‌گانه، مجموعه اعتقادات شیعه، شخصیت‌های شیعی و نقش فرهنگ شیعی در پیشبرد تمدن اسلامی و تاریخ تشیع پرداخت.

مبارزه با وهابگری

از آن روز که نغمه شوم وهابیت در سرزمین اسلامی حجاز طنین افکند و پیروان متحجر و خشک سر آن به حمله و سرکوب دیگر مذاهب اسلامی پرداختند، عده بسیاری از دانشمندان بزرگ مسلمان به نقد و رد این آیین پوشالی پرداختند و به خوبی از عهده برآمدند.

یکی از آنان که در سالیان اخیر به مبارزه‌ای پیگیر با عقاید خرافی آنان پرداخته و کتاب‌هایش موج جدیدی از بیدارگری اسلامی را در کشورهای مسلمان ایجاد کرده، آیت‌الله سبحانی است. ایشان با تألیف کتاب‌هایی نظیر: الوهابیة فی المیزان، آیین وهابیت، التوحید و الشرك فی القرآن الکریم، الشفاعة و مفهومها، التوسل، خرافات و ترهات این دسته بی منطق را روشن ساخته و بسیاری را از خطر گمراهی بازداشته و سب هدایت گروه بیشماری از جوانان متدین به خصوص در مغرب و سودان گردیده و موجب صیانت آنان از فرو افتادن به دامان وهابیت شده است.

تقدیر از علما و دانشمندان

آیت‌الله جعفر سبحانی به دانشمندان و عالمان راستین

شیعه عشق می‌ورزد و از خدمات دینی آنان تجلیل و

تکریم بسیار می‌نماید. ایشان از هنگام تأسیس

مجله «مکتب اسلام» در سال ۱۳۳۸ تا کنون به

شرح حال دانشمندانی که بدرود حیات

می‌گویند، پرداخته است، که اگر تمام آن

مقالات در مجموعه‌ای گردآوری شود خود

کتابی بزرگ خواهد شد. هم‌چنین ایشان برای

هر یک از عالمانی که از دنیا می‌روند نماز لیلۃ‌الدفن

می‌خواند، خود را مقید به شرکت در تشییع جنازه ایشان می‌داند و

آنان را در ثواب قرائت و ختم قرآن هر ماهه خویش شریک می‌گرداند.

ایجاد رشته تخصصی کلام اسلامی

از زمانی که پایه تأسیس رشته‌های تخصصی:

تبلیغ، تفسیر و کلام در حوزه علمیه قم گذاشته

شد، سرپرستی این رشته به عهده آیت‌الله

سبحانی نهاده شد و ایشان با کمال دلسوزی به

سرپرستی دانشجویان و داوطلبان این رشته

پرداخته است.

آموزش این رشته و تخصص آن در آن چهار سال به طول

می‌انجامد و ارزش علمی آن برابر دکتر است. دانشجویان پس از چهار سال

برنامه فوق تخصصی دارند و سرانجام تدریس کتاب‌های فلسفی و کلامی را بر



استاد سبحانی کتابخانه ارزشمند خویش را برای استفاده دیگر محققان و مؤلفان، وقف مؤسسه امام صادق (ع) کرده و ساعت‌ها وقت خود را در اختیار آنان می‌نهد و هم به هنگام نقل و نقد گفتار عالمان در درس خویش از آنان با احترام بسیار یاد می‌کند و با فروتنی به رد سخن ایشان می‌پردازد.

ایشان از سر ترویج علم و دانش بر بسیاری از کتاب‌های معاصران و پیشینیان خود مقدمه نگاشته و برخی از کتاب‌هایش مانند: تهذیب الاصول را به بعضی از عالمان اهدا کرده، و برده‌ها کتاب که از سوی نویسندگان جوان حوزه علمیه نگاشته شده، تقریظ نوشته است.

شرکت در مجامع فرهنگی

آیت الله سبحانی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص اندیشمند حوزه علمیه قم در قسمتی از کنگره‌های علمی داخلی و بیشتر مجامع علمی خارجی شرکت جسته و در تمام آن‌ها به ایراد سخنرانی و ارائه مقاله پرداخته است.

ایشان به عنوان رئیس کنفرانس علوم و مفاهیم قرآن برگزیده شده و در کنگره‌هایی مانند: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام (۴ بار)، کنفرانس وحدت اسلامی (۷ بار)، کنفرانس تقریب مذاهب، کنگره جهانی شیخ مفید، کنگره نهج البلاغه، کنگره جهانی شیخ انصاری، سمینار بزرگداشت علامه طباطبایی (در تبریز و کازرون)، سمینار نماز و کنفرانس اسلام و مسائل پزشکی و غیره در ایران شرکت فعال داشته است.

او در بسیاری از کنگره‌ها که شرکت کنندگان عرب‌زبان بسیاری را مقید است به عربی فصیح سخن گوید و پیوسته تذکر می‌دهد که یک دانشمند اسلامی باید بر زبان عربی تسلط کافی داشته باشد، هم درست بنویسد و هم صحیح بخواند و سخن گوید.

ایشان در نگارش عربی می‌کوشد که مانند دیگر ادیبان عرب قلم زند و در این راه رنج بسیار بر خود می‌پسندد و مطالعه آثار ادیبان معاصر عرب را در یکی از کارهای همیشگی خود قرار داده است و لذا بیشتر کتاب‌هایش در لبنان تجدید چاپ شده و در سطح کشورهای عربی منتشر شده و مورد استقبال اندیشمندان عرب قرار گرفته است.

تألیفات

استاد سبحانی در طول سالیان دراز تدریس، تربیت شاگردان بسیار، بزرگداشت شعایر دینی، سخنرانی در مجامع فرهنگی، نگارش مقالات متعدد در مجلات معتبر علمی، مصاحبه‌های فراوان،



تبلیغ ارزش‌های مذهبی، بنیاد مؤسسات تحقیقاتی و تأسیس مجلات علمی، به تألیفات بسیار در زمینه‌های مختلف دینی همچون: تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام، تاریخ، فلسفه، ملل و نحل، رجال، درایه، علوم ادبی، دفاع از ساحت تشیع، نقد وهابیت و موضوعات دیگر نگاشته است، که ما مهمترین آنها را به ترتیب موضوعی فهرست می‌کنیم:

الف: تفسیر قرآن

ایشان دارای در هر دوروش تفسیری ترتیبی و موضوعی دارای اثر هستند که به معرفی آثار در هر دو روش می‌کنیم: الف/۱ تفسیر ترتیبی: ۱. تفسیر سوره رعد به نام قرآن و اسرار آفرینش؛ ۲. تفسیر سوره فرقان به نام سیمای انسان کامل در قرآن؛ ۳. تفسیر سوره توبه؛ ۴. تفسیر سوره منافقون به نام دوست‌نماها؛ ۵. تفسیر سوره حدید به نام قرآن و معارف عقلی؛ ۶. تفسیر سوره حجرات به نام سیستم اخلاقی اسلام؛ ۷. تفسیر سوره لقمان به نام مربی نمونه.

بخش دیگری از آثار آیت‌الله سبحانی مربوط به علوم قرآنی است که به حق جای چنین آثاری در میان کتب درسی حوزویان خالی و تا چندی پیش حوزه از نبود چنین منابعی رنج می‌برد گرچه بعد از آثار آیت‌الله معرفت و آیت‌الله سبحانی باب تألیف گشوده شد و اهمیت چنین آثاری برای حوزویان روشن شد، لذا آیت‌الله سبحانی به مانند آثار دیگرش همیشه پیش‌گام در عرصه نوآوری در علوم و تألیف آثار جدید بوده‌اند و آثار ذیل جزو اولین آثار در حوزه علوم قرآنی در میان حوزویان است

۳. اصلت روح از نظر قرآن؛ ۴. التوحید و الشرك فی القرآن الکریم؛ ۵. شورا در قرآن و نهج البلاغه؛ ۶. احمد موعود انجیل؛ ۷. مکتب وحی (مفهوم امی بودن پیامبر(ص))؛ ۸. خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل ترجمه رضا استادی.

ب: علوم قرآنی

بخش دیگری از آثار آیت‌الله سبحانی مربوط به علوم قرآنی است که به حق جای چنین آثاری در میان کتب درسی حوزویان خالی و تا چندی پیش حوزه از نبود چنین منابعی رنج می‌برد گرچه بعد از آثار آیت‌الله معرفت و آیت‌الله سبحانی باب تألیف گشوده شد و اهمیت چنین آثاری برای حوزویان روشن شد، لذا آیت‌الله سبحانی به مانند آثار دیگرش همیشه پیش‌گام در عرصه نوآوری در علوم و تألیف آثار جدید بوده‌اند و آثار ذیل جزو اولین آثار در حوزه علوم قرآنی در میان حوزویان است: ۱. مرزهای اعجاز که ترجمه بخشی از تفسیر البیان مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی است و ۲. برهان رسالت که پیرامون قرآن و وجه اعجاز است.

ج: کلام

آثار کلامی استاد آیت‌الله سبحانی عبارتند از: ۱. شناخت صفات خدا؛ ۲. آشنایی با اصول اسلام؛ ۳. جهان بینی اسلامی (دیدگاه اسلام درباره هستی، دنیا، انسان در جهان). ۴. الهیات و معارف اسلامی؛ ۱. خدا و نظام آفرینش، ۲. خدا و صفات جمال و جلال، ۳. خدا و پیامبران، ۴. خدا و پیامبر اسلام، ۵. خدا و امامت، ۶. خدا و معاد، نگارش و تنظیم: رضا استادی؛ ۵. نیروی معنوی پیامبران.

۶. رسالت جهانی پیامبران (نبوت عامه) ... فی ظل اصول الإسلام (شامل بحثهای: توحید، شرک، بدعت، شفاعت، توسل، زیارت، حب اهل بیت(ع)، زندگی انبیاء پس از مرگ و امکان اتصال با آنان نگارش به قلم: استاد جعفر الهادی، الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل (۴ جلد)، نگارش به قلم: حسن مکی عاملی). ۸. معاد انسان و جهان؛ ۹. راه خداشناسی؛ ۱۰. مصدر الوجود؛ ۱۱. جبر

۲/ الف (تفسیر موضوعی): ۱. منشور جاوید قرآن در ۱۴ جلد: جلد ۱: شامل موضوعات: یکتا پرستی، نیکی به والدین، احترام جان انسان، فرزند کشی، مبارزه با فساد جنسی، حمایت از یتیم، عدالت در گفتار، ابعاد قسط و عدل، بعد جهانی جامعه، شکر و سپاس، اسراف و تبذیر، تعصب، زبان در قرآن، قلب و فؤاد، قانونمندی جامعه و تاریخ، سنت‌های تغییر ناپذیر؛ جلد ۲: مبانی توحید از دیدگاه قرآن؛ جلد ۳: جهاد، هجرت، حق و باطل، اخلاص، نور و ظلمت، عوامل گمراهی، نعمت‌های جاویدان، وجدان، امید و ترس، روح، تأویل، عمل صالح، نسل صالح، خدا فراموشی، و سوسه‌های شیطان در تدبیر پیامبران، محکم و متشابه، راسخان در علم، تأویل در مقابل تنزیل، قرآن و یاران پیامبر. جلد ۴: نفاق و سرگذشت منافقان، شناخت انسان.

۵: دلایل عصمت پیامبر اسلام، مقامات پیامبران و ولایت تکوینی آنان، امام در قرآن و عصمت ایشان؛ جلد ۶: زندگانی پیامبر اکرم(ص) در قرآن (از ولادت تا بنیان مسجد قبا و تغییر قبله)؛ جلد ۷: زندگانی پیامبر اکرم(ص) در قرآن (از هجرت تا وفات).

۸: شفاعت، توبه، احباط و تکفیر، آگاهی سوم؛ جلد ۹: جهان برزخ، تجسم اعمال، معاد جسمانی و روحانی، کیفرها و پاداش‌ها؛ جلد ۱۰: پیامبران در قرآن. جلد ۱۱ و ۱۲: داستان پیامبران؛ جلد ۱۳ و ۱۴: تحلیل زندگانی پیامبران در قرآن.

۲. مفاهیم القرآن در ۷ جلد: جلد ۱: معالم التوحید فی القرآن الکریم که مربوط به مسائل مربوط به شرک و توحید است؛ جلد ۲: حکومت اسلامی، برنامه‌ها و ویژگیها (نگارش: جعفر الهادی)، البته این کتاب

و اختیار (نگارش: علی ربانی گلپایگانی): ۱۲. حسن و قبح عقلی (نگارش: ربانی گلپایگانی): ۱۳. توسل (به عربی ترجمه شده است): ۱۴. البداء فی الكتاب و السنة؛ ۱۵. آگاهی سوم (پیرامون علم غیب ائمه اطهار (ع)): ۱۶. رهبری امت؛ ۱۷. پیشوایی از نظر اسلام (امامت و خلافت): ۱۸. سرنوشت از دیدگاه قرآن و حدیث و عقل؛ ۱۹. شفاعت از دیدگاه قرآن و حدیث و عقل؛ ۲۰. کاوش‌هایی پیرامون ولایت؛ ۲۱. مفهوم العبادة فی الكتاب و السنة؛ ۲۲. رؤیة الله؛ ۲۳. الزیارة.

د: فلسفه

۱. اصول الفلسفة (ترجمه جلد اول درس‌های علامه طباطبایی): ۲. فلسفه اسلامی و اصول دیالکتیک؛ ۳. نظریة المعرفة با نگارش حسن مکی عاملی؛ ۴. سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه؛ ۵. شناخت در فلسفه اسلامی؛ ۶. هستی‌شناسی در مکتب صدرالمآلهین؛ ۷. تحلیلی از فلسفه مارکس؛ ۸. نیروی محرک تاریخ.

۱. المواهب فی أحكام المكاسب، نگارش سیف‌الله یعقوبی؛ ۲. المختار فی أحكام الخیار؛ ۳. نظام الارث فی الشریعة الإسلامية الغراء له نگارش سیدمحمد رضا پیغمبرپور؛ ۴. نظام الطلاق فی الشریعة الإسلامية الغراء؛ ۶. نظام المضاربة فی الشریعة الغراء؛ ۷. کتاب الخمس؛ ۸. قاعدتان فقهیتان: لاضرر و لاضرار به نگارش: حسن مکی عاملی. ۹. الاعتصام بالكتاب و السنة (پیرامون: مسح پاها در وضو، سجده بر زمین، خمس در کتاب و سنت، ازدواج موقت، گذاشتن دستها بر روی هم در نماز، سه طلاق در یک مجلس، سوگند طلاق، طلاق در حیض و نفاس، عول و تعصیب، تقیه، ارث مسلمان از کافر، وصیت کمتر از ثلث، مصادر قانونگذاری نزد شیعه امامیه): ۱۰. نظام النکاح فی الشریعة الإسلامية الغراء؛ ۱۱. سبع مسائل (پیرامون ۷ مسئله فقهی اختلافی میان شیعه و سنی)

و: اصول

۱. تهذیب الاصول (۳ جلد) - تقریرات درس اصول حضرت امام خمینی (ره)؛ ۲. المحصول فی علم الاصول (۴ جلد) - تقریرات درس اصول استاد سبحانی با نگارش: سید محمود جلالی مازندرانی؛ ۳. الرسائل الأربع: ملازمه حکم عقل و حکم شرع؛ التسامح فی أدلة

السنن؛ الاجتهاد فی أدلة السنن؛ قاعدة لا ضرر.

ز: تاریخ

۱. فروغ ابدیت (۲ جلد): تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)؛ این کتاب به عربی، اردو، انگلیسی، ترکی و اسپانیولی ترجمه شده و در سراسر جهان منتشر گردیده است؛ ۲. فروغ ولایت: تجزیه و تحلیل زندگی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ ۳. زندگانی امامان به زبان ساده (به عربی ترجمه شده است)؛ ۴. الأئمة الاثني عشر؛ ۵. تاریخ اسلام.

ج: رجال و درایة الحدیث

آیت‌الله سبحانی همیشه طلابه دار تألیف کتبی است که جای خالی آن میان طلاب حس می‌شود، یکی دیگر آثاری که ناشی از این روحیه پاسخ‌گویی به نیازهای درسی طلاب است کتاب «کلیات فی علم الرجال» است که جزو اولین آثار درسی در حوزه کتاب «اصول الحدیث و أحكامه» در حوزه درایة الحدیث است

۱. بحوث فی الملل و النحل (۷ جلد): جلد ۱: تاریخ عقاید اهل الحدیث، حنابله و سلفیه؛ جلد ۲: تاریخ امام اشعری، شخصیت‌ها و عقاید ایشان؛ جلد ۳: ماتریدیه، مرجئه، جهمیه، کرامیه، ظاهریه، و معتزله؛ جلد ۴: زندگی ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب و عقاید وهابی‌ها؛ جلد ۵: تاریخ خوارج، عقاید و مذاهب آن‌ها؛ جلد ۶: تاریخ تشیع، عقاید و مذاهب آن؛ جلد ۷: تاریخ زیدیه، عقاید و شخصیت‌های آن.

۲. فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی (۴ جلد)؛ ۳. مع الشيعة الإمامية فی عقائدهم؛ ۴. الشيعة فی موكب التاريخ؛ ۵. الشيعة و علم الکلام عبر القرون الأربعة؛ ۶. آئین وهابیت که به اردو ترجمه شده است؛ ۷. الوهابية فی المیزان.

ک: متفرقات و تراجم

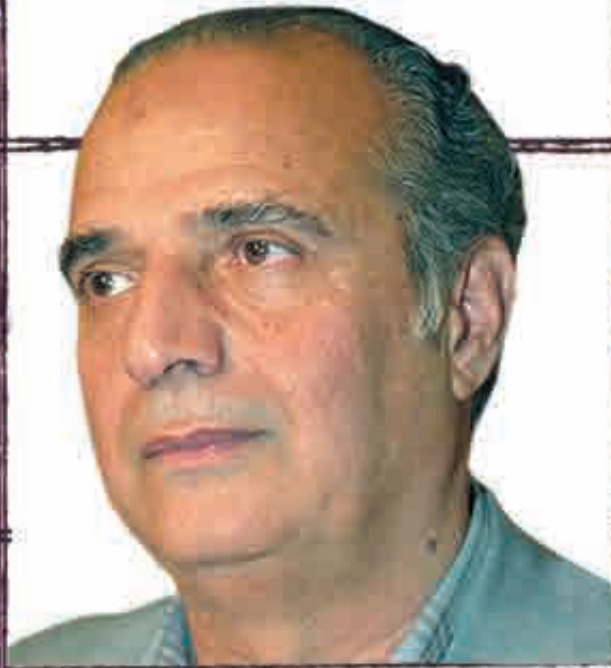
۱. بازگشت به عصر ایمان؛ ۲. رمز پیروزی مردان بزرگ؛ ۳. پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ و در حوزه تراجم: ۱. شخصیت‌های اسلامی شیعه (۲ جلد). با نگارش آقای مهدی پیشوایی که به عربی نیز ترجمه شده است؛ ۲. زندگی بزرگان شیعه که در شماره‌های مختلف مجله مکتب اسلام ثبت شده است.



جامعیت علمی و شخصیت اخلاقی آیت الله العظمی سبغانی

محمود حکیمی:

آیت الله العظمی سبحانی جزو برجسته ترین منتقدان وها بیت است



آیت الله العظمی سبحانی جزو برجسته ترین منتقدان وها بیت هستند و از چهل سال پیش از توطئه شوم استعمارگران و اتحاد آنان با فرقه وها بیت آگاه شدند.

نوشتار روبرو متن کامل خاطرات استاد محمود حکیمی درباره شخصیت آیت الله العظمی سبحانی و نحوه آشنایی و همکاری ایشان با این مرجع عالیقدر در نشریه «مکتب اسلام» است که به قلم خود استاد حکیمی، در اختیار ایکننا قرار گرفته است:

من را جلب کرده بود. استاد سبحانی از سال ۱۳۵۰، گذشته از تفسیرهای قرآنی سلسله مقالاتی تحت عنوان «قضا و قدر» را نیز در مجله می‌نوشت. در آن روزها که من در دفتر مجله کتب اسلام تهران کار می‌کردم به خاطر داشتن زمینه‌های فکری مذهبی در اغلب جلسات دینی که در تهران تشکیل می‌شد شرکت می‌کردم و مخصوصاً از سخنرانی جلسه مرحوم مطهری که در انجمن اسلامی مهندسیین ایراد می‌کرد، بهره فراوان می‌بردم. گاه خود نیز در

هیئت‌های دینی برای نوجوانان سخنرانی می‌کردم در آن سالها در دانشگاه تربیت معلم تهران درس می‌خواندم و پس از پایان درس اساتید به سرعت خود را به دفتر مجله در تهران می‌رساندم.

من هر ماه برای دریافت مقالات مرحوم شهید مطهری با عنوان سیری در نهج البلاغه به دانشکده الهیات واقع در چهارراه سرچشمه تهران می‌رفتم و مقاله شما بعد از ایشان می‌گرفتم و به قم می‌بردم و تحویل هیئت تحریریه می‌دادم. یک بار به مرحوم مطهری گفتم: چطور شده که بیشتر به مسئله قضا و قدر در سخنرانی‌ها می‌پردازید؟ ایشان جواب داد که این مسئله مهمی است و باید بیشتر به آن بپردازیم.

من مقالات استاد سبحانی را با دقت می‌خواندم. به نظر من جالبترین فصل سلسله مقالات ایشان، فصل هشتم این بحث مهم بود که در شماره شهریورماه ۱۳۵۱ مجله مکتب اسلام تحت عنوان «کلید حل معمای سرنوشت» به چاپ رسید.

استاد سبحانی در این مقاله نشان داده است که برداشت نادرست از مسئله «قضا و قدر» به جبرگرایی منجر می‌شود که به راستی مصیبتی بزرگ است و به قول استاد: «... اعتقاد به مسأله قضا و قدر، دلیل برفنی اختیار و آزادی اراده نیست و میان مسأله قضا و قدر و مسأله جبر، هزاران فرسنگ فاصله است (مکتب اسلام، سال ۱۳، شماره ۸، ص ۵۸۷). استاد مطهری هم در کتاب «انسان و سرنوشت» همچون آیت‌الله سبحانی عدم اختیار و آزادی انسان را مورد شمرده بود. در همین احوال، حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی پیشوایی، سردبیر کنونی مجله کتب اسلام، محبت کرد و کتاب «ارزیابی انقلاب حسین (ع)، از دیدگاه جدید» اثر استاد محمدی مهدی شمس‌الدین را که به تازگی به فارسی ترجمه کرده بود به من هدیه داد.

استاد شمس‌الدین «جبرگرایی» را میراث شوم بنی‌امیه معرفی کرده بود و این که معاویه با جعل حدیث و حمایت از پیروان «مذهب مرجئه» تلاش می‌کرد که مردم را از انقلاب برضد حکومت غصبی و غارتگر خود بازدارد؛ زیرا که معاویه تلاش می‌کرد که این اندیشه را هرچه بیشتر به توده‌های عوام تلقین کند که «خداوند روز اول مقدر کرده است که این خاندان (بنی‌امیه) به حکومت برسند، بنابراین اعمال و رفتار آنها جز نتیجه تقدیر حتمی خدا نیست!». از این رو، نفوذ این افکار و عقاید در

از دوران جوانی به کتاب و کتابخانه علاقه فراوان داشتم یک روز در کتابخانه مسجد لرزاده با مجله مکتب اسلام برخورد کردم. آن را از کتابدار به امانت گرفتم به خانه بردم و با شوق فراوان به مطالعه مقالات آن پرداختم. در آن زمان من در چند نشریه مقالات علمی برای کودکان و نوجوانان می‌نوشتم. از مقالات مجله «درسهایی از مکتب اسلام» آنقدر لذت بردم که روز بعد به دفتر آن مجله رفتم و برای یک سال آن را

مشترک شدم و از آن زمان بود که با نام استاد جعفر سبحانی آشنا شدم و تفسیرهای ایشان از قرآن کریم را با دقت فراوان می‌خواندم.

من گذشته از مقالات علمی در دو نشریه ویژه نوجوانان که در آن منتشر می‌شد برای کودکان و نوجوانان داستان دینی می‌نوشتم. داستان‌هایی که با استقبال نوجوانان رو به رو شده بود در آن دوران مرحوم رضا گلسرخی در مجله مورد علاقه‌ام یعنی درس‌هایی از مکتب اسلام، داستان‌های دینی می‌نوشت. خداوند روحش را قرین رحمت کند، مردی فاضل بود و با ایمان بود داستان‌هایش بیشتر تاریخی و راجع به زندگانی ائمه اطهار (ع) و ظلم و ستمی که تحمل کردند، مخصوصاً ظلم و ستم دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس بود.

نامه‌ای به مجله نوشتم و ضمن تشکر از تمام نویسندگان فرهیخته مجله مکتب اسلام، از استاد گلسرخی خواستم که داستان‌ها را به گونه‌ای بنویسد که مخصوصاً نسل جوان را جلب کند چند روز بعد نامه‌ای از سردبیر آن زمان مجله ت مرحوم علی حجتی کرمانی، دریافت کردم. مرحوم حجتی برایم نوشت که آقای رضا گلسرخی از شما تشکر نمود؛ اما می‌گوید که بهتر است خود شما که سوابقی در ترجمه و نگارش داستان دارید به مجله ما بیاوید، با ما همکاری شوید و داستان‌هایی دینی را با شیوه درست داستان نویسی دینی، برای خوانندگان مجله بنویسید.

مرحوم علی حجتی کرمانی در پایان نامه خود با اصرار از من خواسته بود که به جمع نویسندگان مجله مکتب اسلام بپیوندم و من با خوشحالی پذیرفتم و به نگارش داستان‌ها و مقالاتی را در مجله مکتب اسلام، که اکنون به تدریج به پنجاهمین سال انتشار خود نزدیک می‌شود، پرداختم. همکاری من با مجله درس‌هایی از مکتب اسلام از اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۴ آغاز شد برای سالها در آن مجله داستان‌های سوگند مقدس، طاغوت، پیکار سرنوشت و چند داستان از من به چاپ رسید که با استقبال فراوان رو به رو شد و بعداً به صورت کتاب منتشر شدند و کافی است بگویم که داستان سوگند مقدس تا اول انقلاب یازده بار و با تیراژ سیصد و پانزده نسخه به چاپ رسید.

بگذریم قصد نداشتم از خود و آثار خود سخن گویم. همکاری من با مجله مکتب اسلام موجب شد که مقالات این نشریه وزین را با دقت بیشتری بخوانم. در این میان تفسیرهای قرآنی استاد جعفر سبحانی و مقالات شهید مطهری در زمینه نهج‌البلاغه بیش از مقالات دیگر توجه

یافت که حتی بسیاری از کسانی که در جنایت هولناک روز عاشورا شرکت کرده بودند پس از مدتی با خونسردی آن را به تقدیر الهی (!!) نسبت می دادند. استاد سبحانی در مقالات ارزشمند خویش اندیشه های جبرگرایانه را محکوم کرد.

بخش دیگری از زندگانی استاد سبحانی در مبارزه با اندیشه های و هابیان سپری شده است. استاد سبحانی از چهل سال پیش از توطئه شوم استعمارگران و اتحاد آنان با فرقه وهابیت آگاه شد و نیک می دانست که آنان بزرگترین دشمن خود را شیعه اثنی عشری می دانند. استاد سبحانی در مقالاتی که در نشریات می نوشت به مسلمانان، خواه شیعه و خواه سنی، هشدار می داد که وهابیان در بسیاری از کشورهای اسلامی مدارسی تشکیل داده و در آن مدارس به طلبه های جوان اندیشه ها و افکاری که با تعالیم اسلام فرسنگ ها فاصله دارد می آموزند و آنان را با خشونت با همه مسلمانان به ویژه شیعیان تشویق می کنند.

متأسفانه در آن سال ها کمتر کسی به هشدارهای این عالم آگاه توجه می کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی بر خشم وهابیون بر ضد تشیع افزوده شد استاد سبحانی با تالیف کتاب های متعدد نظیر «نقدی بر آیین وهابیت» از بدعت های وهابیان آشکار سخن گفت و به پاسخگویی به وهابیان ادامه داد

متأسفانه در آن سال ها کمتر کسی به هشدارهای این عالم آگاه توجه می کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی بر خشم وهابیون بر ضد تشیع افزوده شد. استاد سبحانی با تالیف کتاب های متعدد نظیر «نقدی بر آیین وهابیت» از بدعت های وهابیان آشکار سخن گفت و به پاسخگویی به وهابیان ادامه داد.

کتاب ارزشمند «نقدی بر آیین وهابیت» در سال ۱۳۶۹ منتشر شد و سال بعد کتاب «آیین وهابیت» منتشر شد. از سال ۱۳۸۰ شمسی تهاجم وهابیان به شیعیان در سراسر جهان موج تازه ای یافت. از استاد سبحانی در سال ۱۳۸۵ کتاب «وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی» منتشر شد.

استاد در پیشگفتار این اثر ارزشمند، از ویژگی های وهابیت به طور خلاصه سخن گفته است که عبارتند از: ۱- دعوت به تجسیم که متأسفانه توحید مورد نظر ابن تیمیه جسمانی بود، خدا را بر عرش می نشاند. این اندیشه بعدها در آثار نویسندگان دیگر وهابی آمد که اندیشه ای بسیار انحرافی و مصیبت بار است. ۲- کاستن از مقامات انبیاء و اولیا الهی و تفکیر مسلمانان. استاد سبحانی در این آثار به خوبی نشان می دهد که اندیشه و افکار ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب تا چه اندازه خطر آفرین است و اکنون که سلفیان بیرحمانه شیعیان را مورد حمله قرار می دهند و حتی از کشتن زوار عتبات عالیات در عراق باکی ندارند، به راستی باید بر پیش بینی های استاد سبحانی و دیگر اساتیدی که بر شناخت سلفیان تأکید می کردند و خود در این زمینه آثار منتشر ساختند آفرین گفت.

استاد سبحانی در مقالاتی که در نشریات می نوشت به مسلمانان، خواه شیعه و خواه سنی، هشدار می داد که وهابیان در بسیاری از کشورهای اسلامی مدارسی تشکیل داده و در آن مدارس به طلبه های جوان اندیشه ها و افکاری که با تعالیم اسلام فرسنگ ها فاصله دارد می آموزند و آنان را با خشونت با همه مسلمانان به ویژه شیعیان تشویق می کنند

استاد سبحانی در دایرة المعارف ارزنده ای که تحت «فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی» منتشر نمود، از نتایج میراث شوم معاویه چنین می گوید: «... ابوهلال عسکری می گوید: نخستین کسی که افعال بندگان را متعلق به اراده الهی قرار داد معاویه بن ابی سفیان بود... ابن المرنضی می نویسد: قول به جبر در زمان معاویه و ملوک بنی مروان رشد کرد و فتنه از همان زمان فزونی یافت ... و محمد بن اسحاق که تقدیر به این معنا را انکار می کرد، از جانب حکومت تازیانه خورد تا به انکار قضا قدر برنخیزد.» (فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، صص ۱۴۵ تا ۱۴۷) اندیشه جبرگرایی و حذف اختیار از انسان، با آن همه احادیث که اطرافیان معاویه جعل کردند پس از او، آنچنان گسترش

ذهن مسلمانان، کاملاً به نفع امویان و حکومت آنها بود. (محمد مهدی شمس الدین، ارزیابی انقلاب حسین (ع) از دیدگاه جدید، ترجمه مهدی پیشوایی، قم، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱، ص ۱۶۵)

در آن دوران با وجود آنکه من سلسله مقالات استاد سبحانی را با دقت می خواندم، اما راستش را بخواهید هنوز به اهمیت و مصیبت های عظیمی که جعل کنندگان حدیث طرفدار معاویه در تأیید جبرگرایی پدید آورده بودند، آن چنان که باید پی نبرده بودم. از سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفتم که کتاب تاریخ تمدن ویژه نوجوانان را در چند جلد منتشر سازم. این بود که شروع به مطالعه کتاب های تاریخی بسیاری درباره تاریخ ایران و تاریخ جهان نمودم. یادداشت برداری ها شروع شد و با دقت بسیار تاریخ تمدن پای گوناگون را گام به گام جلو می بردم و به تدریج به اهمیت پژوهش بزرگانی چون استاد سبحانی و استاد مطهری پی بردم.

برداشت نادرست جبرگرایان از مسئله «قضا و قدر» نتایج بسیار مصیبت بار در تاریخ کشورهای اسلامی پدید آورد. در دورانی که مغولان، و حشبان به ایران زمین تهاجم کردند، بسیاری از مردم شهرهایی که در آنها اکثریت با پیروان مکتب خلفا (اهل سنت) بود، به جای مقاومت، می گریختند؛ زیرا که آن تهاجم هولناک را «قضا و قدر الهی» می دانستند. تاریخ نشان می دهد که تنها پیروان مکتب اهل بیت (ع) یعنی شیعیان، دلیرانه با تجاوزگران پیکار می کردند. در قیام دلیرانه «سربداران» بر ضد اشغالگران مغولی، این شیعیان بودند که با پیروی از امام علی (ع) و امام حسین (ع) به پیکار با ظلم و ستم برخاستند. شگفت اینکه تاریخ نگارانی چون عطا الملک جوینی در «تاریخ جهانگشا» و رشید الدین فضل الله در «جوامع القدرایخ»، سخت تأثیر فرهنگ جبرگرایی، که بدون تردید میراث شوم فرهنگی بنی امیه بود؛ تهاجم مغولان را نتیجه قضا و قدر الهی دانسته اند.

استاد سبحانی در دایرة المعارف ارزنده ای که تحت «فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی» منتشر نمود، از نتایج میراث شوم معاویه چنین می گوید: «... ابوهلال عسکری می گوید: نخستین کسی که افعال بندگان را متعلق به اراده الهی قرار داد معاویه بن ابی سفیان بود... ابن المرنضی می نویسد: قول به جبر در زمان معاویه و ملوک بنی مروان رشد کرد و فتنه از همان زمان فزونی یافت ... و محمد بن اسحاق که تقدیر به این معنا را انکار می کرد، از جانب حکومت تازیانه خورد تا به انکار قضا قدر برنخیزد.» (فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، صص ۱۴۵ تا ۱۴۷) اندیشه جبرگرایی و حذف اختیار از انسان، با آن همه احادیث که اطرافیان معاویه جعل کردند پس از او، آنچنان گسترش

استاد سبحانی در دایرة المعارف ارزنده ای که تحت «فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی» منتشر نمود، از نتایج میراث شوم معاویه چنین می گوید: «... ابوهلال عسکری می گوید: نخستین کسی که افعال بندگان را متعلق به اراده الهی قرار داد معاویه بن ابی سفیان بود... ابن المرنضی می نویسد: قول به جبر در زمان معاویه و ملوک بنی مروان رشد کرد و فتنه از همان زمان فزونی یافت ... و محمد بن اسحاق که تقدیر به این معنا را انکار می کرد، از جانب حکومت تازیانه خورد تا به انکار قضا قدر برنخیزد.» (فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، صص ۱۴۵ تا ۱۴۷) اندیشه جبرگرایی و حذف اختیار از انسان، با آن همه احادیث که اطرافیان معاویه جعل کردند پس از او، آنچنان گسترش

غلامرضا فیاضی:
آیت الله العظمی
سبحانی
بیشترین تأثیر را از
امام خمینی (ره)
پذیرفته اند

سبحانی افزود: در هر حقیقت سعی استاد سبحانی در این است که اموری که بر عهده ایشان است را انجام دهند و کار ندارند به اینکه این کار از عهده شاگردانشان هم بر می آید. همین که متوجه شوند شبهه‌ای روی زمین مانده و کسی پاسخ نداده است، سریع این کار را انجام می دهند ولو اینکه این پاسخ‌گویی در شأن ایشان نباشد، فی الواقع آیت الله سبحانی خود را در مقابل حضرت ولی عصر (عج) و خداوند متعال مسئول می دانند.

این استاد فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم در مورد رابطه آیت الله العظمی سبحانی با شاگردانشان خاطر نشان کرد: خودمانی بودن آیت الله سبحانی با شاگردانشان و اینکه به راحتی می توان با ایشان رابطه برقرار کرد، رفتاری است که ایشان را از دیگر اساتید متمایز می کند، ایشان مثل برادر با شاگردان خود برخورد می کنند و پیرو الگوی خود پیامبر (ص) هستند؛ یعنی که بسیار خاکی هستند به نحوی که کسی بین ایشان و دیگری فرقی نمی بیند.

فیاضی در پایان گفت و گوی خود در پاسخ به این سؤال که چه کتابی از میان آثار استاد سبحانی برای شما جذاب است؟، اظهار کرد: برای من کتاب «تهذیب الاصول» ایشان که تقریر درس های اصول امام خمینی (ره) است، که بخشی از آن مربوط به «طلب و اراده» است و بحثی فلسفی است، برای من جذابیت داشته و دارد و به نظر بنده ایشان از میان اساتیدشان از امام خمینی (ره) بیشترین تأثیر را پذیرفته اند.

حجت الاسلام و المسلمین «غلامرضا فیاضی»، استاد فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در مورد شخصیت علمی آیت الله العظمی سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق گفت: بنده در درس «کفایة الاصول» آیت الله العظمی سبحانی شرکت می کردم و به علت اینکه بسیار دقیق مطالب را تقریر و از عبارت هم مطالب را به طور دقیق استخراج می کردند و ادبیات عربشان بسیار دقیق بود، بنده شیفته ایشان شدم و البته اینکه حضرت استاد تعهد بسیار بالایی به احکام دینی دارند به نحوی که واجب و مستحب را به نحو دقیق سعی می کنند رعایت کنند، مزید بر علت شد.

وی در مورد مهم ترین رفتار اخلاقی ایشان اظهار کرد: تربیت شاگرد، در شیوه تربیتی آیت الله العظمی سبحانی یک اصل است، چرا که سعی شان بر این است که شاگرد را به صورت یک محقق قوی تربیت کنند، فلذا شیوه تدریس ایشان بدین گونه است که در کلاس مطالب را از شاگردان می پرسند و خواستار جواب دقیق هم هستند و برای تشویق شاگردان برای پاسخ بهتر جایزه تعیین می کنند و احساس کنند کسانی دارای استعداد پیشرفت در تحقیق علوم اسلامی هستند، حتی در بیرون از درس هم آنان را تشویق و مورد توجه قرار می دهند.

فیاضی در مورد روحیه پاسخ‌گویی به شبهات آیت الله العظمی



زمانی قمشهای:

آیت الله العظمی سبحانی

سنگردار دفاع از تشیع است



مطالب را، چه از لحاظ قلمی و چه از لحاظ بیانی، بسیار خوب بیان می‌کنند و مسائل را چه فلسفی باشد و چه فقهی و اصولی بسیار زیبا و ساده بیان می‌کنند، به گونه‌ای که بلندترین و مشکل‌ترین مطلب را با الفاظی مناسب ارائه می‌دهند.

وی در ادامه به عنوان نمونه، از تقریر زیبای آیت الله سبحانی در باب مبحث اراده اشاره کرد و گفت: آیت الله سبحانی در مبحث اراده دارای تقریر بسیار زیبایی است. اراده در فلسفه، کلام، اصول و عرفان بحث می‌شود و یکی از مباحث سنگین است و از زمانی که اندیشمندان مسلمان در آن وارد شده‌اند، بحث چالش برانگیزی ایجاد شده است. بزرگانی مثل شیخ مفید و استادشان مرحوم محمدبن علی بن بابویه قمی، میرداماد، ملاصدرا، آخوند خراسانی، مرحوم محقق اصفهانی، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی دارای نظرات خاصی هستند و آیت الله سبحانی نیز دارای تقریر متفاوتی هستند چرا که ایشان تمام نظرات را نقد و بررسی کرده‌اند.

وی در مورد نظر آخوند خراسانی در مورد مبحث «اراده» اظهار کرد: مرحوم آخوند خراسانی وقتی بحث را مطرح می‌کند، می‌گوید «قلم این جا برسد و سر بشکست»، ولی آیت الله سبحانی بسیار زیبا نظرات بزرگانی چون آخوند و اساتیدشان را بررسی و نقد و در نهایت نظریه خود را بیان کرده‌اند. از الطاف خداوند به ایشان تلمذ نزد استادان خوب و قوی بوده است، مثل امام خمینی (ره) در اصول و علامه طباطبایی در فلسفه و آیت الله بروجرودی در فقه که در مورد مبحث طلب و اراده از مباحثی که آخوند خراسانی مطرح کرده‌اند، جلوتر رفته‌اند.

زمانی قمشهای در باب تبیین نظریه اراده گفت: در مبحث اراده دو دسته نظریه وجود دارد: یک دسته اراده را جزو صفات ذات می‌دانند، مثل علم و قدرت و عده‌ای دیگر اراده را جزو صفات افعال می‌دانند و علامه طباطبایی و مرحوم محقق اصفهانی در این جا این نظر را برگزیده‌اند. ایشان دارای زمینه‌قابلی مفیدی در دریافت مطالب هستند، و این زمینه‌قابلی، علت پیشرفت ایشان بوده است، به عبارت دیگر این‌گونه نیست که تمام افرادی که در درس یک استاد مطرح شرکت می‌کنند بتوانند به نحو یکسانی مطلب را از استاد دریافت کنند که آیت الله سبحانی به حق دارای نبوغ فوق العاده‌ای در دریافت مطالب از استاد بوده‌اند.

آیت الله العظمی سبحانی در عقاید شیعی سنگرداری می‌کنند و واقعا حافظ عقاید شیعه در جهان اسلام هستند، لذا اگر به حریم شیعه در مجله‌ای در خارج از ایران بی‌انصافی و بی‌احترامی شود، غیر ممکن است که ایشان بسرعت جوابیه‌ای را بنویسند.

حجت السلام و المسلمین «علی زمانی قمشهای»، پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)، در مورد شخصیت علمی و پژوهشی آیت الله العظمی سبحانی ضمن بیان مطلب فوق گفت: آشنایی بنده با حضرت آیت الله سبحانی قریب به ۳۰ سال است و این آشنایی از زمانی آغاز می‌شود که کتابخانه تخصصی ایشان تأسیس شد. از آن جایی که این کتابخانه برای محققین کلام و علوم اسلامی بسیار مفید است، برای تحقیق و پژوهش بنده جذب این کتابخانه شدم و به خاطر رفت و آمد بنده به این کتابخانه، آشنایی بنده با آیت الله سبحانی به تدریج بیشتر شد، تا حدی که ایشان بنده را ترغیب به نوشتن مقاله در مجله مکتب اسلام کردند.

زمانی قمشهای در مورد تداوم ارتباط خود با آیت الله سبحانی اظهار کرد: با بیشتر شدن ارتباط میان بنده با آیت الله سبحانی، ایشان جواب به استفتائات در مورد فلکیات و حکم نماز خواندن در کره‌های دیگر و حتی نقاط قطب زمین را به بنده سپردند.

او که جزو محققینی است که گرچه در درس آیت الله العظمی سبحانی حاضر نشده است، ولی با افکار ایشان آشنایی زیادی دارد، گفت: آشنایی بنده با افکار ایشان آغاز شد؛ یعنی از طریق کتاب‌ها و تحقیقات با ایشان آشنا شدم و هیچ‌گاه در درس‌های ایشان شرکت نکرده‌ام، ولی افکارشان را خوب بررسی کرده‌ام.

وی در مورد ویژگی‌های آثار استاد سبحانی خاطر نشان کرد: آثار ایشان حاکی یک نبوغ فوق العاده است، تألیفات ایشان از دوران جوانی نشان دهنده نبوغ بالاست و گویا خداوند نظر ویژه‌ای از ابتدا به ایشان داشته است و نشان این عنایت ویژه خداوند، پرورش و تعالی ایشان در میان بزرگان است. ویژگی دیگر آیت الله سبحانی خوش فہمی ایشان است، چرا که درکشان نسبت به مطالب بسیار دقیق است و خوش بیانی و خوش تقریری ویژگی علمی دیگر ایشان است. استاد سبحانی

عمل انسان، نمودار فکر انسان است. آیت‌الله سبحانی در زمان آیت‌الله بروجردی جزو افرادی بودند که سیستم و نظام درسی را مورد توجه قرار داده بودند و به تعبیر دیگر «نظم ما را در بی‌نظمی قبول نداشتند»، الان هم ایشان یکی از منظم‌ترین دانشمندان معاصر است. دیده نشده است که ایشان در مراسمی که سخنرانی دارند، تأخیر داشته باشند و این نظم فکری در یک جایی بروز می‌کند و بعد از انقلاب اسلامی، زمینه ظهور این نظم در سیستم آموزشی حوزه علمیه فراهم شد و با توجه به عنایتی که استادشان؛ امام خمینی (ره) به ایشان داشته‌اند و در بعضی از ملاقات‌ها پشتیبان فکری ایشان بودند، آیت‌الله سبحانی مؤسسه امام صادق (ع) را تأسیس کردند.

وی افزود: هم‌اکنون مؤسسه امام صادق (ع) دارای ۳ کتابخانه است: اول، کتابخانه تخصصی کلام؛ دوم، کتابخانه عمومی مخصوص خواهران و برادران دانشجویه صورت مجزا و سوم، کتابخانه‌ای که مخصوص محققین است که یک کتابخانه باز است و حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار کتاب در اختیار دارد. کتابخانه تخصصی آیت‌الله سبحانی، کتابخانه‌ای موضوعی است و لذا بر عکس کتابخانه عمومی بسیار کارآمد است و افرادی که اهل تحقیق و پژوهش هستند این کتابخانه برای ایشان مفید و سازنده است. این کتابخانه از برکات آیت‌الله سبحانی و ناشی از افکار ایشان است؛ لذا مؤسسه امام صادق (ع) غیر از اینکه در بعد آموزشی در سطح فوق لیسانس و دکتری تدریس دارد؛ کتابخانه‌ای غنی هم دارد و به لحاظ ارزش کمتر از بعد آموزشی نیست، چرا که رساندن کتاب به محقق برای تألیف مقاله کمتر از آموزش نیست.

این مدرس مؤسسه امام صادق (ع) افزود: البته رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و هزینه‌هایی که ایشان برای توسعه مؤسسه متقبل شدند، برای پیشرفت تشکیلات مؤثر بود، ولی فکر آیت‌الله سبحانی در اداره مؤسسه تأثیرگذاری خاص خود را داشته است، چرا که ایشان این‌گونه نبودند که ساختمانی را بسازند و دیگر به فکر اداره آن نباشند، بلکه در تمام امور احاطه و مدیریت دارند، مثلاً ایشان غیر ممکن است روزی به این کتابخانه سر نزنند. گاهی خود ایشان در مخزن کتابخانه حاضر می‌شوند و پی‌گیر کتاب‌هایی می‌شوند که در مخزن نیست.

این مدرس حوزه علمیه قم اظهار کرد: از ویژگی‌های آیت‌الله العظمی سبحانی ارتباط محبت‌آمیز با محققین است و دیگر ویژگی ایشان، تعامل فکری با افراد محقق است؛ یعنی این‌گونه نیست که ایشان فکری و نظری داشته باشند و از دیگران نظر خواهی نکنند. چه بسا افرادی سخن ایشان را نقد می‌کنند و ایشان دوباره همین کلام نقد شده را نقد می‌کنند؛ یعنی با دید خیلی باز با دیگران مبادله فکری می‌کنند، در حالی که خیلی از افراد هستند که اصلاً اجازه نمی‌دهند درباره ایشان نقدی صورت بگیرد و نقد را با بدترین حالت پاسخ می‌دهند، اما ایشان این‌گونه نیستند و نقدها را برمی‌تابند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: بارها شده که آیت‌الله سبحانی مسئله‌ای را مطرح می‌کنند و نظر بنده را در مورد آن مسئله می‌خواهند و گاهی هم می‌گویند نقدهای خود را بنویس و منقح کن، فی‌الواقع ایشان به قدری بزرگوار هستند که برای بیان مسئله و نظریه خود، از دیگران نظر خواهی می‌کنند. من کمتر دانشمندی را دیده‌ام که اخلاق پژوهشی‌ای مانند استاد داشته باشند، اگر کسی به آیت‌الله سبحانی نقد کند ایشان خوب حرفش را می‌شنود که این تعامل فکری یکی از ویژگی‌های مثبت اخلاق پژوهشی ایشان است که در کمتر کسی مشاهده می‌شود.

زمانی قمشه‌ای تأکید کرد: آیت‌الله سبحانی به قدری مقرر و مبین خوبی بوده‌اند که علامه طباطبایی ترجمه اصول فلسفه را به ایشان سپرد و این نشان از این دارد که ایشان هم خوب مطلب را فهمیده است و هم خوب می‌تواند مطالبی را که فهمیده، به دیگران انتقال دهد. افزون بر این، آیت‌الله سبحانی در عقاید شیعی سنگرداری می‌کنند؛ یعنی واقعا سنگرداری را خوب حفظ می‌کنند، لذا اگر به حریم شیعه در مجله‌ای در خارج از ایران بی‌انصافی و بی‌احترامی شود، ایشان غیر ممکن است که جوابی‌ای را به سرعت ننویسند.

وی خاطر نشان کرد: اگر کسی یا گروهی علیه معتقدات شیعه دست به قلم ببرد، ایشان از نفرات اولی هستند که در حوزه‌های علمیه جواب می‌دهند و در جوابیه دادن خیلی با انصاف و معتدل و آبرومند هستند و قلمشان قلمی محترمانه است. آیت‌الله العظمی سبحانی و افرادی نظیر ایشان که دارای آثار و تألیفات بسیار هستند، این تألیفات جز در سایه سخت‌کوشی‌شان بدست نیامده است، این‌گونه نیست که فقط با صرف تکیه بر بعد معنوی، انسان‌ها بتوانند آثار شکوهمندی را از خود به یادگار بگذارند، بلکه بعد معنوی در پیچه‌ای برای پیشرفت و آماده‌سازی افراد است و وقتی شخصی بخواهد یک انسان پایدار باشد، پایدار بودنش علاوه بر بعد معنوی، به تلاش و کوشش هم بستگی دارد.

وی افزود: علامه حلی که اسمش بیش از ۶ قرن در حوزه‌ها مانده است به خاطر تلاش و کوشش‌هایی است که در عرصه تحقیقات علوم اسلامی داشته است، گرچه ایشان ابعاد فقهی‌شان بر دیگر ابعادشان چربیده است، ولی داری تألیفات فلسفی هم هستند که نشان از فیلسوف بودن این شخصیت عظیم دارد؛ ایشان ۳ دوره بر اشارات و التنبیهات و ۲ دوره بر شفای ابن سینا شرح نوشته است و کتاب کشف‌المرادش کتابی منحصر به فرد است که بخش الهیات بالمعنی الاعم آن تقریباً تلخیص اشارات ابن سیناست و این در نتیجه تلاش او بدست آمده است. اشخاصی که دارای این آثار مهم هستند، آثارشان تنها ناشی از ابعاد معنوی‌شان نیست، بلکه جهد و کوشش از علل مهم موفقیت‌شان است، چنان‌چه در حدیث آمده است: «لیس الانسان الا ماسعی» و تلاش و کوشش فرد محقق است که او را به جایی می‌رساند.

وی آیت‌الله العظمی سبحانی را نمونه این افراد سخت‌کوش دانست و در این مورد به ذکر خاطره‌ای پرداخت و گفت: در سفری که برای کنگره میزبان جلوه‌ها در زادگاهشان با آیت‌الله سبحانی همراه بودم، بعد از رسیدن به مکان استراحت، بعد از مدت زمان کمی از استراحت، ایشان از حوالی ساعت ۲ بامداد بیدار شدند و تا صبح مشغول نوشتن کتاب بودند و این نشان از فعالیت زیاد آیت‌الله سبحانی در عرصه‌های علمی است.

این محقق علوم انسانی خاطر نشان کرد: آیت‌الله سبحانی توانایی انتقال معارف از طریق ۳ زبان فارسی، عربی و ترکی دارند و سعی می‌کنند در مجامع علمی جهان اسلام به زبان عربی سخنرانی کنند. ایشان زمانی در کنگره بین‌المللی «اسلام‌شناسی» که در ترکیه برگزار شد، به زبان ترکی سخنرانی کردند که شرکت‌کنندگان به قدری خوشحال شدند که تا مدتی استاد را تشویق می‌کردند، چرا که اسلام‌شناسی را دیده بودند که به زبان ترکی برای آن‌ها سخنرانی می‌کرد. قلم عربی ایشان نیز بسیار قوی است و مطالبی که می‌نویسند، همگی دست‌بندی شده است و این نظم کاری ایشان در نویسندگی و تقریرهای ایشان مشهود است.

زمانی قمشه‌ای در مورد ابتکارهای استاد سبحانی در شیوه تدریس گفت:

حجت الاسلام مقیسی: آیت الله العظمی سبحانی پاسخ دهنده ای قوی به شبهات التقاطیون است

پاسخ‌گویی به شبهات و القانات شیطانی اوایل انقلاب گروه‌های منحرف و التقاطی یکی از کارهای بسیار مهم آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی است.

برای آشنایی بیشتر با شخصیت علمی آیت‌الله العظمی سبحانی، گفت‌وگویی را با حجت‌الاسلام و المسلمین «رجبعلی مقیسی»؛ مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم و راهنمای خارج فقه و اصول در قم، انجام دادیم که حاصل این تلاش متن ذیل است.

ایکنا: نظر شما در مورد شخصیت آیت‌الله العظمی سبحانی چیست؟

شخصیت کم‌نظیر آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ جعفر سبحانی روشن‌تر و در عین حال رفیع‌تر از آن است که من در رابطه با ایشان نکته و کلمه‌ای بیان کنم. ایشان از قدیم‌الایام از زمانی که ما وارد حوزه علمیه قم شده‌ایم، جزو شخصیت‌های پرشور و پرتلاش و نویسندگان بارز و برجسته و متفکران بنام حوزه علمیه قم بودند. ضمن این‌که برنامه‌های معمول و مرسوم حوزه را به نحو احسن در زمانی که ما بودیم، در سطح تدریس خارج فقه و اصول به عنوان یکی از مدرسان عالی ادامه می‌دادند، در کنار آن به تحقیق و جست‌وجو پیرامون مسائل متنوع و متعدد مورد نیاز اسلامی تلاش بی‌نظیری داشتند. در مجله «مکتب اسلام» در آن زمان جزو میدان‌داران قلم، تحقیق و پژوهش بودند و در همان زمان احساس نیاز کرده بودند که یک دوره تاریخ مستدل از سیره حضرت پیامبر اکرم (ص) بنویسند که این کار عملی شد و کتاب «فروغ ابدیت» که هنوز هم کتابی است که به زبان فارسی و شاید بتوان گفت به زبان عربی یک دوره سیره مستدل و برهانی از زندگانی حضرت پیامبر اکرم (ص) است، توسط ایشان رقم خورد و به منصفه ظهور رسید.

آیت الله العظمی سبحانی مقید به حرکت در خط مستقیم و حق محوری است

این مدرس حوزه علمیه قم در مورد روش آیت‌الله سبحانی در تفسیر تصریح کرد: روش آیت‌الله سبحانی بیشتر کلامی است و بحث کلام را پیش‌رو دارد و با توجه به بحث‌های کلامی و اعتقاداتی که شیعه دارند وارد بحث‌های تفسیری می‌شود و نکاتی را از قرآن بیرون می‌کشد. ممکن است کسی به ظاهر الفاظ تمسک کند و توجه نداشته باشد ما چه اعتقادات و پشتوانه‌ای در درون داریم، ولی ایشان به اعتقادات و پشتوانه‌ای که در بحث‌های کلامی و فلسفی وجود دارد توجه دارند و با توجه به بحث‌های کلامی و فلسفی و شرایط جامعه و امثال این‌ها وارد قرآن می‌شود و مطالبی را از خارج می‌کند.

وی در پاسخ به این سؤال که چه شاخصه‌ای ایشان را از دیگر مفسران جدا می‌کند؟، گفت: تمام ویژگی‌هایی کلی که در مورد شخصیت ایشان گفتم مانند اخلاص و پرکار بودن و ... در تمام تفاسیرشان وجود دارد، شخصی را می‌بینید که خودش را بزرگ می‌کند و خود بزرگ‌بین است، این باعث می‌شود که کارش زیر سؤال برود، اما کسی که مانند آیت‌الله سبحانی با اخلاص و پاکی کار می‌کند کم‌جا می‌افتد و این بیان و نوشتار ساده‌وی در جافتادن مطالب‌شان مؤثر است.

عابدینی در پایان در مورد اساتید آیت‌الله سبحانی خاطرنشان کرد: نوشتن کتاب «تهذیب اصول» که تقریر درس امام خمینی (ره) است نشان می‌دهد وی حتما در درس امام خمینی (ره) شرکت کرده و احتمالاً در درس آیت‌الله بروجردی نیز حضور داشته است.

آیت‌الله العظمی سبحانی مقید است که بر خط مستقیم حرکت کند؛ یعنی این خط‌های راستی و چپی که امروز وجود دارد، وی تمایلی به هیچ کدام ندارد و می‌خواهد حق محور باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین «احمد عابدینی»، مدرس حوزه علمیه اصفهان و نویسنده کتاب «تفسیر ترتیبی قرآن»، در مورد ویژگی‌های شخصیت علمی آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی گفت: از ویژگی‌های آیت‌الله سبحانی پرکار بودن و اخلاص در کارهایشان را می‌توان نام برد. وی از صبح تا شب را به کار مشغول است، متواضع، کم‌مصرف از امکانات دولتی و خیلی مقید است که بر خط مستقیم حرکت کند؛ یعنی این خط‌هایی که امروز وجود دارد راستی و چپی ایشان تمایلی به هیچ کدام ندارد و می‌خواهد حق محور باشد. این یکی از ویژگی‌هایی است که کمیاب است و امروز باید به دنبال این ویژگی گشت.

وی افزود: نویسنده کتاب «تفسیر ترتیبی قرآن» در مورد سه ویژگی مهم در آیت‌الله سبحانی اظهار کرد: کم مصرف بودن، پرکار بودن و در خط مستقیم حرکت کردن سه محوری است که در وی مشهود است و به چشم می‌خورد. من از همان اول که درس و جلسات ایشان شرکت می‌کردم این سه محور را در ایشان می‌دیدم. به نظر من آیت‌الله سبحانی بی‌مهابا وارد کار می‌شود و کار می‌کند، البته کار هر کسی دچار عیب و نقصی است، وی هم دارای نقایصی در کارهایشان هستند، اما به نظر من ایشان جزء کم‌نقص‌ترین هستند.



و پرژرف و قابل استفاده این دانشمند پژوهشگر که براساس مبانی و مبادی بسیار محکم فراهم شده، اگر آن متن به زبان‌های مختلف ترجمه شود این عیب نیست. ولیکن استاد از آن جا که وسواس علمی دارند و اهل دقت و احتیاط هستند، از افاضه و افاده هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی از رساندن فایده به مخاطب و پژوهشگر خودداری و مذايقه نکرده‌اند. بی‌گمان اضافاتی هم در منشور جاوید نسبت به مفاهیم القرآن هست، هر چند اگر برگردانیده باشد، این عیبی نیست، بلکه نهایت غریزه خدمت‌رسانی و آن فطرت افاضه و فایده‌رسانی ایشان را می‌رساند.

ایکنا: کدام جنبه از شخصیت علمی آیت‌الله سبحانی (فلسفه، کلام، فقه و حدیث) بر دیگر وجوه آن غالب است؟
الحمدلله گرچه من از نظر درسی تنها در درس‌های مربوط به درایه ایشان شرکت کرده‌ام، اما در محافل بحثی ایشان هم که در مرکز علمی ایشان در قم وجود دارد، شرکت داشته‌ام. الحمدلله در زمینه‌های مختلف تخصص دارند و هم در بعد فقاقت، فقیه‌ی ممتاز و برجسته هستند و نساب لازم را برای فقاقت دارند و شرایط لازم و کافی را برای مرجعیت و هم در زمینه کلام و تفسیر، آن چه باید یک مفسر و یک متکلم دارای آن باشد آن را نیز دارند. دانشمندی متضلع، جامع‌الاطراف و ذوالفنون که در فنی از فنونی که آن‌ها را تحصیل و تحقیق کرده‌اند، نساب لازم و کافی را دارند.

در کنار این کار باز کارهای بسیار برجسته و کم‌نظیری انجام دادند، از قبیل پاسخ‌گویی به شبهات و القائات شیطنی آن زمان؛ یعنی گروه‌های منحرف و التقاطی یکی از کارهای بسیار مهم ایشان بود. در آن زمان گروه‌های منتقد و التقاطی که با تفکر انحرافی خودشان افکار و عقاید اسلامی و قرآنی ما را مورد حمله قرار داده بودند و در زمینه‌های متعددی کتاب، حرف و مقاله داشتند، ایشان در آن زمان متصدی این قسمت هم بودند؛ یعنی در مقابل جریان مهاجم التقاطی هجوم فرهنگی التقاطیون باز میدان‌دار بودند و هم چون سد محکمی در مقابل سیل مهاجم التقاط و نفاق در آن زمان و تاکنون فعالیت داشتند و هنوز هم الحمدلله دارند.

ایکنا: شما به عنوان شاگرد ایشان چه نظری در مورد رفتار علمی و برخورد ایشان با طلبه‌ها دارید؟

بنده مقداری «درایه» نزد ایشان خواندم. ایشان در حوزه علمیه قم احساس کرده بودند که طلبه‌هایی که فقه و اصول را به اصطلاح موضوع کار خود قرار می‌دهند، این‌ها نیازمند به این هستند که یک دوره فشرده از منابع درایی که مربوط است به مقوله حدیث و حدیث پژوهی آموزش ببینند. کتابی است منسوب به شهید ثانی به نام «درایه» که این کتاب کم‌حجم، ولی پرمتناهیست و متنی نسبتاً مشکل دارد. آیت‌الله سبحانی با این‌که یکی از مدرسان بسیار عالی درس خارج بودند، تواضع فرمودند و این کتاب را در سطح طلبه‌ها در مدرسه آیت‌الله گلپایگانی شروع کردند و هفته‌ای دو یا یک جلسه این کار توسط ایشان انجام می‌گرفت. خلق و سیره درسی ایشان این بود و هست که همیشه سعی می‌فرماید که در کلاس درس رابطه‌ی فعالی با مخاطب برقرار کنند. این‌گونه نیست که به صورت متکلم و حده از اول بسم‌الله تا آخر تمت کلام و آخر کلاس درس خودشان به تنهایی سخن بگویند. اگر شاگردان هم انگیزه سؤال کردن نداشته باشند، حضرت استاد با ایجاد زمینه‌هایی و با طرح سؤالاتی طلبه‌ها را وادار به فعالیت، دقیق شدن و سؤال کردن می‌کردند تا فضای کلاس فضای فعال و پرنشاط باشد تا بتوانند بهتر استفاضه کنند.

ایکنا: در مورد دو کتاب تفسیری ایشان با نام‌های «منشور جاوید» و «مفاهیم القرآن» چه نظری دارید؟

تفسیر «منشور جاوید» ایشان را هر چند به شکل کامل مطالعه نکردم، ولی موضوعات عدیده‌ای از این تفسیر را مطالعه کرده‌ام. تفسیری است موضوعی با قلمی بسیار روان، هم به زبان عربی و هم به زبان فارسی. در این تفسیر ایشان پاسخ به نیاز تفسیری نسل جوان را عهده‌دار شدند. این تفسیر، تفسیری به روز است و در عین پختگی و استحکام، متنی ساده، سهل‌الوصول و همه‌فهم دارد.

ایکنا: برخی معتقدند «مفاهیم القرآن» ترجمه «منشور جاوید» است، آیا به نظر شما این‌گونه است؟
البته اگر ترجمه هم باشد، عیبی نیست؛ زیرا تحقیقات عمیق، عنیق

یکی از ویژگی‌های بارز آیت الله العظمی سبحانی این است که از نظر علمی فرد جامعی است؛ یعنی در علوم مختلف متخصص است.



حجت الاسلام و المسلمین «مصطفی کریمی»، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره) و نویسنده کتاب‌های «قرآن و قلمروشناسی دین» و «وحی‌شناسی» در مورد شخصیت آیت الله العظمی جعفر سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق، گفت: آیت الله سبحانی یکی از اساتید برجسته حوزه علمیه قم است که به تازگی به عنوان مرجع تقلید هم مطرح شده که مقلدان وی رساله‌شان را تهیه و به آن عمل می‌کنند. یکی از ویژگی‌های بارز استاد سبحانی این است که از نظر علمی فرد جامعی است؛ یعنی در علوم مختلف متخصص است.

ایشان شاید بیش از ۱۰۰ کتاب در زمینه‌های مختلف نوشته است، در حوزه تاریخ؛ «فروغ ولایت»، «فروغ ابدیت»، در حوزه فلسفه؛ «هستی‌شناسی»، در اصول فقه و رجال و دیگر زمینه‌ها نیز کتاب‌های متعددی نوشته است. کلاس استاد سبحانی که من بیشتر در آن شرکت کردم، کلاس اصول فقه ایشان بود. ویژگی بحث اصولی ایشان این بود که براساس کتابی که از درس خارج اصول امام خمینی (ره) با نام «تهذیب الاصول» تقریر کرده بود، بحث خود را مطرح و تحلیل می‌کرد.

کریمی در مورد خصوصیات کلاس درس استاد سبحانی یادآور شد: از جمله خصوصیات درس ایشان که خودش هم مکرر می‌گفت، این بود که در درس اصول سعی می‌کرد مباحث را با دسته‌بندی صحیح و خیلی آسان و به صورت روشن بیان کند که شنونده به راحتی بتواند مطالب را بگیرد. یکی از زمینه‌های دیگری که آیت الله سبحانی در آن تألیفات متعددی دارد مسائل قرآنی است که دو تألیف آن خیلی نمود دارد: یکی «منشور جاوید» و دیگری «مفاهیم القرآن».

وی در پاسخ به این سؤال که آیا منشور جاوید که فارسی و مفاهیم القرآن که عربی است، برگرفته از یکدیگر هستند؟، گفت: به نظر من جواب این سؤال منفی است. مفاهیم القرآن که ۱۰ جلد آن چاپ شده در مباحث گوناگون به زبان عربی نوشته شده است، اما کتاب منشور جاوید در ۱۴ جلد به زبان فارسی نوشته شده است. موضوعاتی که مفاهیم القرآن و منشور جاوید دارد، نشان می‌دهد که این دو اثر برگرفته از هم نیستند؛ یعنی این جور نیست که بگوییم منشور جاوید ترجمه مفاهیم القرآن است.

وی خاطرنشان کرد: جلد اول مفاهیم القرآن در مورد توحید، عالم زر و فطرت بحث می‌کند، اما جلد اول منشور جاوید از ۲۴ اصل مانند یکتاپرستی، نیکی به والدین و ... سخن می‌گوید و این نشان می‌دهد که این دو اثر برگرفته از هم نیستند.

حجت الاسلام کریمی در پاسخ به این سؤال که استاد سبحانی



عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره):

آیت الله العظمی سبحانی جامع و متخصص در علوم مختلف است

کرده‌اند آن مباحثی که در جامعه نیاز است چه جامعه علمی و چه انسانی پاسخ آن را به نحوی از قرآن کریم خارج کند. آیت‌الله سبحانی اولین کسی است که در زبان فارسی به این کار اقدام کرده است. منشور جاوید اولین کتاب تفسیر موضوعی به زبان فارسی است و نکته دیگر که خودشان هم یک بار اشاره فرمودند و نوشته‌های دیگرشان هم این صبغه و رنگ و بورا دارد، این است که خیلی روان می‌نویسد؛ یعنی به نحوی است که هم متخصصین از آن به عنوان منبع تحقیقی استفاده می‌کنند و هم دانشجویان و طلبه‌ها و هم عموم مردم می‌توانند به نحوی استفاده کنند.

نویسنده کتاب «قرآن و قلمروشناسی دین» اظهار کرد: امروزه تفسیر موضوعی ضرورت خود را بیشتر نشان می‌دهد، به این دلیل که رویکرد و استقبال به قرآن به عنوان کتاب آسمانی بیشتر شده، خصوصاً بعد از انقلاب؛ چرا که انقلاب ما براساس دین اسلام بود و منبع اصلی دین اسلام و قرآن است. همیشه این سؤال هست که دین اسلام نسبت به موضوعات و اتفاقات مختلفی که در جامعه وجود دارد، چه بیان، نظر و حکمی دارد؟ این‌ها را با تفسیر ترتیبی نمی‌شود در آورد، چون تفسیر ترتیبی این است که شما شروع

می‌کنید از اولین آیه تا آخرین آیه را تفسیر می‌کنید و تفسیر هر آیه را سر جای خود بیان می‌کنید. در تفسیر موضوعی در یک موضوع تمام آیات یک جا جمع و با هم بررسی می‌شود و نظر قطعی قرآن به دست می‌آید. که در این دوره به ویژه الان که نیاز بشری به معارف دینی خیلی بیشتر ملموس و رویکرد و استقبال و اقبال نیز زیاد شده، ضرورت این گونه تفاسیر بیشتر احساس می‌شود.

کریمی در پاسخ به این سؤال که چه ویژگی خاصی در تفسیر آیت‌الله سبحانی سراغ

دارید؟، اظهار کرد: بعضی از تفاسیر موضوعی یک ترتیبی را رعایت کرده‌اند و یک سیر منطقی دارند که محورشان مختلف است، کسانی مانند آیت‌الله مصباح، الله‌محوری را انتخاب کرده‌اند، کسانی انسان‌محوری را قرار داده‌اند، ولی شیوه‌ای که آیت‌الله سبحانی آن را پذیرفته این است که این ترتیب را رعایت نکرده و هر موضوعی را که احساس کرده‌اند نیاز است، به آن پرداخته است.

وی خاطر نشان کرد: این نشان می‌دهد که ایشان به نیاز جامعه توجه بیشتری داشته است و سعی کرده آن‌چه را که در آن برای مردم و جوامع علمی سؤال مطرح می‌شود، بررسی و نظر قرآن را استخراج کند. هم مفاهیم القرآن و هم منشور جاوید این حالت را دارد، مثلاً اولین جلد منشور جاوید که ایشان نوشته است ۲۴ اصل در مورد مسائل خانوادگی، توحید و غیره را پرداخته که این‌ها دال بر این است که آیت‌الله سبحانی بیشتر مسائل روز را مد نظر قرار داده است. از ویژگی‌های ایشان نوشتن مطالب به زبان ساده است.

در تفسیر چه روشی دارد؟، گفت: روی روش ایشان نمی‌توان اسم خاصی گذاشت که مثلاً فقهی است یا کلامی، گرچه ایشان هم متکلم و هم فقیه است و این‌ها بر روی هم تأثیر دارد. استاد سبحانی در «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید» موضوعاتی را انتخاب کرده که در آن بیشتر به مسائل کلامی روی آورده است. جلد‌های مفاهیم القرآن مانند توحید، نبوت، عصمت و ... نشان می‌دهد که بیشتر مباحث ایشان صبغه کلامی داشته است و به مسائل کلامی بیشتر کشیده شده تا مسائل دیگر. استاد سبحانی در کتاب منشور جاوید و مفاهیم القرآن به آیات فقهی که ما اصطلاحاً به آن فقه القرآن یا احکام القرآن می‌گوییم، نپرداخته است. وی در اولین جلدی که از مجموعه منشور جاوید نوشته است، ترتیب خیلی منظمی ندارد. نوشتن این کتاب نشان می‌دهد که ایشان صبغه کلامی‌اش بیشتر از صبغه‌های دیگر است، از آن جهت که موضوعات کلامی را بیشتر پذیرفته است.

وی با بیان این مطلب که تفسیر موضوعی یکی از شیوه‌های تفسیری است که جدیداً یک مقدار به صورت جدی به آن روی آورده شده است، گفت: گرچه در روایاتی که از اهل بیت (ع) نقل شده، رگه‌هایی از تفسیر موضوعی که از آیات مختلف برای فهم یک موضوع استفاده شده است دیده می‌شود، ولی این‌که به صورت مکتوب نوشته شود، جدیداً به آن روی آورده شده است. آیت‌الله سبحانی در مقدمه کتاب منشور جاوید، به سه نکته در مورد ضرورت تفسیر موضوعی اشاره کرده است؛ یکی جاودانگی قرآن است که به این نکته اشاره دارد که قرآن کتابی است که تا ابد وجود دارد؛ یعنی بعد از آن هیچ وحی الهی از سوی خداوند نخواهد آمد، از این جهت که انسان‌ها در هر زمان و مکانی به وحی الهی نیاز دارند. نکته دوم این است که قرآن کریم معارفش پایان‌ناپذیر است؛

یعنی «تیبانا لکل شیء» است. سوم این که قرآن به صورت تدریجی نازل شده و عادت قرآن این نیست که به یک موضوع مشخص در یک جا بپردازد، بلکه به مرور زمان مسائل را مطرح کرده است.

وی خاطر نشان کرد: اکنون باید مفسران و محققان تلاش کنند تا نظرات قرآن را در مورد یک موضوع به دست آورند که این همان تفسیر موضوعی است؛ یعنی تلاشی که انجام می‌گیرد، نظر قرآن در باب موضوعی را که وجود دارد جمع می‌کند، مثلاً نظر قرآن در مورد این‌که چه عواملی موجب ثبات خانواده است، مفسر یا محقق این را استخراج و بررسی می‌کند. آیت‌الله سبحانی به این سه نکته، برای درک ضرورت تفسیر اشاره کرده است.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد آرای تفسیری خاص آیت‌الله سبحانی گفت: نمی‌شود گفت ایشان آرای خاصی دارد. ولی همین اندازه بگویم که ایشان تلاش



آیت الله سبحانی حساسیت خوبی نسبت به مسائل دارد و پی گیر است. شما می بینید معمولا شبهات و اشکالاتی که مطرح می شود، چه از سوی وهابیان و چه از سوی کسانی که مخالف شیعه هستند و چه در میان خود متفکران اسلامی و شیعی، جایی که احساس می کند چنین حرفی نباید گفته شود، خیلی منطقی وارد می شود و جواب می دهد



الاهیات یکی از کتاب های خوب و جامع کلامی است. این کتاب، کتاب تقریبا جامعی در حوزه کلام است که از خدانشناسی شروع می شود و مسائل معاد را بحث و بررسی می کند. وی در این کتاب تقریبا اصول دین را به تفصیل از دیدگاه عقل، قرآن و روایات بررسی کرده و هر سه منبع را آورده و استفاده کرده است.

این نویسنده یاد آور شد: وی در این کتاب، اول از منبع عقل، دوم قرآن و سوم از روایات استفاده کرده و به تمام مباحث مهم خدانشناسی که عدل هم در آن هست، نبوت شناسی که در کنارش امامت شناسی هم هست و معاد پرداخته است و سعی کرده به شبهات روز هم پاسخ بدهد. شاید بشود گفت بعد از کتاب شرح «تجریدا الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی که مفصل و متقن ترین کتاب کلامی است و در چاپ های مختلف عرضه شده است، یکی از ویژگی های کار آیت الله سبحانی در این کتاب و کتاب های دیگر این است که به اقوال خیلی می پردازد و آن ها را جمع می کند. ویژگی دومش این است که به شبهات هم پاسخ می دهد، مثلا به شبهاتی که در باب امامت وجود دارد مفصل وارد می شود و جواب می دهد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیت الله سبحانی با چه ابزاری به نقد نظریه های جدید کلامی می پردازد؟ اظهار کرد: هر زمینه و موضوعی روش خاص خود را می طلبد. مثلا در مباحث کلامی شما باید از سه چیز استفاده کنید؛ عقل، کتاب و سنت. شاید یک مسأله صرفا عقلی باشد که آن جا شما تنها باید به مسأله عقلی جواب دهید.

نویسنده کتاب «وحی شناسی» در پایان در مورد برخورد آیت الله سبحانی با مسائل روز خاطر نشان کرد: وی حساسیت خوبی نسبت به مسائل دارد و پی گیر است. شما می بینید معمولا شبهات و اشکالاتی که مطرح می شود، چه از سوی وهابیان و چه از سوی کسانی که مخالف شیعه هستند و چه در میان خود متفکران اسلامی و شیعی، جایی که احساس می کند چنین حرفی نباید گفته شود، خیلی منطقی وارد می شود و جواب می دهد.

حجت الاسلام کریمی در ادامه در پاسخ به این سؤال که آیا فلسفه آیت الله سبحانی بر آرای اصولی وی تأثیر گذاشته است؟، گفت: بله تأثیر می گذارد و این یک چیز طبیعی است که علوم به هم مرتبط هستند؛ یعنی کسی که در مباحث فلسفی مقداری از مسائل هستی شناسی سخن می گوید و از مسائل جدی واقعیت بحث می کند، بالاخره در دیگر رشته های تحصیلی اش از جمله اصول هم اثر می گذارد، مخصوصا بعضی از مباحثی که خیلی نزدیک به مباحث فلسفه و اصول است.





پژوهشگر مرکز فرهنگ و معارف قرآن:

مخاطب محوری از شاخصه‌های مهم آثار آیت‌الله العظمی سبحانی است

دانست و گفت: تألیفات متعدد وی بیانگر توجه ویژه به مخاطبان مختلف، با سطوح علمی متفاوت است. انتشار کتاب‌هایی برای جامعه علمی، سطوح عمومی، جوانان، بانوان، و نیز تألیف کتاب به زبان‌های فارسی و عربی برای مخاطبان فارسی زبان و عرب زبان حاکی از مخاطب محوری تألیفات است. اما «مقبولیت» از سومین ویژگی تألیفات وی است؛ آثار آیت‌الله سبحانی در محافل و مراکز علمی از اعتبار و مقبولیت خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که بعضی از آثار ایشان در مراکز علمی و آموزشی معتبر، به عنوان متن درسی انتخاب شده و تدریس می‌شود، به طور مثال کتاب‌های «کلیات علم رجال»، «درایة الحدیث»، «الهیات» و ... در حوزه‌های علمیه به عنوان متون درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و کتاب «مفاهیم القرآن» و مانند آن در برخی دانشگاه‌ها متن درسی است. برخی از آثار وی به عنوان منابع امتحانی برای ورود به مراکز علمی، آموزشی استفاده می‌شود.

وی تصریح کرد: علاوه بر مراکز آموزشی، پژوهشگران و نویسندگان در حوزه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی نیز به آثار آیت‌الله سبحانی مراجعه می‌کنند. مضاف بر این، نوشته‌های ایشان در جامعه نیز همواره با مقبولیت و اقبال عمومی روبرو بوده و برخی از آثارش جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را به ارمغان آورده است.

نویسنده «فرهنگ قرآن از نگاه قرآن پژوهان» در مورد نقش آیت‌الله سبحانی در پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده در مورد قرآن و دین گفت: آیت‌الله سبحانی با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر جامعه و شبهات و سؤالات درون دینی و برون دینی که از تریبون‌های مختلف نسبت به مبانی اسلام و تشیع منتشر می‌شود، موضع‌گیری کرده و ضمن روشن‌نگری و آگاهی بخشی به جامعه دینی، از حریم اسلام، قرآن و مکتب تشیع همواره دفاع کرده است.

انتشار کتاب‌هایی برای جامعه علمی، سطوح عمومی، جوانان، بانوان، و نیز تألیف کتاب به زبان‌های فارسی و عربی برای مخاطبان فارسی زبان و عرب زبان حاکی از مخاطب محوری تألیفات آیت‌الله العظمی سبحانی است.



حجت‌الاسلام و المسلمین «علی‌اکبر مؤمنی»، از پژوهشگران مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و نویسنده کتاب «فرهنگ قرآن از نگاه قرآن پژوهان»، در مورد شخصیت آیت‌الله العظمی سبحانی در پاسخ به این سؤال که تألیفات ایشان عموماً در چه زمینه‌هایی است؟، گفت: آیت‌الله العظمی سبحانی از اساتید برجسته حوزه علمیه قم و از جمله عالمان پرکاری است که در زمینه‌های مختلف صاحب تألیف است. منشورات متنوع وی، جامعیت ایشان را در علوم مختلف به خوبی نشان می‌دهد. ایشان در مباحث کلام و اصول عقاید، تاریخ اسلام، فقه، اصول، تفسیر، رجال، درایه، حدیث، اخلاق، فلسفه دارای آثار ارزشمندی است.

وی در مورد ویژگی‌ها و امتیازات تألیفات آیت‌الله سبحانی اظهار کرد: اولین ویژگی تألیفات وی نوآوری و توجه به نیازهای روز است؛ در حقیقت آیت‌الله سبحانی در هر زمینه‌ای که احساس کرده‌اند جامعه یا مخاطبان خاصی نیاز به آگاهی دارند، در همان زمینه کتاب‌های کاربردی و مفیدی تألیف و منتشر کرده است. ایشان ائمه جماعات و روحانیون را که با مردم و نسل جوان ارتباط مستقیم دارند، به روزآمد کردن دانش خود توصیه می‌کند، چرا که معتقد است، امروز نیاز نسل جوان، به سادگی برآورده نمی‌شود و با معلومات گذشته نمی‌توان به شبهات روز پاسخ مناسب داد.

مؤمنی دومین ویژگی آثار آیت‌الله سبحانی را «مخاطب محوری»

امام جمعه شهرضا:

نظم و بیان آیت الله العظمی سبحانی انگیزه ما در انتخاب ایشان به عنوان استاد بود

شاگردی اذعان کرد: در سال های آشنایی ما با آیت الله سبحانی بود که مؤسسه امام صادق (ع) تأسیس شد و ما با ۵ تن از دوستان شهرضایی؛ اخوان رهایی، آقای جابری و مرحوم آقای عظیمی در خدمت ایشان بودیم. مؤسسه ای که الان در خیابان صفائییه، چهار راه شهدا وجود دارد، اولین مؤسسه ای بود که ایشان بنا کردند.

حجت الاسلام یعقوبی با بیان این مطلب که ما در درس خارج فقه و اصول، مباحث رجالی، مباحث فلسفی و تفسیری ایشان شرکت می کردیم، تصریح کرد: در تمام این رشته ها تألیفاتی نیز ارائه شده است. یکی از تألیفاتی که ابتدا انجام دادیم، تقریرات درس فقه ایشان در موضوع مکاسب محرمه بود که نام آن کتاب «المواهب فی تحریر الاحکام المکاسب» است. کتاب دومی که از تقریرات ایشان تنظیم کرده ام «نظام الطلاق فی الاسلام» بود و کتاب دیگر «شئون الاقتصادية» است که بنده توسط دو تن از آقایان آن را نوشتیم (مرحوم آقای عظیمی،

آیت الله العظمی سبحانی هم بیان جالب و جذابی دارند و هم قبل از ارائه درس آن روز، موضوع مورد بحث را کپی کرده و در اختیار شاگردان قرار می دادند و در میان درس به سؤالات شاگرد توجه می کردند و پاسخ سؤال را نیز می دادند که تمام این ها انگیزه شد که ما ایشان را رها نکنیم.



برای بررسی بیشتر ابعاد شخصیتی آیت الله العظمی سبحانی، گفت و گویی را با حجت الاسلام و المسلمین «سیف الله یعقوبی» از شاگردان خاص استاد سبحانی و امام جمعه شهرضا انجام دادیم. حجت الاسلام و المسلمین یعقوبی در سال ۱۳۲۹ شمسی در شهرضا متولد و از سال ۴۹ وارد حوزه درس آیت الله العظمی گلپایگانی در حوزه علمیه قم شد و در سال ۵۸ با آیت الله سبحانی آشنا شده و تا سال ۷۰ در محضر ایشان تلمذ کرد.

وی در توضیح بیشتر این آشنایی و ادامه این رابطه استادی و

آقای جابری و آقای خوشنویس که ویراستاری آن را انجام دادند.) این رو خیلی از خصوصیات اخلاقی امام (ره) را برای ما نقل بنده کتابی در مورد زندگی امام جواد (ع) نیز تألیف می‌کردند.

نویسنده کتاب «زندگی امام جواد (ع)» از جمله خصلت‌های ایشان را عمل به تقوا عنوان کرد و گفت: اهتمام آیت‌الله سبحانی به تقوا بسیار قابل اهمیت بود، به طوری که ایشان هیچ‌گاه اجازه نمی‌دادند در محضرشان کسی از دیگری سخن بگوید و حتی بحث اجتهاد و مرجعیت که مطرح می‌شد، ایشان اصلاً انگیزه‌ای برای مرجع شدن نداشتند و می‌فرمودند که آن قدر کار در حوزه داریم که

بعضی از افراد باید این کارها را انجام دهند. مرجع به اندازه کافی داریم. اگر کسی در مورد تقلید سؤال می‌کرد، ایشان راهنمایی می‌کرد، اما طوری نبود که اختلاف برانگیز باشد. نظم در کار، یکی دیگر از خصلت‌های ایشان است که من ۱۰ سال زانو به زانوی ایشان بودم - از صبح تا شب در مؤسسه و درس ایشان در همه جا - هیچ بی‌نظمی در کار علمی ایشان ندیدم. صبح نمازشان را می‌خواندند، بعد یک پیاده روی یک ساعته داشتند، یک جزء قرآن را هر روز تلاوت می‌کردند و صبحانه‌شان را می‌خوردند و بعد سر ساعت ۶ مؤسسه بودند. بعد ۷:۴۵ درس شروع می‌شد. همین طور تا نماز ظهر و بعد از ظهر هم همین طور تا ۱۰ شب مشغول فعالیت بودند و بهار و زمستان همه این نظمی که داشتند، اعمال می‌شد.

امام جمعه شهرضا در ادامه احصای خصائص طیبیه آیت‌الله سبحانی یادآور شد: دیگر خصلت ایشان، پرورش خوب شاگرد بود که خیلی ید طولایی در این امر داشتند، از جمله: زیر پر و بال گرفتن شاگرد، راه و رسم تحصیل و تدریس را به آن‌ها آموختن، ایجاد انگیزه در شاگرد. که خیلی از شاگردان ایشان الان در اطراف و اکناف مملکت شغل‌های مختلف و پست‌های حساسی هم دارند بحمدالله. بعضی از اوقات از دانشگاه تهران تماس می‌گرفتند و راجع به اسفار سؤال می‌پرسیدند. ایشان مطالب را تلفنی نیم ساعت تا سه ربع پاسخ داده و با آغوش باز همه این سؤالات را پاسخ می‌گفتند. یکی از کارهایی که ایشان انجام دادند، ایجاد مؤسسه علمی تحقیقاتی امام صادق (ع) بود که الان دو مؤسسه است و رشته‌های تخصصی کلام دارند و کلاس‌های درس ایشان نیز فقه، اصول، اخلاق، تفسیر، کلام و رجال است که این‌ها همگی به صورت کلاسیک است و بحمدالله بازدهی بسیار خوبی هم دارد.

حجت‌الاسلام یعقوبی تشکیل کلاس آئین نگارش را دیگر یادگار آیت‌الله سبحانی برای خود دانست و تصریح کرد: تشکیل کلاس آئین نگارش، آن زمان در قم زیاد رسم نبود. ایشان معتقد بود که کسی که می‌خواهد قلم به دست بگیرد، باید از آداب نگارش آگاهی داشته و زمانی که کتاب او را دیگران و دانشگاهی‌ها می‌خوانند، ایراد به آن متن و هم‌چنین حوزه علمیه نگیرند. یکی از کارهای بسیار خوبی که ایشان برای مادر آن زمان انجام دادند، تشکیل همین کلاس‌های آئین نگارش

اولین درسی که من در خدمت ایشان حاضر شدم، درس اصولی بود که ایشان در آن زمان ارائه می‌داد و بعد درس فقه را خدمت ایشان رفتیم، اما بعداً که به خوبی با ایشان آشنا شدیم به مؤسسه رفتیم و اساس کار ما از این‌جا آغاز شد و مباحث فلسفی و کلامی را آن‌جا از ایشان فرا گرفتیم

کرده‌ام که الان چاپش هم توسط مؤسسه «الغدیر» در تهران تمام شده است و بقیه آثاری که دارم نیز مقالاتی است که نگاشته‌ام.

حجت‌الاسلام یعقوبی در پاسخ به این سؤال که نحوه آشنایی شما برای نخستین مرتبه با آیت‌الله سبحانی چگونه بود؟ اظهار کرد: رمز وراز موفقیت هر شاگردی در هر محیط درسی، این است که بگردد و استاد مورد نظر خود را پیدا کند و بحمدالله در حوزه علمیه این فضا باز است که شاگردها ابتدا که وارد حوزه علمیه می‌شوند،

پای درس چند استاد می‌روند تا یکی از آن اساتید را انتخاب کنند؛ لذا ما از بین دو سه استادی که انتخاب کردیم، یکی از آن‌ها آیت‌الله سبحانی بود.

امام جمعه شهرضا در بخشی دیگر از سخنانش به خصوصیات آیت‌الله سبحانی اشاره کرد و گفت: آیت‌الله سبحانی هم بیان جالب و جذابی دارند و هم قبل از ارائه درس آن روز، موضوع مورد بحث را کبی کرده و در اختیار شاگردان قرار می‌دادند و در میان درس به سؤالات شاگرد توجه می‌کردند و پاسخ سؤال را نیز می‌دادند. تمام این‌ها انگیزه شد که ما ایشان را رها نکنیم.

نویسنده کتاب «زندگی امام جواد (ع)» در پاسخ به این سؤال که آیا اولین درسی که خدمت ایشان بودید را بیاد دارید؟ تصریح کرد: اولین درسی که من در خدمت ایشان حاضر شدم، درس اصولی بود که ایشان در آن زمان ارائه می‌داد و بعد درس فقه را خدمت ایشان رفتیم، اما بعداً که به خوبی با ایشان آشنا شدیم به مؤسسه رفتیم و اساس کار ما از این‌جا آغاز شد و مباحث فلسفی و کلامی را آن‌جا از ایشان فرا گرفتیم.

امام جمعه شهرضا در پاسخ به این سؤال که خصلت‌هایی که از نظر شما برای استاد سبحانی مزیتی بود، چیست؟، اذعان کرد: ابتدا باز خدا را شکر می‌کنم که در آن برهه زمانی در حوزه علمیه قم، خداوند متعال دست ما را در دست این شخصیت قرار داد. یکی از خصوصیات ایشان، اصالت خانوادگی ایشان است که از خانواده‌های روحانی و متدین هستند. آیت‌الله سبحانی از ابتدا دارای استعداد و انگیزه تحصیل بودند و برای ما تعریف می‌کردند که چگونه وارد درس می‌شدند و چه تلاش‌ها و کوشش‌هایی در این راه انجام می‌دادند. اساتید برجسته و متدین نصیب ایشان شده بود؛ هم چون آیت‌الله‌العظمی بروجردی و حضرت امام (ره) که بسیار از امام (ره) یاد می‌کردند.

حجت‌الاسلام یعقوبی با بیان این مطلب که آیت‌الله سبحانی خصلت‌های خوب امام (ره) - که همه‌اش خوب بود - را تعریف می‌کردند، اظهار کرد: چون آیت‌الله سبحانی کتاب «تهذیب‌الاصول»؛ یعنی اولین کتاب اصولی امام (ره) را در حالی نوشتند که با رفت و آمد به منزل امام (ره) و نشستن پای کرسی و بحث کردن تهیه و تدوین شده بود، از



زمانی که آیت الله سبحانی به اردن می رفتند - همان گونه که در آثار و مصاحبه های ایشان موجود است - اثر بسزایی در بین مذاهب گوناگون می گذاشتند. یا زمانی که به عربستان سفر می کردند، خود عرب ها می گفتند که کتابخانه سیار ایران به عربستان منتقل شد و این بسیار مهم بود



بود که بسیار اثر داشت. چاپ کتب شاگردان از سوی ایشان نیز تشویق ویژه ای بود برای شاگردان که می دیدند کتابشان - با آن بضاعت مزجاتی که شاگرد داشت - را ایشان در چاپخانه اش چاپ کرده و در اختیار دیگران قرار داده و به نقاط مختلف می فرستادند و برای دیگران می گفتند که فلانی این کتاب را نوشته است. این گونه فعالیت ها که از سوی ایشان انجام می پذیرفت، خیلی اثر داشت.

حجت الاسلام یعقوبی در ادامه سخنان خویش سفرهای خارج از کشور آیت الله سبحانی را از جمله اثربخش ترین فعالیت های ایشان دانست و گفت: سخنرانی های گوناگون ایشان در داخل و خارج از کشور خیلی پر اهمیت بود و بارها و بارها به ما می گفتند که من از خدا می خواهم که این منبرها را از ما نگیرد تا اگر چیزی می آموزیم، به مردم هم بگوییم. مثلاً زمانی که آیت الله سبحانی به اردن می رفتند - همان گونه که در آثار و مصاحبه های ایشان موجود است - اثر بسزایی در بین مذاهب گوناگون می گذاشتند. یا زمانی که به عربستان سفر می کردند، خود عرب ها می گفتند که کتابخانه سیار ایران به عربستان منتقل شد و این بسیار مهم بود.

نویسنده کتاب «زندگی امام جواد(ع)» با اشاره به این مطلب که آثار آیت الله سبحانی به مراکز مختلفی از کشور عربستان ارسال می شد، تصریح کرد: خیلی سال ها بود که ما کتاب های ایشان را به عربستان می بردیم تا به آن مرکزی که ایشان فرموده بود، تحویل دهیم. حالا چه نظری بود که کسانی که مفاتیح و کتب ادعیه را از دست ما می گرفتند، کتاب های علمی و تحقیقاتی را تنها نگاهی می کردند و به ما تحویل می دادند و ما هم به همان مرکزی که باید می بردیم، می رساندیم. از این گونه خصلت های خوب در ایشان زیاد یافت می شود.

حجت الاسلام یعقوبی در پاسخ به این پرسش که شما آیت الله سبحانی را در فعالیت های انقلابی چگونه یافتید؟ اذعان کرد: آیت الله سبحانی در آخر درس، چه قبل از ماه مبارک رمضان، چه ماه محرم، چه

لابه لای صحبتشان، از خصوصیات امام(ره) بیان می کردند که امام(ره) یک شخصیت ممتاز و برجسته است و حرفی که می زند همان است و ما همگی باید این حرف ها را دنبال کنیم و به آنچه که امام(ره) می خواهند، برسیم. ایشان زمانی که امام(ره) از ایران رفتند، بر این امر خیلی تأکید

ایشان در درس تفسیر، توجه به نکات مهم و آیات مشکله قرآن کریم داشته و از این دست مسائل را بیان می‌کردند. درس‌هایی چون اصول و فقه، روال خود را داشت و دارای کتبی بود که با مطالعه و نشستن در کتابخانه می‌توانستیم مطالبش را مطالعه کرده و برای درس روز بعد آماده شویم

خصلت‌های خوب امام(ره)، اهداف مقدس و اخلاقیاتی که امام(ره) داشتند. که همه‌اش برای خداست و هیچ قصد ریا و دیگر چیزهایی در ایشان نیست - ایراد کردند. این مسائل سبب می‌شد تا شاگردان ایشان نیز این‌گونه پرورش یابند.

امام جمعه شهرضا در پاسخ به این سؤال که کدامیک از دروسی که نزد آیت‌الله سبحانی فراگرفته‌اید برای شما شیرین‌تر بود؟ عنوان کرد: همه درس‌ها خیلی خوب بود. در این میان درس رجال ایشان برای ما خیلی شیرین بود. مخصوصاً وقتی که «معجم الرجال الحدیث» آیت‌الله خوئی را بیان می‌کردند، تنها کسی که بدون استاد کتاب رجال نوشته است؛ یعنی خودش تحقیقات خودش را نوشته است.

یعقوبی با بیان این مطلب که آیت‌الله سبحانی در درس رجال هم زیاد از امام(ره) نقل می‌کردند، اذعان کرد: آیت‌الله سبحانی بحث رجال، بیان راویان حدیث و سلسله‌سندها را که می‌گفتند، باز اینجا هم مطالبی را از امام(ره) نقل می‌کردند.

حجت‌الاسلام یعقوبی با بیان این مطلب که درس تفسیر قرآنی که از آیت‌الله سبحانی می‌گرفتیم، بسیار جالب بود، اظهار کرد: ایشان در درس تفسیر، توجه به نکات مهم و آیات مشکله قرآن کریم داشته و از این دست مسائل را بیان می‌کردند. درس‌هایی چون اصول و فقه، روال خود را داشت و دارای کتبی بود که با مطالعه و نشستن در کتابخانه می‌توانستیم مطالبش را مطالعه کرده و برای درس روز بعد آماده شویم. ولی این نکات تفسیری و حتی نکات رجالی که ایشان از آیت‌الله بروجردی و حضرت امام(ره) - در ذهن خود داشتند و در کتابی هم مکتوب نبود - بیان می‌کردند، برای ما خیلی جالب بود.

امام جمعه شهرضا در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله سبحانی در جامعه به عنوان شخصیتی جامع‌العلوم مطرح است، اما کسی تا به حال تألیفی از ایشان در زمینه عرفان اسلامی ندیده است، با توجه به این‌که ایشان از شاگردان علامه طباطبایی و امام(ره) بودند، آیا در عرفان هم



می‌کردند که آن‌هایی که در حوزه ماندند، باید حوزه را حفظ کنند، نه این‌که بر مراجع (آن وقت) خرده بگیرند و از نظر اخلاقی این‌ها را تعدیل و انقلاب را حمایت می‌کردند. ما چند جلسه ایشان را به شهرضا دعوت کردیم و سخنرانی‌های جالبی نسبت به انقلاب، پیروزی نهضت،



دستی دارند؟، تصریح کرد: ایشان به همه علوم علاقه مند علمی آن‌ها تجلیل شود تا نگویند جامعه اسلامی و علمی ما بوده و هستند. مثلاً من یادم هست که بیش گمنام است. ببینید چقدر همایش‌ها در از سه سال شخصی عرب زبان، صبح‌ها دانشگاه برگزار می‌شود. ما باید از به مؤسسه می‌آمد و اشعار عربی را علمایی چون آیت الله سبحانی، می‌خواند و آیت الله سبحانی هم حفظ هم خیلی نام می‌بردند و نکاتی در عرفان از می‌کردند. صبح روز بعد که مجدداً آن ایشان نقل می‌کردند. منتهی می‌فرمود که من وارد این مقولات نمی‌شوم تا به مباحث ادبیات هستند در قید حیاتشان تجلیل کنیم.

امام جمعه شهرضا در پایان سخنانش خاطرنشان کرد: استاد سبحانی آنقدر در ادبیات ماهر است که هر جمله‌ای را که بیان می‌کرد از آن مبدأ و مقدمات سیوطی، صرف و نحو را بیان می‌کرد که این جمله به کجا برمی‌گردد. خوب انسانی که این‌گونه غنی است، باید جامعه هم قوی با او برخورد کند. ایشان از علاقه‌مندان مقام معظم رهبری هستند و کتب کلامی ایشان بلاواسطه خدمت مقام معظم رهبری می‌رسد و آقا نیز نظرات خود را بیان می‌کنند، به طوری که آیت الله سبحانی مورد عنایت مقام معظم رهبری هم هستند.

آیت الله سبحانی از علامه طباطبایی هم خیلی نام می‌بردند و نکاتی در عرفان از ایشان نقل می‌کردند. منتهی می‌فرمود که من وارد این مقولات نمی‌شوم تا به مباحث دیگر برسم؛ چون این مسائل انسان را به جاهای دیگر می‌برد و از کارهای خود می‌ماند. به نظر من برای شخصیت‌های علمی باید جلسات و همایش‌هایی برگزار شود تا در حضور این بزرگواران از مقام



مدیرمسئول نشریه «مکتب اسلام»: پشتکار و جدیت آیت الله سبحانی در جامعیت علمی ایشان موثر بوده است

مدیرمسئول نشریه «مکتب اسلام» ضمن تأکید بر نظم و دقت نظر این محقق اظهار کرد: استاد سبحانی در امر نظم و حضور به موقع در کلاس‌ها، بسیار دقیق هستند و همیشه کلاس‌های استاد، بدون تأخیر و در زمان از پیش تعیین شده برگزار می‌شود و بالتبع از شاگردان و حضار هم این انتظار را دارند که به موقع در کلاس حاضر شوند.

وی در مورد جامعیت علمی آیت الله سبحانی اشاره کرد: پشتکار و جدیت آیت الله سبحانی در جامعیت علمی ایشان در رشته‌های مختلفی مثل کلام، تفسیر، فقه، اصول فقه، رجال و غیره دخیل بوده است. فارق از این امور، ایشان از حافظه بسیار قوی برخوردارند و تمامی مطالب قبلی را به صورت آماده در ذهن، به خاطر دارند. استاد سبحانی از حافظه بالایی برخوردار است به گونه‌ای که بارها خود شاهد این امر بودم که اگر استاد، شخصی را حدود ۳۰ سال پیش دیده‌اند و مطلب و صحبتی میان آنها رد و بدل شود، بعد از گذشت این زمان با دیدن دوباره او، دقیقاً به همان مطلب یادآور می‌شوند.

حجت الاسلام والمسلمین فرج الله سبحانی ادامه داد: استاد سبحانی تمامی مطالبی را که آموخته‌اند با ذکر منبع و جزئیات آن، در ذهن آماده دارند؛ مثلاً در دیداری که برخی از مقامات کشورها با ایشان داشته‌اند، این افراد در هنگام نماز، به رسم برداران اهل سنت، اقامه نماز کردند.

پشتکار و جدیت آیت الله سبحانی در جامعیت علمی ایشان در رشته‌های مختلفی مثل کلام، تفسیر، فقه، اصول فقه، رجال و غیره دخی و موثر بوده است.



حجت الاسلام والمسلمین فرج الله سبحانی، مدیرمسئول نشریه «مکتب اسلام»، درباره اهتمام آیت الله العظمی سبحانی در پرورش شاگردان گفت: آیت الله سبحانی به مسئله پرورش شاگرد اهتمام ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که ایشان بیشتر وقت خود را به این موضوع اختصاص می‌دهند و بارها به این مسئله اذعان داشتند که من هرگز نمی‌توانم از درس و بحث و تدریس جدا شوم و وقت خود را به سایر شئون اختصاص دهم.

وی افزود: این توفیق نصیب من شده است که سال‌ها در درس خارج فقه و اصول این مرجع، شرکت کنم و باید اشاره کرد که دروس خارج فقه و اصول این بزرگوار، یکی از پررونق‌ترین کلاس‌های درس خارج فقه و اصول است که در قم برگزار می‌شود و از نشاط و علمیت خاصی برخوردار است و اکثر شرکت‌کنندگان این دروس از طلاب جوان و کوشاه هستند.

فرج الله سبحانی درباره پشتکار استاد سبحانی گفت: ایشان در زمینه مسائل علمی و تحقیقاتی بسیار جدی هستند و هر زمان که در موسسه امام صادق (ع) حضور دارند، مشغول این امور هستند و فقط غیر از اوقات نماز، حتی در ایام تعطیل هم از این مهم دست نمی‌کشند و به امر تحقیق و تدریس می‌پردازند.



بهتر مذهب حقه تشیع استفاده کرده‌اند. بسیار مشاهده می‌شود که مثلاً شخصی به واسطه تخصص خود در جامعه‌شناسی یا تاریخ یا فلسفه در اعتقادات دینی خود دچار تزلزل شده است.

وی در مورد پاسخگویی استاد سبحانی نسبت به شبهات گفت: استاد سبحانی درباره پاسخگویی، اهتمام بسیار جدی دارند و این امر ناشی از احساس مسئولیت ایشان در قبال پاسخگویی به شبهات و نشر معارف حقه شیعه است. پاسخگویی به شبهات، بخشی از مقابله با تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود و این رسالت در سراسر عمر پر برکت آیت الله سبحانی دیده می‌شود. ایشان همیشه



آیت الله سبحانی خطاب به این گروه، حدیثی از انس، به نقل از پیامبر (ص)، با ذکر دقیق شماره جلد و شماره صفحه، را بیان کردند که به نحوه اقامه نماز به شیوه شیعیان اشاره داشت. بعد از این اشاره، آیت الله سبحانی، به حدیث دیگری از انس به نقل از رسول گرامی اسلام (ص) استناد کردند که منظور رسول اکرم (ص) از حدیث «جعلت لی الارض مسجدا و طهورا» که منظور از ارض در این حدیث، همین خاک و مهر است؛ نه فرش و پارچه.

این پژوهشگر درباره تسلط استاد سبحانی بر زبان عربی، تصریح کرد: آیت الله سبحانی زبان عربی را با لهجه‌های گوناگون موجود، همانند

زبان مادری تکلم می‌کنند و در کلاس درسی ایشان که از ملیت‌های مختلف حضور دارند، اگر اشکالی به زبان عربی بیان شود، ایشان جواب را به همان زبان و با همان لهجه و گویش پاسخ می‌دهند. یکی از عوامل اقبال به آثار استاد سبحانی در جوامع عربی، همین تسلط ایشان بر زبان و ادبیات عرب است. این مسئله در بسیاری از آثار ایشان که به زبان عربی نگاشته شده است کاملاً محسوس است.

حجت الاسلام فرج‌اللهی، ضمن تأکید بر

استقبال از آثار استاد سبحانی، در کشورهای عربی، در کشورهای عربی، از تألیفات و آثار استاد سبحانی استقبال خاصی می‌شود و یکی از عوامل این امر، تسلط همه جانبه استاد بر زبان عربی و گویش‌های مختلف آن است. وقتی ایشان در کشورهای عربی حضور می‌یابند، سخنرانی‌های خود را به زبان عربی و در سطح بسیار بالایی ارائه می‌دهند؛ به طوری که عرب‌زبانان حاضر در این کنفرانس‌ها به سختی باور می‌کنند که یک عالم ایرانی، تا به این حد سخنرانی خود را به زبان عربی فصیح و علمی بیان کند و این موضوع برای عرب‌زبانان بسیار جالب است و علاوه بر جنبه علمی بود آثار ایشان، باعث محبوبیت و استقبال از تألیفات این مرجع عالیقدر شده است.

وی ضمن تأکید بر دانستن زبان عربی در امر تبلیغات اسلامی افزود: یکی از عوامل موفقیت در امر تبلیغ، تسلط بر زبان کشور مقصد است؛ زیرا خود این امر موجب می‌شود پیام واضح‌تر به مخاطب منتقل شود و تفاهم بهتری بین گوینده و مخاطب حاصل شود. علی‌رغم تخصص استاد در رشته‌های گوناگون معرفتی، ایشان در عقاید شخصی خود متأثر از هیچ‌کدام از این فنون نشده‌اند، بلکه از تمامی این فنون برای فهم

آثار و تألیفاتی در این باره داشته‌اند؛ حتی مجموعه ۴ جلدی «پرسش‌ها و پاسخ‌ها» که قبل از انقلاب تدوین شده است، راجع به پاسخگویی به سؤالات و شبهات است.

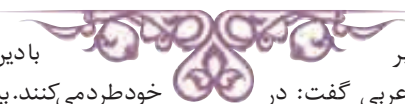
سردبیر نشریه «مکتب اسلام» عنوان کرد: متأسفانه بعضی از افراد با اینکه بسیار باتقوا هستند و در تدین آنها شک نیست؛ ولی در زمینه پاسخگویی به سؤالات، عنایت ویژه‌ای ندارند؛ به طوری که اگر از سؤالات اشخاص، بوی ضدیت با دین و الحاد برآید، حاضر به پاسخ‌دهی نیستند و او را از

خود طرد می‌کنند. بیشتر مشکل این افراد ندانستن و جهل علمی است. آیت الله سبحانی هر زمان که در عرصه دین، شبهه‌ای مطرح شود، اقدام به پاسخگویی می‌کنند و همیشه این گفت‌وگوها را در نهایت ادب و احترام با سؤال‌کننده یا مستشکل انجام می‌دهند. غنای مذهب شیعه و تسلط عالمان بر تبیین وجوه مختلف جواب، طرد و راندن سائل را منتفی می‌کند.

حجت الاسلام فرج‌اللهی در پایان، ضمن تأکید بر استقبال و پذیرش مطالب استاد سبحانی از جانب اهل سنت گفت: علت استقبال زیاد اهل سنت از آثار ایشان را می‌توان در دو عامل دانست: ادب و احترام و استفاده از خود منابع اهل سنت در استناد و پاسخ‌دهی. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب «مفاهیم القرآن» اشاره کرد که مطالب مورد بحث در بعضی از آیات، دارای این ویژگی است که استنادات به کتب اهل سنت بیشتر از استنادات به کتب شیعه در آن است. نمونه چنین کارهای متقنی را در آثار علامه امینی هم مشاهده می‌کنیم که در کتاب «الغدیر» با استنادات به منابع اهل سنت، موضوع امامت را به روشنی بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که در مجموعه یازده جلدی «الغدیر»، حتی یک حدیث هم از منابع شیعه، آورده نشده است.



استاد سبحانی در امر نظم و حضور به موقع در کلاس‌ها، بسیار دقیق هستند و همیشه کلاس‌های استاد، بدون تأخیر و در زمان از پیش تعیین شده برگزار می‌شود و بالتبع از شاگردان و حضار هم این انتظار را دارند که به موقع در کلاس حاضر شوند





عباس سلیمی:

استاد سبحانی با منطق قوی، مقامات وهابی را ناگزیر به پذیرش درخواستش می‌کرد

این است که به موازات خلوص نیت ملت بزرگوار ما عوامل تفرقه که عمدتاً در استکبار و صهیونیسم خلاصه می‌شوند، به علاوه افراد برخوردار از تفکرات قشری، همواره درصدد ایجاد اختلاف و تفرقه در بین مذاهب مختلف اسلامی بودند.

وی ادامه داد: به عبارت دیگر از یک سو عشق و علاقه مردم ما به قرآن و اهل بیت (ع) و از طرف دیگر تلاش مذبح‌حانه دشمنان که می‌خواستند ملت ما را افرادی بیگانه با قرآن نشان دهند، شرایط خاصی را در برهه قبل از انقلاب اسلامی ایجاد کرده بود. در این شرایط بود که به همت مؤسسه دارالتحقیق قرآن کریم، که از سال ۱۳۵۰ تشکیل شده بود و ارتباط خوبی با گروهی از اعضا و اساتید بزرگ مانند آیات عظام سبحانی و مکارم شیرازی داشتند، جلسات خوبی در مسجد امام حسین (ع) واقع در میدان امام حسین (ع) داشتیم که برخی از این محافل قرآنی با عنوان «مجمع دین و دانش» هم برگزار می‌شد.

سلیمی گفت: این نام‌گذاری‌ها را نباید با فرهنگ حاضر که حاصل سه دهه تلاش انقلاب اسلامی است مقایسه کرد. نام‌گذاری جمعیتی با عنوان «دین و دانش»، در شرایطی بود که آمریکا شاه را که یکی از عوامل خود بود با نام ژاندارم منطقه، بر ایران حاکم کرده بود و کلیه اقدامات فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشور تحت نظارت مقامات این کشور اداره می‌شد و بنا نبود که فضایی برای ارائه مفاهیم اسلامی باقی بماند.

وی تصریح کرد: در آن زمان ایجاد جلساتی در بامداد هر آدینه، در مسجد امام حسین (ع)، تحت عنوان «دین و دانش» و حضور جوانان و مردم متدین و قرآنی و حضور یکی از این دو عالم، به عنوان سخنران این

آیت‌الله العظمی سبحانی با وهابی‌های تندرو و خشن و بی‌منطق و معاند که اساساً صرف شیعه بودن را گناهی نابخشودنی می‌دانستند با تواضع محض و فروتنی و چهره گشاده و با کلام زیبا، همراه با صبر و شکیبایی آمیخته با استقامت، برخورد می‌کرد. این مرجع عالیقدر با منطق قوی و بدون تعصب و مبتنی بر فطرت و عقل و علم، مقامات وهابی را ناگزیر به پذیرش درخواستش می‌کرد.



عباس سلیمی، استاد پیشکشوت و قاری بین‌المللی قرآن و معاون روابط عمومی و امور بین‌الملل آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، درباره اعزام اولین کاروان قرآنی ایران به سرزمین وحی، که آیت‌الله العظمی سبحانی سرپرستی آن را بر عهده داشت، گفت: در ابتدا باید به دو نکته اشاره کرد: ملت بزرگ ایران از دیر باز و از آغاز حضور

اسلام در این سرزمین مقدس عشق و علاقه وافری به قرآن کریم و اهل بیت (ع) داشتند و هویت برجسته ایرانیان در این زمینه، نشانه درک و فهم عمیق آن‌ها از مکتب توحید و آخرین کتاب الهی، قرآن کریم است.

وی افزود: درباره این مسئله تفاوتی نیست که در چه عصر و زمانی باشد. تاریخ به ما نشان می‌دهد که حتی در زمانی که حکومت‌های جور

و ستم و یا بعضاً حکومت‌های ضد دینی بر این سرزمین حکومت می‌کردند، آباء و اجداد و نیاکان ما به خاطر علاقه‌ای که به اسلام داشتند، در این راه مجاهدت کردند و ارتباط خود را با کتاب وحی و اهل بیت (ع)، با مجاهدت و مبارزه و تحمل شدائد و مشقت‌ها، حفظ کردند. دومین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد،



جناب استاد سبحانی با توجه به علاقه‌ای که از گذشته به قرآن داشتند و دقتی که در مفاهیم کاربردی قرآن داشتند، برخوردار از ویژگی‌های متعدد و برجسته اخلاقی هستند که در صدر آن‌ها دو ویژگی برجسته وجود دارد: حسن خلق و حوصله و شکیبایی





جلسات، یک حرکت فرهنگی بسیار تأثیرگذار بود که شاید به خاطر نابخردی عوامل رژیم گذشته، نمی توانستند درک کنند که این محافل، چه آثار بلندمدت فرهنگی ای در پی دارند.

وی خاطر نشان کرد: از میان این جلسات دارالتحفیظ، مسابقه قرآنی تشکیل داده شد که افراد از سراسر کشور و از اقشار مختلف، در این مسابقه شرکت کردند و بیست نفر به عنوان افراد راه یافته به مراحل بعدی انتخاب شدند. در بین این افراد از نوجوانان عزیزی که هم اکنون مایه افتخار جامعه قرآنی هستند، تا بزرگوارانی که جزو کسبه بازار بودند، حضور داشتند. در این میان اساتید بزرگوار قرآنی، کسانی همچون استاد موسوی بلده حضور داشتند. من هم در آن زمان در خدمت سربازی در نیروی هوایی و در کسوت همافر بودم. باید گفت افراد حضور یافته در این کاروان یک بافت خاص اجتماعی را تشکیل می دادند که در طول این سی سال دوباره تکرار نشد؛ چه از نظر میزان اعتقادات و آشنایی با معارف و چه از نظر رده های مختلف سنی. این جمع بعد از مراحل که در همان مسجد انجام شد و پس از ملاقات با مراجع عظام تقلید در آن زمان و کسب راهنمایی و مشورت از آن بزرگان، با نظارت و سرپرستی آیت الله العظمی سبحانی و حضور آقای سلطانی، مدیر مؤسسه دارالتحفیظ و حضور استاد با اخلاص، حاج بیوک محمدی، عازم سرزمین مقدس مکه و مدینه شدند.

معاون روابط عمومی و امور بین الملل آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تأکید کرد: این گروه را می توان اولین گروه قرآنی تشیع نامید. در آن زمان بعضی از برخوردارهای نابخردانه عناصر تندروی وهابی، به دلیل عدم شناخت و القائات دشمنان، با این گروه صورت می گرفت و با عناوین نامناسب و قبیحی ما را مورد

خطاب قرار می دادند و حتی ابایی نداشتند که در خیابان هم با همین عناوین این گروه را مورد خطاب قرار دهند. بی اطلاعی و عناد آن ها تا حدی بود که ما را با عناوینی مثل مجوسی، کمونیست، پیروان یهود و ... خطاب می کردند. در ذهن محدود و تنگ آنان هرگز تصور نمی شد که جمع نورانی بیست نفره اعضای کاروان، جزو بهترین قاریان و تالیان قرآن کریم در سرزمین نزول وحی باشند. با توجه به همین بحث باید یادآور شد که طبق فرموده یکی از بزرگان، قرآن کریم، باشکوه و عظمت در عربستان نازل شد، به زیبایی تمام در مصر قرائت شد، اما با عظمت و شکوه مضاعفی به آن در ایران عمل شد و شهیدان انقلاب اسلامی، حاصل این روند قرآنی هستند.

این کارشناس قرآنی یادآور شد: پس از ورود این هیئت اعزامی به عربستان، فضای مناسبی برای تلاوت قرآن ایجاد شد؛ اما بر خوردهای مستبدانه عناصر مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، اجازه بهره وری از این فضا را نمی داد. اولین تدبیر حضرت آیت الله سبحانی، در این ماجرا این بود که در یک بامداد هر کدام از عزیزان در گوشه ای، به تلاوت قرآن بپردازند. ناگفته نماند در مسجد النبی (ص) حلقه تلاوت قرآنی بود که استادی از اهل مدینه، نوبت و مجال قرائت قرآن را به قاریان ایرانی نمی داد و از همان ابتدا با دید انکار می گفت که شما ایرانیان که اهل قرائت قرآن نیستید و وقتی قاریان ما قرآن تلاوت می کردند، بسیار شگفت زده می شد. با شروع تلاوت اعضای کاروان ما، چه به شیوه ترتیل و چه به شیوه تحقیق، بهت زده می شد. به هر حال با تلاش و تدبیر آیت الله سبحانی و اعضای گروه، اولین بار شاهد برگزاری حلقه قرائت قرآن توسط شیعیان ایرانی در صحن مسجد النبی (ص) بودیم.

این قاری بین المللی اظهار کرد: عین

بیشتری داشته باشد.

وی در مورد تدبیر آیت‌الله‌العظمی سبحانی و کسب اجازه و رضایت مقامات سعودی برای اجرای برنامه توسط قاریان ایرانی گفت: هر یک از بزرگان تاریخ چه در مقوله ادیان و چه در زمینه مسائل سیاسی در آغاز مأموریت و اعلام آن، یک شعار محوری و اساسی انتخاب می‌کنند. شعار اصلی پیامبر اکرم (ص) این بود که «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»؛ به عبارت دیگر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با ویژگی حسن خلق برای تحقق اهداف الهی، مأموریت خود را آغاز کردند. به

همین خاطر است که قرآن به او می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با

آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)؛ یعنی اگر رهبر یک گروه، فرد خشن، بداخلاق و تند گفتار باشد، اطرافیان او پراکنده می‌شوند، به همین خاطر خداوند مدال جاودانه «خلق عظیم» را به پیامبر گرامی اسلام (ص) اهدا کرد: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خوبی والا است.» (سوره قلم، آیه ۴) ویژگی بارز پیامبر اسلام (ص)، حسن خلق و برخورد مناسب با افراد است. پیامبر گرامی (ص) بهترین تفسیر انفسی قرآن کریم بود که دستور خدا را مبنی بر این امر، رعایت فرمود و با مردم زیبا سخن گفت: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید.» (سوره بقره، آیه ۸۳)

معاون روابط عمومی و امور بین‌الملل آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تأکید کرد: جناب استاد سبحانی با توجه به علاقه‌ای که از گذشته به قرآن داشتند و دقتی که در مفاهیم کاربردی قرآن داشتند، برخوردار از ویژگی‌های متعدد و برجسته اخلاقی هستند که در صدر آن‌ها دو ویژگی برجسته وجود دارد: حسن خلق و حوصله و شکیبایی. آیت‌الله‌العظمی سبحانی با این افراد خشن و بی‌منطق و معاند که اساساً صرف شیعه بودن را گناهی نابخشودنی می‌دانستند، با تواضع محض و فروتنی و چهره گشاده و با کلام زیبا، همراه با صبر و شکیبایی آمیخته با استقامت، برخورد

همین ماجرا در شهر مکه و مسجد الحرام رخ داد که ابتدا با مقاومت شرطه‌ها و مأمورین مواجه می‌شدیم، ولی بعد از استماع قرائت ما، حتی در جلسات هم به‌طور مستمر حضور می‌یافتند. نکته بسیار جالب این بود که مسلمانان سایر کشورها وقتی به این حلقات می‌رسیدند، با تعجب جمع را نگاه می‌کردند و تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و می‌پرسیدند که شما از کدام کشور عربی هستید؟ وقتی پاسخ می‌دادیم از ایران هستیم باور نمی‌کردند و پافشاری و اصرار داشتند که ما یا از یمن یا از تونس و یا از یکی از کشورهای عرب‌زبان آفریقا هستیم!

وی تصریح کرد: این جلسات باعث شد که با تلاش مسئولین محترم گروه، به مدرسه «ابی‌ابن‌کعب» در مکه مکرمه دعوت شویم تا در حضور اساتید و قاریان آن‌ها جلسات قرآنی برگزار شود و در این محافل آیت‌الله‌العظمی سبحانی استفاده‌های خوبی از بیان مطالب علمی و رفع اتهامات علیه شیعه کردند. این گروه در بین شیعیان نخواستند در مدینه هم جلسه قرآنی برگزار کرد. این شیعیان در آن روزگار، در وضعیت اقتصادی بسیار اسف‌باری زندگی می‌کردند. با حضور و دیدار شیعیان ایرانی، نور امید یک بار دیگر در دل‌های این شیعیان زنده شد. در مجموع این حرکت، حرکت قرآنی بسیار خوب و بسیار دقیق و حساب‌شده‌ای بود که اولاً باعث رفع اتهام از چهره شیعه تحت عنوان بیگانگی با قرآن شد و ثانیاً خط‌شکنی مهمی را صورت داد تا گروه‌های بعدی بتوانند به تلاوت قرآن در این اماکن شریفه بپردازند.

این استاد پیشکسوت قرآنی ادامه داد: هر سال در موسم حج تمتع، کاروان قرآنی قاریان ایرانی در صحن مقدس مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و در محافل بین‌المللی، کنگره‌ها و همایش‌ها، بعثه‌های سایر بلاد اسلامی و کاروان‌های زائران ایرانی برنامه اجرا می‌کنند و چهره سرافراز ایران اسلامی را به نمایش می‌گذارند که بار مسئولیت سنگینی برای جامعه قرآنی کشور دارد تا این مسیر را ادامه دهند و امید است این حرکات، حساب‌شده‌تر و با اهداف و پیامدهای مثبت کارشناسی شده فرهنگی بتواند دست‌آوردهای



کرد. با شنیدن «بسم الله الرحمن الرحيم» حالت صورت و حرکاتش عوض شد، با تلاوت اولین آیه، پاهای خود را جمع کرد و از حالت لمبیده، مؤدب نشست. با تلاوت آیات بعدی نشان داد که مایل به ختم تلاوت نیست و با تلاوت آیات بعدی آثار محبت و ابراز ارادت در حالتش نمایان شد. بعد از اتمام تلاوت

فهمید که اشتباه کرده است. این رخداد، عظمت و اعجاز قرآن کریم است که انسان را اینگونه تسخیر می‌کند، و ملتفت شد که دیگران هم می‌توانند قرآن را به زیبایی تلاوت کنند و با گذشت شصت سال از عمر خود و به عنوان عرب متولد مکه، هرگز نمی‌تواند مانند این نوجوان ده ساله؛ یعنی استاد پرهیزگار که در آن زمان کودکی ۱۰ ساله بودند، قرآن را تلاوت کند، به طوری که همه قوانین وقف و ابتدا، با رعایت صحت قواعد تجویدی، صوت و لحن مناسب و لحن گیرایی که مفاهیم را منتقل کند، در آن پدیدار باشد.

این قاری بین المللی قرآن افزود: البته وقتی به مرور زمان اخلاق و متانت اعضای گروه و صداقت و دیانت آن‌ها را دیدند، قلب آنان نیز تدریجاً نسبت به ما گرم شد به طوری که هنگام خداحافظی حاضر به جدایی از ما نبودند و مایل بودند این سفر ادامه پیدا کند. استاد سبحانی در آن سفر به این شیوه عمل می‌کرد و بعد از ارائه نمونه عملی، راه را بر آن‌ها می‌بست. در آن ایام غیر از جلسات و محافل قرائات که توسط خود مقامات سعودی برگزار می‌شد، هیچ جلسه قرآنی دیگری از سایر کشورها در مسجد الحرام وجود نداشت. وقتی که حجاج سایر کشورها از فاصله حدود ۵۰ یا ۶۰ متری تلاوت زیبای قرآن را می‌شنیدند که نه در وقت اذان بود و نه مسبوق به سابقه، توجه آن‌ها جلب می‌شد و مسلماً هر مسلمانی را با آن شرایط روحانی؛ یعنی در لباس احرام و در کنار خانه خدا، به خود جذب می‌کرد و با کنجکاوی به دنبال این بودند که منشأ این صدرا بیابند. وقتی که آن‌ها این حلقه قرآنی جوانان را می‌دیدند، بعضاً حدود ده دقیقه کاملاً ایستاده نگاه می‌کردند و در درون خود می‌اندیشیدند که این افراد از کجا هستند و آیا می‌شود که در مسجد الحرام غیر از طواف و نماز، آیات قرآن را هم به زیبایی زمزمه کرد؟ چرا تاکنون این جلسات نبوده است؟ چرا تاکنون به سایر کشورها این اجازه داده نشد که مراسم قرآنی اجرا کنند.

این پیشکسوت قرآنی در پایان خاطرنشان کرد: این افراد بعد از دقایقی آرام در کنار ما می‌نشستند و هنگام قرائت، قطرات اشک از دیدگان آن‌ها سرازیر بود و بعد از اتمام جلسه و دعای مرحوم استاد محمدی که همواره با این فراز آغاز می‌شد که: «اللهم نور قلوبنا بالقرآن»، این حجاج تمام قاریان ما را در آغوش می‌گرفتند و از آن‌ها التماس دعا داشتند. حضور همین کاروان شیعیان ایرانی، باعث شادی شیعیان مکه و مدینه شد و منجر به این مسئله شد که بار دیگر با اعتماد به نفس اوضاع را دگرگون کنند که امروزه امیدواری را در صفوف نماز جماعت در مسجد شیعیان در مدینه منوره مشاهده می‌کنیم. بنابراین قرآن می‌تواند هم باعث شکوفایی و وحدت جوامع شیعی شود و هم می‌تواند فراتر از آن در سطحی وسیع‌تر باعث وحدت امت اسلامی گردد.

می‌کرد. آن‌ها در اولین دیدار حتی تمایل نداشتند که با یک عالم شیعی هم‌کلام شوند. اوضاع آن روز مانند روزگار کنونی نبود که همه جهانیان متوجه عظمت مسلمانان ایران شده‌اند؛ بلکه در آن دوران به خاطر حاکمیت رژیم شاهنشاهی و سلطه آمریکا و اسرائیل بر منابع ایران و مظلومیت شیعیان، کسی شیعیان را مورد توجه قرار نمی‌داد.

سلیمی افزود: با تمام این موارد استاد سبحانی با اعتماد به نفس بسیار بالا و با توکل به خدا و شکیبایی، این شرایط را تحمل می‌کردند و شاید دقیق ممتد طولانی مقدمه چینی می‌کردند تا آن‌ها جواب سلام ما را بدهند. شیوه دیگر استاد سبحانی، استدلال‌های منطقی ایشان بود که همواره با پرهیز از خطوط تفرقه، بر محورهای مشترک تکیه می‌کرد. وقتی ایشان با مسئولین حرم نبوی (ص) و مسجد الحرام سخن می‌گفتند، بیان می‌کردند که ما نقاط مشترک زیادی مانند خدای واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد داریم و این گفته‌ها در مقامات سعودی تأثیر می‌گذاشت.

این مرجع عالیقدر با منطق قوی و بدون تعصب و مبتنی بر فطرت و عقل و علم، مقامات وهابی را ناگزیر به پذیرش درخواستش می‌کرد. من معتقدم حتی زمانی که مقامات سعودی موافقت خود را با شروط فراوان، برای برگزاری محافل اعلام می‌کردند، باز هم قلباً ناراضی بودند، اما در برابر اخلاق و شکیبایی استاد سبحانی تسلیم می‌شدند و این اجازه را می‌دادند.

وی درباره اولین دیدار آیت الله العظمی سبحانی با مقامات مسئول حرمین شریفین گفت: این مقامات به دلیل باورهای نادرست خود بسیاری از سخنان مستدل استاد سبحانی را با نیش خندهای زهرآگین پاسخ می‌دادند. از نظر آنان محال بود که عجم، قرآن را صحیح و زیبا تلاوت کند و این موارد را حمل بر فخر فروشی می‌کردند. البته غیر از ملیت‌هایی مانند مصر و بعضی از کشورهای عربی و عمدتاً اهل تسنن، بسیاری از مسلمانان نمی‌توانند قرآن را با فصاحت تلاوت کنند. این نعمت را خداوند ارزان و بی‌حکمت به همگان نداده است. در بین کشورهای عربی، بعضاً نمی‌توانند قرآن را آنگونه که مورد تأیید کرسی‌های قرائت مصر است، قرائت کنند که به طریق اولی در آفریقا، آمریکا، اروپا و خاور دور این مشکل دیده می‌شود. مثلاً، در جمعیت میلیاردری چین، بسیار انگشت‌شمار می‌توانند قرآن را به عربی تلاوت کنند. لذا از این نظر مسئولان وهابی باور نمی‌کردند که ایرانیان غیر عرب‌زبان، بتوانند اینگونه قرآن را تلاوت کنند. بهترین کار در ابطال این فکر، این بود که نمونه عملی مثال نقض را فی المجلس نمایش دهیم. به همین خاطر استاد سبحانی، بعد از مخالفت مقامات سعودی به آن‌ها گفت که نظر آن‌ها را مبنی بر عدم اجازه به کاروان ایرانی برای تلاوت، می‌پذیرند، ولی از آن‌ها خواست که فی المجلس قاریان برای آن‌ها قرآن قرائت کنند.

سلیمی خاطرنشان کرد: طرف مقابل هم گمان کرده بود که این گروه با خواندن چند آیه، از برگزاری این جلسات منصرف می‌شوند و به ایران بازمی‌گردند. اما همین که اولین آیه قرائت شد همان فرد بی‌اعتنای لمبیده، که فرهنگ و ادب لازم را نداشت، با شنیدن استعاذه قاری، نگاهش تغییر



مسئول فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی:

تألیفات متعدد استاد سبحانی، حاکی از روحیه خستگی‌ناپذیر ایشان است

آموزنده باشد. وی یادآور شد: اولین آشنایی من با آیت‌الله سبحانی مربوط به حدود سال ۱۳۴۲ است که همکاری خود را با دفتر نشریه مکتب اسلام آغاز کردم. در این زمینه باید یادآور شد که نشریه «مکتب اسلام» در فکر انقلابی و اندیشه‌احیای تفکر دینی در ایران نقش به‌سزایی بر عهده داشته است و این مهم با تلاش نویسندگان و بزرگان هیئت تحریریه این نشریه فراهم شد.

وی ضمن تأکید بر سجایای اخلاقی این مرجع عالیقدر گفت: ایشان انسانی باتقوا و خدا‌باور و معتقد به مبانی دین و تلاشگری خستگی‌ناپذیر در تبیین معارف الهی است و شخصی فوق‌العاده پرتلاش و زحمتکش هستند که همواره عمر خویش را برای شناخت و شناساندن و نشر معارف دین اسلام صرف کرده‌اند. بهترین دلیل برای اثبات این مدعا، مجموعه متعدد تألیفات این بزرگوار در رشته‌های مختلف مانند عقائد دین، تفسیر قرآن، بررسی و غور در روایات اسلامی، فلسفه اسلامی و فلسفه غرب، رجال و

مجموعه متعدد تألیفات آیت‌الله‌العظمی سبحانی در رشته‌های مختلف؛ مانند عقائد، تفسیر، رجال و فلسفه، حاکی از روحیه خستگی‌ناپذیر ایشان است.



حجت‌الاسلام و المسلمین «کامل خیرخواه»، پژوهشگر و مسئول فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی، درباره شخصیت علمی استاد سبحانی، گفت: آیت‌الله‌العظمی سبحانی مصداق کامل این آیه است که می‌فرماید: «رَجَالٌ لَّا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ: مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد» (سوره نور، آیه ۳۷) موضوع سخن درباره شخصیتی فرهیخته‌ای مانند آیت‌الله‌العظمی سبحانی می‌تواند از موضوعات جالب و ارزشمند محسوب شود که برای همگان مخصوصاً جویندگان راه حق و حقیقت و افرادی که در صراط‌تعلیم و تعلم قدم برمی‌دارند، سازنده و

اسلام و جنگ‌های این دوره می‌نگاشتند که با استقبال زیاد مخاطبین روبه‌رو شده بود. قلم آیت‌الله سبحانی و نحوه نگارش ایشان و همچنین معادل‌سازی اصطلاحات قدیمی با مضامین امروزی تأثیر زیادی در این امر داشته است و تاریخ اسلام را بسیار جذاب و شیرین کرده بود، به‌گونه‌ای که



سایر موضوعاتی است که در حوزه به صورت رسمی یا غیررسمی تدریس می‌شود و در همه این حوزه‌ها با کمال جدیت ورود کردند و با تسلط کامل به این موضوعات پرداختند.

وی خاطرنشان کرد: من شخصاً افتخار تلمذ در محضر درس ایشان را نداشتم، اما با این وجود ضمن سمت استادی، رابطه ما فراتر از این بود و به مرحله دوستی و

خوانندگان این مقالات، می‌توانند جزئیات وقایع را تصور کنند.

وی ضمن بیان تطبیقات اصطلاحات تاریخی با فنون جنگی افزود: استاد سبحانی شرح مبارزه سپاه صدر اسلام با کفار را به گونه‌ای تصویر می‌کردند که خواننده گمان می‌کرد در قلب لشکر حضور دارد. استفاده و تطبیق واژگانی مانند میمنه، میسر، تاکتیک جنگی و تنظیم لشکر با واژگان روز بر جذابیت این موضوع بسیار می‌افزود. به اعتقاد من از کارهای برجسته ایشان، که آیت‌الله سبحانی را در تاریخ علم و فقهت و دروس متداول حوزه جاودانه می‌کند، تأسیس مؤسسه امام صادق (ع) و مجله تخصصی کلام اسلامی است که علاوه بر تربیت شاگرد،

جزو آثار ماندگار ایشان محسوب می‌شود.

خیرخواه ضمن بیان استقبال از آثار استاد سبحانی در جوامع علمی اهل سنت اظهار کرد: شخصیت استاد سبحانی در میان اهل سنت و حتی منتقدان مذهب شیعه، بسیار برجسته و چشمگیر است. در حوزه، فقها و مجتهدان زیادی در زمینه حدیث، فقه، اصول و کلام وجود

شخصیت استاد سبحانی در میان اهل سنت و حتی منتقدان مذهب شیعه، بسیار برجسته و چشمگیر است. در حوزه، فقها و مجتهدان زیادی در زمینه حدیث، فقه، اصول و کلام وجود دارند، ولی کمتر کسی مانند جامعیت این مرجع عالیقدر وجود دارند

کسی مانند جامعیت این مرجع عالیقدر وجود دارند. معمولاً افرادی که به مراسم حج مشرف می‌شوند و با وهابیان افراطی و تندرو از نزدیک آشنا می‌شوند، لزوم مبارزه با افکار انحرافی این گروه را درمی‌یابند. خود من هم قبل از اولین تشرف به این اماکن متبرکه، ضرورت این اقدام خیلی برایم ملموس نبود. اما آیت‌الله سبحانی حتی سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی، در این زمینه فعالیت می‌کردند.

این پژوهشگر در پایان ضمن تقدیر از خدمات و آثار ارزشمند استاد سبحانی اذعان کرد: با بررسی خطر بزرگ وهابیت برای تمامی جهان اسلام، دشمن‌شناسی و ارزش خدمات آیت‌الله سبحانی بیش از پیش آشکار می‌شود. این خدمات نشان‌دهنده علاقه ایشان به مکتب تشیع، امر تدریس و تبیین معارف دین است.

همکاری رسیده بود و این رابطه از زمانی آغاز شد که به صورت رسمی در اعضای هیئت تحریر نشریه «مکتب اسلام» شروع به همکاری کردم.

وی راجع به همکاری خود با آیت‌الله العظمی سبحانی افزود: در بخش تحریریه این نشریه و در زمینه تحقیق و پژوهش راجع به موضوعات اسلامی، از آن زمان تاکنون افتخار همکاری با بزرگوارانی همچون آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، علامه شهید مطهری، آیت‌الله العظمی نوری همدانی، امام موسی صدر، مرحوم جزائری و سایر بزرگان را داشته‌ام.

خیرخواه یادآور شد: البته قبل از این همکاری با دفتر

نشریه، آیت‌الله سبحانی را در ادوار می‌شناختم، زیرا

دروس ایشان در قم به خاطر تعداد آن‌ها، شهرت داشت و حتی در همان زمان هم طلاب و علاقه‌مندان زیادی با پشتکار و جدیت در کلاس درس ایشان شرکت می‌کردند و عموماً از عمق درس‌های ایشان در فقه و اصول و فلسفه و تفسیر صحبت می‌کردند.

این نویسنده تصریح کرد: ایشان در هر علمی که

وارد می‌شدند، همراه با تحقیق و پژوهش بود به گونه‌ای که قدر موضوع مورد کنجکاوی و بحث را به درستی درمی‌یافتند و به اندازه کافی برای گسترش و تبیین آن‌ها تلاش می‌کردند.

به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های تفسیر موضوعی ایشان اشاره کرد.

این محقق خاطرنشان کرد: وقتی استاد سبحانی مشغول نگارش تاریخ اسلام و تاریخ جنگ‌های حضرت رسول اکرم (ص) بودند، این مقالاتشان به تدریج چاپ می‌شد، به خوبی به یاد دارم که این مطالب انعکاسی زیادی در بین خوانندگان داشت.

این نویسنده و پژوهشگر دینی، درباره استقبال از مقالات تاریخی استاد سبحانی در نشریه «درس‌هایی از مکتب اسلام» عنوان کرد: در اوائل تأسیس این نشریه، ایشان مقالات جذابی را از تاریخ اسلام و به خصوص تاریخ صدر



سید محسن موسوی بلده:

رفع اتهام بیگانگی شیعیان با قرآن ثمره اعزام ما به مکه تحت سرپرستی استاد سبحانی بود

رفع اتهام بیگانگی شیعیان با قرآن، یکی از ثمرات اعزام اولین کاروان قرآنی ایران به سرزمین وحی، به سرپرستی آیت‌الله العظمی سبحانی بود.



«سید محسن موسوی بلده»، استاد و پیشکسوت قرآنی، درباره اعزام اولین کاروان قرآنی ایران به سرزمین وحی، که آیت‌الله العظمی سبحانی سرپرستی آن را بر عهده داشت، گفت: در سال ۱۳۵۶، در مسجد امام حسین (ع)، واقع در میدان امام حسین (ع)، یک مسابقه قرآنی بزرگ برگزار شد که هدف آن، تعیین گروهی برای اعزام به مکه معظمه و مدینه منوره و اجرای برنامه‌های قرآنی در قالب گروه‌های مردمی بود. اواخر زمستان این مسابقه برگزار شد و حدود ۲۰ نفر از آن‌ها انتخاب شدند. این افراد در رده‌های سنی مختلفی بودند و در میان آن‌ها افراد میان‌سال و در رده سنی کودکان، استاد شهریار پرهیزگار حضور داشتند که در آن زمان تقریباً ۱۱ ساله بودند. از این افراد یک کاروان قرآنی تشکیل شد و در نوروز همان سال یعنی سال ۱۳۵۷ به همراه این گروه به سرزمین وحی اعزام شدیم.

وی افزود: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مقامات و مسئولین به این گروه‌ها و سایر کاروان‌های قرآنی که در سال‌های بعد اعزام شدند، حساس شدند. این حرکت در قرون اخیر، حرکتی بی‌سابقه بود که عده‌ای از شیعیان و حفاظ و قاریان قرآن به مکه بروند و در آن‌جا به اجرای برنامه‌های قرآنی بپردازند. اقامت ما در آنجا حدود دو هفته به طول انجامید و در بیت‌الله الحرام هر شب بعد از اقامه نماز عشاء، تعداد جلسات قرآنی زیادی برگزار می‌شد و اساتید مختلفی به اجرای محافل قرآنی اقدام می‌کردند. آیت‌الله العظمی سبحانی سرپرستی این گروه قرآنی را به عهده داشتند و به زبان عربی، کاملاً مسلط بودند.

استاد موسوی بلده اذعان کرد: به عبارت دیگر ایشان هم مدیر کاروان بودند و هم نقش سخنگورا برای اعضای گروه داشتند. اولین قدم این بود که در ملاقاتی با امام جماعت مسجد الحرام، اجازه اجرای برنامه‌های قرآنی را کسب کنیم. وقتی که در دفترش با او ملاقات کردیم، وی حالت محترمانه‌ای به خود نگرفته بود و نیمه خوابیده تکیه داده بود. آیت‌الله سبحانی که در آن دوران، میان‌سال بودند، برای وی توضیح می‌دادند که

این کاروان از شیعیان ایران هستند و از باب مودت و ایجاد وحدت اسلامی، قصد دارند در مسجد الحرام به تلاوت قرآن بپردازند؛ ولی مقامات با آوردن بهانه‌های مختلف، از اجازه دادن ابا می‌کردند. در پایان که استاد سبحانی این بهانه‌تراشی آنان را دید، درخواست کرد که در همان جلسه و به عنوان حسن ختام، برخی از اعضای گروه، قرآن تلاوت کنند. در برابر این تدبیر استاد سبحانی، آنان سکوت کردند و پذیرفتند که فقط در همان جلسه قرآن تلاوت شود. استاد پرهیزگار به محض اینکه تلاوت خود را آغاز کرد و «بسم الله الرحمن الرحیم» را قرائت کرد، آن مسئول که تا آن زمان به حالت نیمه خوابیده بود، خود را کمی جمع کرد.

این کارشناس قرآنی گفت: با هر آیه‌ای که تلاوت می‌شد بر حیرت و تعجب او افزوده می‌شد؛ به گونه‌ای که در وسط قرائت کاملاً محترمانه نشست و بعد از اتمام قرائت مدتی سکوت کرد و نتوانست چیزی بگوید و فقط با تکبیر و گفتن ماشاء الله تشویق می‌کرد. سپس آیت‌الله سبحانی، پیشنهاد دادند که یکی دیگر از اعضا از بزرگسالان به قرائت بپردازد و استاد بزرگوار، عباس سلیمی با آن قدرت صدای مثال زدنی، تأثیر مضاعفی بر آن‌ها گذاشت. بعد از اتمام این دو قرائت، آن مسئول با روی باز و با تأکید درخواست کرد که هر شب در مسجد الحرام برنامه اجرا کنیم. در اولین برنامه‌ای که در مسجد الحرام اجرا کردیم جمعیت زیادی دور ما جمع شدند و این در حالی بود که در غیر موسم حج تمتع، در آن زمان مانند حالا تعداد زائران زیاد نبود.

این استاد رشته تجوید خاطرنشان کرد: در شب دوم که بعد از ذکر



امنای مرکز دارالتحقیظ ایران بودند و فعالیت‌های این مرکز در ترویج فرهنگ قرآنی را هم تشریح می‌کردند. در همان سال ۱۳۵۷، یک شب در بیت‌الله الحرام بودم که دیدم جوانی الجزایری که مشغول تحصیل در مکه بود، حدس زده بود که من ایرانی هستم و پیش من آمد و از من پرسید که آیا من اطلاعی از حضور آیت‌الله سبحانی دارم و آیا ایشان امسال به مکه آمده است؟ وقتی من به او گفتم که کاروان ما به سرپرستی ایشان به اینجا آمده است، فوق‌العاده خوشحال شد و اشک شوق ریخت. او به من گفت که من آثار ایشان درباره حقانیت شیعه را مطالعه کردم و اکنون سؤالاتی برای من ایجاد شده است که می‌دانم آیت‌الله سبحانی می‌تواند به این سؤالات پاسخ دهد. همان شب مقدمات دیدار معظم‌له را با آن جوان در حرم فراهم کردم و حدود دو ساعت این جلسه طول کشید و در پایان دیدار ما و لحظه خداحافظی، آن جوان به من گفت که ان‌شاءالله سال بعد اگر به مکه مشرف شدید، من را شیعه خواهید دید.

موسوی بلده در پایان خاطر نشان کرد: این حرکت، اولین نمود اجرای مراسم توسط قاریان ایرانی بود که قبل از آن مسبوق به سابقه نبود و اقدامی خارق‌العاده بود. وقتی ما در مسجد الحرام تلاوت داشتیم، افراد زیادی از ما می‌پرسیدند که ما از اهالی کدام شهر مصر هستیم! و نمی‌توانستند باور کنند که ما عرب زبان نیستیم. نکته قابل توجه این است که با اینکه برای اجرای مراسم قرآن و تلاوت اعزام شده بودیم و هدف اصلی ما رفع اتهام ناروای بیگانه بودن شیعیان با قرآن بود، ولی علاوه بر موفقیت در این رسالت مهم، معارف تشیع هم به علاقه‌مندان منتقل شد. در آن زمان هیچ‌کس نمی‌دانست که ایران، قاری قرآن دارد و این حرکت چشمگیر، مقدمه اعزام گروه‌های بعدی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز شد. البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولین مراسم حج در سال ۱۳۵۸ بود که به همت استاد صبحدل، این افراد انتخاب شدند و در قالب اولین کاروان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجدداً اعزام شدیم.

صلوات برنامه شروع می‌شد، جمعیت بیشتری حاضر می‌شدند و از تمام کشورها حضور می‌یافتند. در دومین شب، یکی از قاریان مصری که هر شب در مسجد الحرام برنامه داشت، جلسه خود را تعطیل کرد و به ما پیوست و تا آخر جلسه، به صورت مداوم گریه می‌کرد و هر شب در جلسات بعدی ما شرکت می‌کرد و با تمام شاگردان خود و با خضوع، کنار ما می‌نشست. در آخرین شب، وی با تک‌تک قاریان ما به گرمی و با ناراحتی خداحافظی کرد و ابراز می‌کرد که چگونه باید دوری این کاروان را تحمل کند. عمده فعالیت‌های گروه ما در مکه بود و استقبال از برنامه‌های ما در مکه، به حدی بود که تمامی جلسات قاریان و اساتید سعودی تعطیل شده بود. آیت‌الله سبحانی هم از این فضای پیش آمده نهایت استفاده را می‌کردند و در رفع سوء تفاهم‌ها و سوء برداشت‌ها، تلاش می‌کردند.

این خادم القرآن متذکر شد: این گروه در دارالتحقیظ مکه، دادگستری مکه و در مدرسه ابی‌ابن کعب هم برنامه داشتند. با همت استاد سبحانی به عنوان سخنگو و مدیر گروه و با تلاش قرائت اعضای این کاروان، این پیام برای همه تبیین شد که شیعیان هرگز با قرآن بیگانه نیستند. در روزهایی که ما در جده بودیم، رادیو سراسری جده در بخش کودک و نوجوان با شه‌ریار پرهیزگار، عباس میرداماد، حسین موسوی که حدود ۱۰ تا ۱۲ ساله بودند، برنامه‌ای با این افراد داشت و صدای این قاریان کودک را ضبط کردند و تا چندین روز صدای این قاریان نوجوان از رادیوی سراسری جده پخش می‌شد. بعدها به خاطر پیروزی انقلاب اسلامی و ترس از خطر نفوذ شیعه، این اقدامات از جانب مقامات سعودی تکرار نشد.

این کارشناس قرآنی درباره استقبال حجاج سایر کشورها از کاروان قرآنی گفت: وقتی که در کنار این تلاوت‌ها زائرین و مقامات تجمع می‌کردند، استاد سبحانی ابتدا اعضا را معرفی می‌کردند و بعد از پرسش مسئولان درباره نحوه آموزشی و یادگیری این گونه قرائت‌ها، استاد سبحانی اهتمام ویژه شیعه را در باب فراگیری قرآن و قرائت آن، یادآوری و فعالیت‌های کاروان اعزامی را بیان می‌کردند، آیت‌الله سبحانی رئیس هیئت



روش‌شناسی تفسیری آیت‌العلمی سبحانی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية:

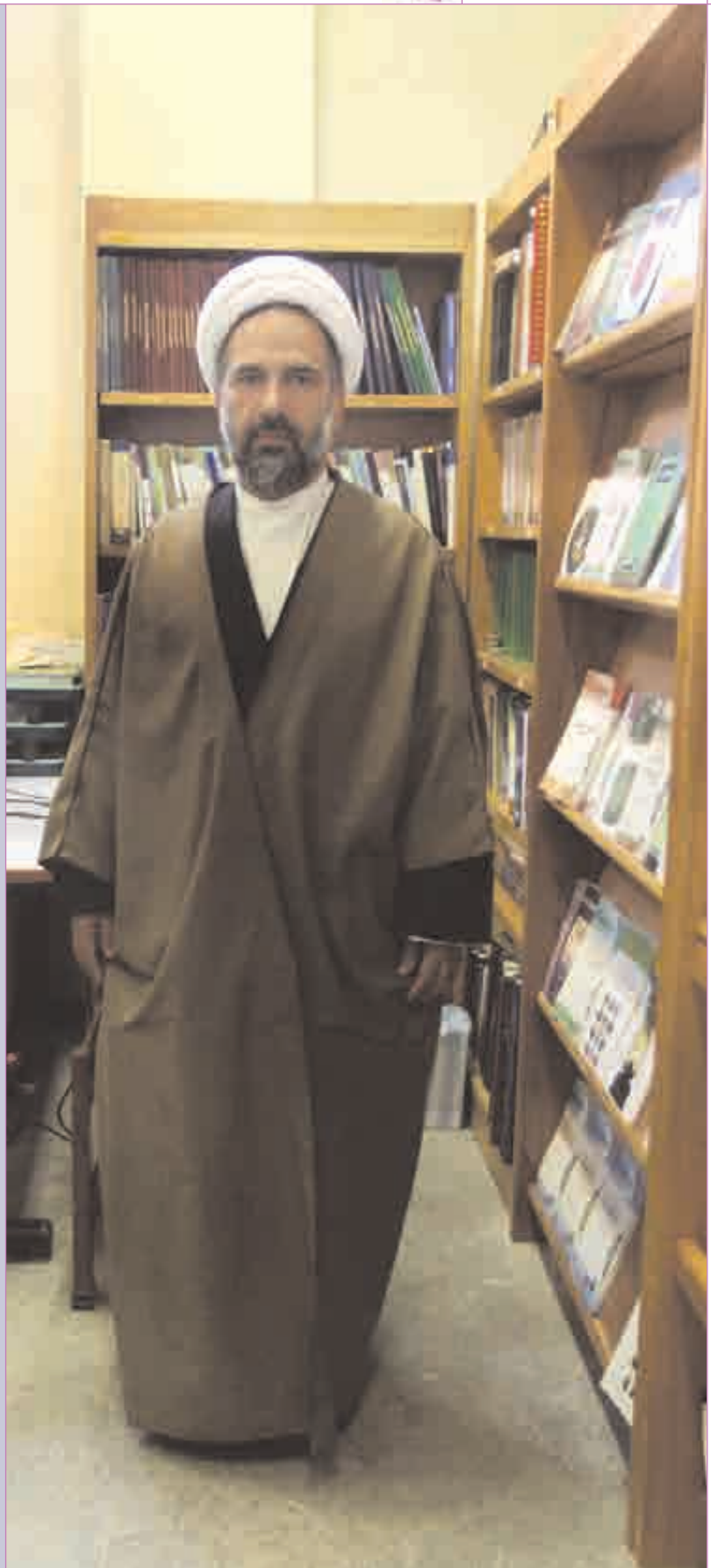
تفسیر آیات متشابه و متناقض نما از ویژگی های منشور جاوید استاد سبحانی است

برخی از مفسران و متکلمان نتوانستند برخی از آیات متشابه را به درستی تفسیر کنند، اما کار بسیار مهمی که در تفسیر منشور جاوید انجام شده است، این است که آیت الله العظمی سبحانی آیات متشابه و به ظاهر متناقض آیات قرآن را براساس مبانی فلسفی، کلامی و عقلی تفسیر کرده اند.



حجت الاسلام و المسلمین «عزالدین رضائزاد»، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية، در مورد شخصیت علمی آیت الله العظمی سبحانی ضمن بیان مطالب فوق گفت: در مورد بررسی ابعاد مختلف زندگی علمی حضرت استاد آیت الله سبحانی، کلام بنده قاصر است، ولی بخش کوچکی از برجستگی های علمی این مرد بزرگ را بیان می کنم. آیت الله سبحانی، تفسیر منشور جاوید را در حالی نوشت که ویژگی های علمی خاصی در ایشان در هنگام تدوین منشور جاوید جمع بود که برخورداری از اطلاعات وسیع فقهی و اصولی، اولین ویژگی است.

رضائزاد در مورد ویژگی های دیگر استاد سبحانی اظهار کرد: دومین ویژگی این است که آیت الله سبحانی در تدوین منشور جاوید به تناسب آیات تاریخی، از پژوهش های تاریخی و سیره ای عمیقی برخوردار بود. سومین ویژگی ایشان مربوط است به تحقیقات ویژه ای که ایشان در علم رجال و درایه داشته اند و لذا این تحقیقات در فهم روایات و استفاده از آن ها در تفسیر منشور جاوید، تأثیرگذار بوده است. چهارمین ویژگی، برخورداری از ادبیات قوی عرب و بهره مندی از آن در تفسیر آیات قرآن و پنجمین ویژگی ایشان تسلط بر قواعد عقلی و کلامی و به کارگیری آن ها در فهم آیات الهی است.



وی هم چنین گفت: آگاهی و احاطه کافی بر فلسفه و منطق، به تناسب مباحثی که در قرآن کریم مطرح می‌شود، بهره‌گیری کافی از این علوم در تفسیر موضوعی و قدرت تحلیل و تطبیق احکام و موضوعات به تناسب مسائل و عناوینی که در تفسیر موضوعی آمده است، ویژگی‌های دیگر آیت‌الله سبحانی در تفسیر قرآن است. ویژگی دیگر تفسیر آیت‌الله سبحانی، به کارگیری صحیح و روش مند احادیث و روایات در تفسیر آیات قرآنی کریم است و اما مهم ترین ویژگی ایشان هم تفسیر آیات متشابه و به ظاهر متعارض آیات قرآن بر اساس مبانی فلسفی، کلامی و عقلی است. وی در همین مورد خاطر نشان کرد: برخی از مفسران و متکلمان نتوانستند برخی از آیات متشابه را به درستی حل کنند، اما کار بسیار خوبی که حضرت استاد در تفسیر منشور جاوید انجام داده اند، این بود که آیات متشابه و به ظاهر متناقض را در بخش تفسیر موضوعی حل کردند. یکی از ویژگی‌های آیت‌الله سبحانی این است که ایشان تأکید به پاسخگویی به شبهات کلامی، اعتقادی و حتی تاریخی و فقهی قرآن، با استفاده از آیات قرآن کریم دارند.

شده است. وی هم چنین خاطر نشان کرد: بخش دیگری از سخنانم مربوط به ویژگی‌های کلامی حضرت استاد است که خوانندگان محترم، مستحضرنند که حضرت استاد ویژگی‌های مختلفی در علوم دارد که من وارد ویژگی‌های فقهی و اصولی و سایر موارد نمی‌شوم و فقط اشاره‌ای کوتاه به اهمی‌کلامی آیت‌الله سبحانی به مسأله کلامی داشته‌اند را بیان می‌کنم. عذوهیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه اظهار کرد: یکی از شاهکارهایی که حضرت استاد در مباحث کلامی انجام داده‌اند و جایس در معمولا در کتاب‌های معاصرین و به طور کلی در میان شیعه به تفصیل خالی بود، کتابی است که در تبیین عقاید فرق و مذاهب کلامی نگاشته‌اند. رضائزاد خاطر نشان کرد: کتاب «بحوث فی الملل و النحل» در ۸ جلد، مفصل ترین کتاب فرقه‌شناسی به زبان عربی است که استاد با نگاهی منصفانه به معرفی مذاهب و عقاید فرقه‌های متعدد اسلامی پرداخته است که با قلمی روان به زبان عربی نگاشته شده است و البته این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است.

وی در مورد پاسخگویی به شبهات در تفسیر منشور جاوید اظهار

کرد: این خصیصه به ویژه در تفسیر موضوعی منشور

جاوید تجلی دارد، که من به عنوان نمونه بارز آن می‌توانم در مجموعه تفسیر موضوعی منشور جاوید به جلد ۵ اشاره کنم که به مسأله عصمت پرداخته شده است. وقتی عناوین کلی این کتاب را ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که از بررسی عصمت در دیدگاه عقل و قرآن شروع کرده تا اینکه می‌رسد به مراحل و دلایل عصمت و هم چنین دست‌آویزهای مخالفان عصمت.

آگاهی و احاطه کافی بر فلسفه و منطق، به تناسب مباحثی که در قرآن کریم مطرح می‌شود، بهره‌گیری کافی از این علوم در تفسیر موضوعی و قدرت تحلیل و تطبیق احکام و موضوعات به تناسب مسائل و عناوینی که در تفسیر موضوعی آمده است، ویژگی‌های دیگر آیت‌الله سبحانی در تفسیر قرآن است

آیت‌الله سبحانی در این جلد آیاتی از قرآن کریم را که در

مورد مسأله عصمت انبیا هم مانند حضرت آدم (ع)، نوح (ع)، یوسف (ع)، موسی (ع)، سلمان (ع)، ایوب (ع) و یونس (ع) مطرح شده و دیگران احیاناً برداشت نادرستی از آن آیات انجام داده‌اند و یا دست‌آویز مخالفان عصمت قرار گرفته، تک‌تک آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. این محقق در فرق و مذاهب اسلامی افزود: با توجه به این‌که آیت‌الله سبحانی تسلط کاملی به مباحث کلامی و فلسفی دارند، مجموعه مباحث عقیدتی مربوط به عصمت انبیا را با دیدگاه شیعه دوازده امامی پاسخ می‌دهند که حدود ۱۰۰ صفحه از همین کتاب را به عصمت امام در قرآن اختصاص داده‌اند. از این نظر می‌خواهم عرض کنم که رویکرد مباحث تفسیری حضرت استاد، با نگاه به مباحث کلامی، عقلی و فلسفی است، به نحوی که در جای جای تفسیر منشور جاوید مشهود است. این یکی از برجستگی‌های کتاب تفسیری حضرت استاد در منشور جاوید است که به عنوان نخستین تفسیر موضوعی قرآن به زبان فارسی نوشته شد و بعد از تدوین این کتاب، در دو دهه اخیر کتاب‌های تفسیری دیگری هم از معاصران اعم از دانشمندان معاصر شیعه و غیرشیعه نوشته

مؤلف کتاب «تاریخ کلام اسلامی» در مورد پیدایش فرقه‌های اسلامی گفت: در طول تاریخ اسلام فرقه‌های کلامی مختلفی به وجود آمده و کتاب‌های گوناگونی از سوی شیعه و غیر شیعه در تبیین این فرق تدوین شده است، لیکن همه آن کتاب‌ها اگر از یک سو دارای امتیازاتی باشند، از سوی دیگر دارای نواقصی نیز هستند که قابل چشم‌پوشی نیست.

این مدرس کلام اسلامی حوزه علمیه قم در مورد نواقصی که در کتاب‌های فرقه‌شناسی موجود است اظهار کرد: عمده ترین نقصی که هر یک از کتاب‌های فرقه‌شناسی دارند، به عدم احاطه علمی نویسندگان نسبت به مذاهب و عقاید دیگر فرق ارتباط می‌یابد.

مؤلف کتاب «کلام تطبیقی» در مورد آفات وارد بر کتاب‌های



آگاهی و احاطه کافی بر فلسفه و منطق، به تناسب مباحثی که در قرآن کریم مطرح می‌شود، بهره‌گیری کافی از این علوم در تفسیر موضوعی و قدرت تحلیل و تطبیق احکام و موضوعات به تناسب مسائل و عناوینی که در تفسیر موضوعی آمده است، ویژگی‌های دیگر آیت‌الله سبحانی در تفسیر قرآن است

فرقه‌شناسی افزود: تعصب و افراط و تفریط‌ها نسبت به رقبا، از آفت‌های وارده بر اکثر کتاب‌های فرقه‌شناسی است. ولی اگر فقیه‌ی عادل و جامع‌الشرایط، در این زمان بتواند با حفظ عدالت و تقوای علمی و با پژوهش و تحقیق، کتابی را درباره معرفی فرق و مذاهب کلامی تدوین کند، بسیار خوب است؛ زیرا جایش در پژوهش‌های کلامی و مباحث علمی خالی است.

این محقق تاریخ کلام اسلامی در مورد ویژگی‌های کتاب «بحوث فی الملل و النحل» خاطرنشان کرد: حضرت استاد کتاب «بحوث فی الملل و النحل» را در ۸ جلد نوشته است که دارای ویژگی‌های خاصی است، از جمله؛ مفصل‌ترین کتاب فرقه‌شناسی به زبان عربی است که تاکنون منتشر شده است. ویژگی دیگر این کتاب آن‌که عدالت و انصاف در معرفی فرقه‌ها در آن رعایت شده است. ویژگی سوم این کتاب این است که سعی شده است از منابع معتبر فرق اسلامی در تدوین این کتاب استفاده شود؛ یعنی در معرفی این فرقه‌ها از منابع اصیل خودشان استفاده شده است. ویژگی چهارم این کتاب این‌که در تدوین آن، از تنوع و تکثر منابع و مآخذ و مصدرها استفاده شده است و با توجه به این استفاده متعدد و متکثر از منابع، متوجه می‌شویم که این کتاب در حقیقت مقایسه و مقارنه کلامی و عقایدی فرق و مذاهب اسلامی است.

مؤلف کتاب «صلاة الجمعة» افزود: نکته دیگر این‌که در این کتاب مبانی اعتقادی، دانشمندان مکاتب و تاریخ این فرق معرفی می‌شود و نکته دیگر آن‌که آیت‌الله سبحانی مهم‌ترین نقاط کلامی و اعتقادی فرق را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. آیت‌الله سبحانی به خاطر این‌که کسانی که الآن فرقه‌های گذشته را مورد مطالعه قرار می‌دهند، با زمینه‌های پیدایش، رشد، گسترش و یا حذف و نابودی فرق گذشته آشنا شوند، زمینه‌های پیدایش و گسترش این فرق را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

وی در مورد فرقه‌های معاصر و موجود فعلی در جهان اسلام اظهار

کرد: حضرت استاد سبحانی در این کتاب وضعیت فعلی فرقه‌های معروف جهان اسلام را مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر همه این نکات و ویژگی‌ها، این کتاب به زبان عربی نگاشته شده است و آیت‌الله سبحانی از ادبیات جدید عربی و از قلم روان و از ادب نوشتاری بسیار بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که در این کتاب به هیچ فرقه‌ای توهین و جسارت نشده و از هرگونه هوچی‌گری و افراط و تفریط هم پرهیز شده است. تألیف کتاب «بحوث فی الملل و النحل» توسط مجتهدی جامع‌الشرایط، کاری بسیار مهم و ارزشمند است؛ چرا که فعالان در عرصه فقه، در طول تاریخ تشیع چنین کاری را بسیار کم انجام داده‌اند و اگر هم بزرگانی چنین کاری را انجام داده‌اند، کارشان بسیار محدود و اندک بوده است.

عزالدین رضانژاد گفت: یکی از فعالیت‌های پژوهشی آیت‌الله سبحانی کتاب «المذاهب الاسلامیة»، در مورد فرق و مذاهب اسلامی در ۳۸۸ صفحه است که اکنون کتاب درسی در مراکز آموزشی است و به عبارتی می‌توان این کتاب را خلاصه‌ای از آن ۸ جلد کتاب «بحوث

یکی از شاهکارهایی که حضرت استاد در مباحث کلامی انجام داده‌اند و جایش معمولاً در کتاب‌های معاصران و به طور کلی در میان شیعه به تفصیل خالی بود، کتابی در تبیین عقاید فرق و مذاهب کلامی است

مؤلف «سیره معصومین (ع)» در مورد فعالیت‌های فقه و اصولی آیت‌الله سبحانی گفت: نکته دیگر از ویژگی‌های کلامی حضرت استاد این است که ایشان با توجه به کارهای عمده‌ای که مسائل فقه اصول همانند سایر بزرگان حوزه که مشغول تدریس و تبیین مباحث فقه و اصول بودند، تألیفات مختلف دیگری را رابطه با مباحث کلامی داشته‌اند، به ویژه ۴ جلد کتاب «الالهیات» ایشان که یک دوره مباحث اعتقادی است؛ یعنی همان جمله‌ای را که همه مراجع عظام تقلید در اولین مسأله رساله عملیه یادداشت می‌کنند که در اصول دین نباید تقلید کرد و تقلید فقط در فروع دین است. وی در ادامه سخن خود در مورد کتاب «الالهیات» اظهار کرد: حضرت استاد مسائل اصول دین را در مجموعه‌ای به نام «الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل» در ۴ جلد قطور جمع‌آوری کرد که در آن یک دوره مباحث اعتقادی استدلالی بررسی و مطرح کرده است و امروز به عنوان یک منبع و مأخذ کارهای تحقیقاتی در مجامع علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، و البته این ۴ جلد به یک جلد کتاب «محاضرات» توسط حجت الاسلام و المسلمین ربانی گلپایگانی تلخیص شد که در حوزه‌های علمیه قم برای پایه ۷ و ۸ طلبه‌ها، کتاب درسی قرار گرفته شده است.

این محقق در کلام اسلامی در تنوع نوشتاری آیت‌الله سبحانی اظهار کرد: از جمله ویژگی حضرت استاد، تنوع نوشتاری ایشان است که این ویژگی را کم‌تر نویسنده‌ای از آن برخوردار است؛ البته ما تنوع نوشتاری که من عرض می‌کنم شاید کسانی که با نوشته‌های حضرت استاد خیلی سرو کار ندارند، به راحتی نتواند درک بکنند. اگر ما تنوع نوشتاری آیت‌الله سبحانی را در نوشته چاپ شده احصا کنیم، می‌بینیم بیش از ۲۰۰ اثر علمی از ایشان چاپ شده است و این غیر از رساله‌ها و جزوه‌ها چاپ نشده است. رضائزاد در مورد موضوعاتی که آیت‌الله سبحانی دارای اثر هستند اظهار کرد: اگر موضوعاتی که آیت‌الله سبحانی قلم زده‌اند را بررسی کنیم،



فی الممل و النحل» به شمار آورد. کار دیگری که حضرت استاد در عرصه کلام انجام داده‌اند، در مسأله «معرفت‌شناسی» است، این اثر نتیجه زحمات تحقیقاتی و پژوهشی ۲۴ سال قبل است، که درس معرفت‌شناسی در حوزه علمیه دایر کرده بودند و تقریرات این دروس توسط که یکی از شاگردان فاضلش جناب آقای شیخ حسن مکی‌العاملی که اهل لبنان است، ثبت شد و به نام «نظریة المعرفة» چاپ شد و در مراکز آموزشی به صورت کتاب درسی از آن استفاده می‌شود.

مؤلف «کلام تطبیقی» در مورد شرایط زمانی که آیت‌الله سبحانی به موضوع معرفت‌شناسی پرداختند خاطرنشان کرد: این اثر تحقیقی آیت‌الله سبحانی در زمانی شروع کرد که بحث‌های معرفت‌شناسی، بسیار کم در حوزه‌های مطرح می‌شد، پرداختن به مباحث جدید و نو و آوردن این مباحث در دروس و دغدغه‌های فکری حوزه‌های علمیه از ویژگی‌های منحصر به فرد استاد است که در «نظریة المعرفة» اثر بسیار ارزشمند و بزرگی در همین مورد است.

آثارشان هم ۵۰۰۰ صفحه است. به هر حال نوشته‌های استاد سبحانی به تناسب مخاطبان هر سن و موقعیت علمی، جوابگوی مجامع علمی و آموزشی است.

استاد یار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد دائرة المعارف «معجم التراث الکلامی» گفت: تألیف «معجم التراث الکلامی»، اثر مهمی است که گروه علمی مؤسس-سه امام صادق (ع) زیر نظر آیت الله سبحانی انجام داد که چنین اثری سابقه‌ای در میان آثار شیعیان نداشته است. در این معجم، اسامی همه کتاب‌های کلامی که نسخه‌های خطی و چاپی‌شان در طول قرون گذشته در کتابخانه‌ها محفوظ مانده، به صورت الفبایی در ۵ جلد تنظیم شده است. در این دائرة المعارف در مجموع نام ۱۲۸۵۶ کتاب کلامی شیعه، با ذکر شرح حال اجمالی از نویسندگان، معرفی کتاب و ویژگی‌های منحصر به فردشان در ۵ جلد ثبت شده است که نمونه چنین اثری تاکنون انجام نگرفته بود؛ یعنی ما مجموعه‌ای داشته باشیم که در آن مجموعه آثار کلامی شیعه معرفی شده باشد.

مؤلف «تاریخ کلام اسلامی»، در مورد دائرة المعارف «معجم طبقات المتکلمین» خاطر نشان کرد: این اثر که تحت اشراف آیت الله سبحانی است، متکلمان مسلمان و طبقات آن‌ها را معرفی می‌کند که در ۵ جلد با معرفی بیش از ۷۰۰ متکلم در طول ۱۴ قرن حیات فکری اسلام تدوین شده است که این اثر کار بسیار بزرگی است که زیر نظر استاد سبحانی، متکلمان را به جهان اسلام معرفی می‌کند.

می‌بینیم که در حوزه‌های فقه و اصول، رجال، درایة الحدیث، تاریخ، سیره، مذاهب، فرق، کلام، کلام جدید، فلسفه، معرفت‌شناسی، شیعه‌شناسی، فقه مقارن، دائرة المعارف، تفسیر، اخلاق، تفسیر موضوعی، تربیت و عرفان و همچنین ردیه‌نویسی و پاسخ به پرسش‌ها، بحث مطبوعات و مجلات تخصصی، این‌ها و ده‌ها مسائل دیگر از نوشتارها و موضوعاتی است که حضرت استاد در این رابطه قلم زده‌اند.

رضانژاد گفت: آیت الله سبحانی، دارای تنوع نوشتاری در موضوعات مختلف است و از نظر مخاطب‌شناسی نوع کتاب‌های ایشان اقشار مختلف را در نظر گرفته است. کتاب‌های ایشان دارای تقسیم‌های متفاوتی است، برخی تخصصی محض، برخی دیگر نیمه تخصصی و به زبان ساده برای اقشار مختلف جامعه نوشته شده است، بعضی از آثار ایشان هم کتاب‌های درسی‌اند؛ یعنی نوع نوشتار ایشان کتاب‌های درسی برای طلاب و دانشجویان است و برخی دیگر از کتاب‌های غیر درسی و درسی ایشان هم خودش به انواع مختلفی قابل تفسیم است.

مدرس حوزه علمیه قم در مورد استفاده از آثار آیت الله سبحانی در مجامع علمی گفت: برخی از کتاب‌های آیت الله سبحانی به زبان فارسی و عربی، در زمینه فقه و اصول، رجال، تاریخ، مذاهب، کلام جدید، در حوزه و دانشگاه تدریس می‌شود. آثار استاد سبحانی، از نظر تفصیلی و اجمالی قابل تقسیم است، چرا که برخی از کتاب‌هایشان مفصل، برخی تک جلدی و برخی به صورت جزوات ۳۰ تا ۵۰ صفحه‌ای است که به راحتی قابل تکثیر است و برخی دیگر از





حجت الاسلام یعقوبیان: «منشور جاوید» آیت الله العظمی سبحانی، ترجمه «مفاهیم القرآن» ایشان نیست



خارج اصول خود را که از دو سال پیش آغاز شده است، در حوزه علمیه ارائه می‌دهد. آثار فقهی زیادی از ایشان موجود است؛ مانند کتاب شریف «المواهب فی تحریر احکام المکاسب». آثار فقهی او در حوزه‌های مختلفی چون کتاب الحج، روزه، نکاح و مباحثی از این دست در اختیار علاقه‌مندان است.

نویسنده مقاله «نفاق یا شخصیت پنهان» با اشاره به این‌که اذهان عمومی، آیت الله سبحانی را به عنوان استاد فلسفه و کلام هم می‌شناسند، اذعان کرد: ایشان ریاست مؤسسه «امام صادق (ع)» قم را هم بر عهده دارد و مباحث پر بار کلامی ایشان هم آن جا برگزار می‌شود. کتاب بسیار ارزشمند «الالهیات علی هدی الکتاب و السنن و العقل» که مجموعه مباحث ایشان است در مؤسسه امام صادق (ع) به قلم یکی از شاگردان ایشان به رشته تحریر درآمده و این کتاب در چهار جلد در اختیار علاقه‌مندان است.

برخی در مورد دو اثر تفسیری آیت الله العظمی سبحانی (منشور جاوید و مفاهیم القرآن) اظهار می‌کنند که یکی از این دو اثر ترجمه دیگری است، در حالی که این دو اثر در بسیاری از موارد و موضوعات با یکدیگر اختلاف دارند.

حجت الاسلام و المسلمین «ابراهیم یعقوبیان»، مدرس حوزه علمیه مشهد مقدس، در مورد شخصیت علمی آیت الله العظمی جعفر سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق گفت: آیت الله سبحانی از مراجع تقلید حال حاضر ما از سرای عالم پرور استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز است. این بزرگوار در حوزه‌های مختلف آثار علمی دارند و فعالیت‌های ایشان در حال حاضر بیشتر در عرصه فقه و اصول بروز دارد و کلاس‌های فقه و اصول ایشان در حوزه علمیه قم بسیار پر بار است. در حال حاضر ایشان ششمین دوره درس



مدرس مکتب جامعه الرضویة، کتاب دیگر کلامی آیت الله سبحانی را «بحوث فی الملل و النحل» دانست و اظهار کرد: این کتاب در هشت جلد منتشر شده است و ترجمه آن هم در چند جلد با عنوان «فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی» وجود دارد. آثار دیگر فلسفی و کلامی از این بزرگوار در دسترس است و تعدادشان هم بسیار زیاد.

نویسنده کتاب «مدرسه نامرئی» با اشاره به فعالیت‌های آیت الله سبحانی در عرصه علوم قرآنی و حدیث، یاد آور شد: این بزرگوار با همه تلاش‌های علمی در عرصه علم اصول، فقه، فلسفه و کلام، از دیر زمان در عرصه مباحث علوم قرآنی و حدیث هم کتب ارزشمندی را نوشته و تألیف کرده است، به طوری که بعضی از این کتب، در حال حاضر به عنوان کتب درسی حوزه علمیه مورد استفاده طلاب است. از جمله آثار ایشان در این عرصه، کتاب شریف «کلیات فی علم الرجال» است. هم چنین کتاب «اصول الحدیث و احکامه» دیگر اثر ایشان است که راجع به مباحث علم حدیث و درایه است و به عنوان یکی از کتب درسی حوزه علمیه تدریس می‌شود. از جمله کتب دیگر ایشان در این راستا، کتاب «المناهج» است که شیوه‌های مفسرین را در آن ارائه کرده است. در عرصه حدیث هم کتاب بسیار نفیسی را با عنوان «الحدیث النبوی بین روایت و درایه» نگاشته‌اند. آن جا احادیثی را که از رواة مختلف نقل شده و منطوقا درست نیست و نمی‌تواند نسبتی با پیامبر اکرم (ص) داشته باشد و جزو احادیث موضوعه و مجعول است، مورد نقد و بررسی قرار داده است.

یعقوبیان خاطر نشان کرد: در آن کتاب، ایشان با تبحر خاصی که در عرصه علم رجال و حدیث دارند، بسیاری از روایاتی که از عایشه، ابوهریره و دیگران نقل شده است را مورد نقد قرار داده و خیلی از روایات را جزو روایات مجعوله و موضوعه دانسته، به طوری که نمی‌تواند اصلاً از پیامبر اکرم (ص) صادر شده باشد. این کتاب از جمله کتب ارزشمند ایشان است. معروف‌ترین اثر آیت الله سبحانی در عرصه علوم قرآن و حدیث دو کتاب ارزشمند تفسیری ایشان است که عبارت‌اند از: تفسیر «مفاهیم القرآن» در ده جلد و تفسیر «منشور جاوید» در چهارده جلد.

مدرس حوزه علمیه مشهد با بیان این مطلب که منشور جاوید را آیت الله سبحانی به زبان فارسی و مفاهیم القرآن را به زبان عربی به نگارش در آورده است، تصریح کرد: البته توضیحی که باید داده شود این است که برخی تصور می‌کنند یکی از دو کتاب ترجمه دیگری است؛ مثلاً منشور جاوید ترجمه‌ای از مفاهیم القرآن است و یا مفاهیم القرآن همان منشور جاوید به زبان عربی است. این استاد بزرگوار می‌گوید: «این‌گونه نیست که این دو اثر ترجمه‌ای از هم باشند؛ یعنی بحث‌ها عین هم نیست، بلکه من سعی کرده‌ام که مباحث مختلف باشد.» بعضی جاها در بعضی از مجلدات مشابهت‌هایی هست؛ مثلاً مسئله معاد هم در مفاهیم القرآن و هم در منشور جاوید است. مباحث مربوط به شخصیت پیامبر اکرم (ص) و تاریخ پیامبر اکرم (ص) در هر دو کتاب آمده، البته تفاوت‌هایی دارد و بعضی از مباحث اساساً مختلف است. برای نمونه مباحث مربوط به اسماء و صفات الهی آن‌گونه که در مفاهیم القرآن آمده است – به طوری که جداگانه در یک جلد از آن بحث شده است – به این شکل در منشور جاوید نیست و هم چنین اختلاف‌هایی از حیث موضوعات بین این دو اثر وجود دارد.

مدرس مکتب جامعه الرضویة ضمن اشاره به این امر که موضوعاتی که در این دو اثر شبیه به هم است، رویکرد و توجه به آن‌ها متفاوت است، اظهار کرد: ایشان منشور جاوید را به عنوان اولین تفسیر موضوعی به زبان فارسی عرضه کردند و موضوعات

مختلفی در عرصه‌های اخلاق، تاریخ، اعتقادات و ... را در هر دو تفسیر ارائه دادند. مفاهیم القرآن ایشان از وقتی که منتشر شده است بسیاری از اعظم شیعه حتی اهل سنت، بر آن تقریظ نوشته و از آن تقدیر کردند. علامه طباطبایی، علامه شوشتری، آیت الله مکارم، آیت الله حسن زاده آملی و بسیاری از علمای داخل و حتی خارج از کشور از این کتاب تجلیل و ستایش کردند، به طوری که این کتاب را اعجاب‌آمیز دانستند.

نویسنده کتاب «مدرسه نامرئی» یکی از ویژگی‌های آیت الله سبحانی را کثرت تألیف ایشان دانست و عنوان کرد: ایشان از همان ابتدا چشمشان به مباحث علمی و کتب فراوان افتاد و هم‌چنین پدرشان هم از علما بوده است، از این رو ایشان در عرصه پژوهش انسانی بسیار فعال و قوی است و پژوهش‌های بسیار ناب و آثار قلمی بسیار زیادی دارد. طبیعتاً ممکن است کسانی که آثار قلمی زیادی دارند، آرایه‌های مختلف در کتب آن‌ها در یک موضوع دیده شود. برای نمونه یکی از مباحثی که در علوم قرآن مطرح است این است که آیا قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص) جمع‌آوری شده است یا نه؟ این موضوع، بحث قابل توجهی در علوم قرآن است.

یعقوبیان خاطر نشان کرد: آیت الله سبحانی در کتاب «المناهج» که در حوزه شیوه‌های تفسیر و علوم قرآنی نوشته و مناہج و روش‌های مفسرین را شرح کرده است، بحث مبسوطی را با این مضمون که قرآن کریم در زمان خود پیامبر اکرم (ص) جمع‌آوری شده و توسط شاگردان پیامبر اکرم (ص)، از امیرالمؤمنین (ع) و دیگر کاتبان جمع‌آوری شده و «بین‌الدفتین» هم قرار گرفته و در اختیار مردم بوده است، انجام داده است.

حجت الاسلام یعقوبیان گفت: گاهی اوقات کثرت تألیف ممکن است کمی اختلاف در آرا ایجاد کند. از این رو آیت الله سبحانی هم از این امر مستثنی نیست. به عنوان نمونه آیت الله سبحانی در منشور جاوید، جلد ۷ صفحه ۳۹ وقتی آیه شریفه «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» را تفسیر می‌کند - فتح مبین چیست؟ - در این جلد و صفحه‌ای که آدرس دادم و در همین جلد هفت در صفحه ۵۵، تفسیری که ارائه می‌دهد این است که مراد از «فتح مبین» صلح حدیبیه است.

وی با بیان این مطلب که آیت الله سبحانی «فتح قریب» را به عنوان فتح قلاع خیبر مطرح کرده است، تصریح کرد: بیان ایشان این است که قلعه‌های خیبر در جمادی الاول سال ۷ هجری فتح شده است؛ یعنی فاصله‌اندکی با صلح حدیبیه دارد، بنابراین خداوند متعال از فتح خیبر تعبیر به فتح قریب کرده است و اما مراد از فتح مبین، فتح مکه است. آیت الله سبحانی در ادامه می‌نویسد مفسرین «انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» را تفسیر به «قضینا» کرده‌اند؛ یعنی ما حکم کردیم که فتح مبینی هم برای شما ان شاء الله اتفاق بیفتد که مراد همان فتح مکه است.

مدرس مکتب جامعه الرضویة تأکید کرد: آیت الله سبحانی حتی در جلد ۷، صفحه ۵۵ این عبارت را تصریح کرده و می‌گوید قرآن از بازگویی جزئیات فتح مبین خودداری کرده است که این فتح مبین را به فتح مکه باز می‌گرداند. لیکن در همین کتاب منشور جاوید جلد ۷، صفحه ۲۹۷ بحث عصمت نبی مکرم اسلام (ص) مطرح است؛ چون در ادامه آیه فرموده است: «لیغفر لک من ذنبک ما تقدم و ما تأخر» آنجا بحث عصمت را پیش می‌آورند؛ زیرا این آیه از قوی‌ترین آیاتی است که مورد استفاده قائلان عدم عصمت پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته است. آیت الله سبحانی برای آن‌که این شبه را پاسخ



مشرکین به تو نسبت می دادند و آن چه بنا بود در آینده به تو نسبت دهند، مورد تجدید نظر قرار گیرد و مشرکان از اعتقادات خود برگردند. آیت الله سبحانی با این توضیح و قرائن دیگری که مطرح می کند، به این نتیجه می رسد که مراد از این فتح مبین، صلح حدیبیه است و مراد از فتح قریب، فتح مکه است. اما این نظر، خلاف آن چه است که آیت الله سبحانی در جلد ۷ صفحات ۳۹ و ۵۵ فرمود که فتح قریب، فتح قلاع خیبر است که فاصله زیادی با صلح حدیبیه نداشت و فتح مبین را فتح مکه معرفی فرمود. جالب این است که در مفاهیم القرآن جلد ۵ صفحه ۱۲۲ فتح مبین را صلح حدیبیه تفسیر فرمود و این قول را که مراد از فتح مبین، فتح مکه باشد



دهد و بگوید که اصلاً این آیه شریفه عصمت پیامبر اکرم (ص) را زیر سؤال نمی برد، سه احتمال را نقل می کند؛ اول آن که مراد از فتح مبین فتح مکه باشد، دیگر آن که فتح خیبر باشد و احتمال دیگر آن که صلح حدیبیه باشد. ایشان قرائنی را آن جا ارائه می کنند که مراد از این فتح مبین نمی تواند فتح مکه یا خیبر باشد، بلکه مراد صلح حدیبیه است. یعقوبیان یکی از قرائن آیت الله سبحانی را تکیه بر خود آیه شریفه دانست و اظهار کرد: یکی از این قرائن آیه ۲۷ سوره مبارکه فتح است که می فرماید: «فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً». ایشان می نویسند فتح قریب در این آیه مطرح شده است و مسئله دیگر فتح مبین

است. ایشان می فرمایند فتح مبین همین صلح حدیبیه است و فتح نزدیک به

فتح مبین، فتح مکه است. بنابراین فتح قریب؛ یعنی مکه و فتح مبین؛ یعنی صلح حدیبیه. بعد اگر کسی هم اشکال کند که صلح حدیبیه اساساً صلح بوده و فتح نبوده است، ایشان می فرمایند این صلح بوده است، اما مقدمه فتوحات بسیار زیادی شده است. بنابراین این صلح حدیبیه همان فتح مبین است.

ایشان در عرصه تفسیر و علوم قرآنی گاهی اوقات واقعا به ندرت اختلاف آرا باشد، افزود: آیت الله سبحانی از یک شجاعت فوق العاده قلمی برخوردار است. به عنوان یک صاحب نظر در عرصه علوم قرآن و حدیث و کتاب «کلیات فی علم الرجال» را که می نگرید، می بینید که آرای بسیاری از بزرگان علم رجال را به نقد کشیده و نظری بسیار شیرین را از خود ارائه می دهند. در کتاب «الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية» بسیاری از روایات مجعول بیان شده از سوی صحابه بزرگ را به نقد کشیده و اثبات کرده که این ها نمی توانند از پیامبر (ص) صادر شده باشد. ایشان در کنار مباحث علوم قرآن و حدیث، فقیه بسیار ژرف نگرو توانایی هم است.

آیت الله سبحانی از یک شجاعت فوق العاده قلمی برخوردار است. به عنوان یک صاحب نظر در عرصه علوم قرآن و حدیث و کتاب «کلیات فی علم الرجال» را که می نگرید، می بینید که آرای بسیاری از بزرگان علم رجال را به نقد کشیده و نظری بسیار شیرین را از خود ارائه می دهند

وی در پایان سخنانش گفت: آخرین کلامی که در مورد شخصیت ایشان باید بگویم، این است که ایشان در عرصه مناظرات هم ید طولایی دارند. برای نمونه کتاب ایشان تحت عنوان «مقالات» یا «سیمای فرزندانگان» که مجموعه آثار قلمی ایشان (مقالات و نامه ها) است، در بسیاری از موارد به مناظره با علمای اهل سنت پرداخته است. در حدیث آمده است که اگر شبهه ها هجوم آورد، بر عالم اسلامی است که دفاع کند، لذا ایشان در عرصه مباحث روز هم که لازم است یک عالم زمان شناس موضع گیری کند، بسیار فعال است.

نویسنده کتاب «مدرسه نامرئی» گفت: ایشان از این استفاده کرده و بعد می گوید که در ادامه آیه شریفه که می فرماید: «لیغفر من ذنبک ما تقدم و ما تأخر» مسئله روشن می شود؛ چون بین فتح با مغفرت رابطه ای نیست؛ اما اگر مراد از فتح را صلح حدیبیه بگیریم، این مراد از مغفرت معنا پیدا می کند. چگونه؟ زیرا مشرکین خیال می کردند پیامبر اکرم (ص) - نعوذ بالله - آدمی ناسالم است و پشت کرده است به عقاید قوم و همه چیز را می خواهد انکار کند. ولی وقتی فتح مکه اتفاق افتاد، متوجه شدند پیامبر (ص) چه شخصیت عزیزی است. در همان صلح حدیبیه و هم چنین سال بعد که پیامبر (ص) به حج تشریف بردند، مشرکان فهمیدند که پیامبر (ص) چه شخصیت ماورائی و الهی دارد و با مردم روشی انسانی و تعاملی انسانی دارد.

مدرس حوزه علمیه مشهد با بیان این مطلب که مشرکان فهمیدند آن اعتقاد نسبت به پیامبر (ص) اعتقادات غلطی بوده است، افزود: لذا می فرماید این صلح حدیبیه را نصیب توی پیغمبر کردیم تا آن گناهای که



آیت الله العظمی سبحانی طراح و مبتکر تفسیر موضوعی به زبان فارسی است

در تاریخ تفسیرنویسی، تفسیر موضوعی جز در قالب آیات الاحکام، پیشینه‌ای نداشته است، از این رو آیت‌الله العظمی سبحانی در واقع طراح و مبتکر تفسیر موضوعی به زبان فارسی است.



«حسن رهبری»، از محققان علوم قرآن و حدیث، در مورد ویژگی‌های تفسیر موضوعی آیت‌الله العظمی سبحانی گفت: اصولاً در ابتدا باید تفسیر موضوعی را تعریف و ویژگی‌های آن را بیان کرد. خوشبختانه در تعریف تفسیر موضوعی چندان اختلاف نظری وجود ندارد. در یک تعریف کوتاه می‌توان گفت که نگاه فراگیر به آیات همگن، به منظور تبیین و تشخیص دیدگاه قرآنی درباره یک موضوع را تفسیر موضوعی می‌گویند.

رهبری افزود: تفسیر موضوعی به بیانی دیگر، تکمله‌ای است بر سبک تفسیر قرآن به قرآن که تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبایی نمونه جامع آن است. ورود به تفسیر موضوعی با توجه به دامنه وسیع آن در عرصه پژوهش‌های قرآنی حافظه‌ای سرشار، استعدادی فوق‌العاده و فرصت زمانی بیشتری را می‌طلبد که جز عالمان و قرآن‌شناسان دل‌سوخته و صبور و نام‌گریز را توان و دوام در آن نشاید. به نظر می‌رسد که تأثیرپذیری آیت‌الله سبحانی از استاد خود - مرحوم علامه طباطبایی - وی را به وادی تفسیر موضوعی رهنمون کرده است. در تاریخ تفسیرنویسی، تفسیر موضوعی جز در قالب آیات الاحکام، پیشینه‌ای نداشته است، مگر در سده‌های اخیر که نمونه‌ای از آن را که در جهان عرب سراغ داریم. از این رو آیت‌الله سبحانی در واقع طراح و مبتکر تفسیر موضوعی به زبان فارسی است.

نویسنده کتاب «اسلام و ساماندهی جمعیت» در ادامه سخنانش تصریح کرد: قلم زیبا، شیوا و روان آیت‌الله سبحانی در ۵۰ سال گذشته چه از طریق نگارش سلسله مقالاتی که در مجله «مکتب اسلام» منتشر می‌شده و چه به وسیله چاپ کتاب‌های متعدد تحقیقی، حوزه را در رشته تاریخ صدر اسلام و پاسخ به شبهات دینی و قرآنی، نمایندگی کرده است. آن مقالات آن‌گاه که تدوین و جمع‌آوری شدند کتاب‌های «فروغ ابدیت»، «تفسیر موضوعی منشور جاوید» و «مفاهیم القرآن» را پدید آوردند. کتاب فروغ ابدیت وی که تاریخ پیامبر اسلام (ص) را با تجزیه و تحلیل شایسته‌ای به تصویر کشیده است، سحر و اعجاز قلم را به اثبات رسانده و نویسنده‌اش را فروغ ابدیت بخشیده است.

نویسنده کتاب «مسجد، نهاد عبادت و ستاد ولایت» اذعان کرد: تفسیر موضوعی منشور جاوید به عنوان پایه‌گذار تفسیر موضوعی قرآن به زبان فارسی، با توجه به تازگی طرح، موقعیت زمانی به بیان ساده و شیوا و پاسخ به شبهات دینی عصر خود از بهترین هادر نوع خود به شمار می‌رود. تبیین مسائل اعتقادی و اخلاقی در فضای آن روز رژیم طاغوتی که دین‌داران همواره تشنه و جویای آن بوده‌اند، وجه بارز تفسیر موضوعی آیت‌الله

سبحانی را رقم زده است.

نویسنده کتاب «اسلام و ساماندهی جمعیت» در پاسخ به این سؤال که ارزیابی شما از مقایسه تفسیر آیت‌الله سبحانی با دیگر تفاسیر موضوعی چیست؟، خاطرنشان کرد: در مقام مقایسه تفسیر موضوعی آیت‌الله سبحانی با دیگر تفاسیر موضوعی بعد از آن باید گفت که مقایسه میان آن‌ها قیاس مع الفارق است؛ زیرا قیاس پایه‌گذاران با ادامه‌دهندگان سزاوار نیست، گذشته از آن که فاصله سی ساله‌ای در میان آن‌ها وجود دارد که بالطبع تفاوت نگرش‌ها و بازتاب فرهنگ زمانه را در آن‌ها شاهد خواهیم بود. از آن جا که تفسیر آیت‌الله سبحانی گرایش بیشتری را به بررسی مسائل کلامی از دیدگاه قرآن نشان می‌دهد، از این رو اگر از آن به تفسیر کلامی هم تعبیر کنند، چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

این محقق علوم قرآنی در باب دیگر ویژگی‌های تفسیر موضوعی استاد سبحانی گفت: تفسیر موضوعی با تمام مزایایی که برای آن برشمرده‌اند، همواره با این سؤال مواجه است که آیا این تفسیر اهداف مفسران را تأمین کرده و آن‌ها به تعاریفی که از آن داشته‌اند دست یافته‌اند یا نه؟ پاسخ به این سؤال بسیار تأمل‌برانگیز است؛ زیرا اگر تفسیر موضوعی بنا به تعریفی که دارد گردآوری و دسته‌بندی آیات متناسب با موضوع و استخراج دیدگاه قرآنی درباره آن موضوع باشد، مشاهده وصول به چنین هدفی در تفاسیر موضوعی که تا به حال نوشته شده کمتر قابل تشخیص است.

نویسنده کتاب «اسلام و ساماندهی جمعیت» خاطرنشان کرد: آیت‌الله سبحانی در این تفسیر پس از سیر این مسیر طولانی به نتیجه‌ای می‌رسد که مرحوم شیخ طوسی در هزاره گذشته در تفسیر ترتیبی «تبیان» و مرحوم طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» و خود مفسر در کتاب‌ها و نوشته‌ها و گفتارهای دیگرش که قبل از آن نوشته رسیده است. به نظر می‌رسد که دخالت مسائلی چند از قبیل پیش‌داوری‌ها، افکار سنتی، استنادزدگی، شم‌آخبری به اعتقادات حاکم بر جامعه و ترس از واقع شدن مفسر در حربه تکفیر و تفسیق، موانع و آسیب‌هایی اند که تفسیر موضوعی را تهدید می‌کند و از تازگی تولید آن کاسته و جایگاه بلند آن را در حد تفسیر ترتیبی تقلیل داده است، اما استاد سبحانی آن را احیا کرده است.

رهبری در پایان سخنانش خاطرنشان کرد: توسعه فرهنگ دینی جامعه، تعمق بیشتر مفسران در این وادی، کار گروهی و در نهایت جسارت و شجاعت بیان نتایج به دست آمده از جمله مسائلی است که در تفسیر موضوعی ضروری به نظر می‌رسد که امید است سمت و سوی آینده این تفسیر قرار گیرد و این دغدغه آیت‌الله سبحانی است.



ملک حسینی:

استاد سبحانی اندیشه‌های کهن برگرفته از قرآن را به شکل جدیدی احیا کرده است

دنبال می‌کرد؛ یعنی اول طرح مسأله می‌کرد بعد بیان حکم و به دنبال آن پی‌جویی از ادله و بررسی نقدها را انجام می‌داد که بحث‌های فقهی او دارای یک نظم زیبایی بود. آیت‌الله سبحانی وقتی می‌خواهد تدریس کند به سه نکته کاملاً دقت دارد، ما قیل، ما یمکن أن یقال، کیف أقول، این سه رکن اساسی در تدریس مباحث فقهی ایشان است.

ملک حسینی در پاسخ به این سؤال که وجه اشتراک و افتراق تفسیر منشور جاوید و تفسیر مفاهیم القرآن آیت‌الله سبحانی در چیست؟، گفت: کتاب «تفسیر منشور جاوید» که به زبان فارسی است و کتاب «تفسیر مفاهیم القرآن» که عربی است. میان این دو قائل به «بینهما عموم من وجه» هستم؛ یعنی این کتاب هم نقاط مشترک و هم نقاط متمایزی از هم دارند، اگر چه نقاط مشترک این کتاب تقریباً یکسان است و در هر دو مباحث توحید، نبوت و غیره وجود دارد، اما نقاط امتیاز و افتراقی هم از هم دارند.

وی در مورد شیوه سبانی در تفسیر این دو کتاب گفت: وقتی یک فقیه می‌خواهد نظریه فقهی را از آیات و روایات استنباط کند تا طرح نظر کند، طبیعتاً مبادی لغت‌شناسی، منطقی و فلسفه و مبادی اصولی و فقهی و غیره را مورد توجه قرار می‌دهد تا نظریه بدهد، آیت‌الله سبحانی هم در تفسیر دارای حرکت فقیهانه هستند؛ یعنی اگر قصد داشته باشد که یک مفهومی را از دل آیه بیرون بکشد به مبادی لغت‌شناسی، ادبی، هستی‌شناختی، اصولی، تاریخی و شأن نزول آیه همه جانبه توجه

آیت‌الله العظمی سبحانی در کتب جدید خود هم متوجه شبهات تاریخی که بر اندیشه‌های اعتقادی و کلامی وارد شده است بوده و هم اندیشه‌های کهنی را که برگرفته از قرآن و روایات بوده به شکل جدیدی احیا کرده است.



حجت‌الاسلام والمسلمین «سیدشرف‌الدین ملک حسینی»، مدرس حوزه علمیه قم، در مورد شخصیت آیت‌الله العظمی سبحانی ضمن بیان مطلب فوق گفت: آیت‌الله سبحانی را یک شخصیت علامه و فهامه و یک عالم معلم می‌دانم، چون در طول سال‌های تحصیل کسانی را دیدم که عالم بودند، اما قدرت تعلیم بالا را نداشتند یا معلمانی را دیدم که استعداد لازم جهت تعلیم را نداشته‌اند، اما وی دو ویژگی عالم معلم را به زیبایی در هم آمیخته است. آیت‌الله سبحانی به لحاظ روحیات فردی انسانی بسیار منظم و جدی در رسیدن به هدف و بهره‌مند از توانایی‌های لازم برای تأثیرگذاری در حیطه‌های علمی است. آیت‌الله سبحانی انسانی چند بعدی است که در عرصه‌های گوناگون علمی تا مرزهای تخصصی پیش رفته است در فقه، فلسفه، کلام، رجال، درایه، تفسیر و حتی در تاریخ، تاریخ رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) مجتهدانه نظر داده است.

ملک حسینی اظهار کرد: یادم هست که در کلاس وی مانند مباحث طلاق و مباحث دیگر که شرکت می‌کردم ایشان شیوه‌ای منظمی را که

می‌کند و بعد اتخاذ رأی می‌کند.

این مدرس حوزه تصریح کرد: آیت‌الله سبحانی جایی که جای نظریه پرداز نیست؛ یعنی آیات از یک اجمالی برخوردار است، مانند آیات فطرت و عالم ذر، وقتی که در بحث‌های تفسیری خود به روایات مراجعه می‌کند و می‌بیند که جای اتخاذ رأی جدی نیست، هنرمندانه طرح احتمالات می‌کند و از کنار قضیه خارج می‌شود، چون این طور نیست که هر کسی در یک مسأله‌ای نظریه داد حتما موفق است، بلکه گاه موفقیت فرد در

هستند که جامع این سه بخش است؛ یعنی بحث‌های پرسش و پاسخ، مطالبی که برای سطوح مختلف نوشته شده و مطالبی که برای متخصصان و متفکران نگاشته شده است. کتاب‌های جدیدی که ایشان به عنوان یک مرزبان واقعی از دین و مذهب نگاشته است، تمام سه ویژگی بالا را در کنار هم دارد، مانند برخی کتاب‌هایی که برای وهابیت نوشته‌اند؛ چه عربی و چه فارسی. در این کتاب‌ها هم بخش پرسش و پاسخ را می‌بینید که به منظور دفع شبهات نوشته شده است و هم دارای تحلیل است که می‌تواند برای اهل فهم و فضیلت، کتاب‌های ارزشمندی باشد.

حسینی با اشاره به یکی از شاخصه‌های ممتاز آیت‌الله سبحانی گفت: نوشتن جزوات مختصر در راستای رسالت خود که در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف احساس کرده است، از او یک انسان روزآمد، کارآمد و شخصیتی ساخته است که کتاب‌هایش دارای پویایی و گویایی است و می‌توان آن‌ها را کتاب‌های زنده‌ای عنوان کرد که مسائل جامعه را رصد می‌کنند.

وی در مورد ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله سبحانی اظهار کرد: استاد سبحانی کسی است که توانسته در دوران معاصر بدرخشد و جامعه و حوزه از وجودش استفاده کنند. او به زیبایی از اندیشه‌های عالمان بزرگ کهن پاسداری کرده است و اگر ادله‌ای از ادله آن‌ها ضعیفی داشته، از آن‌ها عدول کرده و برای مطالب ارزشمند گذشتگان دلیل نویی دست و پا کرده است و طرح جدیدی در اندیشه‌های دینی پاسداری کند. آیت‌الله سبحانی در کتب جدید خود هم متوجه تمام شبهات تاریخی که بر اندیشه‌های اعتقادی و کلامی وارد شده است، بوده و اندیشه‌های کهنی را که برگرفته از قرآن و روایات بوده را نیز به شکل نویی احیا کرده است.

حسینی در پاسخ به این سؤال که آیا آرای کلامی آیت‌الله سبحانی بر آرای فقهی او تأثیر گذاشته است؟، گفت: من این طور می‌فهمم که کسی که فیلسوف، متکلم و فقیه باشد به زیبایی می‌تواند تمایز این مباحث را از هم بفهمد و بداند اندیشه کجا باید تأثیر بگذارد و کجا نباید تأثیر بگذارد. رابطه میان علوم فی‌الجمله انکارناپذیر است و آیت‌الله سبحانی

با توجه به دقت‌هایی که من در او سراغ دارم، این رابطه را پذیرفته و مؤثر می‌داند.

وی در پایان نظم و پرکاری را یکی از ویژگی‌های دیگر آیت‌الله سبحانی دانست و خاطر نشان کرد: نظم و پرکاری و جدیت در پاسداری از اندیشه‌های دینی وجه امتیاز استاد سبحانی است. او با ایمان به هدف، جدی و پرتلاش در رسیدن به هدف گام برمی‌دارد.

این است که احتمالات قوی را ذکر کند و این را به مخاطب و به آینده که شاید آیندگان چیزهایی را که گذشتگان متوجه نشده‌اند بفهمند. امروز ما می‌توانیم نمونه‌ای از بزرگانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ مرتضی انصاری که در علوم مختلف اسلامی جامعیت داشته‌اند را در آیت‌الله سبحانی ببینیم. این محقق در مورد استاد و شاگردان آیت‌الله سبحانی خاطر نشان کرد: وی از شاگردان برجسته امام (ره) در فقه و اصول بوده که تقریرات درس ایشان را به صورت کتابی نوشته و با نام تهذیب‌الاصول چاپ کرده است. شاگردان وی نیز درس‌های او را در اندیشه‌های اصولی و مباحث اصولی را که تقریر و چاپ کرده‌اند که کتابی منسجم و پیراسته از هجو و زوائد است.

ملک حسینی در مورد کتب کلامی استاد سبحانی هم گفت: کتاب‌های کلامی آیت‌الله سبحانی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: در بخش اول کتاب‌های او رنگ کتاب‌های پرسش و پاسخ را دارد. در بخش دوم کتاب‌های وی کتاب‌هایی است که برای سطوح مختلف جامعه نوشته است، مانند کتاب‌هایی که برای دانشجویان، اساتید دانشگاه‌ها و معلمان نوشته است. بخش سوم کتاب‌های کاملاً تخصصی‌ای است که برای اساتید کلام و فلسفه منبع خوبی است، مانند کتاب هستی از دیدگاه فلان دانشمند و محاضرات کلامی الالهیات. الالهیات یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های کلامی استاد سبحانی است که نظم و انضباط زیاد و توجه به تمامی اندیشه‌های گذشتگان دارد.

این محقق افزود: مقارنه و مقایسه بین مذاهب و ادیان کتاب الالهیات در مباحث کلامی خیلی جالب است. جالب‌تر این که در محاضرات و القانات کلامی گاه به نظریات نو و جدیدی که مناسبتی با مباحث قدیمی و کهن داشته توجه کرده است. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از بهترین کتاب‌های کلامی، کتاب «الالهیات» آیت‌الله سبحانی است که به مباحث نبوت، توحید، امامت، عدل و... به مباحثی که غریبان هم توجه داشته‌اند، پرداخته است. اگر بخواهیم دیگر کتاب‌های آیت‌الله سبحانی را ارزیابی کنیم، کتاب‌هایی



کتاب‌های کلامی آیت‌الله سبحانی را

می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: در بخش اول

کتاب‌های او رنگ کتاب‌های پرسش و پاسخ را

دارد. در بخش دوم کتاب‌های وی کتاب‌هایی

است که برای سطوح مختلف جامعه نوشته

است، مانند کتاب‌هایی که برای دانشجویان،

اساتید دانشگاه‌ها و معلمان نوشته است

این است که احتمالات قوی را ذکر کند و این را به

مخاطب و به آینده که شاید آیندگان چیزهایی را که گذشتگان

متوجه نشده‌اند بفهمند. امروز ما می‌توانیم نمونه‌ای از بزرگانی چون

شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ مرتضی انصاری که در علوم مختلف

اسلامی جامعیت داشته‌اند را در آیت‌الله سبحانی ببینیم.

این محقق در مورد استاد و شاگردان آیت‌الله سبحانی خاطر نشان

کرد: وی از شاگردان برجسته امام (ره) در فقه و اصول بوده که تقریرات

درس ایشان را به صورت کتابی نوشته و با نام تهذیب‌الاصول چاپ کرده

است. شاگردان وی نیز درس‌های او را در اندیشه‌های اصولی و مباحث

اصولی را که تقریر و چاپ کرده‌اند که کتابی منسجم و پیراسته از هجو و

زوائد است.

ملک حسینی در مورد کتب کلامی استاد سبحانی هم گفت:

کتاب‌های کلامی آیت‌الله سبحانی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

در بخش اول کتاب‌های او رنگ کتاب‌های پرسش و پاسخ را دارد. در

بخش دوم کتاب‌های وی کتاب‌هایی است که برای سطوح مختلف

جامعه نوشته است، مانند کتاب‌هایی که برای دانشجویان، اساتید

دانشگاه‌ها و معلمان نوشته است. بخش سوم کتاب‌های کاملاً

تخصصی‌ای است که برای اساتید کلام و فلسفه منبع

خوبی است، مانند کتاب هستی از دیدگاه فلان

دانشمند و محاضرات کلامی الالهیات. الالهیات یکی از قدیمی‌ترین

کتاب‌های کلامی استاد سبحانی است که نظم و انضباط زیاد و

توجه به تمامی اندیشه‌های گذشتگان دارد.

این محقق افزود: مقارنه و مقایسه بین

مذاهب و ادیان کتاب الالهیات در مباحث

کلامی خیلی جالب است. جالب‌تر این که در

محاضرات و القانات کلامی گاه به نظریات نو و

جدیدی که مناسبتی با مباحث قدیمی و کهن داشته توجه کرده

است. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از بهترین کتاب‌های کلامی، کتاب

«الالهیات» آیت‌الله سبحانی است که به مباحث نبوت، توحید، امامت،

عدل و... به مباحثی که غریبان هم توجه داشته‌اند، پرداخته است. اگر

بخواهیم دیگر کتاب‌های آیت‌الله سبحانی را ارزیابی کنیم، کتاب‌هایی

می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: در بخش اول

کتاب‌های او رنگ کتاب‌های پرسش و پاسخ را

دارد. در بخش دوم کتاب‌های وی کتاب‌هایی

است که برای سطوح مختلف جامعه نوشته

است، مانند کتاب‌هایی که برای دانشجویان،

اساتید دانشگاه‌ها و معلمان نوشته است

این است که احتمالات قوی را ذکر کند و این را به

مخاطب و به آینده که شاید آیندگان چیزهایی را که گذشتگان

متوجه نشده‌اند بفهمند. امروز ما می‌توانیم نمونه‌ای از بزرگانی چون

شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ مرتضی انصاری که در علوم مختلف

اسلامی جامعیت داشته‌اند را در آیت‌الله سبحانی ببینیم.

این محقق در مورد استاد و شاگردان آیت‌الله سبحانی خاطر نشان

کرد: وی از شاگردان برجسته امام (ره) در فقه و اصول بوده که تقریرات

حجت الاسلام حیدری فر:

روش آیت الله العظمی سبحانی در تفسیر روش جامع اجتهادی است

آیت الله العظمی جعفر سبحانی در تفسیر دارای روش جامع اجتهادی است؛ یعنی از قرآن، روایات و عقل در کنار هم بهره می برد.



حجت الاسلام والمسلمین «مجید حیدری فر»، مدرس دانشگاه قم و جامعه المصطفی (ص) العالمیه و نویسنده کتاب های «مدرسه ترنم توحید» و «مدرسه عشق حسینی»، در مورد شخصیت علمی آیت الله العظمی سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق، گفت: آیت الله العظمی سبحانی دارای سه نوع کار تفسیری است: تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی که تفسیر موضوعی خود دو شاخه دارد: یکی فارسی و دیگری عربی. او در تفسیر ترتیبی به تفسیر برخی از سوره ها پرداخته است، مانند انسان کامل در سوره دهر یا در سوره فرقان، اما تفسیر ترتیبی ایشان به این شکل است که وقتی در ماه مبارک رمضان جایی دعوت می شد، سوره ای را در آن جا تفسیر می کرد و آن را به شکل نوشتار در می آورد و این می شد تفسیر آن سوره، مانند تفسیر سوره انسان.

حیدری فر در مورد تفسیر موضوعی اظهار کرد: آیت الله سبحانی در حوزه تفسیر موضوعی دو نوع کار دارد، تفسیر «منشور جاوید» که روی آن نوشته شده است نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی و تفسیر «مفاهیم القرآن» که تفسیر قرآن به زبان عربی است. این دو تفسیر به لحاظ تفسیر موضوعی، تفاوتی با هم ندارند. اما یک سری تفاوت های ریزی با هم دارند و آن این است که منشور جاوید، تفسیر موضوعی است، اما از نوع مفهومی و کلی مانند خداشناسی و توحید، اما مفاهیم القرآن جزئی تر است و حوزه محدودتری را پوشش می دهد.

نویسنده کتاب «مدرسه ترنم توحید» تفسیر موضوعی را دو شاخه دانست و گفت: این دو شاخه تفسیری، یکی واژه ای است و دیگری مفهومی. در تفسیر واژه ای فرد در مورد موضوعی مانند محبت در قرآن، تمام مشتقات این واژه را در قرآن پیدا می کند و آیات را در می آورد و شش مرحله تفسیر را انجام می دهد. اما اگر تفسیر از سنخ مفهومی شد، دیگر با واژه کار ندارد، بلکه با یک سلسله حقایقی کار دارد که باید آن ها را شکار کند؛ مانند توحید در قرآن، چون کلمه توحید در قرآن نیامده است. لازمه این کار این است که فرد یک دور کامل قرآن را مطالعه کند و آیاتی را که مربوط به بحث خداشناسی و توحید است، استخراج کند. تفسیر مفهومی مانند خداشناسی در قرآن، حوزه گسترده ای را در قرآن پوشش می دهد، اما تفسیر واژه ای محدود است، مثلاً سوگند در قرآن ۳۰ آیه را شامل می شود.

حیدری فر آیت الله سبحانی را در تفسیر، شاگرد علامه طباطبایی

دانست و اظهار کرد: تفسیر وی به نوعی برگرفتنی و تأثیرپذیری از تفسیر «المیزان» دارد. زمانی که انسان به تفسیر آیت الله سبحانی نگاه می کند، می بیند نظرات علامه طباطبایی این جا برجسته شده و دیده می شود. در کارهای تفسیری ایشان ما بیشتر گزارش مبسوط، مشروح و گسترده می بینیم، چون در منشور جاوید وی مباحث را به صورت گسترده و با تتبع جامعی آورده است.

نویسنده کتاب «مدرسه عشق حسینی» در مورد آرای آیت الله سبحانی گفت: ایشان فقیه، متکلم، مورخ و مفسر است. در این جا باید نظر شما را جلب کنم به یکی از مباحث شیرین و پیچیده علوم قرآنی که بحث روش و گرایش است. تفاوت روش و گرایش چیست؟ روش دو نوع است؛ یا عقلی است و یا نقلی، زیرا ابزاری که ما از آن در تفسیر استفاده می کنیم، یا برگشت شان به عقل است یا به نقل. اگر ابزار و منابع عقل باشد، روش می شود عقلی. اما اگر منابع نقل باشد، می شود نقلی. روش نقلی، روش تفسیر قرآن به قرآن است که علامه طباطبایی این فن را کاملاً برجسته کرده است.

حیدری فر تصریح کرد: در این زمینه بعضی ها روش تفسیر علمی را هم مطرح می کنند، چون این جا علم در مقابل علوم نظری، توجه به علوم تجربی دارد؛ یعنی تفسیر آیات قرآن براساس ریافت های علوم تجربی. بعضی افراد هم روش تفسیر اشاری یا عرفانی را مطرح می کنند؛ یعنی تفسیر قرآن براساس ریافت های شهودی، باطنی و درونی. اما روش وی در تفسیر بهره وری از هر دو شاخه است که در نتیجه نام این روش؛ یعنی روش عقلی و نقلی با زیر شاخه هایش را روش جامع اجتهادی می گذاریم. اگر کسی از این روش ها استفاده کند، ما مجموع این ها را می گوئیم روش تفسیر جامع اجتهادی. چرا جامع؟ چون از هر سه روش استفاده کرده است؛ هم از عقل، هم از قرآن و هم از روایات. چرا اجتهادی؟ چون باید میان این روش ها جمع کند، زیرا این ها سه مطلب است و باید تجزیه و تحلیل و پیوندی ایجاد کند تا محصولی را که از این پیوند به دست می آید، ارائه کند. اما کسی که می خواهد تفسیر روایی کند کارش آسان تر است.

این مدرس حوزه افزود: گرایش؛ یعنی ذوق، سلیقه و دارایی پیشین مفسر و احساس نیازهای مفسر در برهه ای از زمان. آیت الله سبحانی چون گرایش و تخصص کلامی، تاریخی و فقهی دارد، وقتی به یک آیه می رسد که موضوع کلامی دارد، دید کلامی او در آن جا بازر است و زمانی که موضوع فقهی است، با دید فقهی بحث می کند. ایشان دارای گرایش کلامی در مباحث تفسیری است و گرایش فقهی هم کم و بیش در ایشان وجود دارد.

نजारزادگان:

می توان با قدری مسامحه تفسیر
استاد سبحانی را تفسیر روایی نامید

آیت‌الله العظمی سبحانی به دلیل این‌که از روایات اهل بیت (ع) در تفسیر بهره می‌گیرد می‌توان با قدری مسامحه تفسیرشان را تفسیر روایی نامید.



دکتر «فتح‌الله نजारزادگان»، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و نویسنده کتاب‌های «تفسیر تطبیقی» و «درس‌نامه متون اسلامی»، درباره ابعاد علمی آیت‌الله العظمی سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق، گفت: از ویژگی‌های استاد سبحانی که تقریباً در بین مراجع ما منحصر به فرد است، یکی این است که آیت‌الله سبحانی در تمام علوم رایج اسلامی که امروزه مطرح است؛ یعنی در حوزه رجال، کلام، تفسیر، علوم قرآن، فلسفه، فقه و اصول کار کرده و اثر تحقیقی

و کتاب دارد که با توجه به مرجعیت ایشان می‌توانیم بگوییم منحصر به فرد است. وی فقیه درگیر است نه فقیه منزوی؛ یعنی درگیر با جامعه، نه درگیر متضاد جامعه؛ یعنی در متن جامعه است و همواره به دنبال این بوده و هست که ببیند در جامعه چه نیاز و خلا لحاظ فکری و فرهنگی وجود دارد تا در حد توان پاسخ بگوید. مثلاً در زمینه مارکسیسم کتاب دارد و کتابی با عنوان «رمز موفقیت مردان بزرگ» برای جوانان

نوشته است، شاید ۱۰۰ تا ۱۵۰ کتاب از او در زمینه‌های مختلف وجود داشته‌باشد، دلیلش این است که وی در متن جامعه بوده و هست و همواره به این فکر می‌کند که جامعه چه نیازی دارد.

نویسنده کتاب «پژوهش دینی» افزود: حدود یک‌سال پیش وهابی‌ها کتابی نوشتند که آیت‌الله سبحانی با توجه به کهولت سنی که دارند، اما به لحاظ احساس وظیفه کتاب را مورد مطالعه قرار داد تا بر کتاب نقدی بنویسد و از من خواست در این نقد به برخی از منابع رجوع و کمکشان کنم، حتی خودش چندبار شخصاً با منزل ما تماس گرفت و از روند کار جويا شد، برای این‌که هر چه زودتر کتاب چاپ شود و در اختیار جوانان و دیگر افراد قرار بگیرد تا شبهه‌ای بی‌جواب نماند و موجب انحراف نشود. من به این کار می‌گویم تعهدورزی و حضور در متن جامعه و درگیری با مباحث و مسائلی که در جامعه بوده و هست.

نजारزادگان آثار آیت‌الله سبحانی را به دو دسته تقسیم کرد و تأکید کرد: شما می‌توانید آثار وی را به دو دسته تقسیم کنید. یک دسته آثاری که ناظر به مباحث اجتماعی است، مانند «رمز موفقیت مردان بزرگ» و

«پاسخ جوانان شیعی به پرسش‌های وهابیان» و دسته دوم: کتاب‌های تخصصی که در حد مباحث اجتهادی است و در سطح عالی حوزه تدریس و مباحثه و نظردهی می‌شود. شاید به دلیل همین احساس وظیفه است که آیت‌الله سبحانی مؤسسه امام صادق (ع) را راه‌اندازی کرد. این مؤسسه یکی از مراکز دروس تخصصی حوزه، کلام و فلسفه است که زیر نظر خودش اداره می‌شود.

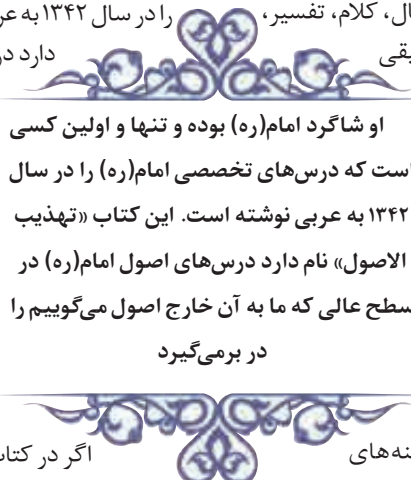
این نویسنده در مورد اساتید آیت‌الله سبحانی گفت: او شاگرد امام (ره) بوده و تنها و اولین کسی است که درس‌های تخصصی امام (ره) را در سال ۱۳۴۲ به عربی نوشته است. این کتاب «تهذیب الاصول» نام دارد درس‌های اصول امام (ره) در سطح عالی که ما به

آن خارج اصول می‌گوییم را در برمی‌گیرد. شخصی تفسیری نوشت به نام «تفسیر آیات مشکله قرآن» یکی از آیاتی که آن شخص بحث کرده آیه‌ای است مربوط به عالم زر؛ یعنی آیه ۱۵۹ سوره اعراف، که آیت‌الله سبحانی بررسی کرد و دید تفسیر آیات دارای خطاهای فاحشی است، این نویسنده حرف‌هایی زده که دارای مشکل است. پس وی شروع به نوشتن کتابی کرد با نام «تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن»،

اگر در کتاب «تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن» نگاه کنید قدرت تفسیری آیت‌الله سبحانی را می‌توانید ببینید و این نشان می‌دهد وی دست در کار تفسیر و اشراف به آن دارد.

نजारزادگان آیت‌الله سبحانی را ذو ابعاد دانست و اذعان کرد: آیت‌الله سبحانی انسان ذو ابعادی است. بنابراین هرگاه وارد تفسیر فقهی آیات بشود می‌توانید بگویید روش تفسیری وی فقهی است. به عنوان یک فقیه چون آیت‌الله سبحانی یک فقیه به تمام معنا است. از طرف دیگر، چون سازمان و مؤسسه وی سازمان و مؤسسه کلام و فلسفه است، بیشترین مباحث تفسیری آیت‌الله سبحانی رنگ و بو و روش تفسیر کلامی است، مانند همان تصحیح تفسیر آیات مشکله که یک بخش آن مباحث کلامی است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: آیت‌الله سبحانی به دلیل این‌که از روایات اهل بیت (ع) در تفسیر بهره می‌گیرد می‌توان با قدری مسامحه تفسیرشان را تفسیر روایی نامید، پس نمی‌توان گفت آیت‌الله سبحانی در تفسیر روش مخصوصی دارد.



او شاگرد امام (ره) بوده و تنها و اولین کسی است که درس‌های تخصصی امام (ره) را در سال ۱۳۴۲ به عربی نوشته است. این کتاب «تهذیب الاصول» نام دارد درس‌های اصول امام (ره) در سطح عالی که ما به آن خارج اصول می‌گوییم را در برمی‌گیرد

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع):

تسلط آیت الله العظمی سبحانی بر تفسیر، عامل وضوح روش نقلی ایشان در کلام است

مختلفی صاحب نظر و مسلط هستند و طبیعی است که برخی از این تخصص‌ها مانند تفسیر و کلام بر دیدگاه‌های کارشناسانه بر سایر شاخه‌های علمی اثر می‌گذارد.

این محقق علوم دینی در این باره تأکید کرد: وقتی عالمی در چند رشته دارای تخصص و مرجعیت علمی می‌شود، ناخودآگاه برخی از این تخصص‌ها که جنبه کلی‌تر دارند، بر سایر زمینه‌ها اثر می‌گذارد و این امری اجتناب‌ناپذیر است و سبب می‌شود که یک محقق، با دید وسیع‌تری به سایر موضوعات بپردازد. در مورد استاد سبحانی باید یادآور شد که ایشان در علوم مختلفی از مباحث تفسیر قرآن، که در آن صاحب نظر هستند، بهره می‌برد، مثلاً تخصص ایشان در مباحث

تفسیری باعث شده که مباحث کلامی ایشان از برجستگی خاصی برخوردار باشد و کتاب‌های کلامی آیت الله سبحانی از دو شیوه عقلی و نقلی بهره می‌برد که به واسطه تسلط استاد سبحانی بر تفسیر، جنبه نقلی آن در مباحث کلامی، بسیار روشن و واضح است.

معلمی درباره اهتمام آیت الله العظمی سبحانی در امر پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی گفت: آیت الله سبحانی علی‌رغم مرجعیت فقهی، هر زمان که شبهه‌ای اعتقادی مطرح می‌شود، خود را نسبت به

پاسخگویی به آن شبهات مسئول می‌دانند. هرگاه شبهه‌ای در مباحثی مانند کلام جدید و فلسفه دین که مربوط به اعتقادات دینی مسلمانان می‌شود، فراگیر شود، استاد سبحانی در مقام پاسخگویی برمی‌آیند و با رعایت نهایت ادب و احترام به شبهه پاسخ می‌دهند.

وی افزود: استاد سبحانی نسبت به مسائل و شبهات تخصصی که جنبه عمومی پیدا نکرده و مختص جوامع علمی است، از طریق نشریات تخصصی اقدام به پاسخگویی می‌کنند؛ اما نسبت به شبهه‌هایی که توسط افراد معروف و در سطح جامعه به گسترده‌گی منتشر می‌شود، شخصاً وارد میدان می‌شوند و سخنرانی می‌کنند و اقدام به نوشتن مقاله یا کتاب می‌کنند.

این نویسنده ضمن تأکید بر استقبال از آثار استاد سبحانی در خارج از ایران، اظهار کرد: آثار و تألیفات استاد سبحانی در ایران و حتی در خارج از ایران با استقبال زیادی مواجه می‌شود که علت این امر را می‌توان در تخصص و دقت نظر علمی ایشان و در رعایت جنبه انصاف و

در کتاب‌های کلامی آیت الله العظمی سبحانی از دو شیوه عقلی و نقلی استفاده شده است که تخصص ایشان در مباحث تفسیری باعث شده که جنبه نقلی آن، بسیار واضح و مستدل بیان شود.



حجت الاسلام والمسلمین «حسن معلمی»، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، با بیان این مطلب گفت: در طی چند سالی که در درس خارج ایشان شرکت می‌کردم، نظم ایشان در زمینه تحصیلی و ارائه مطالب، ملموس بود. ایشان همچنین در زمینه مدیریتی هم بسیار موفق هستند و مدیریت مجموعه‌هایی مانند مؤسسه امام صادق (ع)، گواه این امر است.

وی درباره ویژگی‌های تدریس استاد سبحانی اظهار کرد: یکی از ویژگی‌هایی که در درس خارج ایشان است، ارائه و بیان مطالب علمی به صورت روان و واضح است که این امر حتی در آثار و کتاب‌های ایشان هم ملاحظه می‌شود که مطالب علمی را به صورت کاملاً منظم و منقح بیان می‌کنند.

این نویسنده ضمن تأکید بر جامعیت علمی ایشان در علوم مختلف گفت: آیت الله العظمی سبحانی در علوم مختلفی مانند فقه، اصول، کلام، تاریخ، رجال، حدیث، تفسیر، فلسفه دارای جامعیت علمی است که باعث شده است که

ایشان در این زمینه‌ها دارای تألیفات گوناگونی باشند و در رشته‌های فقه و اصول و کلام دارای آثار چشمگیر و تخصصی باشند. صفتی هم که درباره ایشان بسیار برجسته است، نظم در امور درسی است.

حجت الاسلام معلمی درباره آثار و تألیفات علمی آیت الله العظمی سبحانی گفت: استاد سبحانی با استناد به منابع اهل سنت و جهی تحقیقی از آثار خود ارائه می‌دهند، به طوری که خواننده هنگام مطالعه آثار ایشان، ویژگی‌هایی مانند حقیقت‌جویی، عدم تعصب، ادب، احترام و الطاف را درمی‌یابد.

وی درباره مرجعیت آیت الله العظمی سبحانی خاطر نشان کرد: ایشان از سالیان قبل جایگاه و صلاحیت مرجعیت را داشتند و حتی بعد از رحلت امام خمینی (ره) مرجعیت ایشان محرز بود، اما اهتمام ایشان در مسائل علمی و پرورش شاگردان، باعث شد دیرتر مقام مرجعیت را بپذیرند. همان‌طور که قبلاً بر آن تأکید شد، استاد سبحانی در علوم

در طی چند سالی که در درس خارج ایشان شرکت می‌کردم، نظم ایشان در زمینه تحصیلی و ارائه مطالب، ملموس بود. ایشان همچنین در زمینه مدیریتی هم بسیار موفق هستند و مدیریت مجموعه‌هایی مانند مؤسسه امام صادق (ع)، گواه این امر است



احترام جست‌وجو کرد. این ویژگی آیت‌الله سبحانی در همگی آثار است که با پرورش شاگردان و طلاب علوم دینی، آن‌ها را به مسیر ایشان نیز دیده می‌شود و خواننده درمی‌یابد که مؤلف این آثار خود به حقیقت رسیده است و از طریق بیان همان روش‌ها درصدد است که افق حقیقت را بر روی خواننده نیز بگشاید. مسلماً وقتی شخصی با چنین جامعیت علمی و اخلاص اقدام به تألیف اثری کند، آثار او از جذابیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

حسن معلمی درباره ویژگی‌های تألیفات استاد سبحانی گفت: آثار استاد سبحانی بر اصول محققانه و روشمندی نگاشته شده است که حتی اگر کسی بخواهد بر مطالب آن نقدی وارد کند، به خاطر منضبط بودن و روشمند بودن آن‌ها، مجبور است خود او هم از همین اصول علمی و روشمند در مقام نقد استفاده کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه، ضمن تأکید بر اهتمام این مرجع عالیقدر بر پرورش شاگرد بیان کرد: استاد سبحانی همواره تلاش کرده

است که با پرورش شاگردان و طلاب علوم دینی، آن‌ها را به مسیر پاسخگویی به شبهات دینی هدایت کند تا آن‌ها به صورت هماهنگ و منسجم به این امر اقدام ورزند و به واسطه همین روحیه پشتکار و نظم ایشان، مؤسساتی را نیز تأسیس کردند و از همه این امکانات برای دفاع از دین استفاده می‌کنند.

وی در پایان، با اشاره به نوآوری آیت‌الله العظمی سبحانی در تدوین رساله عملیه خاطر نشان کرد: ایشان در مقدمه رساله عملیه خود، مباحث اصول دین و موضوعات مهم اعتقادی را به صورت فشرده و مفید مطرح کردند. در مورد آثار و تألیفات آیت‌الله سبحانی می‌توان گفت که تمامی آثار ایشان مفید و سودمند هستند و به خصوص کتاب‌های «الهیات» که در ده جلد منتشر شده است، «فروغ ابدیت»، کتاب‌های تاریخی درباره امام علی (ع) و تقریرات درس خارج فقه ایشان برای من بسیار سودمند بوده است.

حجت الاسلام رضایی: آیت الله العظمی سبحانی حساسیت زیاد و به جایی در پاسخ گویی به شبهات دارد



اشاره کرد و گفت: ویژگی اول در مورد محتوای تفسیر منشور جاوید این است که آیت الله سبحانی در این تفسیر به بیشتر موضوعات مورد نیاز دانشجویان پرداخته است. ویژگی دومی که در این تفسیر دیده می شود، پاسخ به شبهات است، مخصوصاً پاسخ به شبهاتی که وهابیان و اهل تسنن نسبت به امامت داشته اند که وی در این مورد تمام روایات و آیات را بررسی کرده است.

نویسنده کتاب «قرآن و فرهنگ زمانه»

تفاوت تفسیر منشور جاوید و

تفسیر المیزان علامه طباطبایی را

ویژگی سوم این اثر دانست و

اظهار کرد: تفسیر علامه

طباطبایی قرآن به قرآن است. او

معتقد است روایات نمی توانند آن

طور که باید و شاید آیات قرآن را

تفسیر کنند؛ شأن آیات قرآن اجل از این حرفاست

که بعضی روایات ضعیف آن را بررسی کند، لذا علامه

طباطبایی به احادیث تفسیری بهایی نمی دهد و می گوید

قرآن باید با قرآن تفسیر شود. آیت الله سبحانی معتقد است

که اگر احادیث تفسیری نباشد، ما نمی توانیم برخی آیات

قرآن را تفسیر کنیم، لذا با چند آیه توضیح می دهد که باید

روایات تفسیری باشد تا آیات فهمیده شود.

وی در مورد نظم آیت الله سبحانی در تفسیر منشور

آیت الله العظمی سبحانی یکی از افتخارات حوزه علمیه است که در مقابل شبهات قد علم می کند و پاسخ می دهد و حساسیت زیاد و به جایی در مقابل شبهات دارد.



حجت الاسلام و المسلمین «حسن رضایی»، مدرس دانشگاه ساوه، مدرس حوزه علمیه قم و نویسنده کتاب های

«قرآن و فرهنگ زمانه» و «درآمدی بر تفسیر علمی

قرآن»، در مورد شخصیت علمی

آیت الله العظمی جعفر سبحانی،

ضمن بیان مطلب فوق، گفت: در

حوزه تفسیر یکی از تفسیرها،

تفسیر موضوعی است. به این نحو

که مثلاً موضوعی مانند عدالت، یا

نبوت و یا امامت را بر می گزینند و

آیات مربوط به این موضوع را

تفسیر می کنند.

تفسیر موضوعی امروزه در کشور ما رو به افزایش

است. آیت الله سبحانی از کسانی هستند که به نوشتن

تفسیر موضوعی همت گماشت و تفسیری نوشت با نام

«منشور جاوید» که این تفسیر جای خود را در حوزه و در

بین کسانی که در حوزه علوم قرآنی و تفسیر هستند باز

کرده و دانشجویان زیادی را به خود جذب کرده است.

این مدرس حوزه به چند ویژگی تفسیر «منشور جاوید»

آیت الله سبحانی نیز یکی از مجتهدین طراز اول است و در باب تفسیر نظریات زیادی دارد، مخصوصاً در مسأله جبر و قضا، بداء و قضا و قدر حرفی برای گفتن دارد که هم مسأله کلامی آن را بررسی می کند و هم مسأله قرآنی را



آیت‌الله سبحانی در تفسیر منشور جاوید که براساس موضوع‌بندی شروع شده است، اول آیات قرآن را دسته‌بندی و در مرحله بعد آیات را از لحاظ لغت بررسی می‌کند و سپس احادیث معصومین (ع) را می‌آورد و براساس احادیث معصومین (ع) توضیح می‌دهد و در مرحله آخر شبهاتی را که حول آیه است بررسی می‌کند و پاسخ می‌دهد

جاوید گفت: آیت‌الله سبحانی در تفسیر منشور جاوید که براساس موضوع‌بندی شروع شده است، اول آیات قرآن را دسته‌بندی و در مرحله بعد آیات را از لحاظ لغت بررسی می‌کند و سپس احادیث معصومین (ع) را می‌آورد و براساس احادیث معصومین (ع) توضیح می‌دهد و در مرحله آخر شبهاتی را که حول آیه است بررسی می‌کند و پاسخ می‌دهد.

نویسنده کتاب «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن» در پاسخ به این سؤال که روش آیت‌الله سبحانی در تفسیر قرآن چه روشی است؟، اظهار کرد: او بنیان‌گذار مؤسسه امام صادق (ع) است که این مؤسسه، مؤسسه تخصصی علم کلام است و در زمینه این علم بحث می‌کند. وی علاوه بر این که به قرآن و تفاسیر دیگران و احادیث می‌پردازد، نیم‌نگاهی هم به علم کلام و فلسفه دارد و به راحتی از این مباحث رد نمی‌شود. بحث‌های کلامی عالی و دقیقی دارد. استدلالی بحث می‌کند و علاوه بر این‌ها پاسخ به شبهاتش عمیق است و از نگاه عقلی و کلامی مسائل را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر وی در تفسیر خود با رویکرد کلامی، استدلالی و عقلی بحث کرده است.



و اهل تسنن است، در آن هیچ توهینی به آن‌ها نکرده و عفت را رعایت کرده است.

رضایی آیت الله سبحانی را یکی از افتخارات حوزه علمیه دانست و یادآور شد: یکی از افتخارات حوزه علمیه آیت الله سبحانی است که در مقابل شبهات قد علم می‌کند و پاسخ می‌دهد. وی حساسیت زیاد و به جایی در مقابل شبهات دارد. در سال ۱۳۸۱ از طریق سایت، غربی‌ها ۷۰ الی ۸۰ شبهه تناقضات قرآن را مطرح کردند که آیت الله سبحانی صبر نکرد و سریعاً گفت باید پاسخشان داده شود و با شاگردانش جمع شدند و پاسخ آن‌ها را با استدلال‌های قوی دادند. او نسبت به شبهات حساس است و به شاگردان خود می‌گوید در مقابل شبهه و سؤال ساکت نمانید. به شاگردان خود گفته است که اگر کسی سؤال و شبهه‌ای کند و نتوانید جواب دهید، مدیون هستید.

ایشان قطعاً در درس‌های خارج خود به تمام جوانب فقهی می‌پردازد، آرای فقهی و در کنار آن علم کلام را هم بررسی می‌کند. نمی‌توان گفت علم کلام وی بر علم فقه او چیره دارد. او علم کلام و فلسفه را با علم قرآن و تفسیر فقه تلفیق می‌کند و به نتیجه مطلوبی می‌رسد، فکر نمی‌کنم مطلب را رها کنند

این نویسنده در پایان در پاسخ به این سؤال که آیا آرای کلامی آیت الله سبحانی بر آرای فقهی او تأثیر گذاشته است؟، خاطرنشان کرد: ایشان قطعاً در درس‌های خارج خود به تمام جوانب فقهی می‌پردازد، آرای فقهی و در کنار آن علم کلام را هم بررسی می‌کند. نمی‌توان گفت علم کلام وی بر علم فقه او چیره دارد. او علم کلام و فلسفه را با علم قرآن و تفسیر فقه تلفیق می‌کند و به نتیجه مطلوبی می‌رسد، فکر نمی‌کنم مطلب را رها کنند.

در حوزه کسانی که به درجه اجتهاد رسیده‌اند، می‌توانند صاحب نظر باشند و خودشان مبتکر رأی و نظر، مثلاً در مسأله فقه می‌بینیم که علما و مجتهدین با هم در یک مسأله اختلاف نظر دارند و هر کدام نظر خود را می‌دهند.

آیت الله سبحانی نیز یکی از مجتهدین طراز اول است و در باب تفسیر نظریات زیادی دارد، مخصوصاً در مسأله جبر و قضا، بدها و قضا و قدر حرفی برای گفتن دارد که هم مسأله کلامی آن را بررسی می‌کند و هم مسأله قرآنی را.

این مدرس حوزه با اشاره به قدرت بیانی آیت الله سبحانی گفت: وی قدرت بیان و استدلال‌های خیلی قوی‌ای دارد، مثلاً اگر مسأله‌ای مانند «اثبات مهدویت» را از نظر علم کلام بیان می‌کند؛ استدلال‌های قوی برای اثبات این قضیه ذکر می‌کند، تا جایی که ده دلیل عقلی و کلامی را بیان می‌کند تا یک مطلب را اثبات کند.

قلم روان از دیگر ویژگی‌های آیت الله سبحانی است که با این قلم روان توانسته افراد زیادی را به خود جذب کند. ویژگی دیگر او تسلط به زبان عربی است که به این زبان مسلط است و کتاب‌های او در خلیج فارس و کشورهای عرب‌نشین پخش می‌شود. عفت قلم از دیگر شاخصه‌های آیت الله سبحانی است.

بعضی افراد کتاب می‌نویسند اما عفت قلم را رعایت نمی‌کنند. با این‌که می‌بینیم کتاب‌های وی پاسخ به وهابیت



رویشکی آثار و آرای آیت‌الله‌العظمی سبجانی

علی ربانی گلپایگانی:

آیت الله العظمی سبحانی برخلاف شهرستانی از مستندات اصیل استفاده کرده است

محض نیست و از مباحث اعتقادی است.

وی در مورد شرکتش در کلاس های تفسیر آیت الله سبحانی که تحت عنوان «منشور جاوید» منتشر شده است، گفت: بنده، چند سالی را که آیت الله سبحانی درس تفسیر داشته اند در محضر ایشان بهره برده ام و به نظرم جلد ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ از منشور جاوید بوده است که بنده در محضر ایشان تعلیم دیدم.

مؤلف «پلورالیسم دینی» در مورد کتاب «بحوث فی الملل و النحل» آیت الله سبحانی و چگونگی نقل و داوری آرا و عقاید دیگر مذاهب توسط ایشان، اظهار کرد: آیت الله سبحانی به عنوان یک متفکر شیعی این کتاب را نوشته است، طبعاً جاهایی که مباحث اعتقادی با دیگر مباحث اعتقادی فرقه ها درگیر می شود، ایشان روحیه تدافعی دارند. آن چه در یک کتاب تحقیقی مهم است، آن است که مطالب نقل شده از دیگران، از منابع اصیل و مستند به صاحبان آن مذهب و مکتب باشد. ارزیابی و نقد کردن آموزه های فرقه ها دلیلی بر این که شخصی موضعی خصمانه داشته باشد، نیست، بلکه موضع و یا پیش فرض خصمانه در مباحث علمی، این گونه است که در نقل دیدگاه های دیگران، منصف و امانت دار نباشد. اینکه گفته می شود، شخصی در نقل آرای دیگران امانت دار نیست؛ یعنی مطالبی را به کسی یا فرقه ای نسبت داده که آن شخص و آن مکتب به آن نظر قائل نیست و این خصلت اخلاقی در پژوهش با بی طرفی محقق منافات و تعارض دارد.

وی افزود: اما اگر فردی مطالب را به طور دقیق و مستند از آرای دیگر محققین و مذاهب نقل می کند و در عین حال ارزیابی ها و نقدهایی را بر این مکاتب و محققین داشته باشد، ولو مختصر! این رویه با روحیه و اخلاق پژوهش در تعارض نیست و مشی استاد سبحانی هم در نقل آرای دیگر مکاتب همین گونه است.

این مدرس کلام جدید در حوزه علمیه قم در باب مقایسه اخلاق پژوهشی عبدالکریم شهرستانی در «ملل و نحل» با آیت الله سبحانی در



مطالب عبدالکریم شهرستانی در «ملل و نحل» از منابع نادرست و غیر مستند و فاقد اعتبار علمی است، در حالی که مصادر و منابعی که آیت الله العظمی سبحانی در تدوین «بحوث فی الملل و النحل» استفاده کرده اند، منابعی مستند، اصیل و دقیق و از خود صاحب نظران مذاهب و مکاتب مختلف است.



حجت الاسلام و المسلمین «علی ربانی گلپایگانی»، مدرس حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع)، ضمن بیان مطلب فوق، در مورد آشنایی خود با آیت الله العظمی سبحانی، گفت: بنده، بعد از اینکه وارد حوزه علمیه قم شدم؛ یعنی از سال ۵۶ با استاد آشنا شدم و تاکنون که بیش از ۳ دهه از زمان آشنایی می گذرد توفیق شاگردی ایشان را داشته ام.

وی در پاسخ به این سؤال که ابتدا با شخص آیت الله سبحانی آشنا شدید و یا با آثار ایشان؟ اظهار کرد: بنده از زمانی که وارد حوزه علمیه قم شدم با خود ایشان آشنا شدم و در دومین دوره درس اصول ایشان حضور پیدا کردم، البته قبل از درس اصول نیز مباحثی را در زمینه فلسفه و کلام نیز در خدمت ایشان تعلیم دیده بوده ام.

ربانی در پاسخ به این پرسش که در چه دروسی از فلسفه استاد سبحانی شرکت داشته اید؟ گفت: بنده در کلاس ها و درس های فلسفی محض و مصطلح، شرکت نداشته ام، ولی جلد ۵ اصول فلسفه و روش رئالیسم را در محضر ایشان تعلیم دیده ام که این بخش از مباحث فلسفی،

اظهار کرد: بنده کتاب «الانصاف» را به طور خاص مطالعه نکرده‌ام ولی گویا این کتاب تکمیل یافته کتاب «الاعتصام فی الکتب و السنة» است، در کتاب «الاعتصام فی الکتب و السنة» به بررسی تعدادی از مسائل اختلافی در فقه شیعه و اهل سنت پرداخته شده است.

مؤلف «دروس فی الشیعه و السنة» در مورد سابقه بررسی تطبیقی گزاره‌های فقهی بین شیعه و سنی خاطرنشان کرد: در مورد بررسی اختلاف‌های فقهی شیعه و سنی بزرگانی در این مورد کتاب‌هایی را تألیف کرده‌اند، از جمله مرحوم «شرف‌الدین عاملی» در کتاب «سبع مسائل الفقیه» و به صورت متفرقه، همچون «سید محسن امین» این گونه مسائل را بررسی کرده‌اند.

ربانی گلیپایگانی در مورد ویژگی متمایز کننده کتاب «الاعتصام فی الشیعه و السنة» از آثار دیگر بزرگان در همین مورد گفت: آیت‌الله سبحانی با روش خاص خودشان که اختصار و نظم و دسته‌بندی مناسب است، مسائل اختلافی در فروع فقهی را بررسی کرده‌اند و بنده به خاطر رسم روان، جذاب، گویا، راه‌گشا و دقیق بودن این اثر، تعدادی از این کتاب را زمانی که در بعثه مقام معظم رهبری بودم به طلاب و مهمانانی غیر ایرانی که به آن جا می‌آمدند و بحث‌های اختلافی در میان شیعیان و اهل سنت رخ می‌داد، به آنان هدیه می‌دادم و چند جلدی را هم در آنجا گذاشتم.

حجت‌الاسلام ربانی گلیپایگانی در مورد کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» اظهار کرد: کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» مجموعه مقالاتی از آیت‌الله سبحانی است که ایشان با توجه به مباحث و سؤالات جدید پیش آمده، به پاسخ‌گویی می‌پرداختند و بنده در برخی از مباحث جلد اول این کتاب، وقتی که هنوز به صورت کتاب تدوین نشده بود، بنده مکرر در خدمت‌شان بودم.

مؤلف «ما هو علم الکلام» در مورد روحیه پاسخ‌گویی آیت‌الله سبحانی افزود: آیت‌الله سبحانی بر اساس روحیه

کلامی‌شان، از زمان قدیم شخصیتی داشته‌اند که مبین حوزه اعتقادات و پاسخ‌گوی شبهات و مسائل پیش‌آمده در حوزه دین بوده‌اند، چرا که ایشان معلمی هستند که دارای احساس مسئولیت در پاسخ دادن به شبهات هستند. از ویژگی‌های منحصر به فرد استاد سبحانی این است که نسبت به پاسخ‌گویی سریع به شبهات جدید و مباحث اعوجاجی، خیلی حساس هستند و لذا برای پاسخ‌گویی خودشان وارد معرکه می‌شوند، فلذا متناسب با موضوعات مختلف به پاسخ‌گویی پرداخته‌اند، چنانچه زمانی به

«بحوث فی الملل و النحل» گفت: در باب مقایسه «ملل و نحل» شهرستانی با «بحوث فی الملل و نحل» استاد سبحانی باید گفت که مشکل شهرستانی در کتابش این است که مطالب غیر مستند را به شیعه استناد می‌دهد. شهرستانی حرف‌ها و نظریاتی را نقل می‌کند و به شیعه منتسب می‌داند که شیعه به آن‌ها معتقد نیست، یا حرف شاذی از یک شخص یا یک فرقه محدود و کوچک را به کل شیعه منتسب می‌کند.

این محقق کلام اسلامی خاطرنشان کرد: در واقع مطالب شهرستانی نادرست و غیر مستند است؛ یعنی آن چه را نقل می‌کند از مصادر و منابع غیر مستند و فاقد اعتبار علمی است، در حالی که مصادر و منابعی که استاد سبحانی در تدوین کتابشان استفاده کرده‌اند، از منابع مستند، اصیل و دقیق و از خود صاحب‌نظران مذاهب و مکاتب مختلف است.

حجت‌الاسلام ربانی گلیپایگانی گفت: در مورد کتاب حسن و قبح عقلی باید گفته شود که تقریر کتاب «حسن و قبح عقلی یا پایه‌های اخلاق جاودان» مربوط به زمانی می‌شود که در درس اصول ایشان شرکت می‌کردم. سبک تدریس آیت‌الله سبحانی به نحوی است که برخی از مباحث اصول فقه که ماهیتش فی الواقع اعتقادی و کلامی است، ابتدا در آن مباحث را در درس اصول مختصراً بیان می‌کردند و بعد به صورت مبسوط و مستقلاً در درس جداگانه‌ای به آن می‌پرداختند.

مؤلف «ما هو علم الکلام» در مورد کتاب «حسن و قبح عقلی» و «جبر و اختیار» خاطرنشان کرد: آیت‌الله العظمی سبحانی بحث «جبر و اختیار» و «حسن و قبح» را به همین سبک تدریس کردند و هر دو مبحث را چون بنده در کلاس‌هایشان شرکت کرده بودم، ایشان هم پیشنهاد تدوین و تنظیم این ۲ را به من دادند، اول متمایل نبودم ولی چون دیدم جناب استاد علاقه‌مند هستند اقدام به تدوین این دو کتاب کردم.

مؤلف «درآمدی بر بینش اسلامی» در مورد سیر تدوین این ۲ کتاب گفت: آیت‌الله سبحانی در سیر تدوین و تنظیم این کتاب‌ها، منابعی را به بنده ارائه می‌دادند و بنده این منابع را در تدوین کتاب مورد استفاده قرار می‌دادم و در نهایت یک اثر تحقیقی مفصلی تدوین شد و بعد این تحقیقات را به ایشان تحویل دادم و بعد از اظهار نظرهای حضرت استاد و بازبینی‌های دوباره، این دو اثر تحقیقی؛ یعنی «جبر و اختیار» و «حسن و قبح عقلی» به این صورت تدوین شد.

مدرس کلام جدید در مدرسه فیضیه قم، در مورد کتاب «الانصاف» و «الاعتصام فی الکتب و السنة»

سبک تدریس آیت‌الله سبحانی به نحوی است که برخی از مباحث اصول فقه که ماهیتش فی الواقع اعتقادی و کلامی است، ابتدا در آن مباحث را در درس اصول مختصراً بیان می‌کردند و بعد به صورت مبسوط و مستقلاً در درس جداگانه‌ای به آن می‌پرداختند

آیت‌الله سبحانی در سیر تدوین و تنظیم این کتاب‌ها، منابعی را به بنده ارائه می‌دادند و بنده این منابع را در تدوین کتاب مورد استفاده قرار می‌دادم و در نهایت یک اثر تحقیقی مفصلی تدوین شد و بعد این تحقیقات را به ایشان تحویل دادم و بعد از اظهار نظرهای حضرت استاد و بازبینی‌های دوباره، این دو اثر تحقیقی؛ یعنی «جبر و اختیار» و «حسن و قبح عقلی» به این صورت تدوین شد



سبب این که برخی از بولتن‌هایی که شبهات اثبات وجود خدا را مطرح می‌کردند و این امر در سطح جامعه پراکنده بود، ایشان سریع به تبیین برهین اثبات وجود خدا برای پاسخ‌گویی پرداخت و زمانی که برخی از روشنفکران که در مورد تکثرگرایی، وحی، رابطه دین و اخلاق، دین و آزادی و ... نظریاتی را مطرح می‌کردند، ایشان به صورت مقاله به این نظریات پاسخ دادند و بعدها این مجموعه مقالات، به صورت کتاب مستقلی به نام «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» تدوین شد.

مؤلف «الكلام المقارن» اظهار کرد: در فضای حوزه، کم‌تر افراد شاخصی هستند که در عین اینکه در فقه و اصول برجسته و یا مرجع هستند و یا در آستانه مرجعیت، به مباحث اعتقادی توجه کنند، به خصوص در مورد مباحث مبتلای جامعه فکری! لذا همین که آیت الله سبحانی با این جایگاه علمی والایی که دارند و مرجع و صاحب‌نظر در فقه و اصول هستند، به معرکه پاسخ دادن به مسائل و

شبهات جدید وارد شده‌است، حتی اگر از سایر جهات صرف نظر کنیم، یک ارزش و امر تازه‌ای در میان مراجع به شمار می‌رود. اینکه آیت الله سبحانی به عنوان یک شخصیت فقیه و اصولی و تقریباً درجه اول حوزه به این مسائل پرداخته باشند، در حالی که امکان دارد شاگردانش یا دیگر فضلا به مباحث وارد شده باشند، دارای ارزش منحصر به فردی است.

این محقق حوزه علمیه قم با اشاره به این که آیت الله سبحانی همچون استادش امام خمینی (ره)، شخصیتی است که فارغ از جایگاه و شخصیت برجسته فقهی و اصولی به مقتضای زمان، آماده و حاضر به پاسخ‌گویی به شبهات است، اظهار کرد: امام خمینی (ره) کتاب «کشف الاسرار» را در عین اینکه شخصیتی فقیه و مجتهد برجسته‌ای بوده‌اند، در جواب به شبهات تألیف کردند، که همین اقدام امام (ره) خودش یک مسأله قابل توجه و ارزشمند است، لذا به نظر این بزرگان گاه برای پاسخ‌گویی به شبهات شاید تشخیص دهند که باید کلاس درس فقه برای پاسخ‌گویی به شبهه تعطیل شود. اگر قرار باشد که فردی مسائل جدید را ارزیابی کند، این مسأله‌ای جد است، لذا جدای از بحث علمی در موضوعاتی که آیت الله سبحانی مطرح کرده‌اند، پرداختن به همه یا اکثر مباحث کلام جدید توسط فقیه‌ی هم چون آیت الله سبحانی از امتیازهای منحصر به فرد ایشان است، لذا این دو نکته که ایشان هم دارای شخصیت برجسته هستند و هم دارای جامعیت علمی هستند، می‌شود، از ویژگی‌های برجسته ایشان است.

ربانی گلپایگانی توجه به شاگردان را از خصوصیت‌های دیگر آیت الله سبحانی دانست و گفت: یک ویژگی ایشان هم این است که در کلاس درس رصد قوی دارند و شاگردان برجسته و تیزهوش را سریع شناسایی و شکار می‌کنند و وقتی شخص خاصی با ایشان برخورد می‌کند، خیلی زود

به قابلیت‌هایشان پی می‌برند. وی در پاسخ به این سؤال که چه شد قریب به ۳ دهه با ایشان هستید؟ اظهار کرد: آن چه باعث شده که بنده در خدمت ایشان باشم و ارتباطمان ادامه پیدا کند، حالت دل‌جویی و مراقبت ایشان از شاگردانش است، لذا رفتار ایشان با بنده خیلی بزرگوارانه بود و هست و این روش و سبک ایشان را در اساتید دیگرم ندیدم، گرچه استفاده‌های علمی زیادی از اساتیدم برده‌ام.

این محقق علوم اسلامی در مورد رابطه آیت الله سبحانی با شاگردانش گفت: آیت الله سبحانی جویای احوال شاگردانش است و مسائلی را برای تحقیق برای شاگردان معین می‌کند و آن‌ها را نیز تشویق به اتمام تحقیق می‌کند، البته گاه شاگردانش را به خاطر بی‌توجهی توبیخ می‌کردند. بنده به خاطر دارم که به خاطر مشکلی که در زندگی‌ام پیش آمده بود، ۳ روز در کلاس شرکت نکردم و بعد از این ایام وقتی که در کلاس شرکت کردم، بعد از اتمام درس با یک

حالت عتاب فرمودند: چرا در درس نیامده‌ای، اگر تعهد دینی نداری؛ تعهد اخلاقی داشته باشی که بنده بسیار از این رفتار استاد تعجب کردم، و بعد از اینکه مشکلات بنده را شنیدند، گفتند: این اثر تکلیفی را برمی‌دارد، ولی اثر وضعی را بر نمی‌دارد، بعد از این برخورد، ایشان بعد از کلاس‌ها برخی مواقع تا درب منزل مرا همراهی می‌کردند و پی‌گیر بودند که آن مشکل پیش آمده، حل شده یا نه؟! ایشان با رفتاری

اخلاقی‌شان، باعث شده که بارها شرمند شوم، چنانچه پیش آمده که مدتی ایشان را ندیدم، ولی ایشان با بهانه‌ای به دیدن بنده آمده‌اند، لذا آن چه بیشتر باعث شده بنده با ایشان باشم، بزرگواری ایشان است که مرتب جویای حال بنده بوده‌اند، و در این ایام هم تمامی مسئولیت مؤسسه امام صادق (ع) را بر عهده من گذاشته‌اند.

ربانی در ادامه آیت الله سبحانی را در خط مقدم پاسخ‌گویی به شبهات دانست و گفت: نکته دیگری که برای بنده بسیار زیبا و دل‌چسب است، این است که ایشان در خط مقدم مرزدار دین، همه چیز را بسیار دقیق رصد می‌کند، مثلاً پاپ یک حرفی می‌زند، سریع ردیه می‌نویسد و اگر یک عالم اهل سنت یک کتابی یا مقاله‌ای در رد شیعه می‌نویسد یا برخی از دگراندیشان ایرانی اظهار نظری می‌کنند، ایشان سریع روحیه پاسخ‌گویی دارند و خود این خصوصیت برای من جذاب است.

وی در پایان خاطر نشان کرد: آیت الله سبحانی شخصیتی است که ناظر به مسائل جدید است و بسیار احساس مسئولیت می‌کند؛ لذا آن چه باعث تداوم ارتباط بنده با ایشان شده، بزرگواری، عنایت و لطف ایشان به بنده بوده است و از این طرف هم بنده خودم را مدیون استاد می‌دانم، به خاطر آن الطاف و محبت‌ها که به بنده داشته‌اند، لذا روش ایشان در شناخت و پرورش انسان و در خط و مشی دادن، بنده را مجذوب خود کرد.



آیت الله سبحانی شخصیتی است که ناظر به مسائل جدید است و بسیار احساس مسئولیت می‌کند؛ لذا آن چه باعث تداوم ارتباط بنده با ایشان شده، بزرگواری، عنایت و لطف ایشان به بنده بوده است و از این طرف هم بنده خودم را مدیون استاد می‌دانم، به خاطر آن الطاف و محبت‌ها که به بنده داشته‌اند، لذا روش ایشان در شناخت و پرورش انسان و در خط و مشی دادن، بنده را مجذوب خود کرد



محسن غرویان: آثار آیت الله العظمی سبحانی از گزافه‌گویی و خرافه‌پرستی به دور است



دانشگاهی و بالطبع در دبیرستان‌ها زیاد شده بود، لذا برای پاسخ‌گویی به این شبهات، آیت الله سبحانی کتاب‌ها و مقالاتی را نوشته بودند که بنده برای پاسخ به سؤال‌ها و شبهات به سراغ آثار ایشان می‌رفتم.

این مدرس حوزه علمیه قم در مورد دوران بعد از ورود به حوزه علمیه قم؛ یعنی زمان طلبگی خود اظهار کرد: بعد از این که وارد حوزه علمیه قم شدم، بیشتر با آثار استاد سبحانی آشنا شدم و به لحاظ موقعیت فرهنگی کشور در آن زمان که مارکسیست‌ها بیشتر فعال بودند و آثار آن‌ها در کوی و برزن موجود بود، فلذا از طرف اقشار مختلف مطالعه می‌شد.

وی عکس‌العمل اندیشمندان دینی آن دوره را چنین توضیح داد: با توجه به فعالیت چنین گروه‌هایی، احساس خطر از سوی عالمان دین، هم چون آیت الله سبحانی و آیت الله مصباح و شهید مطهری حس شد که هر یک به فراخور حال، نقدهایی بر مارکسیسم نگاشتند و ماهیت الحادی آنان را به مردم نشان دادند. همان‌طور که گفتم هر یک از علما بر نظرات انحرافی مارکسیست‌ها و ماتریالیست‌ها نقدهایی نوشتند، من جمله آیت الله سبحانی کتاب «فلسفه اسلامی و اصول دیالکتیک» را نگاشت و

آثار آیت الله العظمی سبحانی از گزافه‌گویی و خرافه‌پرستی و بی‌نظمی به دور است و این از ویژگی‌های آثار ایشان بود که مرا به آثارشان وابسته و علاقه‌مند کرد.



حجت‌الاسلام و المسلمین محسن غرویان، عضو هیئت علمی مدرسه عالی امام خمینی (ره) و مدرس حوزه و دانشگاه، پیرامون شخصیت علمی و اخلاقی آیت الله العظمی سبحانی، ضمن بیان مطلب فوق اظهار کرد: آثار آیت الله سبحانی، آثاری استدلالی و برهانی است. من قبل از دوران طلبگی با آثار استاد سبحانی آشنا و به آن‌ها علاقه‌مند شدم و کتابخانه بنده از دوران دبیرستان؛ یعنی قبل از طلبگی با کتاب‌های آیت الله سبحانی آشنایی داشت و فلذا بنده ابتدا با آثار ایشان و قبل از دوران طلبگی آشنا شده بودم.

مؤلف «فلسفه اخلاق» در مورد اینکه چرا قبل از دوران طلبگی به سراغ آثار آیت الله سبحانی رفته است؟، گفت: در دوران انقلاب به علت اینکه فعالیت ملحدین، مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در مجامع علمی و

اظهار کرد: تفاوت «کلام» با «فلسفه» این است که در «کلام» حفظ مدلول آیات و روایات اساس و مبناست؛ یعنی استفاده از نقلیات با کمک تحلیلات عقلی، لذا جنبه نقل بر تعقل می‌چربد، اما در فلسفه تعقل آزاد است، فلذا آثار آیت الله سبحانی بیشتر رنگ کلامی دارند تا فلسفی.

مدرس «کفایة الاصول» حوزه علمیه قم در مورد تأثیرگذاری صبغه کلامی بر رویه فقهی آیت الله سبحانی و همچنین مقایسه روش فقهی ایشان با آیت الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: فقه بیشتر متکی بر منقولات است تا بر معقولات. درست است که در فقه علی‌الخصوص در اصول معقولات داریم، ولی فقه بیشتر نقلی است و هم اکنون آیت الله جوادی آملی و آیت الله سبحانی هر دو درس خارج فقه دارند و واقعا

آیت الله سبحانی فقیه برجسته‌ای هستند، چرا که در فقه انصافا کار کرده‌اند، و هم چنین آیت الله جوادی آملی که من مدتی در کلاس‌های خارج فقه آیت الله جوادی آملی هم شرکت می‌کردم و می‌دیدم که بحث خارج فقه ایشان، بحث‌های عقلی‌اش پرنرنگ‌تر بود، اما صبغه کلامی آیت الله سبحانی به جنبه فقهی‌شان رنگ خاصی داده است، البته در تفسیر قرآن هم، صبغه کلامی آیت الله سبحانی مؤثر بوده است.

مدرس فلسفه اخلاق حوزه علمیه قم در مورد تأثیرگذاری فقه و فلسفه در جامعه گفت: در مورد فقه و فلسفه و تأثیرگذاری‌شان برای جامعه باید گفت که فقه و شریعت برای ادامه و تمشیت امور زندگی مردم است، لذا بحث‌هایش خیلی انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه بحث‌ها عینی خارجی است، مثلا به بحث‌های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد، و این خصوصیات؛ یعنی توجه به مباحث عینی جامعه در تفسیر آیت الله سبحانی ظهور دارد.

این محقق علوم اسلامی در مورد تفسیر آیت الله سبحانی و تأثیرگذاری‌اش بر جامعه خاطرنشان کرد: آیت الله سبحانی در میان بحث‌های تفسیری خود قصه‌ای را هم نقل می‌کنند و گاهی ممکن است که این قصه مبتنی بر یک خواب و رؤیا باشد، و این شیوه بدان علت است که ایشان به دنبال مباحث عینی زندگی و اخلاقی هستند، نه صرف مباحث انتزاعی. البته علامه طباطبایی هم در تفسیرشان، بحث‌های سیاسی، اجتماعی دارد، ولی بیشتر مباحث‌شان تخصصی و انتزاعی است.

محسن غروی‌ان در مورد سبک تفسیری استاد سبحانی، به مقایسه‌ای میان سبک تفسیری ایشان و آیت الله جوادی آملی پرداخت و گفت: سبک تفسیری آیت الله جوادی آملی مانند سبک علامه طباطبایی، قرآن به قرآن و عقلی است؛ لذا آیت الله جوادی آملی در تفسیر، تحت تأثیر رویه علامه طباطبایی هست و مکرر از خود آیت الله جوادی شنیده‌ام که

آیت الله مصباح یزدی در آن زمان سلسله درس‌هایی را در نقد مارکسیسم و ماتریالیسم در مؤسسه در راه حق برای طلاب و فضلا تنظیم کرد که این دروس با عنوان کتاب «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک» تنظیم شد که خودم در این کلاس‌ها شرکت می‌کردم.

وی در مورد علت علاقه‌مندی‌اش به آثار استاد سبحانی گفت: بنده به آثار برهانی و استدلالی علاقه‌مند هستم، فلذا طبیعی است که آثار مکتوب یا سخنان افراد و شخصیت‌هایی که برهانی باشد؛ یعنی از گزافه‌گویی و خرافه‌پرستی و بی‌نظمی به دور باشد به مذاق افراد شیرین می‌آید. آثار استاد سبحانی از گزافه‌گویی و خرافه‌پرستی و بی‌نظمی به دور است و این از ویژگی‌های آثار سبحانی بود که مرا به آثارشان وابسته و علاقه‌مند کرد؛ به عبارت دیگر آثارشان استدلالی و

برهانی است و از مطالب گزافه و زائد و خرافه و غیر مستند به دور است. بعد از ورود به حوزه علمیه قم و آشنایی با استاد سبحانی، در دروس مختلف ایشان هم چون درس اصول و یا درس‌های فلسفه و تفسیر و رجال ایشان شرکت کردم و رابطه‌ام با استاد قوی شد، تا حدی که استاد برخی از وظایف را بر عهده من می‌گذاشتند، مثلا استاد سبحانی، بارها به بنده و وظیفه پاسخ‌گویی به شبهات برخی روشنفکران را داده بودند و لذا بنا به توصیه ایشان به پاسخ‌گویی به شبهات روشنفکران می‌پرداختم و در مؤسسه امام صادق (ع) بنا به توصیه ایشان، تاکنون ۳ دوره کتاب «مسائل جدید کلامی» ایشان را تدریس کرده‌ام.

حجت الاسلام غروی‌ان گفت: آیت الله سبحانی چون ذوب در دین و شریعت هستند، لذا شخصیت علمی‌شان هم طوری است که می‌خواهند شریعت و ظواهر الفاظ کتاب و سنت حفظ شود. علامه طباطبایی در برخی از آثارشان هم چون تفسیر المیزان بحث کلامی، فلسفی و روایی را مطرح و در عین حال این مباحث را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند، ولی در برخی از آثارشان خیلی عمیق وارد شده‌اند، مثلا در رساله «الولاية» و «رسائل توحیدیه» بحث‌ها کاملا فلسفی و عرفانی است؛ یعنی علامه طباطبایی خیلی به دنبال بطون آیات هستند و در عمق آیات پیش می‌روند، فلذا دقت‌های فلسفی و عرفانی عمیقی دارند.

غروی‌ان در باب مقایسه روش عملی آیت الله سبحانی با علامه طباطبایی گفت: آیت الله سبحانی، در روش تفسیری‌اش با علامه طباطبایی این تفاوت را دارد که خیلی با دقت‌های فلسفی و عرفانی عمیق وارد تفسیر نمی‌شود، فلذا سبک و سیاق ایشان آسان‌تر و روان‌تر است و اگر بحث‌های تفسیر موضوعی منشور جاوید ملاحظه شود، دیده می‌شود که قلم و بحث‌های آیت الله سبحانی روان‌تر از بحث‌های علامه طباطبایی است که این خصیصه برگرفته از شخصیت کلامی ایشان است. مدرس فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم در مورد تفاوت کلام با فلسفه

آیت الله سبحانی چون ذوب در دین و شریعت هستند، لذا شخصیت علمی‌شان هم طوری است که می‌خواهند شریعت و ظواهر الفاظ کتاب و سنت حفظ شود. علامه طباطبایی در برخی از آثارشان هم چون تفسیر المیزان بحث کلامی، فلسفی و روایی را مطرح و در عین حال این مباحث را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند



سبحانی و ویژگی‌های یک مرجع تقلید در عصر حاضر گفت: به نظر من، در عصر کنونی مرجع تقلید باید مانند آیت‌الله سبحانی ذوفنون باشد؛ یعنی مرجع تقلید باید دارای جامعیت باشد و ملاک خودم در تشخیص علمیت فقها، جامعیت آن هاست؛ یعنی هرکسی از مجتهدان که معدل علومش بالاتر باشد، آن فرد اعلم است.

مدرس سابق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد بزرگانی که فقط در فقه صاحب‌نظر هستند، گفت: ممکن است فقیه و مجتهدی را پیدا کنید که ۵۰ سال زکات و خمس، درس می‌دهد، ولی این دلیل بر علمیت وی نیست، بلکه باید علمیت مجتهدان را از راه معدل‌گیری در علوم یافت کنیم؛ یعنی آن فقیه و مجتهدی که جامعیت بیشتری در علوم داشته باشد، آن شخص اعلم است، و آیت‌الله سبحانی هم واقعا جامعیت‌شان در علوم مختلف، بسیار بالاست.

حجت‌الاسلام غروی‌ان در مورد معرفت‌شناسی که آیت‌الله سبحانی در این علم هم دارای اثر منحصر به فرد و مجزایی هستند، اظهار کرد: معرفت‌شناسی اولاً و بالذات در غرب به صورت منسجم و آن هم از زمان «کانت» مطرح شد و بعد به شرق انتقال یافت و در جامعه ایران هم مباحثش به تدریج وارد شد.

مدرس فلسفه حوزه علمیه قم، روند توجه به مسئله «معرفت» در غرب را چنین بیان کرد: «کانت» به عنوان اولین کسی که بحث معرفت‌شناسی را مطرح کرد، گفته است که اولین بحث فلسفه باید مسئله «معرفت» باشد،

گفته‌اند که اگر امروز کسی بخواهد تفسیر قرآن بگوید، باید بر سر سفره تفسیر المیزان بنشیند و این نشان از تحت‌تأثیر بودن زیاد آیت‌الله جوادی آملی از تفسیر علامه طباطبایی است، ولی آیت‌الله سبحانی، مانند علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی به جنبه عقلی مباحث نمی‌پردازد و در سبک تفسیری خود مستقل است، و این وجه تمایز تفسیر آیت‌الله جوادی آملی با آیت سبحانی است.

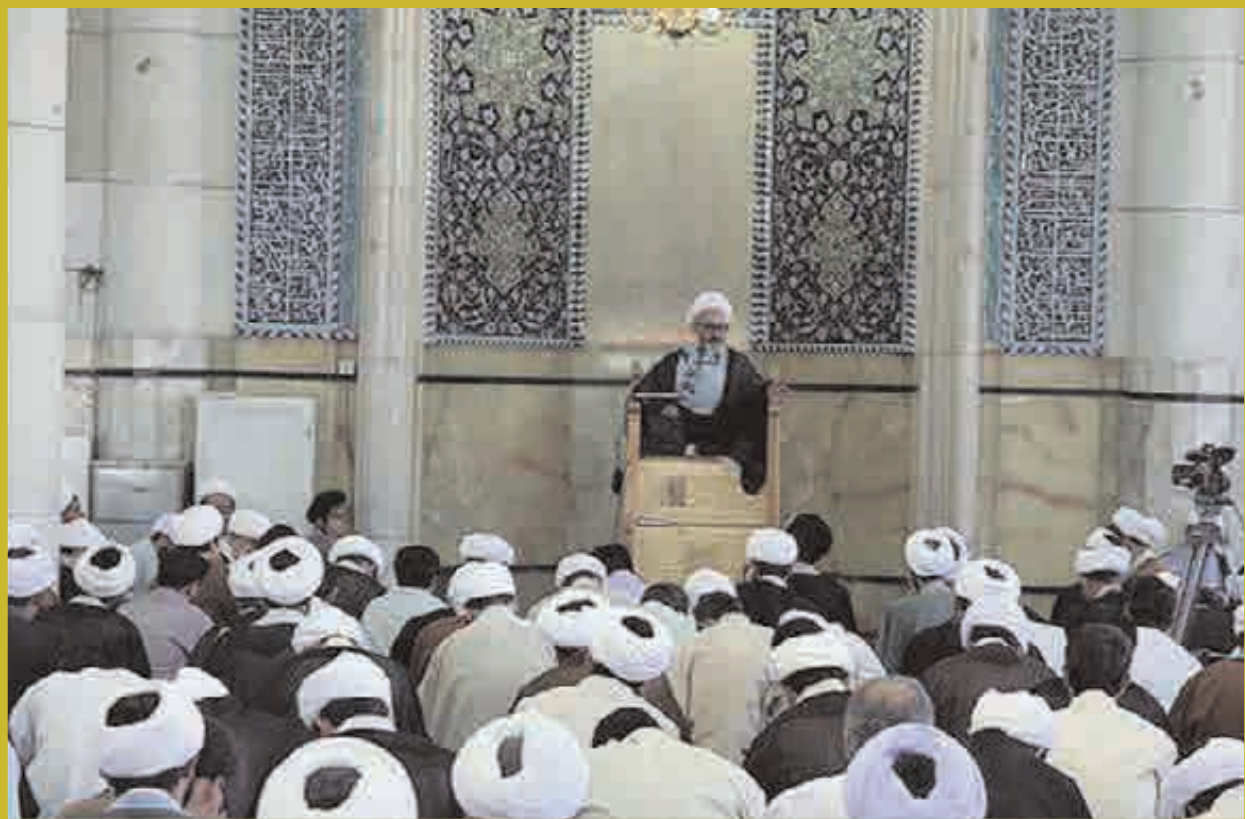
حجت‌الاسلام غروی‌ان در پاسخ به این سؤال که آیا صحیح است که جنبه کلامی آیت‌الله سبحانی بر جنبه فقهی ایشان تأثیرگذار

است؟ تصریح کرد: در ذهنیت، ساختار و هندسه معرفتی یک فقیه، همه معلوماتش تأثیرگذار است، به عبارت دیگر نمی‌توان گفت که برخی از علوم و آگاهی‌های یک فقیه، بر جنبه فقهی‌اش تأثیرگذار نباشد، به هر حال وقتی که شاکله‌ای معرفتی برای یک فقیه سازمان می‌یابد، همه اضلاع آن شکل معرفتی، مؤثر در هندسه معرفتی آن فرد است، ولی میزان تأثیرگذاری‌اش در استنباط متفاوت است.

مؤلف کتاب «فلسفه اخلاق اسلامی»، آیت‌الله سبحانی را تنها یک متکلم فقیه ندانست و او را یک فیلسوف معرفی کرد و افزود: آیت‌الله سبحانی یک فیلسوف برجسته و دارای اثری مجزا در این باب هستند و در مورد اصالت و جود ملاصدرا تألیف‌های چاپ شده‌ای دارند و همان‌طور که گفتم، آیت‌الله سبحانی شخصیتی ذوفنون است.

مدرس «کفایة الاصول» حوزه علمیه قم در مورد مرجعیت آیت‌الله

معرفت‌شناسی اولاً و بالذات در غرب به صورت منسجم و آن هم از زمان «کانت» مطرح شد و بعد به شرق انتقال یافت و در جامعه ایران هم مباحثش به تدریج وارد شد



تا ببینیم که آیا می توان به شناخت یقینی دست پیدا کرد یا نه؟ چرا که فلسفه که راجع به «هستی» صحبت می کند، باید قبل از آن، مسئله «شناخت» را بررسی کند؛ یعنی بررسی شود که پایه های «شناخت» چیست؟

مدرس «اسفار» حوزه علمیه قم در مورد نظر آیت الله مصباح درباره «شناخت شناسی» گفت: در خاطر دارم زمانی که در درس های فلسفه و معرفت شناسی آیت الله مصباح شرکت می کردیم، ایشان می گفت که به نظر من کانت نظر خوبی ارائه کرده است؛ یعنی اولین مسئله فلسفه باید «شناخت شناسی» باشد.

حجت الاسلام غروی در مورد فکر تأثیرگذار بر افکار کانت اظهار کرد: کانت تحت تأثیر «هیوم» بوده است؛ چرا که هیوم اشکالاتی در مسأله «معرفت» مطرح کرده است، که باعث شد کانت بگوید: «هیوم مرا از خواب جزم بیدار کرد» و کانت تحت تأثیر هیوم کتاب «نقد عقل محض» را می نویسد و هم عقل عملی و هم عقل نظری را در آن بحث می کند. معرفت شناسی از کانت شروع شد و به تدریج مارکسیست ها هم یک سری مسائل و شبهات را در شناخت شناسی مطرح کردند و بعد در ایران هم

اولین بار علامه طباطبایی چون با «تقی ارانی»؛ نظریه پرداز مباحث حزب توده و ماتریالیسم درگیر بود و مبنای ارانی، فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک بود که مبتنی بر شناخت حسی و تجربی است؛ لذا مباحث معرفت شناسی را مطرح کردند. علامه طباطبایی بحث «ادراکات» را که سرآغاز معرفت شناسی است، در اصول فلسفه و روش رئالیسم مطرح کرد، و به دنبال علامه طباطبایی و شهید مطهری، بحث شناخت شناسی در میان شاگردان علامه طباطبایی؛ همچون آیت الله سبحانی و آیت الله مصباح و آیت الله جوادی آملی جدی شد؛ لذا به نظر من، حلقه واسطه در انتقال توجه به معرفت شناسی، علامه طباطبایی است.

وی در مورد این که چرا علامه طباطبایی به مسئله «شناخت» و «معرفت» توجه کردند، یادآور شد: یکی از زمینه های طرح مباحث معرفت شناسی، پاسخ گویی به شبهات مارکسیست ها بود؛ چرا که مارکسیست ها در قبل و اوایل پیروزی انقلاب، این بحث ها را زیاد مطرح کرده بودند و خود ما در این زمینه برای پاسخ دهی و رفع شبهات در کلاس ها و نشست های متعددی شرکت می کردیم، اصول دیالکتیک را

در خاطر دارم زمانی که در درس های فلسفه و معرفت شناسی آیت الله مصباح شرکت می کردیم، ایشان می گفت که به نظر من کانت نظر خوبی ارائه کرده است؛ یعنی اولین مسئله فلسفه باید «شناخت شناسی» باشد

مدرس «اسفار» حوزه علمیه قم در مورد نظر آیت الله مصباح درباره «شناخت شناسی» گفت: در خاطر دارم زمانی که در درس های فلسفه و معرفت شناسی آیت الله مصباح شرکت می کردیم، ایشان می گفت که به نظر من کانت نظر خوبی ارائه کرده است؛ یعنی اولین مسئله فلسفه باید «شناخت شناسی» باشد.

چشم‌پوشی در جذب شاگردان نیست. علت این‌که آیت‌الله سبحانی به علوم مختلف پرداخته‌اند، آن است که ایشان عاشق علم و دانش هستند؛ لذا در هر رشته‌ای از علوم این عشق گل کرده است؛ یعنی علاقه‌مند بود تا بداند که فقه اسلامی چه می‌گوید و یا اصول و یا فلسفه و... چیست؟ عشق درونی آیت‌الله سبحانی به علوم، ایشان را به سوی تحقیقات مختلف در علوم اسلامی کشانده است؛ به عبارت دیگر در واقع هدایتی دورنی، یا انگیزه و محرکی درونی ایشان را به همه این‌ها کشانده است.

وی آیت‌الله سبحانی را همچون عاشقی دانست که تنها به دنبال معشوق خود است و اظهار کرد: شاید برخی افراد باشند که برای جایگاه آینده خود نشسته و فکر کردند که چه چیزی بهتر است؛

لذا برای آینده تخصص پیدا می‌کنند، ولی

این‌امور اصلا در ذهن آیت‌الله سبحانی نمی‌آید؛ چرا که معمولا کسانی که عاشقند به دنبال معشوق خود هستند و استاد سبحانی هم شخصیتی عاشق هستند؛ یعنی عاشق علم و کار پژوهشی، و لذا در علوم مختلفی وارد شده و کار تحقیقی ارائه داده‌اند.

مدرس «غرب‌شناسی» حوزه علمیه

قم خاطرنشان کرد: افرادی همچون آیت‌الله

سبحانی چون عاشق دین و اسلام بوده‌اند، آن‌ها هم در بعد علمی دین؛ لذا گفته‌اند که ما دوست داریم «بدانیم»، و لذا به دنبال گم‌شده خود بوده، و وظیفه خود را انجام داده و شاگردان زیادی را پرورش داده و آثاری را تألیف کرده‌اند.

وی در مورد الگو بودن آیت‌الله سبحانی برای طلاب، اظهار کرد: باید برنامه‌ریزی کنیم تا طلاب را به سمتی خاص هدایت کنیم، این کاری است که به هر حال مدیران یک مرکز آموزشی مثل حوزه علمیه باید با سرمایه‌گذاری، افراد مستعد را شناسایی و طلبه‌ها را جهت‌دهی کنند. الآن افرادی مثل آیت‌الله سبحانی در میان طلاب هستند که می‌گویند مرا محدود نکنید، می‌خواهم همه علوم اسلامی را بخوانم؛ لذا باید با برنامه‌ریزی، این افراد را که می‌توانند آیت‌الله سبحانی‌های آینده باشند هدایت کنیم؛ یعنی با مدیریت علمی و پژوهشی به آن‌ها خط دهیم؛ لذا نمی‌توان جلوی علایق افراد در کسب علوم را گرفت.

غرویان در پایان سخنانش در مورد تأثیرپذیری آیت‌الله سبحانی از استادانش عنوان کرد: فکر می‌کنم امام خمینی (ره) تأثیرگذارترین استاد آیت‌الله سبحانی است؛ چرا که امام خمینی (ره) جامع بود و جامعیت شخصیت امام (ره) در آثار آیت‌الله سبحانی جلوه کرده است.

مطالعه می‌کردم و در خاطر دارم که آیت‌الله مصباح یزدی در مؤسسه «دراغ حق» سلسله درس‌های «پاسداری از سنگ‌های ایدئولوژیک» را مطرح می‌کرد که یک بحث آن «شناخت‌شناسی» بود که در پاسخ به شبهات کمونیست‌ها تشکیل شده بود که در آن کلاس‌ها هم شرکت می‌کردم.

این محقق در ادامه سخنانش افزود: کمونیست‌ها می‌گفتند که شناخت، منحصر در شناخت تجربی است و حرف‌های پوزیتیویست‌ها و آمپریست‌ها را مطرح می‌کردند که شناخت منحصر در شناخت حسی و تجربی است و لذا شناخت عقلی و قلبی را قبول نداشتند؛ لذا با توجه به این شبهات، بزرگان مبحث، مسأله «شناخت» را در مجامع فکری اسلامی ایران مطرح کردند.

غرویان گفت: آن‌چه باعث شد ۳ دهه

مجدوب آیت‌الله سبحانی باشم، استدلالی بودن آثار ایشان بوده است. قبل از این‌که طلبه شوم، به جهت استدلالی بودن آثار آیت‌الله سبحانی، مجذوب ایشان شده بودم؛ چرا که اکثر آثار استاد استدلالی بود، این در حالی بود که من هم به دنبال کلام و عقاید استدلالی بودم؛ لذا آثار استاد سبحانی را به عنوان منبعی برای گمشده خود یافتم، جامعیت ایشان برای من خیلی جاذبه داشته و دارد.

این مدرس «منطق» حوزه علمیه قم، خستگی‌ناپذیری آیت‌الله سبحانی را عامل دیگری در شیفتگی خود به او دانست و اذعان کرد: کار و فعالیت زیاد آیت‌الله سبحانی امر دیگری بود که مرا مجذوب خود کرد. در مورد آیت‌الله سبحانی می‌توان گفت که خستگی از ایشان خسته شده است؛ چرا که با این کهولت سن، کار و فعالیت زیادی دارند، گویا استراحت و تنبلی برای ایشان نیست، تنبلی که ابداً برای ایشان محال است! ایشان حتی استراحت هم ندارد؛ یعنی واقعا ایشان بدون نگاه به سن خویش فعالیت و کار پژوهشی می‌کنند، من مکرراً ایشان را دیده‌ام که ساعت ۳ بعد از ظهر تابستان؛ زمانی که طبیعتاً وقت استراحت است، از منزل به سرکار می‌آیند تا کارهای تحقیقی خود را ادامه دهند.

حجت‌الاسلام غرویان استادش را الگوی خستگی‌ناپذیری دانست و گفت: آیت‌الله سبحانی الگویی در خستگی‌ناپذیری هستند، پشت‌کار و اراده محکم در کار علمی ایشان، زبان‌زد شاگردان و فضایی قم است؛ لذا خستگی‌ناپذیری و جامعیت دو خصیصه‌ای است که به طور ویژه مرا مجذوب خود کرد، البته خصیصه‌های دیگری از ایشان مانند تواضع و فروتنی و... نیز قابل

عبدالحسین خسروپناه:

استاد سبحانی مسائل کلام جدید را با زبانی ساده بیان کرده است



کردم، گرچه بنده در درس خارج فقه و اصول، بیشتر از آیت الله وحید خراسانی بهره بردم.

مؤلف «انتظارات بشر از دین» در مورد ورودش به مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) و که موجب ارتباط بیشترش با آیت الله سبحانی شد، اظهار کرد: در سال ۷۰ در دوره دکتری رشته تخصصی کلام مؤسسه امام صادق (ع) شرکت کردم و از سال اول دوره دکتری از محضر آیت الله سبحانی در درس معرفت شناسی که به صورت کتاب «نظریة المعرفة» تدوین شده است، استفاده کردم و چون بنده در زمینه معرفت شناسی تحقیقات گسترده ای داشتم، در کلاس درس خیلی با ایشان بحث می کردم، لذا طوری شد که در سال چهارم دوره دکتری در سال ۷۴، آیت الله سبحانی به بنده فرمودند که تدریس در مؤسسه امام صادق را شروع کنم و بنده تدریس معرفت شناسی دینی را شروع کردم و در سال بعد کتاب «نظریة المعرفة» را تدریس کردم.

مدرس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) رابطه اش را با آیت الله سبحانی علاوه بر موارد آموزشی در امور پژوهشی دانست و اظهار کرد: علاوه بر رابطه شاگرد و استادی که بنده در خدمت ایشان بودم، آیت الله سبحانی در برخی از امور پژوهشی ما را درگیر می کرد، مثلاً در کنگره بین المللی «دارالقرآن آیت الله العظمی گلپایگانی» که هر سال برگزار می شد و برای برگزاری، از شخصیت های متعدد از کشورهای مختلف دعوت به عمل می آمد و آیت الله سبحانی در ۲ سال این همایش از بنده خواستند که به صورت گروهی و تحت نظرشان تحقیقاتی انجام شود

کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» آیت الله العظمی سبحانی، کتاب ارزشمندی است که عمده مباحث کلام جدید را با ادبیاتی ساده بیان و بررسی کرده است.



حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در مورد شخصیت علمی - اخلاقی آیت الله العظمی جعفر سبحانی ضمن بیان مطلب فوق گفت: بنده ابتدا از طریق آثار آیت الله سبحانی، با ایشان آشنا شدم، در خاطر دارم که قبل از انقلاب که در دوران راهنمایی بودم، سیر مطالعاتی در معارف اسلامی را از معلم دینی آن زمان گرفتم و در این سیر مطالعاتی، برخی از آثار آیت الله سبحانی در مجله مکتب اسلام تهیه و مطالعه می کردم، لذا از زمان نوجوانی با اسم استاد «جعفر سبحانی» آشنا بودم. بعد از اینکه کتاب «فروغ ابدیت» منتشر شد، این کتاب در مجامع علمی خیلی مطرح شد و تقریباً یکی از بهترین کتاب های سال در زمینه تاریخ به شمار رفت، لذا طبیعتاً این کتاب را هم در همان دوران و قبل از ورود به طلبگی، مطالعه کردم.

مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی در مورد آشنایی و دیدار حضوری خود از آیت الله سبحانی گفت: بنده درس های حوزوی را هم زمان با درس دبیرستان در دزفول شروع کردم و بعد از اینکه سطح به طور کامل گذرانده شد برای ادامه تحصیل و برای شرکت در درس خارج، در سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم، و از این زمان به بعد به طور حضوری با آیت الله سبحانی به واسطه شرکت در درس های خارج فقه و اصول شان ارتباط پیدا

سؤال پاسخ می‌دهند.

مؤلف کتاب «کلام جدید» ساده‌نویسی را یکی از عوامل جذب خوانندگان به سوی آثار آیت‌الله سبحانی دانست و اذعان کرد: عمده آثار ایشان، روان و ساده است؛ لذا خوانندگان بیشتری می‌توانند از آثار ایشان استفاده کنند؛ به عبارت دیگر قلم آیت‌الله سبحانی، قلمی روان و آثارشان، آثاری دسته‌بندی شده است؛ لذا ساده‌نویسی از امتیازات ویژه‌ای است که ایشان دارند؛ یعنی مباحث عمیق و پیچیده فلسفی و کلامی را با ادبیات ساده و روانی مطرح می‌کنند و این هنر را هر کسی ندارد.

خسروپناه ضمن این‌که هنر آیت‌الله سبحانی را در بیان مباحث پیچیده، قلم و ادبیاتی روان دانست، اظهار کرد: معمولاً آن‌هایی که اهل فلسفه و علوم عقلی هستند، وقتی می‌خواهد مبحثی را به دیگران انتقال دهند، از اصطلاحات فراوانی استفاده می‌کنند و توان این را ندارند که مباحث عرشی را فرشی کنند و با ادبیاتی ساده و روان به مخاطب ارائه دهند، این هنر ویژه آیت‌الله سبحانی است که مباحث عمیق فلسفی را با ادبیات روان، ساده و مخاطب‌پسند عرضه می‌کنند.

مؤلف «انتظارات بشر از دین» در مورد کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» گفت: آیت‌الله سبحانی در این کتاب مثل کتاب‌های دیگرش مباحث را ساده، روان و دسته‌بندی شده عرضه کرده است، بخاطر همین نکته است که وقتی از من سؤال می‌شود که اولین کتابی که مسائل جدید کلامی را بیان کرده است، کدام است تا آن را بخوانیم؟ کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» را معرفی می‌کنم و در مرحله بعد، کتاب «کلام جدید» که تألیف خودم هست را توصیه می‌کنم؛ چرا که کتاب «کلام جدید» خودم، سنگین و اصطلاحی‌تر نوشته شده است و نیز ما هنر آیت‌الله سبحانی را نداریم تا مباحث پیچیده را به ادبیات روان تبدیل کنیم و علاوه بر این نکته، کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» کتاب ارزشمندی است که عمده مباحث کلام جدید را بررسی کرده است.

مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی در مورد اخلاق پژوهشی آیت‌الله سبحانی تأکید کرد: می‌خواهم نکته‌ای را که برای طلاب و دانشجویان بسیار مفید است، بیان کنم و آن این‌که آیت‌الله سبحانی عالمی است که درد دین دارد و همیشه این روحیه و مسئولیت را در وجود خودش دارد؛ به عبارت دیگر ایشان خودشان را سرباز خالص امام زمان (عج) می‌داند، و لذا همیشه می‌گوید که ما باید پا به رکاب و آماده دفاع از حریم دین و ولایت باشیم.

خسروپناه ضمن این‌که به بیان مقام معظم رهبری که تأکید بر رعایت اخلاق و منطق در نهضت نرم‌افزاری دارند، اشاره کرد، افزود: آیت‌الله سبحانی نیز به عنوان الگوی پژوهشی، با سعه صدر و کمال ادب، بدون

و در هر دو سال هم تحقیقات گروه ما نمونه و برتر شمرده شد که در همایش قرائت شد و مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

مؤلف «قلمرو دین» در رابطه روحیه پاسخ‌گویی به شبهات آیت‌الله سبحانی خاطر نشان کرد: آیت‌الله سبحانی پی‌گیر پاسخ‌دهی به مسائل و شبهات جدید دینی بودند، فلذا همیشه از ما سؤال می‌کرد که الان چه و مباحث و سؤال‌هایی جدیدی در جامعه مطرح

است، لذا ما بالتبع برای جناب استاد مسائل جدید را مطرح می‌کردیم و خود آیت‌الله سبحانی پی‌گیری بود که آیا ما به این سؤال‌ها پاسخ داده‌ایم یا نه؟ و اگر پاسخ منفی ما را در ندادن پاسخ می‌شنید، تأکید بر پاسخ‌گویی بر مسائل جدید داشتند و ایشان این‌گونه ما را جهت می‌داد که ما به سراغ پاسخ‌گویی به شبهات جدید برویم.

مدرس دانشگاه علوم رضوی در مورد رابطه مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه قم و مؤسسه امام صادق (ع) اظهار کرد: بعد از تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه قم در سال ۷۹، ارتباط ستادی هم با آیت‌الله سبحانی به وجود آوردیم و شبهاتی که در جامعه مطرح می‌شد، طلبه‌ها با نظارت حقیر پاسخ می‌دادند و البته در برخی از پاسخ‌ها از محضر ایشان استفاده و بهره می‌بردیم و گاه در جلسات گفتمان‌های دینی در مسائلی مثل انتظارات بشر از دین، قلمرو دین و دیگر مقولات جدید از ایشان دعوت به عمل می‌آمد و در نشست‌های سه‌شنبه شب، آیت‌الله سبحانی نظرات خود را در این موارد بیان می‌کردند.

مؤلف «آسیب‌شناسی دین پژوهی» ارتباط کنونی اش را با آیت‌الله سبحانی چنین بیان کرد: اکنون، ارتباط با آیت‌الله سبحانی در مؤسسه امام صادق (ع) وجود دارد و از همان سال ۷۴ که تدریس شروع شد تا اکنون تدریس در این مرکز تحقیقاتی ادامه دارد، فلذا در این مرکز هم، با ایشان دیدار داریم و البته گاهی در نماز مغرب و عشا به خدمت ایشان می‌رسیم و احوال‌پرسی با ایشان داریم.

مؤلف «قلمرو دین» در ادامه سخن خود، خاطر نشان کرد: به هر حال آغاز آشنایی بنده با آیت‌الله سبحانی از دوره راهنمایی بود و ولی ارتباط وثیق را می‌توان از سال ۷۰، وقتی وارد دوره دکتری کلام در مؤسسه امام صادق (ع) شدم، دانست و از آن زمان ارتباط روز به روز بیشتر شد و به لحاظ آموزشی و پژوهشی از محضر ایشان استفاده بردم.

حجت‌الاسلام خسروپناه در ادامه این گفت‌وگو، در مورد فعالیت‌های پژوهشی و اخلاق پژوهشی آیت‌الله سبحانی گفت: آیت‌الله جعفر سبحانی در تحقیق و تألیفاتشان چند امتیاز و ویژگی برجسته‌ای دارند و یکی از امتیازاتشان این است که وقتی با شبهه‌ای مواجه می‌شوند، به خوبی و روانی و به صورت ساده، مسئله را تبیین و طرح می‌کنند، و در مرحله بعد با دسته‌بندی منطقی به شبهه و

«دارالقرآن» توجه و برکت آیت الله العظمی سبحانی دانست و خاطر نشان کرد: ویژگی اخلاقی آیت الله سبحانی این است که شاگردپروری می کنند؛ یعنی دست طلبه های مستعد را می گیرند تا رشد کنند و اگر طلبه ای از شاگردان شان رشد نمی کند کوتاهی از خودش است.

مؤلف «انتظارات بشر از دین» تشخیص استعدادها و آمادگی های بالقوه طلبه ها را از دیگر ویژگی های آیت الله سبحانی دانست و گفت: آیت الله سبحانی وقتی احساس کرد حقیر آمادگی تدریس دارم، تدریس در مؤسسه امام صادق (ع) را با اینکه هنوز فارغ التحصیل هم نشده بودم به من سپرد.

مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی، با اشاره

به این که آیت الله سبحانی تعصبی بر روی آثارش ندارد، گفت: زمانی که ایشان تدریس کتاب «نظریه المعرفة» را به ما واگذار کرد، من چند سالی این کتاب و تلخیصش را تدریس می کردم، بعد از این به این نتیجه رسیدم که

مباحث جدیدتری از معرفت شناسی وجود دارد که در

کتاب نیست و لذا باید تحقیقات خودمان را به طلبه ها منتقل می کردیم، لذا متن کتاب را تدریس نکردم و به عنوان منبع به طلاب معرفی می کردم. بالأخره آیت الله سبحانی از این نحوه تدریسم باخبر شد؛ یعنی متوجه شد که متن کتاب ایشان را تدریس نمی کنم، لذا در دیداری به شوخی فرمودند که «در قدیم وقتی استاد شاگردی از دنیا می رفت کتابش رو کنار می گذاشتند و شما هنوز ما زنده ایم...» و من در پاسخ گفتم که استاد این چنین نیست و طلاب به عنوان منبع از کتاب جنابعالی استفاده می کنند. بعد آیت الله سبحانی فرمود: «این جمله من برای مزاح بود، لذا حتما تحقیق های جدیدی که می شود آن ها را به طلبه ها بگویند و درس «معرفت شناسی» منحصر به کتاب من نباشد».

مؤلف «قلمرو دین» این نوع عکس العمل ها را ناشی از تواضع علمی و توجه استاد سبحانی به دست آورد های جدید علمی دانست و خاطر نشان کرد: ایشان بارها وقتی مرا می دیدند، می فرمودند که بحث جدید الان در دانشگاه ها چیست؟ و الان چه شبهه جدیدی مطرح است؟، وقتی از مباحث مطرح در دانشگاه خدمت ایشان می گفتیم، پی گیر بودند که مطالب را برای شان ببریم تا آن را مطالعه کنند و گاهی اوقات ما برخی از مباحث را تلخیص می کردیم و می بردیم خدمتشان و ایشان آن ها را ملاحظه می کردند.

خسروپناه احساس مسئولیت در پاسخ دهی به شبهات را ویژگی دیگر آیت الله سبحانی دانست و گفت: من یک شب در کتابخانه دفترشان خدمتشان رسیدم، در حال نوشتن بودند که گفتند در حال پاسخ گویی به شبهه ای از طرف وهابیت هستیم که وزارت ارشاد برای پاسخ گویی برایم فرستاده است. با خود گفتم: آیت الله سبحانی، شخصیتی با این جایگاه علمی، احساس مسئولیت شدیدی در پاسخ دهی به شبهات دارد، در

این که به کسی توهین کند و از تعابیر غیر اخلاقی استفاده کند با استفاده از اصول منطقی به کار پژوهشی می پردازد؛ لذا وقتی که باشبهه ای، چه از ناحیه روشنفکران و غرب زدگان و چه از ناحیه متحجران وهابیت روبرو می شود، با کمال جرأت و توان مندی و بارعایت عقلانیت و سهم اخلاق و منطق به پاسخ گویی شبهات می پردازد و این خصیصه و امتیاز ویژه آیت الله سبحانی است که باید آن را به عنوان الگو قرار دهیم.

مؤلف کتاب «قلمرو دین»، در مورد الگو بودن آیت الله سبحانی برای نسل کنونی انقلاب، تأکید کرد: من معتقدم آیت الله سبحانی تنها یک مرجع تقلید و عالم حوزه علمیه نیست، بلکه آیت الله

سبحانی الگویی نستوه است که حتی می توان ایشان را برای نسل جوان و نسل چهارم انقلاب، معرفی کرد. گرچه سن آیت الله سبحانی الآن حدود ۸۰ سال است ولی روحیه ای جوان و بانشاط دارند و مانند طلبه و عالم جوانی مشغول کار پژوهش و تحقیق هستند و فرصت عمده روزشان را به کار تحقیقاتی و پژوهش و تحقیق و هدایت مردم اختصاص می دهند و این را مسئولیت و تکلیف مهم برای خودشان می دانند.

خسروپناه نظم را از ویژگی های آیت الله سبحانی دانست و گفت: آیت الله سبحانی این گونه نیست که هر برنامه ای را که پیش آمد، انجام دهد؛ یعنی منتظر کاری باشد که به سراغش بیاید، بلکه از قبل برنامه هایشان را تدوین کرده اند. ایشان قبل از اذان صبح از منزل به دفترشان می روند و بعد از انجام نوافل، نماز قضا برای پدر و مادرشان می خوانند، من از ایشان سؤال کردم مگر پدر شما نمازی بر ذمه دارند؟ ایشان پاسخ دادند: «نه، ولی من احتیاطاً نماز قضا برای ایشان می خوانم». این نشان می دهد که بعد از ۸۰ سال هنوز به یاد پدر و مادر است. بعد از نماز صبح مشغول کارهای تحقیقاتی خودشان می شوند، و بعد از آن هم به مؤسسه امام صادق (ع) در بلوار امین می روند، و تا ۱۰ شب کارهای تحقیقاتی را ادامه می دهند.»

حجت الاسلام خسروپناه افزود: زمانی ایشان برای اینکه در پژوهش تبحر پیدا کنیم یک کار پژوهشی به ما واگذار کرد، من تحقیقات را انجام دادم و بر دم خدمت ایشان، کاری که انجام داده بودم خیلی قوی نبود و ایشان وقتی تحقیق را دید، فرمود این تحقیق نیاز به اصلاحات دارد و خیلی با حوصله، یک یک اشکالات تحقیق بنده را مطرح کرد و چند بار این رفت و آمد میان بنده و ایشان صورت گرفت تا این تحقیق به ثمر نشست. در خاطر هست، برای یکی از این تحقیق ها که ایشان واقعا وقت گذاشتند نتیجه اش پذیرش مقاله ام به عنوان تحقیق برتر در کنگره بین المللی «دارالقرآن» بود و وقتی که خبر پذیرفته شدن مقاله ام در کنگره اعلام شد و اینکه قرار است در جمع عالمان خارجی و داخلی این مقاله قرائت شود، آن شب تا صبح از فرط خوشحالی نخوابیدم.

مؤلف «کلام جدید» پذیرفته شدن اولین مقاله اش را در کنگره

حالی که می‌توانست این وظیفه را به شاگردانش بسپارد که ناخودآگاه رفتیم و پای ایشان را بوسیدیم. ایشان شخصیتی است که نسبت به دین دغدغه و توجه و عنایت در پاسخ‌دهی به شبهات دارد.

خسروپناه خاطر نشان کرد: گاهی اوقات آیت‌الله سبحانی نسبت به برخی از بزرگان این‌قلتی داشت، مثلاً آیت‌الله معرفت یک نظریه ویژه‌ای در مورد صحابه یا برخی از مباحث علوم قرآنی داشت که آیت‌الله سبحانی به این نظریه اشکال داشت، اما با کمال تکریم و ادب از آیت‌الله معرفت، اشکال خود را طرح می‌کرد؛ یعنی واقعا آیت‌الله سبحانی میان اخلاق، منطق و بیان حقیقت جمع می‌کند.

خسروپناه در ادامه درباره کتاب «نظریة المعرفة» گفت: توصیه من به همه افرادی که معرفت‌شناسی را شروع می‌کنند این است که کتاب «نظریة المعرفة» اثر استاد سبحانی و «معرفت‌شناسی در قرآن» اثر آیت‌الله العظمی جوادی آملی را بخوانند؛ چرا که هر کدام با نگاهی خاص تدوین شده است. آیت‌الله سبحانی در «نظریة المعرفة» مباحث معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی را با فلسفه غرب درگیر و به شبهات معرفت‌شناسی فلسفه غرب جواب داده‌اند و آیت‌الله العظمی جوادی آملی با رویکرد و طرح مباحث حکمت متعالیه در کتاب خود به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است، البته این رویکرد حکمت متعالیه در کتاب «نظریة المعرفة» است ولی مباحث پیچیده فلسفی اسلامی در کتاب آیت‌الله جوادی ملاحظه می‌شود؛ لذا هر دو کتاب مکمل هم هستند.

مؤلف کتاب «کلام جدید» در مورد تاریخچه پرداختن به مباحث معرفت‌شناسی در میان فیلسوفان متأخر اذعان کرد: البته قبل از آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله جوادی آملی، علامه طباطبایی در «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و شهید مطهری در پاورقی‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم و کتاب «مسئله شناخت» و آیت‌الله مصباح یزدی در «آموزش

الملل و النحل» یکی از بهترین کتاب‌های مذاهب‌شناسی است که جریان‌های مختلف، آراء، عقاید و وضعیت سیاسی اجتماعی این فرقه‌ها را به خوبی نشان داده است.

مؤلف کتاب «انتظارات بشر از دین» در مورد روحیه دفع شبهات و پاسخ‌گویی آیت الله سبحانی گفت: ایشان چون دغدغه دین دارند با این‌که مرجعیت شیعه به عهده‌شان است ولی وقتی دیدند برخی از روشنفکران شبهاتی را مطرح کرده‌اند، پاسخ مکتوب داده و نگفتند که در شأن من نیست تا پاسخ دهم. من از خیلی از افراد شنیدم که می‌گفتند: «در شأن آیت الله سبحانی نبود که پاسخ به این افراد بدهند» و من در مقابل این افراد با ناراحتی می‌گفتم که شئون دین ارزشمندتر است. در مقابل هم آیت الله سبحانی در پاسخ‌ها نه تنها بی‌احترامی نمی‌کنند، بلکه سجایای نیک آن روشنفکر را یاد می‌کنند.

وی همچنین اظهار کرد: به خاطر دارم که برخی از روشنفکران که مباحث و نظریات خود را طرح کرده بودند، آن‌ها را به مؤسسه امام صادق (ع) دعوت کردند و برخی‌شان در این مؤسسه تدریس کردند؛ لذا معتقد نبودند که چون افراد نظرات متفاوتی دارند، نباید حرف بزنند و لذا بسیار عالمانه و اندیشمندانه می‌گفتند که این افراد باید در این مکان‌های علمی نظراتشان را بگویند و طلاب از زبان خود روشنفکران طراح این نظریات با آرای آنان آشنا شوند. آیت الله سبحانی در عین حال که آدمی دگم و بسته نیستند، عرق دینی و دغدغه دینی والایی دارند؛ یعنی آیت الله سبحانی بین حلم و علم، بین دغدغه دینی و دغدغه علمی را جمع کرده‌اند و به نظر من از عوامل موفقیت معظم له ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی است که توانسته‌اند در خودشان جمع کنند.

مؤلف کتاب «قلمرو دین» در مورد اعلام مرجعیت آیت الله سبحانی اظهار کرد: آیت الله سبحانی نظرشان این بود که مرجع به اندازه کافی وجود دارد؛ لذا معتقد بودند که نیازی نیست که رساله دهند، و با این‌که مجتهد مسلمی هستند و از سال‌ها قبل رساله را نوشته بودند، رساله را منتشر نمی‌کردند و معتقد بودند که الآن اولویت و وظیفه شرعی‌شان این است که به شبهات و تحقیقات علمی پاسخ دهند، بعد از این‌که آیت الله العظمی تبریزی از دنیا رفتند، جمع زیادی از مردم تبریز به ایشان گرایش پیدا کردند و اصرار داشتند که مرجعیت‌شان را اعلام و رساله را چاپ کنند و ایشان وقتی این وضعیت را دیدند با توجه به این‌که منطقه تبریز عرق خاصی دارند که مرجعشان تبریزی باشد و این‌که اگر رساله را منتشر نکنند چه بسا مردم به دامان یک‌سری افراد که اصلاً اصول انقلاب را قبول ندارند، رجوع کنند؛ لذا رساله را چاپ کردند و لذا آیت الله سبحانی تا احساس تکلیف نکردند رساله را به مرحله انتشار نرساندند.

فلسفه» به طرح مباحث معرفت‌شناسی پرداخته‌اند. این دو کتاب نظام‌مندتر و جامع‌تر از کتاب‌های دیگر در باب معرفت‌شناسی بوده و می‌توان گفت جزو اولین کتاب‌های نظام‌مند معرفت‌شناسی هستند و آیت الله جوادی آملی و آیت الله سبحانی با توجه به این‌که معرفت‌شناسی جزو دانش‌های مبناوریشه است و اگر برای فردی مسائل معرفت‌شناسی حل شود؛ لذا فکر نکنم در حوزه مباحث کلام جدید و قدیم و فلسفه ناتوان بماند، من دیده‌ام هرکسی دچار آسیب‌های فکری بوده است، بدان خاطر بوده که مباحث معرفت‌شناسی اش کامل نیست؛ لذا به خاطر این موضوع مهم است که آیت الله سبحانی کتاب نظریه‌المعرفه را

ایشان حافظه بسیار قوی دارند به نحوی که تاریخ وفات بسیاری از افراد اندیشمند را می‌دانند و اطلاعات عمومی تاریخی ایشان نسبت به این شخصیت‌ها خیلی قوی است؛ لذا کتاب «بحوث فی الملل و النحل» یکی از بهترین کتاب‌های مذاهب‌شناسی است که جریان‌های مختلف، آراء، عقاید و وضعیت سیاسی اجتماعی این فرقه‌ها را به خوبی نشان داده است

مدرس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: آیت الله سبحانی؛ علامه حلی زمانند؛ یعنی در مباحث فقهی، اصولی، تفسیری، کلامی، فلسفی و تاریخی کار کرده‌اند و این جامعیت به همراه عمق را در کم‌تر کسی یافتیم، من وقتی کتاب‌های علامه حلی را می‌خوانم یاد آیت الله سبحانی می‌افتم و وقتی کتاب‌های آیت الله سبحانی را می‌خوانم یاد علامه حلی می‌افتم، سبک نگارش و سیر بحث از قبیل عمق، سطح و زوایای مختلف بحث‌ها، خیلی شبیه هم هستند. ما علاوه بر این‌که به عالم متخصص در حوزه خاصی نیارمندیم و در عین حال به یک‌سری افراد جامع که در عرصه‌های مختلف صاحب نظر هستند، نیاز داریم و این جامعیت را آیت الله سبحانی دارند. جامعیت آیت الله سبحانی زاینده پرکاری ایشان است؛ مثلاً کتابخانه عمیق و مفصلی در مؤسسه امام صادق (ع) دارند که در ابتدا کتابخانه شخصی‌شان بوده که بعداً توسعه پیدا کرده است و اکنون جدیدترین کتاب‌ها از فرق مختلف در اختیارشان قرار می‌گیرد.

مدرس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد منابع مورد استفاده آیت الله سبحانی در نقد نظریات مخالفان تأکید کرد: ایشان با توجه به کتابخانه غنی که دارند، وقتی گروهی را نقد می‌کنند، مستند به منابع اصیل خود فرقه‌هاست، البته امکان دارد برخی استنادها جای حرف داشته باشند ولی تلاش ایشان این است که از منابع اصیل استفاده کنند؛ مثلاً در معرفی وهابیت از منابع دسته اول خود وهابیت استفاده کرده‌اند، مثل آثار «ابن تیمیه» و «یا محمد بن عبدالوهاب». درباره معتزله از کتاب «المغنی فی ابواب التوحید و العدل» و «یا شرح اصول خمس» از «قاضی عبدالجبار معتزلی» استفاده کرده و زمانی که می‌خواهند اشاعره را معرفی کنند از کتاب‌های «شهرستانی» و «یا میرسید شریف جرجانی» و «فخر رازی» و «غزالی» استفاده کرده‌اند.

وی خاطر نشان کرد: ایشان حافظه بسیار قوی دارند به نحوی که تاریخ وفات بسیاری از افراد اندیشمند را می‌دانند و اطلاعات عمومی تاریخی ایشان نسبت به این شخصیت‌ها خیلی قوی است؛ لذا کتاب «بحوث فی



عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی:

دقت نظر آیت الله العظمی سبحانی در بررسی یکایک فرق اسلامی، بی نظیر است

است، کتاب «مقالات الاسلامیین» ابوالحسن اشعری است که در آن از چند فرقه عالی نام می برد. اشعری در آن کتاب شیعیان را عالی می خواند. کتاب دیگری که ضعف های زیادی در معرفی تشیع دارد، کتاب «الفرق بین الفرق» بغدادی است. در آن کتاب بغدادی می گوید که در این دوران، یعنی قرن چهارم هجری، در میان شیعیان هیچ عالمی یافت نمی شود. این نظر بغدادی در دوره ای مطرح شد که تعدادی از بزرگترین متکلمان شیعی، همانند شیخ مفید و سید مرتضی، در آن روزگاران بودند. بغدادی در کتاب خود درباره این ملجم می گوید که او در ترور امام اول شیعیان، اجتهاد کرده است و حداکثر چیزی که می توان درباره آن گفت این است که او در اجتهاد خود اشتباه کرده است و بیش از آن نمی توان چیزی به آن نسبت داد.

وی ادامه داد: از دیگر کتاب هایی که آیت الله سبحانی در مقدمه کتاب «بحوث فی الملل و النحل» به آن اشاره دارد، کتاب «نشرة الفکر الفلسفی» است که در جلد دوم که به معرفی شیعه پرداخته است، مذهب تشیع و کلام بزرگان را فاقد اندیشه می داند. تمام این موارد به این خاطر ذکر شد که نشان دهد مؤلفان ملل و نحل تا چه حد به افکار واقعی شیعیان آگاه هستند و چه تهمت های ناروایی را به شیعه نسبت می دهند. با در نظر گرفتن مطالب مذکور، ضرورت معرفی واقعی تشیع، بیش از پیش احساس می شود. کتاب «بحوث فی الملل و النحل»، دارای سه ویژگی برجسته است که خود

این که در طول تاریخ، یک متکلم شیعی مانند آیت الله العظمی سبحانی، با این دقت و دید وسیع به ذکر و بررسی یکایک فرق پردازد، اقدامی بی نظیر است.



غلامرضا ذکیانی، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، در مورد کتاب «بحوث فی الملل و النحل» آیت الله العظمی جعفر سبحانی گفت: اولین جلد از مجموعه هشت جلدی «بحوث فی الملل و النحل»، در سال ۱۴۰۸ هجری قمری مطابق با ۱۳۶۸ هجری شمسی چاپ شده و آخرین جلد این مجموعه در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی به چاپ رسیده و حدود ۱۰ سال چاپ این مجموعه به طول انجامیده است. در مقدمه این کتاب، به بعضی از دلایل نگارش این مجموعه اشاره شده است. بسیاری از کتاب های ملل و نحل، از نقص های جدی برخوردار هستند. مثلاً در کتاب ملل و نحل، شهرستانی تهمت های ناروایی را به شیعه نسبت می دهد. اعتقاد به حلول، تناسخ، مشبه و اهل تجسیم بودن بعضی از بزرگان شیعی مانند هشام ابن حکم، بعضی از این تهمت هاست. وی افزود: شهرستانی شیعیان را متهم می کند که معتقدند امام هادی (ع) در شهر قم مدفون هستند و شیعیان، امام علی (ع) را خدای واجب الطاعة خود می دانند. کتاب دیگری که آیت الله سبحانی به آن اشاره دارد و از قدمت بیشتری هم به نسبت کتاب شهرستانی برخوردار

از دیگر کتاب هایی که آیت الله سبحانی در مقدمه کتاب «بحوث فی الملل و النحل» به آن اشاره دارد، کتاب «نشره الفکر الفلسفی» است که در جلد دوم که به معرفی شیعه پرداخته است، مذهب تشیع و کلام بزرگان را فاقد اندیشه می داند

آیت الله سبحانی هم در مقدمه این مجموعه به آن‌ها اشاره کرده است. این ویژگی‌ها را می‌توان در سه محور اصلی بیان کرد.

ذکیانی ضمن تأکید بر دقت آیت الله سبحانی در نقل اقوال دیگران اظهار کرد: ویژگی اول این است که آیت الله سبحانی در نقل قول سایر نظرات، به آثار و کلام خود آن‌ها استناد می‌کند و حتی المقدور از نقل قول

غیرمستقیم اجتناب می‌کند. روش کتاب «بحوث فی الملل و النحل»، روشی تحقیقی - کلامی است و فقط بیان تاریخ نیست. هشت جلد بودن این مجموعه هم، گواه تحقیقی بودن آن است. به عبارت دیگر، آیت الله سبحانی به همراه نقد و تحلیل مسائل کلامی و بررسی اقوال مختلف، اعتقادات شیعه را هم بیان می‌کند. ویژگی دوم این مجموعه این است که به تحول و تطور عقائد در بستر تاریخ می‌پردازد و به فراز و فرودهای عقاید در زمان‌های مختلف تاریخی اشاره می‌کند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ضمن تأکید بر استفاده آیت الله سبحانی از منابع مختلف، بیان کرد: ویژگی سوم کتاب «بحوث فی الملل و النحل»، این است که به خاطر معرفی بزرگان رجال و افکار مختلف، به نوعی کتاب رجال‌شناسی هم محسوب می‌شود.

غلامرضا ذکیانی در مورد معرفی اجمالی جلد‌های هشتگانه این مجموعه گفت: جلد اول این مجموعه درباره اهل حدیث، حنبله و سلفیه است. جلد دوم درباره اشاعره، جلد سوم درباره ماتریدییه، جهلییه، مرجئه، کذابیه ظاهریه و معتزله است. در کنار هم ذکر کردن این گروه‌ها در جلد سوم، به خاطر وجه عقل‌گرایی آن‌هاست. جلد چهارم مجموعه «بحوث فی الملل و النحل» درباره ابن تیمیّه و وهابیت و جلد پنجم درباره خوارج است. سه جلد آخر این مجموعه درباره شیعه و انشعابات آن است. جلد ششم درباره شیعه دوازده امامی، جلد هفتم درباره زیدیه و جلد هشتم درباره اسماعیلییه است.

وی ضمن اشاره به دو رویکرد درباره نگارش کتب ملل و نحل گفت: در مورد سبک تدوین کتاب‌های ملل و نحل، دو زاویه دید وجود دارد. عده‌ای معتقدند که کتاب‌های ملل و نحل باید بدون رویکرد و گرایش خاصی به



نوشته شده است و به نوعی در برابر معتزله تدوین شده و نقل قول‌های احمد ابن حنبل در آن زیاد مشاهده می‌شود.

غلامرضا ذکیانی گفت: کتاب «اللمع» این چنین نیست و کتابی کلامی و مستقل است. اشعری در «الابانة»، به جبر مطلق به شدت تأکید می‌کند ولی در «اللمع» به خالقیت رب و کاسبیت عبد اشاره می‌کند. بنابراین، مقایسه این دو کتاب در بخش معرفی مکتب اشاعره، نشان از دقت نظر بالای آیت‌الله سبحانی دارد. این دقت نظر در تمامی مطالب مطرح شده در این مجموعه ۸ جلدی دیده می‌شود و اختصاصی به مطالب عقلانی ندارد. مثلاً آیت‌الله سبحانی در وجه تسمیه فرقه حشویه ضمن بیان نقل قول‌های مختلف در این باره، اظهار می‌دارد که به این خاطر به آن‌ها حشویه می‌گویند که آنها به مطالب فرعی و روایاتی که از لحاظ حدیثی معتبر نیستند می‌پردازند و آن مطالب را در ضمن احادیث اصلی می‌آورند و به جبر و تشبیه معتقدند و سمع و بصر را به خداوند نسبت می‌دهند.

عضوهیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی گفت: از دیگر محورهای برجسته این مجموعه، طرح موضوعات جامعه‌شناختی مباحث کلام در این کتاب است. اگر اندیشه‌ای به تنهایی و فارق از بستر تاریخی آن مورد مطالعه قرار گیرد، شاید بیگانه و ناملموس به نظر آید؛ ولی با در نظر گرفتن بسترهای تاریخی، آن اندیشه می‌تواند بهتر درک شود.

وی در پایان سخنان خود ضمن اشاره به ارتباط پیوسته مباحث کلامی و جامعه‌شناختی موضوعات کلامی و فرقه‌شناسی گفت: آیت‌الله سبحانی در کتاب «بحوث فی الملل و النحل»، به بسترهای تاریخی و اجتماعی اندیشه‌های کلامی توجه خاصی داشتند.

بیان مطالب پردازند و گروه دوم معتقدند که اساساً بررسی اقوال مختلف به صورت خنثی و بدون گرایش خاص، امکان‌پذیر نیست. پیروان گروه دوم معتقدند که نویسنده کتاب‌های ملل و نحل نباید موضع خود را اعلام کند و هم‌چنین نباید از گروه و فرقه خاصی طرفداری کند؛ بلکه باید فقط به ذکر تاریخ و جواب‌های رد و بدل شده بین نحله‌های مختلف بسنده کند، این در حالی است که آیت‌الله سبحانی همان‌طور که در مقدمه کتاب هم اشاره کردند، کاملاً از منظر یک شیعه دوازده امامی به موضوعات کلامی نگاه می‌کند و به نقد مکاتب و اقوال مختلف می‌پردازد.

ذکیانی ضمن بیان ویژگی‌های منحصر بفرد کتاب «بحوث فی الملل و النحل»، گفت: آیت‌الله سبحانی در این کتاب، علاوه بر اینکه به معرفی فرق مختلف و عقاید آن‌ها می‌پردازد، نقد و قضاوت درباره فرق مختلف را هم مطرح می‌کند و حقانیت دیدگاه شیعه و ضعف نظرات مخالفان را نشان داده است. این کتاب در تاریخ علم کلام بی‌نظیر است؛ زیرا کتابی که در این حجم و با این دقت، به بررسی و بیان تاریخ فرق و مباحث کلامی مطرح شده، پردازد، وجود نداشته است. از ویژگی‌های این مجموعه، بررسی تمامی منابع موجود در مباحث مختلف است. وقتی استاد سبحانی مباحثی را مطرح می‌کنند، به تمامی منابع مهم در آن زمینه تسلط دارند تا مسأله‌ای ناگفته باقی نماند. به عنوان مثال می‌توان به پیدایش نظریه کسب و تطور آن نزد اشاعره اشاره کرد.

وی افزود: در جلد دوم این کتاب که به معرفی اشاعره اختصاص یافته است، مراحل ایجاد نظریه کسب به دقت بررسی شده است. آیت‌الله سبحانی در این قسمت بیان

می‌دارد که نظریه کسب توسط ابوالحسن اشعری مطرح شد و رسمیت پیدا کرد و توسط غزالی و تفتازانی تبیین و تفسیر شد.

باقلانی و ابن حکیم موجب تکامل نظریه کسب شدند و شلتوت و عبده هم از منتقدین جدی این نظریه محسوب می‌شوند. از دیگر محسنات این

کتاب ژرف‌نگری و دقت نظر ایشان در مباحث کلامی مطرح شده، است. مثلاً آیت‌الله سبحانی در تغییر و تحول افکار ابوالحسن اشعری، به دو کتاب وی؛ یعنی «الابانة» و «اللمع» اشاره می‌کند. آیت‌الله سبحانی به مقایسه بین این دو کتاب ابوالحسن اشعری می‌پردازد. اشعری کتاب «الابانة» را قبل از کتاب «اللمع» نوشته است. «الابانة» به سبک اهل حدیث



معاون پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره):

اغلب آثار آیت الله العظمی سبحانی با نگاه بین المذاهبی است

جمله ویژگی آثار ایشان است که در عین این که دارای مطالب عمیق و دقیق است، دارای مطالبی روان است، فی الواقع روانی و سادگی قلم ایشان از عمق و دقت مطلب نمی کاهد و این آثار به راحتی برای عرب زبانان و فارس زبانان در هر مقطعی و رشته ای قابل فهم است.

این مدرس حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: تتبع فوق العاده ایشان در تحقیق هایشان ویژگی آثار ایشان است و این تتبع بین بزرگان معاصر بی نظیر است، به عبارت دیگر تتبع و تحقیق ایشان بین محققان از مراجع معاصر بی نظیر است و در آثار معاصران، مانند آثار استاد سبحانی ندیده ام که دارای منابع بسیار زیاد و البته اصیل باشد. یکی از ویژگی های دیگر آثار استاد سبحانی که میان معاصران کمتر یافت می شود، رجوع به منابع اصیل و جدید است، به نحوی که ایشان با منابع جدید و اطلاعات به روز فرقه ها و اندیشه های مختلف در جهان اسلام و عرب آشنایی کامل دارند و این از خصوصیات بارز آیت الله سبحانی است که به همین علت اندیشمند و محقق برجسته جهان اسلام در عصر حاضر هستند.

مؤلف «پژوهشی در عصمت معصومان» تأکید کرد: بنده از تمام آثار استاد سبحانی استفاده کرده ام و بسیار زیبا است به نحوی که در اکثر آثارم به آثار ایشان ارجاع داده ام، و این نشان از این دارد که آثار استاد برای تمام محققان علوم اسلامی مفید است. بنده به خاطر نظرات ابتکاری آیت الله سبحانی در موضوعات مختلف علوم اسلامی، در موضوعات فلسفه اخلاق، عصمت معصومان (ع) و رابطه عقل و وحی بسیار از آثار استاد سبحانی بهره برده ام؛ چرا که نظرات ابتکاری ایشان در این موارد زبانزد محققان علوم اسلامی است.

اغلب آثار آیت الله العظمی سبحانی با نگاه بین المذاهبی است؛ یعنی برای تبیین نظریه ای در علوم اسلامی، نظرات مختلف اندیشمندان فرق اسلامی و حتی فرقی که هم اکنون فعال نیستند را بیان و مقایسه می کند.



حجت الاسلام و المسلمین احمد حسین شریفی، معاون پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در مورد ویژگی های آثار آیت الله العظمی سبحانی ضمن بیان مطلب فوق گفت: آثار آیت الله سبحانی دارای ویژگی منحصر به فردی است که در آثار دیگر بزرگان که در ساحت مبانی اندیشه اسلامی قلم می زنند، کمتر یافت می شود. اولین ویژگی آثار ایشان، نظم و ترتیب مثال زدنی ایشان است؛ چرا که آثار کلامی، اعتقادی و فرقه شناسی ایشان دارای نظم کاملاً منطقی و منسجمی است؛ یعنی باب بندی و تقسیم بندی بسیار مناسبی که در آثار ایشان دیده می شود در بین آثار بزرگان مثال زدنی و کم نظیر و بلکه بی نظیر است.

شریفی دومین ویژگی آثار آیت الله سبحانی را چنین برشمرد: ویژگی دیگر آثار ایشان، تطبیقی بودن آثار ایشان است؛ چرا که آثار ایشان اغلب با نگاه تطبیقی بین المذاهب است؛ یعنی اگر نظریه ای را بیان می کند، اگر آن نظریه بین اندیشمندان فرق مختلف اسلامی هم مطرح شده باشد، آن را بیان می کند، ایشان حتی نظر فرقی که هم اکنون فعال نیستند را برای تطبیق و مقایسه در آثارشان می آورند. مؤلف «عقل و وحی» در مورد سومین ویژگی آثار استاد سبحانی اظهار کرد: قلم روان و سادگی مطالب از



دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران:

آثار آیت الله العظمی سبحانی همچون آثار استاد مطهری پاسخ‌گوی نیازهای فکری جوانان است

آیت‌الله العظمی سبحانی و استاد شهید مطهری سعی در بیان جذاب مطالب ناب اسلامی داشته‌اند و هر یک به فراخور سعی‌شان مأجور هستند و آثار هر دو بزرگوار برای جوانان اهل فکر و جویای حقیقت به دلیل جذابیت و پاسخ‌گو بودن نیازهای فکری‌شان مفید بوده‌است.



«محمد محمدرضایی»؛ دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران و سردبیر فصلنامه قیسات و کتاب نقد، در مورد شخصیت علمی - اخلاقی آیت‌الله العظمی سبحانی، گفت: در طول تاریخ انسان‌های بزرگی بوده‌اند و خواهند بود که به علت مجاهدت‌های فراوان در عرصه‌های علمی و فرهنگی الگو و اسوه جوان‌ها بوده و خواهند بود. امام خمینی (ره) و استاد شهید مطهری نمونه چنین افرادی هستند، چرا که ایشان انسان‌های بزرگ و بزرگوار بودند، فلذا این دو بزرگوار الگویی متعالی برای جوانان در طول تاریخ خواهند بود و همه مبارزان در عرصه علم، فرهنگ و شهادت به این دو بزرگوار تأسی خواهند کرد.

این مدرس حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: در زمان حاضر نمونه چنین افرادی موجود است که برای جوانان مسلمان خواهان کشف حقیقت، الگو هستند و این، نشان از این دارد که گرچه الگوهایی مانند امام خمینی (ره) در طول تاریخ کم پیدا می‌شوند، ولی در همه دوران‌ها اشخاصی هستند که برای جوانان عصر خود الگو باشند تا جوانان بدانند که در همان دورانی که زیست می‌کنند، اشخاص بزرگوار هستند که با تمام سختی‌ها، آثار محققانه‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند و همیشه دغدغه جامعه و اطرافیان خود را در دست‌یابی به تعالیم ناب اسلامی دارند. نمونه چنین افرادی در زمان حاضر، آیت‌الله العظمی سبحانی و آیت‌الله العظمی جوادی آملی هستند. ایشان الگویی مناسب برای جوانان عاشق تحصیل و دریافت حقیقت هستند.

محمدرضایی در مورد آغاز آشنایی خود با آیت‌الله سبحانی گفت: بنده قبل از انقلاب از طریق مجله مکتب اسلام با ایشان و آیت‌الله مکارم که در این مجله قلم می‌زدند، آشنا شدم و بعد از انقلاب مدتی در درس ایشان شرکت کردم که متأسفانه به خاطر زمان درس از استمرار شرکت در درس‌های استاد سبحانی محروم شدم. ارتباط نزدیک بنده با ایشان از زمانی آغاز شد که آیت‌الله سبحانی در جلد اول کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» از کتاب «براهین اثبات وجود خدا» که ترجمه بنده از انگلیسی به فارسی بود، تشکر و قدردانی کردند و به تبع بنده برای تشکر و مبادله فکری بیشتر، خدمت ایشان رسیدم و این ارتباط وثیق، قریب به ۲۰ سال ادامه دارد و در این مدت بسیار از ایشان استفاده کرده‌ام.

این مدرس دانشگاه در مورد شخصیت اخلاقی آیت‌الله سبحانی گفت: آیت‌الله سبحانی فرد بسیار دلسوزی است که واقعا دلش برای دین‌داری مردم می‌سوزد و سعی می‌کند اگر شبهه‌هایی برای دین‌داری مردم پیدا



می‌شود، پاسخ‌گو باشد، این‌گونه نیست که بگوید که دیگران پاسخ‌گو هستند و دیگر احتیاج به پاسخ‌گویی مجدد نیست. آیت‌الله سبحانی در پاسخ‌گویی به شبهات دینی، همیشه موضع‌گیری مستقل خود را دارند و کاری ندارد به این که پاسخ‌به شبهه شاید کسر شأنشان باشد، بلکه مخلصانه و فداکارانه به دنبال پاسخی مستقل برای شبهات هستند. آیت‌الله سبحانی اگر با موضوع جدیدی برخورد کنند، سعی می‌کنند که اصل موضوع را از کارشناسان همان رشته دریافت کنند، لذا زمانی که مباحث پلورالیسم و هرمنوتیک مطرح می‌شد، روش ایشان این‌گونه بود که آنچه در مغرب زمین مطرح شده بود را از زبان کارشناسان بشنوند و در مرحله بعد تجزیه و تحلیل خود را ارائه می‌کردند، لذا با توجه به مقتضای بحث‌های کلامی که از غرب وارد شده است، ایشان سعی دارند که دیدگاه قرآنی و حدیثی را در مورد آن موضوعات بیان کنند.

محمدرضایی در مورد مقایسه شهید آیت‌الله مطهری و آیت‌الله سبحانی گفت: این دو بزرگوار با توجه به ذوق و سلیقه خاص خود، سعی در بیان جذاب مطالب ناب اسلامی داشته‌اند و هر یک به فراخور سعی‌شان مأجور هستند، ولی آثار هر دو بزرگوار برای یک سری از اقشار جامعه که معمولاً جوانان اهل فکر و جویای حقیقت هستند به دلیل جذابیت و پاسخ‌گو بودن به نیازهای فکری‌شان مفید بوده‌است. ابتدا این شبهه را برطرف کنم که لزوماً روانی اثر دلالت بر عمق کم آثار ندارد؛ بلکه روش بیان افراد متفاوت است، برخی آسان‌نویس و برخی مشکل‌نویس هستند، در حالی که استاد عزیز و ارجمندم، حضرت آیت‌الله سبحانی، با زبان و قلم قابل فهم و روانشان سعی دارند که اصطلاحات پیچیده را به زبان ساده بیان کنند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: بنده زمانی که در درس ایشان حاضر می‌شدم، می‌دیدم که سعی داشتند اصطلاحات فنی را به شیوه و سخنی بیان کنند که برای طلاب با سطوح علمی متفاوت قابل فهم باشد؛ ایشان در بحث‌های اصولی‌شان نیز که اکنون دارای تأثیرگذاری بالایی در حوزه علمیه قم است، سعی در ایضاح اصطلاحات با زبان روان دارند؛ و کسی می‌تواند چنین هنری داشته باشد که آن مطلب را ابتدا خودش به صورت صحیح فهمیده باشد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی:

«بحوث فی الملل و النحل»

استاد سبحانی جزو منابع

معتبر شیعه و سنی است

علمی به عنوان یک صاحب نظر مقبول و مطلوب در سه رشته فوق شناخته شده است. غیر از این در عرصه بین الملل، کلام و قرآن در کشورهای عربی شناخته شده و صاحب نظر است. آثار ایشان گاهی اوقات در لبنان به مراتب بیش از ایران تجدید چاپ می شود.

وی در مورد ویژگی کتاب «بحوث فی الملل و النحل» گفت: در طول تاریخ در واقع افرادی وجود داشته اند که خلأهایی را پر کردند، مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی. علامه طباطبایی نیز با نوشتن «المیزان» خلأیی را در تفسیر شیعه پر کرده است؛ به این دلیل که همیشه اهل سنت به شیعه خرده می گرفتند و می گفتند، شما که مدعی قرآن هستید، چرا یک تفسیر جامع امروزی ندارید تا عرضه شود و ما بخوانیم. در سال ۱۳۲۶ شمسی یک جنبش فکری در کشور ما به وجود آمد. علامه طباطبایی از این فرصت استفاده کرد و در کنار آثار با برکتش شاگردان خیلی خوبی هم پرورش داد. یکی از این شاگردان خوب در کنار استاد شهید مطهری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی و دیگران، آیت الله سبحانی است.

وی در مورد اساتید آیت الله سبحانی گفت: وی از علامه طباطبایی، امام (ره) و کمی از آقای خویی در نجف استفاده کرده است. وی فضای سال ۱۳۲۰ به بعد، استادی علامه طباطبایی، رفاقت با آیت الله مکارم شیرازی، انس با شهید مطهری و شاگردی امام (ره) و دیگر شخصیت ها را دید و نیازهای جامعه شیعی را در چند جهت احساس کرد. یکی از کتاب هایی که شیعه به آن نیاز داشت «بحوث فی الملل و نحل» بود. اهل سنت کتاب نوشته بودند و ما هم نوشته بودیم اما چیزی که با نگاه امروز و ادبیات امروز عرضه شود، نداشتیم.

این مدرس حوزه گفت: آیت الله سبحانی همان سال های اول انقلاب این کار را شروع کرد و بحثی داشت به عنوان «بحوث فی الملل و النحل» که به زبان عربی است و به فارسی نیز چاپ شده است. در این کتاب همان طور که از عنوانش پیداست راجع به ادیان و مذاهب بحث می کند. منتهی راجع به ادیان بحث نکرده و شما نباید در این کتاب به دنبال مذاهب یهودیت و مسیحیت بگردید، بلکه باید دنبال مذاهب اسلامی



کتاب «بحوث فی الملل و النحل» آیت الله العظمی جعفر سبحانی در حال حاضر جزو منابع معتبر در میان شیعه و سنی است که کل مجموعه یا برخی جلد های این کتاب در بیروت مکرراً تجدید چاپ شده است.



حجت الاسلام و المسلمین دکتر «محمد صفر جبرئیلی»، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس مؤسسه امام صادق (ع) در قم، نویسنده کتاب «آیین کشورداری از نگاه امیرالمؤمنین (ع)» و «اندیشه های کلامی شیخ طوسی»، ضمن بیان مطالب فوق در مورد شخصیت آیت الله العظمی سبحانی، گفت: آیت الله العظمی سبحانی در کلام و تفسیر متخصص و صاحب نظر است. انصافاً در تاریخ نمی خواهیم بگوییم که ایشان یک مورخ با این اصطلاح امروزی است، ولی یک صاحب نظر در عرصه تاریخ است و آثار تاریخی قابل استفاده ای دارد. حتماً خیلی از افراد جامعه ما با «فروغ ابدیت» و «فروغ ولایت» وی آشنا هستند. شما اگر امروز بخواهید یک کتاب خوب در مورد زندگی پیامبر (ص) از نگاه و تحلیل تاریخی معرفی کنید، قطعاً یکی از کتاب ها، کتاب فروغ ابدیت است.

جبرئیلی با اشاره به سه حوزه مهم تألیفات آیت الله سبحانی اظهار کرد: وی تألیفات زیادی در حوزه فلسفه، معرفت شناسی، فقه و اصول دارد. اما عمده ترین کار آیت الله سبحانی را در سه رشته می توان نام برد؛ فقه و اصول، تفسیر و علوم قرآنی و کلام و فرق و مذاهب. وی در تاریخ و رجال هم تألیفاتی دارد. اما این سه رشته، سه رشته جدی است که وی در آن کار کرده، صاحب نظر است و کتاب دارد. آیت الله سبحانی در مراکز

کرده است. ما بعد از قرآن چیزی به اسم حدیث و سنت داریم؛ یعنی او آمده و حرف رازده است، اول برهان عقلی آورده بعد برهان قرآنی و در آخر برهان حدیث آورده است.

وی در مورد سبک علامه طباطبایی در میزان

اظهار کرد: مرحوم علامه طباطبایی در میزان

سبکی را به اسم تفسیر قرآن به قرآن راه

انداخت. آیت‌الله سبحانی در کتاب الالهیات از

همین روش استفاده کرده است. وی یک آیه را

صغری، آیه دوم را کبری و آیه سوم را نتیجه قرار

داده است که این کار یک کار عقلی است. مثلاً در مورد

عصمت انبیا(ع) آیه‌ها را کنار هم گذاشته، حتی جای آیه را در شکل تعیین کرده است. او می‌گوید نتیجه‌ای که از این دو آیه گرفته می‌شود همان نتیجه‌ای است که عقل به شما داده است. این کار عرضه کردن الهیات به عقل است. لازمه این کار این است که بین عقل و ایمان در اسلام و خصوصاً شیعه هیچ تعارضی وجود نداشته باشد و این یک هنر خوبی است که وی در این کتاب انجام داده است.

حجت‌الاسلام جبرئیلی در پاسخ به این سؤال که آیا آرای کلامی آیت‌الله سبحانی بر آرای فقهی او تأثیر گذاشته است؟، گفت: قطعاً، کلام علمی است که برای برخی علوم موضوع درست می‌کند. موضوع کلام خدا و صفات اوست و شما در کلام ثابت می‌کنید که خدایی هست. این خدای موجودی که شما در علم کلام ثابت کردید، عادل، حکیم و لطیف است و لطف دارد. لطف خدا اقتضا می‌کند پیامبرانی را برای ما بفرستد.

نویسنده کتاب «اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی» در مورد موضوع فقه اظهار کرد: موضوع فقه افعال افرادی است که مکلف هستند، مثلاً در مورد روزه، نماز و اعمال افراد صحبت می‌کند؛ یعنی فردی که به سن تکلیف رسید، باید چه کارهایی انجام دهد؟ فعل مکلف؛ یعنی این که چه زمانی می‌توانید بگویید که یک فرد به سن تکلیف رسیده است و این فعل و این کار را باید انجام دهد. لازمه هر مکلفی، یک تکلیف است و هر تکلیفی لازمه‌اش یک تکلیف‌کننده است. حال چه کسی تکلیف‌کننده را برای شما مشخص می‌کند؟، علم کلام، پس می‌بینیم که علوم کلام و فقه خیلی در هم تنیده شده‌اند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: اجماع در فقه این است که می‌گوییم همه فقها از قدیم تا امروز گفته‌اند نماز مسافر باید شکسته خوانده شود. سؤال این است که حجیت اجماع از کجا آمده است؟، در مورد حجیت اجماع می‌گویند وقتی این همه فقیه، عالم و دانشمند نظر می‌دهند، حتماً پشتش نظر امام معصوم(ع) هم وجود دارد، چون اگر این‌ها اشتباه می‌کردند، امام معصوم(ع) باید شناخته و ناشناخته تذکر می‌داد. پس وقتی تذکر داده نشده و مخالفی پیدا نشده، معلوم می‌شود رضایت امام معصوم(ع) در آن وجود دارد. حال می‌خواهیم بدانیم رضایت امام معصوم(ع) را از کجا بیابیم؟ مبنای شما در این جا چیست؟ این جاست که آیت‌الله سبحانی و برخی فقهای دیگر به سراغ کلام می‌آیند؛ چون ما در کلام ثابت کردیم خدا لطیف است و

بگردید. او در این کتاب به معتزله، ماتریدیه، اشاعره، خوارج، زیدیه و شیعه پرداخته است و هر کدام را به طور مفصل در یک جلد بحث کرده و تاریخچه هر کدام را آورده است. مثلاً در یک جلد فقط تاریخچه

شیعه را آورده و توضیح داده است بزرگان و ائمه(ع) آن چه کسانی هستند، الان چه موقعیتی دارند و در کجا زندگی می‌کنند.

نویسنده کتاب «اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی» تصریح کرد: کتاب «بحوث فی الملل و النحل» در حال حاضر جزو منابع معتبر در میان شیعه و سنی است. کل مجموعه یا برخی جلد‌های

این کتاب در بیروت مکرراً تجدید چاپ شده است. وی در کلام هم خدمت ارزشمندی به شیعه کرده است. ما در کلام هم از نظر کتاب و هم از نظر تدوین دارای خلأ بودیم. در خارج از ایران؛ یعنی در کشورهای عربی و اهل سنت کارهای خوبی انجام شده بود که الان هم انجام می‌شود، ما هم دارای کارهای خوبی هستیم. ممکن است شما در کلام کارهای خوبی داشته باشید، اما امروز قابل عرضه نباشد. یک کار و خدمت ارزشمند آیت‌الله سبحانی در عرصه کلام و عقاید کتاب ۴ جلدی «الالهیات» است که مکرراً هم در ایران و هم در بیروت چاپ شده است. این نشان می‌دهد که این کتاب متقاضی دارد و در غیر ایران هم از این کتاب استفاده می‌شود.

این مدرس حوزه چهار رویکرد را در مورد ارائه اصول دین و جهان‌بینی نام برد و گفت: گاهی ممکن است یک متکلمی وارد شود. اعتقادات، اصول دین و جهان‌بینی ما را عرضه کند، اما فقط با نگاه عقلی که این یک کار است. اما دومی این اصول دین و اعتقادات و جهان‌بینی را با نگاه نقلی عرضه کند. از قدیم این رویکردها در بین شیعه وجود داشته است. برخی مانند شیخ صدوق نقلی بوده‌اند. شیخ صدوق اصول عقاید ما را به قرآن و حدیث عرضه کرده است که اسم این کار را امروز می‌گذاریم نص‌گرا. شیخ مفید عقل‌گرا است و سعی می‌کند مسائل عقیدتی ما را به عقل عرضه کند و بگوید عقل در امامت و خاتمیت و نبوت چه می‌گوید.

وی رویکرد سوم را فلسفی دانست و گفت: رویکرد سوم یک رویکرد فلسفی است، مانند رویکرد خواجه‌نصیرالدین طوسی که با علت و معلول، امکان و وجود و با آن قواعد فلسفی این کار را انجام می‌دهد. رویکرد چهارم رویکرد ملاصدراست که گفت من اصول دین و جهان‌بینی را می‌خواهم به قرآن، برهان و عرفان عرضه کنم و هر سه را در یک جا جمع کنم. مرحوم علامه طباطبایی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله جوادی آملی و استاد مطهری در واقع ادامه دهنده مشرب ملاصدرا هستند. آیت‌الله سبحانی در کتاب الالهیات اسم کتاب را الهیات در پرتو قرآن، سنت و عقل گذاشته است. فقط حیف که این کتاب عربی و ۴ جلد است.

این نویسنده در مورد امتیاز کتاب الالهیات گفت: امتیاز این کتاب این است که مسائل فکری، عقیدتی، اصول دین و مبانی شیعه را به عقل عرضه کرده و می‌گوید عقل این را می‌گوید حالا که عقل این را گفت بینیم قرآن چه می‌گوید و آیه قرآن می‌آورد که همان حرف عقل را قرآن تأیید

لطف دارد و لطفش اقتضا می‌کند پیامبر (ص) بفرستد و بعد از آن امام (ع).

جبرئیلی گفت: لطف الهی اقتضا می‌کند امامی که در حال حاضر وجود دارد، جایی که نیاز به تذکر باشد، تذکر بدهد. پس وقتی که تذکری داده نشده است، علما اجماع کرده‌و از قاعده لطف استنباط کرده‌اند، امام عصر (عج) از اجماع علما راضی است. پس این اجماع بیان‌گر نظر امام معصوم (ع) است. مثلاً در بحث غلو، این‌که چه کسی غالی است؟ و چه کسی غالی نیست؟ چه کسی مؤمن است؟ و چه کسی مؤمن نیست؟ سؤال فقهی است و فقیه باید جواب دهد. او زمانی می‌تواند جواب درست بدهد که مبانی کلامی اش درست باشد. این فقهی که می‌آید و می‌گوید چه کسی غالی است و چه کسی نیست، از کجا باید بداند و ببیند غلو را در علم کلام چطور حل کرده‌اند؟ آیت الله سبحانی کتابی دارد با عنوان «کلیات فی علم الرجال» که آن‌جا راجع به غلو و مفاهیم آن و مؤلفه‌های آن صحبت کرده است.

مدرس مؤسسه امام صادق (ع)، در مورد جایگاه فقهی آیت الله سبحانی یادآور شد: آرای کلامی استاد سبحانی در بسیاری از جاه‌ها بر تفسیر و هم بر فقه‌شان تأثیر گذاشته است. اما یک نکته یادتان باشد و آن این است که آیت الله سبحانی چون معتقد بود کار روی زمین مانده را باید انجام داد، وارد بحث فقاقت به معنای مرجعیت نشده بود، بلکه پس از رحلت آیت الله «جواد تبریزی» و آیت الله «فاضل لنکرانی» به دلیل درخواست بیش از حد افراد، فتاوی فقهی ایشان جدیداً به دست ما رسیده است.

جبرئیلی در مورد آرای خاص آیت الله سبحانی خاطرنشان کرد: استاد سبحانی ضمن برخورداری از مبانی علمی، خیلی به فتاوی مشهور پای بندند و نوعاً من از او فتاوی بر خلاف مشهور نشنیده‌ام. ممکن است ما از ایشان فتاوی خاص و ویژه‌ای نبینیم. دلیلش هم این است که ایشان سعی بر این دارد که در دیدگاه خود نظر مشهور را مورد عنایت و توجه خاص قرار دهد. ایشان در کلام هم همین رویه را دارند.

جبرئیلی در مورد ویژگی تفاسیر «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید» آیت الله سبحانی، گفت: آیت الله سبحانی از قدیم تفسیر موضوعی‌ای نوشته‌اند به نام «منشور جاوید» که ۱۲ جلد است. تفسیر منشور جاوید البته نه کاملاً، بلکه با تفاوت‌هایی عربی شده و به اسم تفسیر «مفاهیم القرآن» منتشر شده است. وی در این



کتاب بیشتر در مورد مسائل کلامی و فکری مانند: توحید، نبوت، صفات، حکومت و ... بحث می‌کند. کتاب مفاهیم القرآن به دلیل عربی بودن از آثار جا افتاده‌وی در کشورهای عربی است و کتاب حاضر مانند دیگر آثار وی مکرراً در بیروت چاپ شده است. حتی زمانی که ایشان در حال نگارش کتاب بودند، این کتاب یک جلد یک جلد چاپ می‌شد تا زمانی که کامل شد. بسیاری از شخصیت‌های علمی و غیر علمی، ایرانی و غیر ایرانی زمانی که این کتاب را خواندند، نامه‌هایی را برای ایشان نوشتند که برخی از این نامه‌ها در این کتاب چاپ شده است. این بیان‌گر این است که کتاب «مفاهیم القرآن» جزو منابع ارزشمند است.

مدرس مؤسسه امام صادق (ع) در مورد تفاوت کتاب منشور جاوید با مفاهیم القرآن اظهار کرد: تفسیر منشور جاوید برای عموم نوشته شده است و مخاطب این کتاب عموم مردم هستند. اما حرف‌هایی در مفاهیم القرآن وجود دارد که در منشور جاوید نیست. مثلاً اگر من بخواهم کتابی بنویسم و از این دو کتاب استفاده کنم و یا به کسی آدرس بدهم، به مفاهیم القرآن آدرس می‌دهم، چون مفاهیم القرآن را آیت الله سبحانی برای سطح بالا نوشته است، اما منشور جاوید برای سطح پایین‌تری نوشته شده است. سطح مفاهیم القرآن بالاتر از سطح منشور جاوید است. چند بحث در منشور جاوید وجود دارد که در مفاهیم القرآن دیده نمی‌شود، مانند بحث از زندگی و تاریخ پیامبر و انبیا.

نویسنده کتاب «آیین کشورداری از نگاه امیرالمؤمنین (ع)» یاد آور شد: بحث‌های عقلی و کلامی آیت الله سبحانی در مفاهیم القرآن بیشتر از منشور جاوید است. نظم، ترتیب و چینش مباحث در این کتاب بهتر از منشور جاوید است. در مفاهیم القرآن زمانی که در مورد توحید ربوبی صحبت می‌کند، تصریح می‌کند که کلمه «رب» چند مرتبه در قرآن آمده است و چند معنا دارد، مثلاً چهار مرتبه در این معنا، پنج مرتبه در این معنا و ۲۰ مرتبه در این معنا آمده است. این کار قشنگی است که ایشان در مفاهیم القرآن کامل‌تر انجام داده است.

جبرئیلی در پاسخ به این سؤال که روش آیت الله سبحانی در تفسیر قرآن چه روشی است؟، گفت: روش ایشان کلامی است و در دو تفسیر منشور

دارد و اعتدال را در زوایای مختلف زندگی خود سرلوحه قرار داده است. از دیگر امتیازات او این است که با مسائل جدید آشنایی دارد و هر جا مسأله جدیدی پیش می آید ایشان وارد می شود. وی پاسدار و به تعبیری مرزبان حماسه و تفکر ناب شیعی است. هر جا احساس کند حمله ای به تفکر ناب شیعی و اسلامی می شود، وارد صحنه شده و مانند یک مرزبان و مرزدار قد علم کرده و پاسخ می دهد. در زمان قدیم شخصی به نام «علی دشتی» کتابی نوشته بود که نسبت به پیامبر و نبوت اشکالاتی را وارد کرده بود، همان وقت آیت الله سبحانی پاسخ بسیار زیبایی به او داد و کتابش را «راز بزرگ رسالت» نام نهاد.

این مدرس مؤسسه امام صادق (ع) در مورد کتاب «مدخل

مسائل جدید در علم کلام» اظهار کرد: وی در تمام کارهای خود اعتدال را حفظ کرده است و افراط و تفریط را بر

نمی تابد و اهلش هم نیست و نسبت به مسائل جدید هم دغدغه دارد. وی کتابی دارد به نام «مدخل مسائل جدید در علم کلام» که بحث سکولاریسم و پلورالیزم و غیره در آن مطرح شده است. وی آن جا مسائل را مطرح کرده و دیدگاه اسلام را نسبت به پلورالیزم و سکولاریسم آورده است. گاهی جوان ها از من می پرسند

این کثرت گرایی که آقایان می گویند، یعنی چه؟

ما کتابی می خواهیم که هم بگوید این یعنی چه و هم دیدگاه اسلام را در این مورد بیان کند که من کتاب آیت الله سبحانی را معرفی می کنم. در این کتاب ایشان آورده است پلورالیزم یعنی چه؟ از کجا شروع شده؟ چند قسم دارد؟ و توضیح داده است اسلام این قسم را به این دلیل قبول دارد و این قسم را به این دلیل قبول ندارد.

این نویسنده دغدغه آیت الله سبحانی را برجسته کردن جایگاه تفکر شیعی دانست و اظهار کرد: استاد سبحانی کتاب های زیادی راجع به بحث تشیع دارد، غیر از کتاب «بحوث فی الملل و النحل» که در مورد تشیع است، کتابی دارد به نام «الشیعه نشأتهم و عقیدتهم» که در این کتاب توضیح می دهد نشأت، آغاز و عقیده شیعه چیست؟

وی در پایان در مورد کتاب «الشیعه و علم الکلام عبر القرون الاربعه» خاطرنشان کرد: آیت الله سبحانی در این کتاب؛ یعنی شیعه امامیه در چهار قرن که ظاهراً منظورش همان قرون نزدیک به غیبت است، می خواهد بگوید قبل از این که معتزله باشد، ما بودیم و دیدگاه، زادگاه، رشد، نمو و عقایدمان این بوده است. می دانید که ما از اول متهم بودیم که شیعه از خودش خیلی اصل، نسب و ریشه ندارد و از معتزله گرفته، در حالی که اصلاً درست نیست. شیخ مفید اولین کسی بود که پاسخ مستندی به این حرف ها داد.

جاوید و مفاهیم القرآن آیاتی را که استفاده کرده اند، بیشتر کلامی است.

این نویسنده در پاسخ به این سؤال که چه شاخصه ای در ایشان سراغ دارید که ایشان را از دیگر مفسران جدا می کند؟، گفت: شاخصه اصلی ایشان برخورداری از تفکر فلسفی و کلامی است. وی در کنار این که دارای تفکر کلامی و فلسفی است، فقیه و اصولی هم هست. طبیعتاً وقتی کسی در کلام، فلسفه، فقه و اصول صاحب نظر باشد و تفسیر قرآن بنویسد، برداشت و تفسیرش از آیات و کنار هم گذاشتن آیات با کسی که خیلی در مباحث کلامی صاحب نظر نیست، فرق می کند. امتیاز دیگر ایشان تسلط به زبان عربی است.

ایشان با زبان فصیح عربی سخنرانی می کند و می نویسد. این انس و آشنایی آیت الله سبحانی با ادبیات عرب امروزی قطعاً در تفسیرش اثر گذاشته است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطرنشان کرد: ویژگی دیگر او مطالعه زیاد از دوره جوانی است. هنوز هم علی رغم مشغله و سنی که دارند، کتاب های جدید را رصد می کنند، خصوصاً اگر در کشورهای عربی کتاب جدیدی چاپ و نوشته شده باشد. لذا امتیاز دیگر ایشان مطالعه، انس و آشنایی با آثار دیگران است.

وی استقامت و پشتکار را از امتیازات آیت الله سبحانی دانست و افزود: ایشان استقامت زیادی دارند. حال استقامت به چه معناست؟ یکی استقامت نسبت به سختی ها و دیگری مستقیم الفکر بودن؛ یعنی کجی در فکرش راه ندارد، استقامت در مقابل اعوجاج های فکری. زمانی کسی کتاب زیاد مطالعه می کند و تأثیر هم می پذیرد. اما یک کسی کتاب مطالعه می کند، ولی آنقدر مبانی اش محکم است که تحت دیدگاه های کج قرار نمی گیرد. آیت الله سبحانی پرکار است و این پرکاری از قدیم الایام در وی وجود داشته است. قبل از نماز صبح که بیدار می شد، استراحت نمی کرد و مطالعه می کرد و بعد که آفتاب طلوع می کرد صبحانه می خورد. در ایام تدریس، تدریس می کرد و بعد استراحت و دوباره مطالعه می کرد و نماز ظهر می خواند. امتیاز دیگر او معتدل بودن است؛ یعنی در مسائل اجتماعی و سیاسی اهل افراط و تفریط نیست. لذا در این سی ساله انقلاب وفاداری ایشان را به نظام و امام (ره) در جاهای مختلف دیده ایم. وی اعتدالش را نسبت به این مسائل همیشه داشته است و این تعبیر را دارد که ما در این مسائل نباید برای کسی سینه بزنیم.

جبرئیلی آیت الله سبحانی را شخصیتی همه جانبه نگر دانست و گفت: وی شخصیت متواضعی است و در کل شخصیت همه جانبه نگری هم در علم و تحقیق و هم در مسائل اجتماعی و سیاسی



شخصیت قلمی - اصول آیت الله العظمی سبغانی

آیت الله احمد بهشتی:

استاد سبحانی به خاطر احاطه بر علوم مختلف اسلامی، دارای مبانی محکم و متقنی است

شده و سبب شده است که بهتر یکایک این رشته‌ها را بررسی کنند و در آن‌ها صاحب نظر شوند.

وی تصریح کرد: وقتی که کسی به تفسیر، تاریخ و به خصوص تاریخ صدر اسلام مسلط باشد، طبعاً حتی در اجتهاد هم دارای بینش خاصی می‌شود، زیرا بهتر می‌تواند سیر تاریخی مسائل را بررسی و ارزیابی کند. همچنین اگر فقیهی یک متکلم برجسته هم باشد و در مسائل کلامی یا به اصطلاح علم ملل و نحل صاحب نظر باشد، دارای مبانی محکم و متقنی خواهد بود که در موضوعات و مسائل فقهی هم اثر می‌گذارد.

فلسفه ما هم نوعی کلام محسوب می‌شود و در فیلسوفانی مانند ملاصدرا، علامه طباطبایی و شهید مطهری مشاهده می‌شود که فلسفه و کلام این بزرگان، بسیار شبیه به هم هست و با مای عقیدتی در ارتباط است. مثلاً اگر فقیهی مبانی امامت را به درستی ارزیابی کند، این امر در نظرات او و در مسائلی مثل ولایت فقیه قطعاً مؤثر است. بنابراین با این رویکرد، صحیح نیست که گفته شود کلام اسلامی نباید با فقه اسلامی ارتباط داشته باشد؛ فلذا یک متکلم و فقیه باید در این علوم مسلط باشد و این خصیصه در آیت الله سبحانی به خوبی مشاهده می‌شود.

این عضو مجلس خبرگان، ضمن تأکید بر جامعیت علمی استاد سبحانی گفت: آیت الله سبحانی به واسطه احاطه بر علوم مختلف از جامعیت علمی برخوردار هستند. فقیهی که بر مباحث کلامی و فلسفه اسلامی اشراف داشته باشد، طبعاً در بینش فقهی و استنباط و سعه نظری که پیدا می‌کند، مؤثر است. بین شخصیتی که فقط یک بعدی است و مثلاً فقط در فقه تخصص دارد، با فقیهی که به سایر علوم اشراف دارد، تفاوت زیادی وجود دارد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: باید توجه کرد که اعلم در فقه، الزاماً به معنای اعلم در سایر علوم نیست؛ ولی کسی که می‌خواهد در فقه اعلم باشد، باید بر علوم دیگر تسلط داشته باشد. به عبارت دیگر، تسلط بر سایر علوم، شرط لازم برای اعلمیت در فقه است، زیرا نمی‌توان تصور کرد که فقیهی اعلم باشد، ولی بر ادبیات عرب، تاریخ، رجال، درایه، تفسیر و کلام احاطه نداشته باشد. بدون اکتساب این شروط لازم، فقاهت به معنای دقیق کلمه، حاصل نمی‌شود. در وجود استاد سبحانی، تمام این ویژگی‌های علمی و جامعیت علوم، جمع شده است.

وقتی کسی مانند آیت الله العظمی سبحانی به تفسیر، تاریخ و به خصوص تاریخ صدر اسلام مسلط باشد، طبعاً حتی در اجتهاد هم دارای بینش خاصی می‌شود، زیرا بهتر می‌تواند سیر تاریخی مسائل را بررسی و ارزیابی کند. همچنین اگر فقیهی مانند ایشان، یک متکلم برجسته هم باشد و در مسائل کلامی یا به اصطلاح علم ملل و نحل صاحب نظر باشد، دارای مبانی محکم و متقنی خواهد بود که این امر در موضوعات و مسائل فقهی او هم اثر می‌گذارد.



آیت الله احمد بهشتی، عضو مجلس خبرگان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، درباره شخصیت آیت الله العظمی سبحانی و نحوه آشنایی خود با ایشان گفت: من از سال ۱۳۴۰ با آیت الله سبحانی ارتباط نزدیک داشتم و از زمانی که به قم آمدم ایشان مشغول تدریس بودند. در آن زمان در کلاس درس ایشان و دروس خارج امام خمینی (ره) و سایرین شرکت می‌کردم و با استاد سبحانی از لحاظ فکری و معاشرتی خیلی نزدیک بودم.

وی درباره خصوصیات اخلاق پژوهشی استاد سبحانی بیان کرد: ایشان از همان زمان در نشریه «مکتب اسلام» مقالاتی را راجع به تاریخ اسلام می‌نگاشتند و در ابعاد مختلف، چه از لحاظ تدریس و چه از لحاظ تبلیغ، شخصیت موفقی بودند. زمانی که من در شهر آبادان تبلیغ داشتم، ایشان هم در آنجا حضور می‌یافتند و مستمعین را مستفیض می‌کردند. بنابراین از زمان‌های قدیم ایشان در هر سه حوزه تدریس، تحقیق و تبلیغ فعالیت داشتند و البته روحیه محققانه آیت الله سبحانی در سراسر زندگی و آثارشان دیده می‌شود.

وی ضمن تأکید بر حیثه‌های تخصصی این مرجع عالیقدر گفت: در زندگی علمی و تحقیقاتی ایشان این امر قابل ملاحظه است که ایشان در زمینه‌های مختلفی متخصص هستند و در همه این رشته‌ها آثار زیادی در ابعاد مختلف علمی ارائه کردند. وقتی شخصیتی مانند آیت الله سبحانی در علوم مختلفی مانند علم رجال، علم درایه، تاریخ اسلام، علم کلام، علم ملل و نحل، تفسیر قرآن، علم اصول و فقه، متخصص هستند، طبیعی است که این مجموعه علمی بر یکدیگر اثر می‌گذارد. تمام این علوم گوناگون، در وجود استاد سبحانی تبدیل به یک واحد منسجم

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآن تهران:

مباحث اصول فقه استاد سبحانی از بهترین بحث‌های این علم در حوزه است

ایشان، آثار ایشان از نوعی تتبع و جامعیت کافی برخوردار است، به شکلی که شخصیت جامع علمی استاد سبحانی، کاملاً در این آثار ظهور و بروز دارد.

نویسنده مقاله «پیش‌درآمدی بر نقش رسالت و دین»، استاد سبحانی را فقیه، متکلم، فیلسوف و مفسر دانست و اذعان کرد: جامع بودن ایشان در علوم، به قلم ایشان نیز نوعی جامعیت بخشیده، به طوری که کسانی که با آثار ایشان سر و کار دارند، می‌توانند این جامعیت را کاملاً ببینند. زمانی که ایشان در بحث‌های تاریخی وارد می‌شوند به خوبی از عهده کار برآمده و به عنوان یک مورخ برجسته، خودشان را نشان می‌دهند، برای نمونه کتاب «فروغ ابدیت» ایشان که بعداً مباحث «امامت» به آن اضافه شد و در چاپ‌های جدید منتشر شد، نشان‌دهنده این بخش از آثار گرانقدر و گرانسنگ ایشان است.

وی مباحث اصولی استاد سبحانی را از بهترین مباحث در این زمینه عنوان کرد و افزود: بحث‌های اصولی‌ای که آیت‌الله سبحانی دارند و هم‌چنین تقریرات مباحثی را که از حضرت امام خمینی (ره) منتشر کرده‌اند، یکی از بهترین مباحث مربوط به اصول فقه است که دوستداران این علم می‌توانند از این مباحث استفاده کنند.

محمدی اشاره‌ای هم به دو اثر استاد سبحانی در زمینه علم رجال و علم داریه داشت و تصریح کرد: هم‌چنین کتاب «کلیات فی علم الرجال» و مباحث مربوط به داریه که از ایشان ارائه شده است، برای کسانی که تازه می‌خواهند در این مسائل وارد شوند از بهترین متن‌هاست؛ چون این دو کتاب به بهترین وجه و بسیار منظم و منقح مباحث را ارائه داده است.

بحث‌های اصول فقه آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی و هم‌چنین تقریرات مباحث اصول فقه حضرت امام خمینی (ره) به قلم ایشان، یکی از بهترین مباحث مربوط به علم اصول فقه است.



دکتر «علی محمدی»، عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآن تهران، ضمن بیان مطلب فوق، گفت: استاد محقق آیت‌الله جعفر سبحانی یکی از اندیشمندان قرآنی است. ایشان در آثار متعددی در رابطه با قرآن کریم سخن گفته‌اند و بیانات مختلفی را هم ارائه کرده‌اند.

نویسنده کتاب «فلسفه حجاب» یکی از آثار بسیار مهم ایشان را تفسیر «منشور جاوید» دانست و تصریح کرد: این اثر نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است که در چهارده مجلد، توسط مؤسسه امام صادق (ع) منتشر شده است. ایشان در این تفسیر مقدمه‌ای در رابطه با تفسیر موضوعی و مباحثی درباره اصل تفسیر، برداشت‌ها، نزول تدریجی و ... آورده‌اند. در این کتاب بعد از موضوعات یاد شده، ایشان مباحثی را به صورت موضوعی مورد بررسی قرار داده است؛ مثلاً خداشناسی، فطرت، توحید و ... تا این که در مجلد ۱۴ بحث‌های اجتماعی و جامعه‌آرمانی اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این ۱۴ جلد موضوعات مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. این مباحث (تفسیر منشور جاوید) با زبان عربی هم چاپ و نشر پیدا کرده و در دسترس علاقه‌مندانی که زبان عربی را بیشتر استفاده می‌کنند، قرار دارد.

محمدی با اشاره به این موضوع که آیت‌الله سبحانی از شاگردان علامه طباطبایی بوده است، خاطرنشان کرد: به دلیل تتبع بسیار زیاد و جامعیت علمی



محمد معرفت: «الموجز» استاد سبحانی، برخلاف دیگر کتب اصول فقه، دارای ادبیات جدید است



دینی وجود دارد، استاد سبحانی با اراده و عظمی راسخ در این مسیر گام برداشتند و بر مشکلات این چنینی فائق آمدند و این موانع باعث توقف ایشان در ارائه خدمات علمی نشد.

حجت الاسلام معرفت، ضمن تأکید بر استقبال طلاب از کلاس‌های تدریس استاد سبحانی، خاطر نشان کرد: استقبال زیاد طلاب از کلاس درس خارج این مرجع عالیقدر، حاکی از توفیق ایشان در امر تدریس است و در اینجا باید یادآور شد که ایشان در ارائه مطالب درسی، دقیق و منسجم عمل می‌کنند و این موضوع در همه تألیفات ایشان نیز مشاهده می‌شود. آیت‌الله العظمی سبحانی در زمینه علم اصول فقه، کتابی را با عنوان «الموجز فی اصول الفقه» ارائه کردند که سال‌هاست به عنوان منبع مهمی برای طلاب و دانشجویان تدریس می‌شود. معمولاً کتابی که در عرصه علمی تا به این حد پرفرایده و قابل استفاده باشد و این چنین بدرخشد، به ندرت پیش می‌آید که بتوان بعد از گذشت سال‌ها، کتابی را به عنوان جایگزین برای آن پیدا کرد. «الموجز فی اصول الفقه» سال‌هاست در حوزه و دانشگاه تدریس می‌شود. این کتاب خلاصه‌ای از مباحث علم اصول است و علی‌رغم حجم کم، از نوعی جامعیت برخوردار است. این کتاب با ادبیات جدید و فرهنگ نوین نگاشته شده است و همان مطالب غنی

«الموجز فی اصول الفقه» آیت‌الله العظمی سبحانی، با ادبیات جدید و فرهنگ نوین نگاشته شده و برخلاف کتاب‌های دیگر اصول فقه که نوعاً دارای ادبیات دشوار و تعبیرهای مبهم هستند، دارای ادبیات جدید و به‌روز است که سهم عمده‌ای در درک راحت مطالب برای مخاطب دارد.



حجت الاسلام و المسلمین محمد معرفت، مدرس حوزه علمی قم، درباره شخصیت علمی آیت‌الله العظمی سبحانی گفت: آیت‌الله سبحانی دارای اراده بسیار قوی و همت والایی هستند که این امر، منشأ توفیقات مختلفی برای ایشان شده است. ویژگی شاخص ایشان، پرتلاش بودن و خستگی‌ناپذیری این استاد فرزانه است که پیوسته ایشان را در علوم مختلف، تأثیرگذار و دارای تألیفات و آثار زیاد کرده است. صفت جدیت و اجتهاد، حقیقتاً در آیت‌الله سبحانی نمود دارد. از جمله توفیقاتی که خداوند نصیب ایشان کرده است، توفیق خدمات فراوان علمی و اخلاص در عمل است و این سنت الهی است که هر شخصی که تلاش و کوشش کند و اخلاص داشته باشد، خداوند به او عنایت می‌کند و زندگی پربهرکتی خواهد داشت. علی‌رغم مشکلات و سختی‌ها و فراز و نشیب‌هایی که بر سر راه محققین علوم

و اصیل علمی اسلامی در آن ارائه شده است.

وی افزود: از ویژگی‌های دیگر این کتاب، تفکیک و دسته‌بندی کردن مباحث، مطرح کردن شکل و مضمون هر یک از مباحث با در نظر گرفتن همه ابعاد آن است. از مواردی که در کتاب «الموجز» می‌توان به آن اشاره کرد، این است که پیوند و ارتباط این علم با مسائل علمی دیگر و به خصوص با فقه و مسائل مستحدثه لحاظ شده است. کلاسیک شدن موضوعات ارائه شده در این کتاب از اوصافی است که کمتر در آثار قدما دیده می‌شود. در این کتاب آیت‌الله سبحانی بعد از بیان مطالب علمی - اصولی، به ذکر مصادیق و موارد تطبیقی این اصول می‌پردازد و فایده نمونه‌های تطبیقی این است که ضرورت فراگیری آن علم و کارایی آن مبحث را مشخص می‌کند.

شیوه نگارش، به خواننده بستر و افق باز فکری را ارائه می‌کند و به نوعی به او بعد از فهم مطالب، جرأت قضاوت و نقد مطالب جدید و تفکر را عرضه می‌کند که این خصلت در کمتر کتابی دیده می‌شود. این کتاب جدای از اینکه سیر منطقی را در همه مباحث خود دنبال می‌کند، تقسیم‌بندی در ارائه مباحث هم که بسیار حائز اهمیت است، در آن لحاظ شده است. این کتاب از یک مقدمه سودمند و ۸ مقصد تشکیل شده است که این روش علمی و منطقی در تمام این فصول دیده می‌شود.

وی تأکید کرد: استاد سبحانی در مقدمه این کتاب، مباحثی را که خواننده به آن برای فهم بهتر مطالب نیازمند بدان هاست، گنجانده‌اند و این امر در درک مطالب بعدی، بسیار مؤثر است. در کتاب الموجز حتی از نظرات بزرگان

و علمای معاصر هم استفاده شده است که در این میان، به نظرات اصولی امام خمینی (ره) اشاره کرده‌اند. همین استناد به نظرات علمای معاصر، به نوین بودن کتاب می‌افزاید و این امر نشانگر جامعیت علمی و تسلط آیت‌الله سبحانی بر آراء اصولی است. در علم اصول باید متذکر شد که به نسبت سایر علوم اسلامی دیگر، کمتر

به این علم در طول تاریخ پرداخته شده است و این چنین تألیفاتی می‌تواند این خلأ علمی را پر کند.

وی یادآور شد: پیش از تدوین این کتاب، کتاب اصول فقه مرحوم آیت‌الله مظفر در حوزه تدریس می‌شد، ولی بعد از تألیف این کتاب، که خلاصه‌ای از دروس خارج اصول فقه و کتب مفصل اصولی آیت‌الله سبحانی است، صلاح دیده شد که اولین مواجهه دانشجویان و طلاب با این علم، توسط کتاب الموجز باشد.

وی در پایان ضمن بیان ویژگی‌های این کتاب و استقبال فضلا از آن، خاطر نشان کرد: هم‌اکنون سال هاست که این اثر، اولین کتابی است که در مدارج حوزوی، به طلاب و دانشجویان، تدریس می‌شود و من هم که توفیق چند دوره تدریس این کتاب را داشتم، شاهد استقبال از این اثر ارزشمند هستم. من شخصا بارها مشاهده کردم که وقتی در محضر عمویم، مرحوم آیت‌الله معرفت، از استاد سبحانی سخن به میان می‌آمد، ایشان با احترام زیادی از این مرجع عالیقدر یاد می‌کردند و این رفتار آیت‌الله معرفت، برای ما بسیار آموزنده بود.

استاد سبحانی بعد از بیان مطالب و آراء پیشینیان، به بیان نظرات خود و قضاوت درباره آن مبحث و آراء مذکور می‌پردازد. این شیوه نگارش، به خواننده بستر و افق باز فکری را ارائه می‌کند و به نوعی به او بعد از فهم مطالب، جرأت قضاوت و نقد مطالب جدید و تفکر را عرضه می‌کند که این خصلت در کمتر کتابی دیده می‌شود.

معرفت، ضمن تأکید بر تدریس این کتاب در دوره‌های مختلف گفت: این اثر، برخلاف کتاب‌های دیگر اصولی که نوعاً دارای ادبیات سخت و دشوار و تعبیرهای مبهم است، دارای ادبیات جدید و به روز است که سهیم عمده‌ای در درک راحت مطالب برای مخاطب دارد. گاه این دشواری‌ها و صعوبت در تعبیر به حدی است که خواننده بدون فهم عمیق مطلب، از آن عبور می‌کند.

حجت‌الاسلام معرفت، درباره ویژگی‌های کتاب استاد سبحانی در علم اصول با عنوان «الموجز فی اصول الفقه» گفت: آیت‌الله سبحانی بعد از بیان مطالب علمی - اصولی، به ذکر مصادیق و موارد تطبیقی این اصول می‌پردازد. فواید ارائه نمونه‌هایی تطبیقی، ضرورت فراگیری آن علم و کارایی آن مباحث را مشخص می‌کند. از ویژگی‌های کتاب «الموجز» این است که برخلاف کتاب‌های اصولی دیگر، که نوعاً دارای ادبیات سخت و دشوار و تعبیرهای مبهم هستند، دارای ادبیات جدید و امروزی است.

وی افزود: در کتاب «الموجز»، بیان ساده و علمی مطالب به ساده‌ترین زبان لحاظ شده است و از تمامی مباحث مورد نیاز در علم اصول، به اجمال سخن رفته است که با فراگیری این کتاب به طور کامل، توانایی‌هایی را از جمله آشنایی با تمامی مباحث علم اصول ولو به صورت اجمالی، ایجاد می‌کند. استاد سبحانی بعد از بیان مطالب و آراء پیشینیان، به بیان نظرات خود و قضاوت درباره آن مبحث و آراء مذکور می‌پردازد. این

عضو هیئت علمی مؤسسه امام صادق (ع):

آیت‌الله العظمی سبحانی خلأ بررسی ریشه‌های تاریخی اختلاف‌های فقهی را جبران کرد

این مدرس فلسفه اسلامی اظهار کرد: این ویژگی‌ها، باعث شده است که ایشان صاحب تألیفات در رشته‌های مختلف باشند، در ادبیات «لعان الأبقریه» برای «فاضل هندی» که از واقعا از کفایه هم مشکل تر است را تصحیح کردند و به جامعه علمی عرضه می‌کند و این تصحیح نبوغ ادبیات ایشان را می‌رساند. در مورد علم اصول، آیت‌الله سبحانی که تقریرات درس اصول امام خمینی (ره) را نگاشت و در مورد فقه اثر وی کتاب «الانصاف» است که انصافاً کتاب «الانصاف» مسأله خلاف را در فقه به طور دقیق بررسی کرده است که جایش در عالم فرق اسلام تا قبل از این خالی بود.

این شاگرد آیت‌الله سبحانی در ادامه خاطر نشان کرد: دو عنوان کتاب در عالم فقهت تشیع واقعا خالی بود، که آیت‌الله سبحانی جبران کرد، یکی «الانصاف» بود که دو جلدش مخصوص «خلاف بین السنه و الشیعه» است، که بررسی کرده تکفیف؛ یعنی دست بسته نماز خواندن ریشه‌اش از کجا بوده است؟! سنی و شیعه در این مورد چه می‌گویند؟ وی همه نظرات را که پراکنده بود، همه را در یک جا جمع کرد.

این مدرس حوزه علمیه قم در مورد کتاب طبقات الفقها اظهار کرد: عنوان دیگری که در جهان فکری تشیع خالی بود «طبقات الفقها» بود که وی این امر را هم جبران کرد، که تاکنون ۱۴ جلد آن تألیف شده است، البته این سخن را تنها نمی‌گویم بلکه این را بنده از زبان بزرگسال می‌گویم.

حجت‌الاسلام علی مؤمنی تأکید کرد: مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله سبحانی نظم ایشان است، رمز پیشرفت علمی و دست‌یابی به جامعیت علمی، حتی در پیشرفت معنویات نیز به علت نظم‌شان است، چنانچه برای دقیقه دقیقه وقت خود برنامه تدوین کرده‌اند و حتی برای تعطیلاتی هم چون پنج‌شنبه و جمعه برنامه علمی و درسی دارند. در خاطر هست که آیت‌الله سبحانی ۲۵ سال قبل به ما فرمودند که تابستان‌ها هم مثل مدت ایام تحصیلات، منظم و مرتب، فعالیت علمی داشته باشید.

این محقق علوم اسلامی افزود: خصوصیت و ویژگی دیگر ایشان، پشتکار و فعالیت زیاد است، به نحوی که اکنون که حدود ۸۰ سال دارند، خیلی کوشا و مظهر «فعال لما یزید» هستند، واقعا در ۲۴ ساعت پرکار هستند و مصداق حدیثی هستند که این حدیث، یکی از ۱۰ نشانه مؤمن را در این می‌داند که «لا یسبع عقله»؛ یعنی انسانی که می‌خواهد عقلش به تکامل برسد از درس خواندن سیر

نمی‌شود و این

خستگی‌ناپذیری در

تعلیم و تدریس و

تحقیق از

ویژگی‌های

«الانصاف» کتابی از آیت‌الله العظمی سبحانی در حوزه فقه است، که آموزه‌های فقهی فریقین را بررسی کرده و ریشه‌های تاریخی و کلامی این اختلاف‌ها بیان کرده است که این کتاب جایش در جهان تشیع خالی بود، که وی این خلأ را جبران کردند.



حجت‌الاسلام و المسلمین علی مؤمنی، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع) گفت: در مورد شخصیت علمی آیت‌الله العظمی سبحانی در دو محور حقیر به عنوان شاگرد کوچک ایشان می‌خواهم مطالبی را عرض کنم، محور اول در مورد شخصیت حقیقی ایشان است، ویژگی‌هایی که از ایشان از سال ۵۴ که بنده با ایشان در ارتباط بودم تا الان از وی دیده‌ام، و در محور دوم، در مورد تفسیر قرآنشان مطالبی محضرتان عرض می‌کنم که ایشان در مورد تفسیرش چه ابتکاراتی داشته‌اند.

وی افزود: در مورد محور اول مقدمتا باید در مطالبی را بیان کنم. یکی این است که تمامی فرهیختگان و تشنگان علوم و معارف اسلامی باید متوجه این مسأله باشند که علوم اسلامی عقلی و نقلی به هم پیوسته هستند. مطلب دوم این که اگر کسی که این علوم عقلی و نقلی را هر دورا به آخر برساند، ما اسم این شخص را علامه می‌گذاریم، به اصطلاح از جامعیت علمی برخوردار است و اکثر طلبه‌ها از زمان غیبت تاکنون به اندازه وسیع، توان، ذوق و تخصصی کار کرده‌اند، یعنی در مرحله اول از جامعیت نسبی برخوردار بوده‌اند، مقداری ادبیات، علوم نقلیه، علوم عقلیه مطالعه می‌کردند. خلاصه مطلب این که ما در طول تاریخ اسلام

کسانی را داشته‌ایم که افرادی که از جامعیت برخوردار بودند که اگر برای دانشمندان دیگر این جامعیت برای آنان محرز شد به آنان علامه خطاب می‌شود، این مقدمه بدان دلیل گفته شد که در زمان ما، کسانی هستند که از

جامعیت برخوردار

هستند، ولی در عین

حال خیلی کم هستند

که یکی از آن‌ها حضرت

آیت‌الله سبحانی

است.

قرار داده‌اند.

علی مؤمنی در مورد ویژگی‌های خاص تفاسیر آیت‌الله العظمی سبحانی گفت: آن چه تفسیر موضوعی آیت‌الله سبحانی را در جهان اسلام منحصر به فرد می‌کند، این است که تفسیر ایشان بررسی جهان‌بینی اسلامی با توجه به آیات قرآن است. به خاطر جامعیتی که آیت‌الله سبحانی دارند، رویکردها و متدهای مختلفی را در تفسیر قرآن در نظر دارند؛ یعنی ایشان هم با روش فلسفی و هم با روش عرفانی، هم با روش نقلی و هم با روش قرآن به قرآن آشناست، ولی با توجه به اینکه من حدود ۳۰ سال با ایشان آشنا هستم، روش تفسیری آیت‌الله سبحانی در قرآن هیچ‌کدام از این روش‌ها نیست.

مؤلف «کمال انسان و انسان کامل» در مورد روش تفسیری آیت‌الله سبحانی گفت: روش تفسیری ایشان، روشی است که از استادشان علامه طباطبایی الهام گرفته‌اند و آن تفسیر قرآن به قرآن به کمک روایات است که این روشی خاص و منحصر به فرد در تفسیر قرآن است؛ یعنی نه با متد فلسفی است و نه با روش کلامی. گرچه آیت‌الله سبحانی متکلم برجسته‌ای هستند، ولی به هیچ وجه در تفسیر قرآن به روش معتزلیان و اشعریان عمل نکرده‌اند و حتی از کلام اصطلاحی که در حوزه‌ها مطرح است، استفاده نکرده‌اند، گرچه بسیاری معتقدند که ایشان متأثر از آرای کلامی است، ولی این‌گونه نیست، چرا که اگر کسی عمیقاً وارد تفاسیر ایشان شود می‌بیند که روش ایشان در تفسیر موضوعی الهام گرفته‌از روش علامه طباطبایی است. زمانی از خود ایشان در مورد روش تفسیری‌شان پرسیدم که استاد پاسخ دادند: «مناد در تفسیر موضوعی بنده، خطبه ۱۳۳ نهج‌البلاغه است که قرآن را «ینطق بعضه ببعض» می‌داند؛ یعنی روش تفسیر قرآن به قرآن.

این محقق علوم اسلامی اظهار کرد: با احترامی که به تمام رویکردهای علمی دارم، معمولاً کسانی که به جامعیت علوم می‌رسند؛ یعنی بعد از ۷۰ سال تحقیق و پژوهش در معارف، سرانجام در تفسیر قرآن به در بسته می‌خورند که ملاصدرا هم در تفسیر قرآنش همین را گفته است، چرا که معرف باید اجلی باشد، لذا تفسیر قرآن جز از طریق قرآن امکان ندارد. طلاب و دانشجویان باید بدانند که در تحلیل‌های تاریخی و روایی هم معرف باید اجلی از معرف باشد، لذا مثلاً در تحلیل حادثه کربلا هم باید به معصوم مراجعه کرد و در قرآن هم همین‌گونه باید عمل کرد؛ یعنی از معرف اجلی استفاده کرد و هیچ چیزی روشن‌تر و واضح‌تر از خود قرآن نیست، چرا که همه چیز در قرآن هست؛ همان‌گونه که خود گفته است «تبیانا لکل شیء».

این مدرس حوزه و دانشگاه در پایان در مورد نگاه نهج‌البلاغه به تفسیر قرآن خاطرنشان کرد: در نهج‌البلاغه آمده است که «فی القرآن خبر نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم» و بحار الانوار از امام معصوم (ع) نقل کرده که آن چه در قرآن در مورد گذشته و آینده

آمده است را می‌دانیم.

منحصر به فرد آیت‌الله سبحانی است که هر دانشجو و طلبه‌ای باید این ویژگی را داشته باشد. علاوه بر این ایشان حافظه فوق‌العاده قوی‌ای دارند و کسی که با ایشان افت و خیز داشته باشد می‌بیند که هر آن چه در علوم نقلیه و عقلیه در طول مدت تحصیل خوانده‌اند، هم‌اکنون در حافظه دارند. آیت‌الله سبحانی شخصیت کلامی و علمی منحصر به فردی در ابعاد مختلف علوم نقلیه و عقلیه دارند، فلذا از یک جامعیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند، به نحوی که در هر علم عقلی و نقلی‌ای، دارای اثر مجزایی هستند که برای طلاب و دانشجویان مؤثر و کارگشاست، کتاب رجال، بحوث فی الملل و النحل و الالهیات نمونه‌ای از این آثار منحصر به فرد این شخصیت علمی هستند.

این محقق علوم اسلامی در پاسخ به این سؤال که چرا آیت‌الله سبحانی به سراغ تفسیر قرآن رفتند؟، گفت: تمام علوم نقلی و عقلی مقدمه هستند برای فهم خطاب حضرت محمد مصطفی (ص)؛ یعنی جهان‌بینی وحی، واقعیتی است که هر اندازه انسان سعه وجودی پیدا کند و در علوم نقلی و عقلی تفحص کند، سرانجام به برتری قرآن و سنت می‌رسد که آیت‌الله سبحانی هم، همین‌گونه است و سبک خاصی را هم در تفسیر قرآن که تفسیر موضوعی است ابداع کردند.

مدرس حوزه علمیه قم در مورد شیوه‌های گوناگون تفسیری گفت: تفسیر قرآن انواع گوناگونی دارد، مانند تفسیر روایی و تفسیر غیر روایی که شامل تفسیر عقلانی، عرفانی و... است که در مجموع ۱۰ شیوه تفسیری برای قرآنی وجود دارد و هر نوع تفسیر هم انواع و اقسامی دارد که خارج از بحث ماست، ولی این را می‌توان گفت که به یک اعتبار، شیوه تفسیری قرآن، ۲ قسم است که یکی تفسیر ترتیبی است که بیشتر تفاسیر سنی و شیعه همین‌گونه هستند و دیگری تفسیر موضوعی. اکثر تفاسیر شیعه و سنی، تفاسیر ترتیبی بوده‌اند، ولی تفسیر موضوعی که اخیراً در قرن‌های اخیر مطرح شده، از زمان علامه مجلسی در بحار الانوار آغاز شده است؛ یعنی می‌شود گفت که مبتکر تفسیر موضوعی، علامه مجلسی در بحار الانوار است، اگر شما به بحار نگاه کنید می‌بینید علامه مجلسی یک موضوع را مطرح کرده و آیات مربوط به آن موضوع را در آن جا آورده است. وجه امتیاز تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی این است که تمام آیات مربوط به موضوع واحد را در یک جا جمع می‌کند و طبق نظر امام علی (ع) قرآن «ینطق بعضه ببعض و يشهد بعضه ببعض»، لذا آیات مشکله و متشابه را با آیات محکم در همان موضوع حل می‌کند.

مؤمنی در مورد موضوعات مورد توجه مفسرین در تفسیر موضوعی قرآن نیز خاطرنشان کرد: تفسیر موضوعی قرآن بعد از آن که در قرن اخیر مورد توجه قرار گرفت، هر یک از مفسرین موضوعی از موضوعات مطرح در قرآن را مورد توجه قرار داده‌اند، مثلاً برخی مسائل سیاسی، برخی مسائل اقتصادی و برخی نیز مسائل جامعه‌شناسی را مورد

بررسی

مسئول دفتر آیت‌الله العظمی سبحانی در تهران: اشتغال به علوم مختلف اسلامی عامل تأخیر در اعلام مرجعیت آیت‌الله العظمی سبحانی بود

آیت‌الله العظمی سبحانی به علوم مختلف اسلامی اشراف دارد که اشتغال به این علوم، عامل تأخیر در اعلام مرجعیت ایشان بود.



حجت‌الاسلام و المسلمین «سیدمحمدجواد میرعظیمی»، مسئول دفتر آیت‌الله العظمی سبحانی در تهران، ضمن تأکید بر احاطه علمی آیت‌الله العظمی سبحانی بر علوم مختلف اسلامی، گفت: ایشان در بین مراجع، به عنوان مرجعی ذوفنون شهرت دارند و جامعیت این مرجع بزرگوار از باب اشراف به علوم مختلف است. به عنوان مثال می‌توان به علم تفسیر قرآن آیت‌الله العظمی سبحانی به نام «منشور جاوید» اشاره کرد. تفسیر «منشور جاوید» یکی از آثار برجسته در این زمینه است و آیت‌الله سبحانی خود به تنهایی این تفسیر عظیم را نگاشته است و حتی پیش از «تفسیر نمونه» چاپ شده است. در عین حال تفسیر منشور جاوید، دارای ظرافت‌های خاصی است که اهل فن، به آن توجه دارند.

وی افزود: از دیگر مبانی اشرافیت این مرجع بزرگوار این است که در حوزه‌های علمیه، علاوه بر مرجعیت فقهی، به مرجعیت تاریخی هم معروف است. از باب این‌که این بزرگوار در مباحث تاریخی تسلط فراوانی دارد و کتاب «فروغ ابدیت» را نزدیک به ۴۰ سال پیش نوشته است و بر آرای مخالف آن روز خط بطلانی کشید. این کتاب هنوز هم بعد از گذشت ۴۰ سال درخشان است؛ حتی در دیداری که در



مجلس خبرگان مشغول خدمت‌گزاری هستند نیز، استفاده کردند. آیت‌الله سبحانی در کنار این علوم، از علم ریاضیات هم بی‌بهره نیستند که این امر، به جامعیت علمی این بزرگوار در شئون مختلف افزوده است و یکی از عواملی که باعث شد ایشان دیرتر مرجعیت خود را اعلام بدارد، ممحض بودن ایشان در اشراف به علوم مختلف است و حتی الان هم در کنار مرجعیت فقهی، کماکان به پژوهش‌های علمی متعمقانه خود در علوم مختلف ادامه می‌دهند.

وی ضمن بیان خاطره‌ای در این باره گفت: شاید ذکر این نکته در اینجا خالی از لطف نباشد که در دیداری که در ماه مبارک رمضان، در سال جاری با این بزرگوار داشتم، بعد از صرف افطار به محلی رفتند که در آنجا، پژوهشگران و طلاب جمع شده بودند و به پژوهش و تحقیقات می‌پرداختند. این درحالی بود که گمان می‌کردم این مرجع عالیقدر همانند دیگران، بعد از گذشت پاسی از شب، به استراحت می‌پردازند. آیت‌الله سبحانی در حدود ۱۲۰

عنوان کتاب و نزدیک به ۲۰۰ جلد کتاب تألیف کردند که هر یک از آن‌ها به فراخور موضوع علمی، در جوامع حوزوی و دانشگاهی مطرح هستند. از آن‌جا که این تألیفات به روش تحقیقی تدوین شده است، کارشناسان علوم مختلف، علاقه بیشتری به مطالعه آن‌ها از خود نشان می‌دهند.

این مدرس دانشگاه درباره سجایای اخلاقی آیت‌الله سبحانی گفت: از صفات برجسته این عالم عالیقدر، مردمی بودن و ساده‌زیست بودن ایشان است؛ به‌گونه‌ای که هر شخصی که خواهان دیدار و ملاقات با این مرجع عالیقدر باشد، به راحتی بعد از اقامه نماز، به حضور ایشان نائل می‌شود و از فیوضات اخلاقی و معنوی آیت‌الله سبحانی بهره‌برد. از دیگر فضائل اخلاقی آیت‌الله سبحانی این است که هر گروه یا فردی که به حضور ایشان می‌رسد، ایشان نکات و دستورات اخلاقی را به تناسب آن‌ها بیان می‌کنند. مثلاً به جوانان توصیه می‌کنند که به نظافت ظاهر، به خصوص بهداشت و نظافت دهان و دندان و مسواک زدن، اهتمام کامل داشته باشند.

حضور رئیس جمهور، محمود احمدی‌نژاد بودیم، بیان کردند که من از ۴۰ سال قبل تا به امروز، ۴ بار این کتاب را مطالعه کردم ولی باز هم مطالب آن نو و دارای نگارش زیبایی است که از خواندن آن سیر نمی‌شوم.

وی درباره تسلط آیت‌الله سبحانی به علوم مختلف به خصوص علم رجال گفت: از دیگر عناوین اشراف علمی این مرجع بزرگوار، علم رجال است که در بین مراجع تقلید، مربوط به آیت‌الله خوبی بود و آیت‌الله سبحانی هم اشراف کامل به این علم دارند و خود این علم هم در حوزه‌های علمیه از گستردگی خاصی برخوردار است.

وی این‌گونه ادامه داد: از دیگر مبانی علمی این بزرگوار علم تخصصی کلام است. در حوزه‌های علمیه بیشتر علم فقه و علم اصول فقه، رواج دارد که

زمینه مرجعیت علمی طلاب حوزه‌های علمیه را فراهم می‌کند؛ اما علم کلام زمینه گسترده‌تری را برای استنباط یک فقیه فراهم می‌کند. از این رو آیت‌الله سبحانی در شهر قم اقدام به دائر کردن دانشگاه کلام کردند و دروس ۷ ساله دانشگاهی را تدوین کردند که در آینده نزدیک، این دانشگاه راه‌اندازی می‌شود. از دیگر علومی که

آیت‌الله سبحانی به آن تسلط دارند، علم عقائد است. برخی از کتب آیت‌الله سبحانی در سطوح بالای دانشگاهی تدریس می‌شود و هم‌چنان که کتاب «مکاسب» شیخ انصاری، سالیان سال است که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود و کتابی برای ورود به سطوح بالاتر مطرح است، بعضی از کتب آیت‌الله سبحانی هم از این ویژگی برخوردار است. یکی از مواردی که در جامعه ما مطرح است و تمامی روحانیون اعزامی به مراسم حج، و حتی زائران این اماکن مشرفه به آن نیازمند هستند، بحث‌های علمی و تاریخی در این باب و شبهات مربوطه است که منبع قابل استفاده در این زمینه، کتب آیت‌الله سبحانی در این موضوع است.

حجت‌الاسلام میرعظیمی ضمن تأکید بر احاطه آیت‌الله سبحانی به علوم فقه و اصول اظهار کرد: استاد در علم فقه و اصول فقه هم در سطح بالایی مشغول تدریس و پرورش شاگرد هستند و از ثمرات علمی و آثار و تألیفات این عالم، بسیاری از علمای فعلی هم که در



در اینجا به فراخور بحث باید اشاره کرد که آیت‌الله سبحانی ده‌ها کتاب را تألیف کردند که با نام خودشان به چاپ نرسیده است. کتاب «جوان شیعی پاسخ می‌دهد» یکی از این نمونه‌هاست که به ۱۱۰ شبهه از شبهات وهابیت در نهایت استواری، پاسخ می‌دهد



شخصیت این مرجع بزرگوار، حاکی از استقبال کارشناسان و متخصصان از آثار علمی آیت‌الله سبحانی است.

مسئول دفتر آیت‌الله العظمی سبحانی در تهران بیان کرد: در اینجا به فراخور بحث باید اشاره کرد که آیت‌الله سبحانی ده‌ها کتاب را تألیف کردند که با نام خودشان به چاپ نرسیده است. کتاب «جوان شیعی پاسخ می‌دهد» یکی از این نمونه‌هاست که به ۱۱۰ شبهه از شبهات وهابیت در نهایت استواری، پاسخ می‌دهد. یکی دیگر از عوامل کثرت استفاده و اشتیاق به آثار علمی آیت‌الله سبحانی، برهانی بودن و بحث دقیق استدلالی این بزرگوار در ارائه مطالب است و طبیعی است که هر کسی مشتاق مطالب برهانی و دقت نظر در ارائه استدلالی مطالب است.

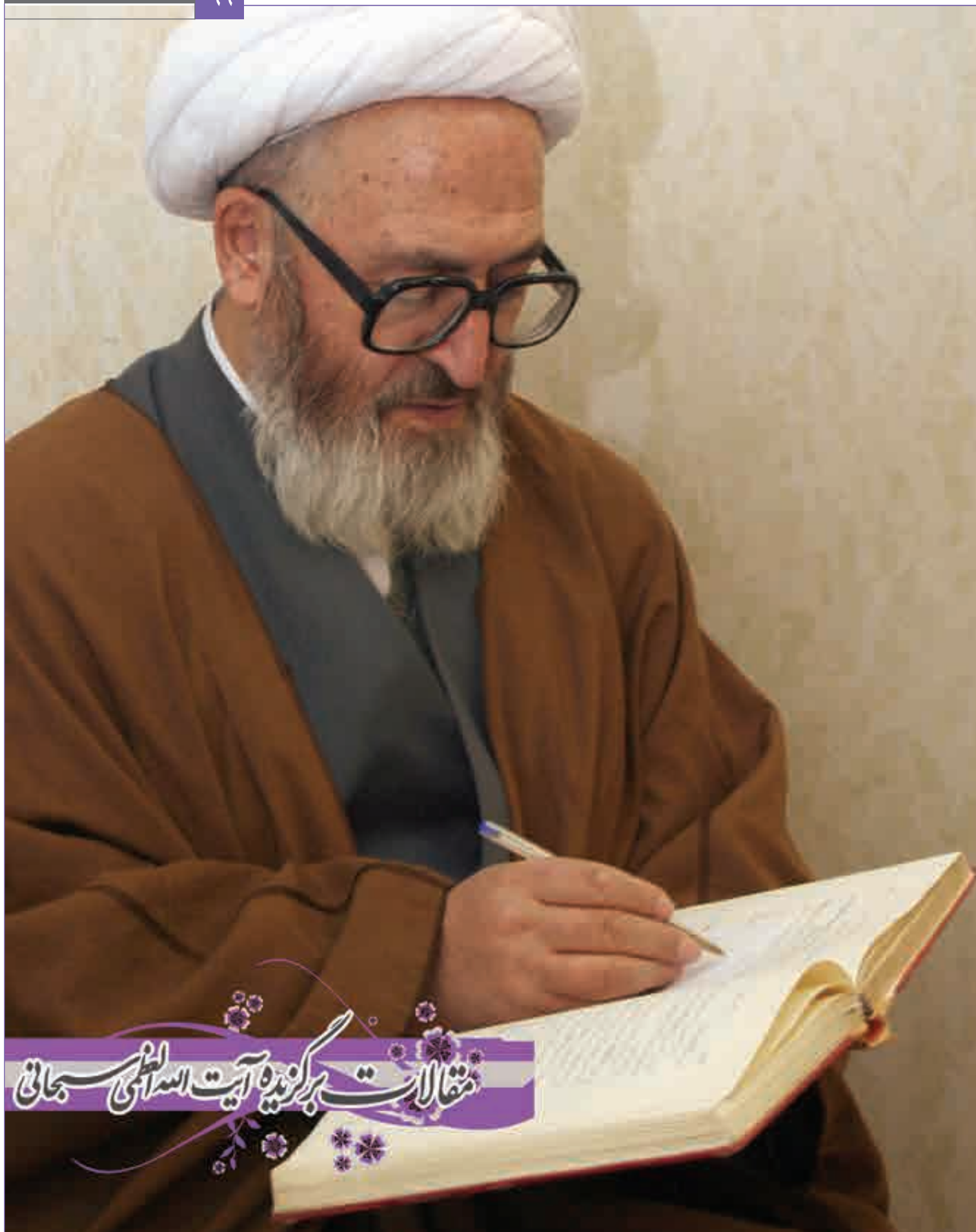
وی با ذکر فعالیت‌ها و آثار آیت‌الله سبحانی در زمینه وحدت اسلامی گفت: برای این‌که سخنان یک عالم در جان و دل مردم و مخاطبان اثر بگذارد، علاوه بر تخصص و احاطه علمی، به صفای باطن و تهذیب نفس هم احتیاج است. بسیار مشاهده شده که در جامعه، سخن کارشناسان علیرغم تخصص علمی آن‌ها، در جان مردم اثرگذار نیست. آیت‌الله سبحانی که بر علوم مختلف احاطه دارند و شیوه استدلالی در ارائه و بیان مطالب دارند، از نورالهی که بر جان‌ها تابیده می‌شود، نیز برخوردارند. با این ویژگی‌ها وقتی آیت‌الله سبحانی حتی با علمای مذاهب مختلف هم به بحث و مناظره می‌پردازد، برای عموم افراد، دلنشین و مؤثر است.

وی ضمن یادآوری نامه آیت‌الله سبحانی به قرضاوی گفت: در این زمینه می‌توان به نامه‌ای که چندی پیش این بزرگوار به یوسف قرضاوی نوشت، اشاره کرد که مسمای هر کسی که به مضامین آن نامه و نحوه استدلال آیت‌الله سبحانی دقت کند، مجذوب آن خواهد شد. در کنار اشرافیت کامل به علوم مختلف، نورالهی، والاترین امتیازی است که یک عالم می‌تواند از آن برخوردار باشد و آیت‌الله سبحانی از هر دو برخوردار هستند، به گونه‌ای که قلم و گفتار این مرجع بزرگوار منشأ برکات کثیری می‌شود و حتی در پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف نیز مؤثر واقع می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: این اهمیت به پاکیزگی و نظافت ظاهر، اهتمام و توجه برای کسب طهارت باطنی را نیز به همراه می‌آورد و رسیدن به لذت درونی و باطنی، زمینه شکوفایی جوان را رقم می‌زند. از دیگر تأکیدات این مرجع عالیقدر، به خصوص به جوانان این است که اگر به فراگیری علمی اقدام می‌کنند، شایسته است که در آن علم به تسلط و تخصص برسند.

حجت‌الاسلام میرعظیمی ضمن تأکید بر خدمات علمی آیت‌الله العظمی سبحانی گفت: به عنوان نمونه می‌توان به رساله عملیه این بزرگوار اشاره کرد که قبل از آن‌که به بیان مسائل فقهی بپردازد، مقدمه جامعی از اصول عقائد نوشته‌اند که هر شخصی که به آن ملزم شود، در واقع تا حد زیادی به اصول و فروع دین عمل کرده است. اشراف علمی آیت‌الله سبحانی بر علوم هم چون تفسیر، تاریخ، کلام و فقه سبب شده است که بسیاری از مسائل دشوار فقهی، حل شود. بطور مثال می‌توان به مسائل فقهی حج تمتع اشاره کرد که در مراسم حج تمتع امسال نیز حتی بسیار مورد استقبال مذاهب مختلف اهل سنت قرار گرفت. این مرجع عالیقدر، سال‌ها قبل در سفری که به عربستان داشتند، به کتابخانه‌های مرکزی آنجا رفتند و بسیاری از کتاب‌های دست اول فقهی مذاهب اهل سنت را بررسی کردند و پاسخ‌های متناسب با آن را فراهم کردند. رساله توضیح‌المسائل آیت‌الله سبحانی از بسیاری از معضلات فقهی، عملاً کاسته است.

میرعظیمی با اشاره به استقبال وسیع شیعیان از آثار علمی آثار استاد سبحانی در سایر کشورها، به خصوص مسلمانان کشورهای عربی گفت: آنچه که در محبوبیت و استقبال از آثار علمی مهم است، استقبال و استفاده کارشناسان و اهل فن از این آثار است؛ زیرا تا گروه برجسته‌ای از خواص و کارشناسان یک رشته علمی، در سطح بالایی از به آثار علمی نویسنده‌ای استناد نکنند، محبوبیت عمومی هم برای آن شخص حاصل نمی‌شود. از این رو استقبال زیاد سایر مسلمانان از کشورهای مختلف، حتی در دورترین نقاط مانند آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین، از آثار و



مقاله برگزیده آیت الله العظمی سبغانی

ممکن است برخی، از حاکمیت سنت‌های الهی بر جامعه و اقوام چنین استفاده کنند که سنن الهی به سان قضا و قدر حتمی و یا جبر تاریخ مادی، زندگی اقوام را در پوشش خود می‌گیرد، چه اقوام بخواهند و چه نخواهند و این چیزی است که با حریت و آزادی انسان، کاملاً مخالف می‌باشد.

سنت‌های الهی در اقوام و ملل

قرآن در رد چنین استنباط نادرستی یادآور می‌شود که حکومت سنت‌های الهی بر ملل و اقوام گزاف و بی حساب و بی قاعده نیست؛ بلکه هر جامعه‌ای، محکوم نتایج اعمال خویش می‌باشد و به عبارت روشن‌تر: سنت الهی جز عکس‌العمل‌ها و واکنش اعمال جامعه چیزی نیست، و هر عمل فردی و اجتماعی یک رشته واکنش‌هایی را به دنبال دارد. جامعه غرق در فساد و شهوت، در لاابالیگری و بی‌خبری یک نوع واکنش دارد و جامعه‌ای که نقطه مقابل چنین جامعه‌ای باشد واکنش دیگر، و سنت‌های قطعی و لایتخلف خدا، همین واکنش‌هایی است که در کنار هر جامعه‌ای قرار گرفته است.

در حالی که بر تاریخ انسان‌ها یک رشته قوانین قطعی حکومت می‌کند ولی در عین حال نقش انسان آزاد در این سنت‌ها و واکنش‌ها، قابل انکار نیست؛ زیرا انسان آزاد است که، با اعمال و کارهای خود جامعه را به یکی از دو طرف سوق می‌دهد یا آن را به لب پرتگاه انحطاط و نابودی می‌کشد، و یا آن را به سوی ترقی و تعالی سوق می‌دهد. هرگز در اسلام، قضا و قدر حتمی و سرنوشت قطعی که خارج از حوزه اراده انسان باشد، محرک تاریخ شمرده نمی‌شود. این جبرگرایان هستند که برای انسان یک چنین سرنوشت قطعی معتقد گردیده و همان هدفی را تعقیب می‌کنند که مارکسیسم با عنوان کردن مسأله «جبر تاریخ» تعقیب می‌نماید.

قرآن برای ابهام زدایی و روشن‌گویی این حقیقت را در آیاتی یادآور شده است چنانکه می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) «خداوند وضع ملتی را دگرگون نمی‌سازد تا خود آنان وضع خود را تغییر دهند». سوره رعد، آیه ۱۱.

در آیه دیگر می‌فرماید: (ذَلِكِ بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) «هرگز خدا نعمتی را که به قومی عطا کرده است، تغییر نمی‌دهد تا آنان وضع خود را تغییر دهند» سوره انفال، آیه ۵۳. به خاطر همین نقش انسان در تاریخ و سرنوشت است که پیوسته انسان را مسئول اعمال خویش خوانده و زندگی ملت‌های پیشین را به رخ انسان‌های پسین می‌کشد و می‌فرماید: (تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ) «این امت و جامعه‌ای بود که گذشت و رفت. آنان مسئول اعمال خود هستند و شما نیز مسئول کارهای خویش می‌باشید و هرگز مسئول اعمال گذشتگان نیستید» سوره بقره، آیه ۱۴۱.

قرآن، تاریخ جامعه را آئینه عبرت، مایه تنبیه و بیداری و وسیله شناسایی، علل تعالی و انحطاط می‌داند آنجا که می‌فرماید: (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) «در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرت

آنچه در این بخش می‌آید، پاره‌ای از مقالات و پاسخ‌های آیت‌الله العظمی سبحانی به برخی از شبهات اعتقادی و کلامی است.

عامل سازنده تاریخ از دیدگاه قرآن

بررسی نظر قرآن درباره «فلسفه تاریخ و نیروی محرک آن» نیاز به بحث گسترده‌ای دارد که بدون گردآوری مجموع آیات مربوط به موضوع، شرح و بسط آن امکان‌پذیر نیست، به‌گونه‌ای بس فشرده به نظر قرآن پیرامون قوانین حاکم بر جامعه، اشاره می‌کنیم:

هر امتی، دوره و روزگاری دارد

(وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ) سوره اعراف، آیه ۳۴. دانشمندان برای جامعه، اوج و حضيضی و صعود و نزولی در نظر می‌گیرند و به عبارت دیگر: جامعه مانند فرد است. یک فرد تا به سن بلوغ عقلی نرسد، حالت پویایی و تهاجم دارد. پس از مدتی که به اوج قدرت و نیرومندی رسید، کم‌کم قوس نزولی او شروع می‌شود. جامعه نیز مدتی حالت تهاجمی دارد و پس از مدتی حالت تدافعی به خود می‌گیرد. تمام تاریخ بر اساس دو حالت «تهاجم» و «تدافع» حرکت می‌کند و این تهاجم و تدافع موجب می‌شود که نوعی فرهنگ و تمدن در جامعه به وجود آید، رشد کند، ضعیف و پیر شود و در نتیجه نابود شود و سرانجام فرهنگ جدید، باز سیر خویش را به سوی رشد، کمال و پیری و مرگ طی کند و باز در برابر نیروی جوان و تازه‌ای قرار گیرد. این تهاجم و تدافع هم علت و هم عامل حرکت تاریخ را نشان می‌دهد و هم خود به خود شکل حرکت تاریخ را مشخص می‌کند.

توجه قرآن به ارزش‌های فردی مانع از آن نشده است که به اصالت جامعه در حد خود، اعتراف کند و برای آن حیات و ممات و عمر و زندگی و به اصطلاح تهاجم و تدافعی قائل گردد چنان که می‌فرماید: (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْجِدُونَ) «برای هر امتی پایانی است، هرگاه پایان عمرشان برسد، نه لحظه‌ای تأخیر می‌کنند و نه لحظه‌ای زودتر فانی می‌گردند» سوره اعراف، آیه ۳۴. بنابراین همان‌طور که فرد، حیات و ممات دارد، جامعه نیز موت و حیاتی دارد، و تمدن هر گروهی هر چه هم درخشان باشد، روزی به افول و خاموشی می‌گراید.

قرآن درخشندگی و افول تمدن‌ها را نتیجه سنت‌های قطعی الهی می‌داند که بر تمام اقوام و ملل حاکم است، سنت‌هایی که هرگز قابل تغییر و دستخوش دگرگونی نیست چنان که می‌فرماید: (فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا لِسُنَّةِ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا) «آیا جز سنت و روشی را که بر اقوام پیشین حاکم بوده است، انتظار دارند؟ هرگز در سنت‌های خدا، تبدیل و دگرگونی نخواهی یافت». سوره فاطر، آیه ۴۳.

سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

امیرمؤمنان علی (ع) درباره پیروی تاریخ از یک رشته قوانین منظم، جمله‌ای دارد که متن آن را نقل می‌کنیم: «إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيهِ بِالْمَاضِينَ» «روزگار همان طور که بر گذشته‌گان حکومت می‌کند، بر شما نیز حکومت خواهد کرد». یعنی این شما هستید که با شناخت قوانین تاریخ، باید زندگی خود را به نحو احسن بسازید و از علل ترقی پیروی کرده و از علل انحطاط بپرهیزید. نهج البلاغه عبده، خطبه ۱۵۲.

امام در وصیت گسترده‌ای که به فرزند گرامی خود امام حسن مجتبی (ع) نوشته است، این مطلب را به صورت روشن آورده است، آنجا که می‌فرماید: «فرزند من گرچه در تمام طول تاریخ همراه گذشته‌گان زندگی نکرده‌ام، ولی اخبار زندگی آنها و آثاری که از آنها به یادگار مانده بررسی نموده‌ام و با این کار گویا من در تمام این مدت زنده بوده‌ام، و حوادث تلخ و شیرین زندگی را از نزدیک مشاهده کرده‌ام. گویا عمر جاویدان داشته‌ام». نهج البلاغه، نامه شماره ۳۱.

قرآن تأثیر وضع مادی را در طرز تفکر و شیوه زندگی، تصدیق می‌کند و این دور از یکدیگر بیگانه نمی‌داند، البته این مطلب نه به آن معنا است که وضع مادی را زیرنا و آن دیگری را روبنا تلقی می‌کند بلکه پیوند و ارتباط اینها را با یکدیگر تصدیق می‌نماید و می‌فرماید: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْثَى) «انسان چون خود را بی نیاز احساس کند، سرکشی می‌کند» سوره علق، آیه‌های ۶-۷. به حکم این آیه، احساس بی‌نیازی مایه طغیان فکری و عملی می‌گردد.

قرآن در آیاتی یادآور می‌شود که مترفین و ثروتمندان سرکش و نافرمان، سد راه پیشرفت پیامبران بودند، و پیوسته با آنان به مخالفت برمی‌خاستند؛ برعکس فقیران و تهی‌دستان، که پشتیبان رجال و حی و آموزگاران الهی بودند. این مطلب نه از این نظر است که غنا و ثروت با مادگیری فلسفی و اخلاقی ملازم است یا فقر و نیاز، خداگرایی را پرورش می‌دهد و این نهاد اقتصادی است که دو نوع طرز تفکر و دو نوع روش ایجاد می‌کند. نه، بلکه علت دیگری دارد و آن این که در هر دو گروه زمینه خداگرایی موجود است و فطرت پاک، هر دو گروه را به خداجویی دعوت می‌کند، اما در برابر گرایش گروه فتودال و یا سرمایه دار به دین، مانعی وجود دارد و آن این که خداپرستی را مزاحم انباشتن ثروت و منافع مادی خود می‌دانند در حالی که در گروه دیگر نه تنها چنین مانعی موجود نیست، بلکه زمینه گرایش در آنها شدیدتر است، زیرا می‌داند که در سایه گرایش‌های دینی، وضع زندگی آنان بهتر خواهد شد.

ولی در عین حال این قانون کلیت ندارد، چه بسا، ثروتمندانی بودند که ثروت آنان مانع از گرایش آنان نگردید و ثروت خود را در راه آرمان خود مصرف کردند. برعکس، چه بسا گروه فقیر و مستمندی بودند که به خاطر یک رشته تلقین‌ها و گرایش‌های قبیله‌ای در صف دشمنان

است» سوره یوسف، آیه ۱۱۱. قرآن به اندیشمندان و دل‌آگاهان دستور می‌دهد که در زندگی اقوام و ملل گذشته به کنجکاوی پردازند و از علل قوت و ضعف آنان آگاه شوند و به خاطر اهمیتی که این نوع تاریخ‌نگری دارد، این حقیقت را چند بار یادآور می‌شود که ما فقط به یکی اشاره می‌کنیم: (أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) «آیا در زمین گردش نکردند تا عاقبت کسانی را ببینند که پیش از آنان بودند؟ آنان از ایشان نیرومندتر بودند و زمین را دگرگون ساختند و پیش از اینان به آبادی آن پرداختند. پیامبران آنان با دلایل روشن به نزد آنان آمدند. اما آنها را نپذیرفتند. پس خداوند هرگز بر آنان ستم نکرد و آنان خود بر خویش ستم می‌کردند». سوره روم آیه ۹.

سنت‌های الهی و کنش رفتار امت هاست

این دستور موکد در آیات فراوان به خاطر دو مطلب است: ۱. بر تاریخ بشر یک رشته قوانین محکم و استوار، و سنت‌های لا یتغیر حکومت می‌کند که این سنت‌ها و به عبارت دیگر واکنش‌ها آن چنان کلی و قطعی است که می‌توانند برای ملل دیگر الگو باشند. ۲. حریت و آزادی انسان در تاریخ آفرینی مورد انکار نیست، از این جهت دستور می‌دهد که در وضع اقوام گذشته مطالعه کند و از آن قوانین و سنت‌های قطعی که مایه سعادت و خوشبختی او است بهره بگیرد و از گرایش به عواملی که مایه بدبختی و بدفرجامی است، بپرهیزد.

بخش مهمی از مباحث قرآن را، سرگذشت اقوام و ملل گذشته تشکیل می‌دهد، قرآن با بیان زندگی پیامبران و ملت‌های گذشته، کلید تحولات تاریخی را از نظر بقا یا نابودی جوامع، به دست می‌دهد و به پیامبر خود دستور می‌دهد و می‌گوید: (فَأَقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ).

«سرگذشت اقوام گذشته را برای آنها بازگو کن تا آنان در آنها بیندیشند» سوره اعراف، آیه ۱۷۶. چرا می‌گوید در سرگذشت اقوام پیشین بیندیشند برای این که انسان‌های بعدی از قوانین حاکم بر تحولات جوامع انسانی آگاه گردند و کلیدها و نیروهای محرک تاریخ را به دست آورند، و پس از تجزیه و تحلیل، از شناسایی رموز تکامل تاریخ، جامعه را به سوی آینده روشنی سوق دهند. اگر تاریخ، قوانین روشنی نداشت و بشر در ساختن تاریخ خویش مختار و آزاد نبود دلیلی نداشت که خداوند به ما بفرماید: (قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ) «پیش از شما سنت‌ها و قوانینی بر جوامع حکومت می‌کرد. پس در زمین گردش کنید، تا روشن گردد که سرانجام گروهی که پیامبران خدا را تکذیب کردند، چگونه بوده است؟»

پیامبران قرار داشتند و طاغوت و طاغوتیان را کمک می‌کردند.

قرآن در سوره «لیل» دو نوع دارا معرفی می‌کند: یکی به خاطر گرایش‌های دینی ثروت خود را انفاق می‌کند و دیگری به عللی بخل می‌ورزد و از انفاق خودداری می‌کند چنان که می‌فرماید: (فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى «وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى» فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى «وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى» فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى) «آن کس که بخشش و پرهیزگاری کرد، و پاداش‌های الهی را باور نمود، او را برای رسیدن به سرای آسایش موفق گردانیم و آن کس که بخل ورزید، و اظهار بی‌نیازی کرد، و پاداش‌های نیک را تکذیب کرد، او را برای سرای دشوار آماده می‌سازیم» سوره لیل، آیه‌های ۵-۱۰.

سخن درباره عوامل سازنده تاریخ از نظر قرآن گسترده است به این مقدار بهره‌گیری از قرآن اکتفا می‌کنیم.

امامت از دیدگاه قرآن

مسأله امامت و ولایت در قرآن، در آیات زیادی مانند آیه اکمال، آیه اولوالامر، آیه ولایت مطرح است و هرگز قرآن آن را ناگفته نگذاشته است. در این که مدیریت جامعه پس از پیامبر گرامی (ص) به شخصیت والایی نیازمند است، جای گفتگو نیست و خرد هر انسان منصفی بر این اصل داوری می‌کند و اتفاقاً قرآن، برخلاف نظر پرسشگر، رهبری امت (امامت) را به صورت کلی مطرح می‌کند.

آیاتی که امامت را مطرح می‌کنند:

آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»: «ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» سوره مائده، آیه ۵۵.

شان نزول آیه را بسیاری از مفسران و اهل حدیث چنین نقل کرده‌اند: سائلی وارد مسجد شد و درخواست کمک کرد. کسی به او چیزی نداد، امام علی (ع) در حالی که در رکوع بود، با انگشت خود که انگشتی در آن بود به فقیر اشاره کرد که انگشتی را از دست او درآورد و رفع احتیاج نماید. او نیز جلو آمد و انگشت را از دست امام درآورد و دنبال کار خود رفت. در این هنگام خبر به پیامبر (ص) رسید. وی از خدا چنین درخواست نمود: «پروردگارا! همان طور که برای موسی از خاندانش وزیری معین نمودی، برای من نیز از اهل بیتم وزیری معین فرما». در این لحظه فرشته وحی فرود آمد و آیه یاد شده را برای پیامبر خواند. این شأن نزول را علاوه بر علمای شیعه، ۶۶ تن از محدثان و متکلمان بزرگ اهل سنت با مختصر تفاوتی، در کتاب‌های خود آورده‌اند. محقق فرزانه علامه امینی مصادر آن را در کتاب شریف «الغدیر» آورده است (الغدیر، ج ۳، صص ۱۵۶ تا ۱۶۲).

اکنون باید دید چگونه این آیه مسأله امامت را مطرح می‌کند: توضیح این که: «ولی» در آیه یاد شده به معنی سرپرست و کسی است که زمام امور را به دست گیرد، لذا پدر و حاکم را ولی می‌خوانند و می‌گویند: «الأب ولیّ الطفل»، و «الحاکم ولیّ القاصر». از آنجا که محور سخن «ولی مؤمنان» است، طبعاً مقصود از «ولیکم الله» امام و حاکم آنها خواهد بود، حتی قرائن موجود در آیه و شأن نزول آن، روشن‌ترین گواه است که مراد از «ولی»، امامت و سرپرستی است.

قرائن: ۱. اگر مقصود از «ولی» در «ولیکم» غیر از ولایت و زعامت دینی و مقام سرپرستی باشد، مثلاً گفته شود مقصود از آن «محب» و «ناصر» است، در این صورت منحصر کردن مقام به سه فرد، بی‌جهت خواهد بود، زیرا همه افراد با ایمان، محب و دوست و ناصر و یار یکدیگرند و اختصاص به این سه نفر ندارد.

۲. ظاهر آیه این است که تنها این سه تن بر جامعه مسلمانان ولایت دارند، در این صورت باید گروهی که ولایت دارند، غیر از گروهی باشند که تحت ولایت هستند. اگر ولی را به معنی رهبر و سرپرست امور مسلمانان بگیریم، طبعاً این دو گروه از هم جدا و متمایز می‌شوند، اما اگر آن را به معنی دوست و یاور بگیریم، این دو گروه، یکی می‌شوند؛ زیرا همه افراد، محب و دوست یکدیگر و ناصر و یاور هم هستند.

۳. هرگاه مقصود دوستی و نصرت باشد، می‌بایست تنها به «الذین آمنوا» اکتفا شود و دیگر به آوردن این جمله که «در حال رکوع زکات می‌دهند»، نیازی نباشد، زیرا در جامعه با ایمان، همه افراد با یکدیگر دوست و یاور هستند؛ خواه در حالت رکوع زکات بدهند یا نه.

از این رو مفاد آیه، همان است که پیامبر گرامی (ص)، در یکی از سخنانش فرموده است: «ای علی! تو پس از من ولی هر فرد با ایمان هستی» (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۱۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۷).

لفظ «بعدی» گواه بر این است که مقصود از «ولی» همان مقام رهبری و حکومت و سرپرستی در امور دینی و دنیوی است، نه محبت و دوستی؛ زیرا اگر دوستی بود، به زمان درگذشت پیامبر (ص) اختصاص نداشت.

آیه «اولوالامر»

آیه پیشین تنها آیه‌ای نیست که امامت و ولایت را به صورت یک اصل مطرح می‌کند، بلکه آیه اطاعت «اولوالامر» نیز نمونه‌ای دیگر است، چنان که می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و اولیای امر خود فرمان برید» سوره نساء، آیه ۵۹. «اولوالامر» در آیه که به معنای «فرمانروایان» است، حاکی از فرمانروایی گروهی است که اطاعت آنان در کنار اطاعت خدا و رسول، قرار گرفته است. فخر رازی در تفسیر خود، بیان شیوایی دارد و می‌گوید: از این که اولوالامر در کنار خدا و رسول، قرار گرفته، باید گفت که صاحبان این منصب، معصوم از گناه و پیراسته از خطا بودند؛ زیرا (گذشته از این که در کنار دو فرد معصوم (خدا و پیامبر) واقع شده‌اند و باید با آن دو همگون باشند)، از این که اطاعت «اولو

وی را مشمول رحمت خود قرار داده و از جانب خویش به او علمی آموخته بودیم. موسی به وی گفت: آیا اجازه می‌دهی همراه تو باشم تا از علوم رشد آفرین خویش به من بیاموزی؟» سوره کهف آیه ۶۵-۶۶.

قرآن سپس شرحی از کارهای مفید و سودمند آن ولی الهی بیان می‌کند و نشان می‌دهد که مردم او را نمی‌شناخته، ولی از آثار و برکاتش بهره‌مند بوده‌اند: سوره کهف، آیات: ۷۱-۸۲. حضرت ولی (عج) نیز به سان صاحب موسی، ولی‌ناشناخته‌ای است و در عین حال مبدأ کارهای سودمندی برای امت می‌باشد. بدین ترتیب، غیبت امام به معنی انفصال و جدایی او از جامعه نیست؛ بلکه او، همان گونه که در روایات معصومین (ع) نیز وارد شده، به سان خورشید در پشت ابر است که دیدگان آن را نمی‌بینند، اما به اهل زمین نور و گرمی می‌بخشد (کمال الدین، شیخ صدوق، باب ۴۵، حدیث ۴، ص ۴۸۵).

پیامبر گرامی (ص) فرمودند: «آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از او سود می‌برند و از نور ولایتش در دوران غیبت، بهره می‌گیرند؛ چنان که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره می‌برند» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳، به نقل از کمال الدین شیخ صدوق). اشعه معنوی وجود امام (ع) در حالی که در پشت ابرهای غیبت نهان است، دارای آثار قابل ملاحظه‌ای است که علی‌رغم تعطیل مساله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، حکمت و جودش را آشکار می‌سازد. در اینجا به بیان برخی از این آثار می‌پردازیم:



پاسداری از آیین الهی

با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایش‌های مختلف به مکتب‌های انحرافی و دراز شدن دست مفسده‌جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست می‌رود و دست‌خوش تغییرات زیان‌بخشی می‌شود. این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن، به تدریج تیره و تار گشته، صفای نخستین خود را از دست می‌دهد. این نور پرفروغ، با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک، کم‌رنگ‌تر می‌شود. خلاصه با آرایش‌ها و پیرایش‌های کوتاه‌بینانه افراد و افزودن شاخ و برگ‌های تازه به آن، چنان می‌شود که گاهی انسان در بازشناسی مسائل اصلی، دچار اشکال می‌شود. با این حال، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناپذیر تعالیم اسلامی را به شکل اصلی‌اش حفظ و برای آیندگان نگه‌داری کند؟

می‌دانیم در هر موسسه مهمی، صندوق نسوزی وجود دارد که اسناد مهم را در آن نگه‌داری می‌کنند تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند و در صورت آتش سوزی، از خطر حریق مصون باشد؛ چرا که اعتبار و حیثیت آن مؤسسه در گرو حفظ آن اسناد و مدارک دارد. سینه امام و روح بلند او، صندوقچه حفظ اسناد آیین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و

الامر» بدون قید و شرط لازم شمرده شده، باید گفت این فرمانروایان، انسان‌های معصومی هستند که پیراسته از گناه و خطا می‌باشند و اگر غیر آن بود، حتماً باید حدود اطاعت آنها محدود گردد، در حالی که قرآن، بدون حد و مرز اطاعت آنها را لازم شمرده است (مفاتیح الغیب معروف به تفسیر رازی: ۱۴۴/۱۰).

این دو آیه (آیه‌های ولایت و اولوالامر) مسأله امامت را به طور مستقل مطرح می‌کند، در حالی که برخی از آیات هر چند مسأله امامت را مطرح نمی‌کند ولی شأن نزول آن حاکی است که در این مورد نازل شده است، مانند آیه «اکمال».

آیه «اکمال»

«الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا»: «امروز دین شما را برای شما کامل ساختم و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم» سوره مائده، آیه ۳.

مفسران و گروهی از محدثان، نزول این آیه را در حجة الوداع در روز غدیر خم، روزی که علی (ع) به مقام امامت منصوب گشت، یادآور شده‌اند (الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ فتح القدير، ج ۲، ص ۵۷؛ ینابیع الموده، ص ۱۲۰؛ تفسیر المنار، ج ۶، ص ۴۶۳؛ مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير، نزول این آیه را در روز غدیر از مدارک بسیاری نقل کرده است (الغدير، ج ۱، ص ۴۴۷-۴۵۸ از ۱۶ منبع نقل کرده است). با توجه به این سه آیه، پاسخ سؤال روشن می‌شود که مسأله امامت و ولایت در قرآن مطرح است، و هرگز قرآن آن را ناگفته نگذاشته است.



بهره‌وری مردم از وجود حضرت مهدی (عج)

در زمان غیبت

امام زمان (عج) در دوران غیبت، از طریق تربیت تکوینی که همان تأثیر بر قلوب و نفوذ معنوی در دل‌هاست، مؤمنان واقعی را هدایت می‌کند.

از نظر قرآن کریم، اولیای الهی دو دسته‌اند: ولی‌ظاهر، که مردم وی را می‌شناسند و ولی غایب از انظار، که مردم او را نمی‌شناسند، گرچه او در میان آنها بوده و از حال آنان باخبر است.

در سوره کهف، وجود هر دو ولی، به طور همزمان بیان شده است: یکی موسی بن عمران و دیگری صاحب موقت او در سفر دریایی و زمینی که به نام خضر معروف است. این ولی الهی به‌گونه‌ای بود که حتی موسی با او آشنا نبود و تنها به راهنمایی خدا او را شناخت و از علمش بهره گرفت؛ چنانکه می‌فرماید: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا × قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلَنَا»: «موسی و همراهش بنده‌ای از بندگان ما را (در لب دریا) یافتند که

آن‌ها می‌پردازد و از آنان انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد. ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم، ولی اثر آن‌ها روی عقربه‌های قطب‌نما، در دریاها، راهنمای کشتی‌هاست و در صحراها و آسمان‌ها، راهنمای هواپیماها و وسایل دیگر است. در سرتاسر کره زمین، از برکت این امواج، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا می‌کنند. وسایل نقلیه بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه‌ها ظاهراً کوچک از سرگردانی رهایی می‌یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود مبارک امام (ع) در زمان غیبت، با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند، هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد؟ البته نباید فراموش کرد که امواج مغناطیسی زمین، روی هر آهن پاره بی‌ارزش اثر نمی‌گذارد، بلکه تنها بر عقربه‌های ظریف و حساسی که خاصیت آهن‌ربایی یافته‌اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند، اثر می‌گذارد. بدین ترتیب دل‌هایی که ارتباطی با امام (ع) دارند و شباهتی را در خود ایجاد نموده‌اند، تحت تأثیر آن جاذبه روحانی قرار می‌گیرند.



جمع بین الصلاتین در تشیع

شیعه بر آن است که هر یک از نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشا، یک وقت خاص دارند و یک وقت مشترک و بنا به سنت، می‌توان بین این نمازها جمع کرد.

موضوع «جمع بین الصلاتین» از مسائل مهم فقهی و حساس است که اخیراً از طرف دانشمندان محقق شیعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ زیرا برخی تصور می‌کنند که جمع بین دو نماز نوعی خواندن نماز در غیر وقت شرعی است؛ برای روشن شدن موضوع ابتدا نکاتی را یادآور می‌شویم: [۱][۲]

۱. همه گروه‌های اسلامی در این مسأله اتفاق نظر دارند که در عرفات، می‌توان هر دو نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر، با هم و بدون فاصله ادا کرد، و در مزدلفه نیز جایز است نماز مغرب و عشا را در وقت عشا بجا آورد.
۲. حنفی‌ها می‌گویند: جمع بین نماز ظهر و عصر در یک وقت، و نماز مغرب و عشا در یک وقت، تنها در همان دو مورد عرفه و مزدلفه جایز است و در سایر موارد، جایز نیست.
۳. حنبلی‌ها، مالکی‌ها و شافعی‌ها می‌گویند: جمع بین نماز ظهر و عصر و یا جمع میان نماز مغرب و عشا در یک وقت خاص، علاوه بر دو مورد یاد شده، در حال سفر نیز جایز است. برخی از این گروه‌ها، با هم خواندن دو نماز را در موارد اضطراری، مانند زمانی که باران ببارد و یا نمازگزار بیمار یا در هراس از دشمن باشد، جایز می‌دانند. [۳]
۴. شیعه بر آن است که هر یک از نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشا، یک وقت خاص دارند و یک وقت مشترک. وقت خاص نماز ظهر، از آغاز ظهر شرعی (وقت زوال) است تا مقدار زمانی که چهار رکعت نماز

ویشگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگاه‌داری می‌کند؛ «تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید» و این یکی دیگر از آثار وجود او است.



ترتیب منتظران آگاه

بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست، بلکه آن گونه که از روایات اسلامی برمی‌آید، شمار اندکی از آماده‌ترین افراد، که سری پر شور از عشق خدا و دلی پر ایمان و اخلاص فوق العاده برای تحقق بخشیدن به آرمان اصلاح جهان دارند، با حضرتش در ارتباط‌اند. معنای غیبت امام (ع)، این نیست که آن حضرت به شکل روح نامرئی و یا شعاعی ناپیدا در می‌آید، بلکه او از یک زندگی طبیعی و آرام برخوردار است، به طور ناشناخته در میان همین انسان‌ها رفت و آمد دارد. دل‌های بسیار آماده را برمی‌گزیند و در اختیار می‌گیرد و آنها را بیش از پیش آماده می‌کند و می‌سازد. افراد مستعد، به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدا می‌کنند. بعضی از آنان چند لحظه و برخی چند ساعت یا چند روز و جمعی سال‌ها با حضرت بقیة الله (عج) در تماس بوده‌اند.

آنان کسانی هستند که آن چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز، بر فراز ابرها قرار می‌گیرند، آنجا که هیچ‌گاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جهان‌بخش آفتاب نیست، در حالی که دیگران در زیر ابرها و در تاریکی و نور ضعیف به سر می‌برند. به درستی حساب صحیح نیز همین است. کسی انتظار داشته باشد که آفتاب را به پایین ابرها فرود آورد تا چهره آن را ببیند. چنین انتظاری، اشتباهی بزرگ و پنداری باطل بیش نیست. این ما هستیم که باید بالاتر از ابرها پرواز کنیم، تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشیم و سیراب گردیم. به هر حال، تربیت این گروه منتظر، یکی دیگر از حکمت‌های نهفته در غیبت آن حضرت است.



نفوذ روحانی و ناپیدا

چنان که می‌دانیم، خورشید یک پرتو مرئی دارد که از تجزیه آنها، هفت رنگ معروف پیدا می‌شود، و یک سلسله اشعه نامرئی نیز دارد که اشعه ماوراء بنفش و اشعه مادون قرمز نامیده شده است. هم‌چنین یک رهبر بزرگ آسمانی، خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی، که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‌گیرد، تربیت روحانی دارد که از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها اعمال می‌شود و می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذاشت. در آن جا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار به کار نمی‌آید؛ بلکه تنها جاذبه و کشش درونی مؤثر است. وجود مبارک امام (ع) در پشت ابرهای غیبت نیز، این اثر را دارد که از طریق شعاع نیرومند و پر دامنه «نفوذ شخصیت» خود، دل‌های آماده را در نزدیک و دور، تحت تأثیر جاذبه مخصوص قرار داده، به تربیت و تکامل

ادوات دقیق موجود نباشد، بسیار کار مشکلی است.



پانوشت:

[۱]. درباره جمع بین صلاتین رساله‌های ارزنده‌ای نوشته شده است، مانند: رسائل فقهیه نگارش علامه شرف الدین عاملی، و الجمع بین الصلاتین، نگارش نجم الدین عسکری، و الانصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، از ابن قلم.

[۲]. «شیعه پاسخ می‌دهد»، سیدرضا حسینی نسب.

[۳]. با اقتباس از: «الفقه علی المذاهب الأربعة»، کتاب الصلاة،

الجمع بین الصلاتین تقدیماً و تأخیراً.



شهادتین بر ولایت امام علی (ع) در اذان

شهادتین بر ولایت امام علی (ع) در اذان، ناشی از اصول قرآنی و روایی

است زیرا قرآن ایشان را «ولی» معرفی می‌کند و روایات هم بر استحباب این امر دلالت دارد.

شیعیان در تمام بلاد شیعی، در اذان پس از شهادت بر رسالت پیامبر گرامی (ص)، بر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) گواهی می‌دهند. در این باره توضیح چند نکته ضروری است:

۱. تمامی فقهای شیعه بر این نکته اتفاق نظر دارند که شهادت ثلثه «شهادت بر ولایت علی (ع)» جزو اذان نیست و لذا هنگامی که فصول اذان را می‌شمارند، آن را هجده فصل بیشتر نمی‌دانند که عبارتند از: ۴ تکبیر، ۲ بار شهادت بر وحدانیت خدا، ۲ بار شهادت بر رسالت پیامبر (ص)، ۲ بار «حی علی الصلاة»، ۲ بار «حی علی الفلاح»، ۲ بار «حی علی خیر العمل»، ۲ تکبیر و ۲ بار تهلیل و این سخنی است که فقهای شیعه جملگی بر آنند.

۲. اگر فردی شهادت سوم را به عنوان جزئی از اذان بگوید، کار حرامی مرتکب شده و گناه کرده است.

۳. شهادت سوم در اذان، بدون قصد جزئیت جایز و یا مستحب است و این استحباب، دو مبنا دارد: علی (ع) به حکم قرآن و حدیث رسول گرامی (ص)، ولی خداست. امام صادق (ع) فرمود: هرگاه به رسالت پیامبر (ص) شهادت دادید، بر ولایت علی (ع) نیز گواهی دهید.

در اثبات اصل نخست و اینکه علی (ع) ولی خداست، گذشته از حدیث متواتر غدیر و روایات متواتر که پیامبر گرامی (ص) کراراً فرموده است: یا علی أنت ولی کل مؤمن بعدی (کنز العمال: ۳۹۶/۶)، حدیث (۶۰۴۸). قرآن مجید نیز بر ولایت علی (ع) تصریح کرده است، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ: تنها ولی و سرپرست شما خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع

خوانده می‌شود، در این مدت محدود، تنها نماز ظهر را می‌توان بجا آورد. وقت خاص نماز عصر، زمانی است که از آن لحظه تا وقت غروب، تنها به اندازه مدت خواندن نماز عصر، فرصت باشد.

وقت مشترک بین دو نماز ظهر و عصر، از انتهای وقت خاص نماز ظهر، تا ابتدای وقت خاص نماز عصر است. سخن شیعه آن است که در تمام این وقت مشترک، می‌توان نماز ظهر و عصر را با هم و بدون فاصله خواند. اهل سنت به خاطر دیدگاه خاصی که در تقسیم وقت (از زوال تا غروب) دارند، هیچ‌گاه به وقت مشترک میان ظهر و عصر مثلاً قائل نیستند، زیرا معتقدند که از اول زوال تا سایه شاخص به اندازه آن شود، وقت مختص نماز ظهر است و نمی‌توان نماز عصر را در این وقت به جا آورد، از آن به بعد وقت نماز عصر آغاز می‌گردد تا غروب، و مختص به آن می‌باشد با چنین دیدگاهی هرگز نمی‌توان بین دو نماز جمع کرد، زیرا لازمه آن این است که انجام یکی از آن در غیر وقت خود باشد.

شیعیان معتقدند که این تقسیم‌بندی، مربوط به وقت فضیلت هر دو نماز است، نه وقت اجزاء، یعنی بهتر است نماز عصر را موقعی خواند که سایه شاخص به اندازه آن باشد، ولی اگر کسی قبل از آن هم بخواند مجزی است، دقت فرمایید.

از طرف دیگر روایات زیادی حاکی است که رسول خدا، در سفر و احياناً در حضر بدون کوچک‌ترین عذر، میان دو نماز جمع نموده است و آنان برای حفظ دیدگاه خود در تقسیم وقت ناچار شدند که این روایات را به نحو بسیار بعید از واقع توجیه کنند، به تفسیر این روایات از دیدگاه شیعیان و اهل سنت توجه کنید:

«شیعه بر آن است که بر مبنای این روایات، پس از اتمام نماز ظهر، می‌توان نماز عصر را بجا آورد و همچنین پس از خواندن نماز مغرب، می‌توان نماز عشا را ادا نمود و این مسأله به زمان یا مکان یا شرایط خاصی بستگی ندارد، بلکه در همه جا و همه وقت، جایز است».

دیگران به خاطر نفی وقت مشترک و منحصر کردن وقت به وقت اجزاء می‌گویند: مقصود روایت این است که نماز ظهر، در آخر وقت آن، و نماز عصر در اول وقت آن بجا آورده شود.

دقت در فلسفه جمع بین دو نماز، بی‌پایگی این تفسیر را روشن می‌سازد، زیرا علت تجویز جمع بین الصلاتین، ایجاد سهولت بر امت اسلامی است که بتوانند در تمام حالات هر دو نماز ظهر و عصر را، مثلاً در یک زمان بخوانند و این در صورتی تحقق پیدا می‌کند که جز به مقدار چهار رکعت از اول و چهار رکعت از آخر، بقیه زمان‌ها وقت مشترک هر دو نماز باشد؛ اما اگر جمع بین دو نماز را مطابق با نظر اهل سنت تفسیر کنیم و بگوییم پیامبر (ص) ظهر را در وقتی بجا آورد که با پایان آن، سایه شاخص به اندازه خود آن شود و سپس بلافاصله نماز عصر را بخواند، در این صورت به جای تسهیل، کار را مشکل و پیچیده‌تر کرده‌ایم، زیرا شناخت اول وقت و آخر آن در تمام اعصار، خصوصاً در مناطقی که ابزار و

انسان‌ها را به خاطر نداشتن توانمندی، یارای دیدن و شنیدن آنها نیست، اما گروهی که از نردبان کمال و فضیلت بالا رفته‌اند، می‌توانند این اصوات و صور برزخی را بشنوند و درک کنند، تا آنجا که فرشته والامقامی چون «روح الامین» با آنها سخن می‌گوید و آنها سخن او را می‌شنوند. از این جهت، در روایات، دخت گرامی پیامبر (ص) محدثه (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۷۹، حدیث ۶۶-۶۷) معرفی شده که خود حاکی از کمال برتر است.

کوتاه‌نظران، سخن گفتن فرشته با غیر پیامبران را دور از واقعیت می‌شمارند، در حالی که قرآن کریم یادآور سخن گفتن فرشته با مادر مسیح، حضرت مریم است، آنجا که می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: آن‌گاه که ملائکه به مریم گفتند: خدا تو را برگزیده و از آلودگی پاک کرده و تو را بر زنان جهان برتری بخشیده است» (سوره نساء، آیه ۴۲).

سخن گفتن فرشتگان با فرد، نشانه نبوت و رسالت او نیست، بلکه نشانه ارتقای مخاطب به قلّه کمال است که به او توان شنیدن صدای فرشتگان را می‌دهد. از این گذشته، قرآن کریم، سخن گفتن فرشتگان را با همسر حضرت ابراهیم، هاجر یادآور می‌شود و می‌فرماید: «قَالُوا أَنْعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». [۳] «آیا از فرمان و اراده خدا در شگفت هستی، رحمت و برکات او بر شما خاندان [نبوت] یاد...». سوره هود آیه ۷۳.

مسأله الهام و فتوحات غیبی در مورد اولیای الهی مسأله گسترده کلامی و فلسفی است که در این مختصر، مجال بازگویی آن نیست، ولی به طور فشرده می‌توان گفت که عصر نبوت و رسالت، به معنی رهبری انسان‌ها از طریق وحی تشریحی، سپری شده است و پس از رسول خاتم (ص) نبی و رسولی نخواهد آمد، ولی هرگز باب فتوحات و شکوفایی معرفتی انسان به روی او بسته نشده است. چه بسا انسان‌هایی با دید برزخی و هوش برتر، آنچه را که دیگران نمی‌بینند و نمی‌شنوند، ببینند و بشنوند. قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا: ای افراد با ایمان اگر از گناه پرهیز کنید، خدا قوه و نوری به شما می‌دهد که از درون حق را از باطل جدا می‌سازد» (سوره انفال، آیه ۲۹).

امیر مؤمنان درباره انسان‌های وارسته، که از طریق تقوا و پرهیزکاری کسب کمال نموده‌اند، چنین می‌فرماید: «عقل خود را زنده ساخته و شهوتش را میرانده است تا آن‌جا که تنش به لاغری گراییده و تندخویی او به نرمی تبدیل شده است. برقی پرنور در وجودش درخشیده و راه هدایت را برای او روشن ساخته و در راه خدا او را به پیش برده است. پیوسته در مسیر تکامل از دری به دری دیگر راه یافته و در جایگاه امنیت و آسایش پای نهاده و آرام گرفته است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۲)

زکات می‌دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، حزب و جمعیت خدا پیروز است» سوره مائده، آیه ۵۵ و ۵۶. مفسران اتفاق نظر دارند که این آیه در حق امیر مؤمنان علی (ع) وارد شده است، آنگاه که فقیری وارد مسجد شد و از مردم درخواست کمک کرد و حضرت که در حال رکوع بود، با انگشت خود به فقیر اشاره کرد که انگشتر را از دست او بگیرد و در آن هنگام دو آیه یاد شده فرود آمد.

مدارک نزول این حدیث فزونتر از آن است که در اینجا ذکر شود، اما به عنوان نمونه به این موارد اشاره می‌کنیم: (تفسیر طبری: ۸۶/۶؛ ابو بکر جصاص: أحكام القرآن: ۵۴۲/۲؛ ابوالحسن واحدی نیشابوری در اسباب النزول: ۱۴۸؛ زمخشری در کشاف: ۴۲۲/۱ و مرحوم علامه امینی نزول آیه را در حق علی ابن ابی طالب علیه السلام از ۶۶ منبع سنی نقل کرده است، حتی حسان بن ثابت که در واقعه حاضر بود، چند بیت در باره این رویداد گفت که یکی را یادآور می‌شویم:

فَأَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ إِذْ أَنْتَ رَاكِعٌ فَدَتَكَ نَفُوسَ الْقَوْمِ يَا خَيْرَ رَاكِعٍ. یعنی تو کسی هستی که در حال رکوع بخشیدی، ارواح دیگران فدای تو گردد، ای بهترین رکوع کننده). بدین ترتیب، با توجه به آیه مذکور و آیات و روایات متعدد دیگر، آشکار می‌شود که امیر مؤمنان (ع) ولی و سرپرست مؤمنان از جانب خدا است.

در خصوص نکته دوم نیز قاسم بن معاویه، از اصحاب امام صادق و کاظم (ع)، از آن حضرت چنین نقل کرده است: «هر گاه کسی از شما به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گواهی داد، برای تکمیل شهادت به ولایت علی (ع) نیز گواهی دهد» (احتجاج طبرسی: ۸۳).

بنابر آنچه گفته شد، احدی از شیعیان آن را به عنوان جزئی از اذان نمی‌گوید و حتی برخی در اقامه برای اینکه از دیگر اجزا تمیز داده شود، فقط یک بار آن را می‌گویند و در این صورت مشکلی در این مورد نخواهد بود.

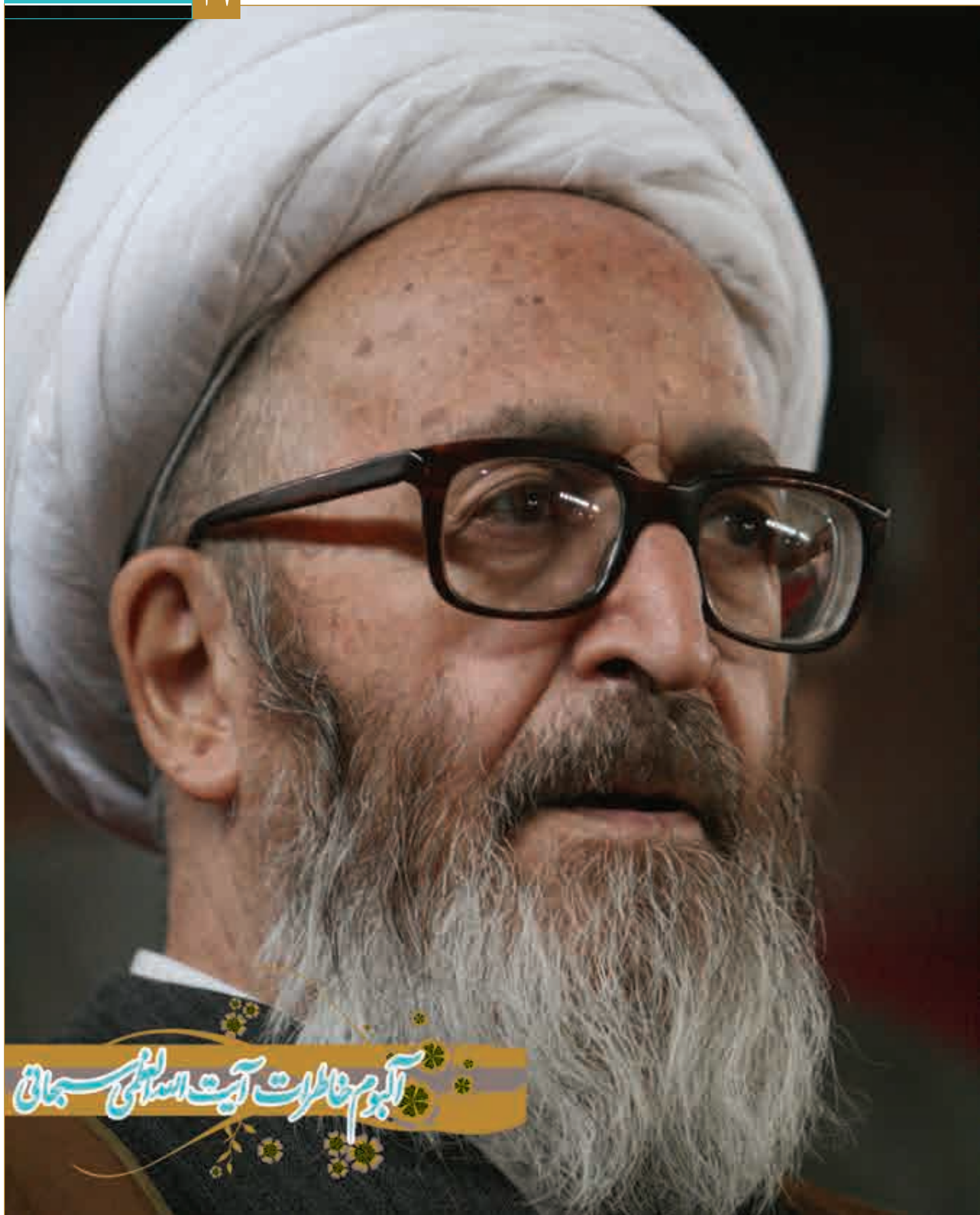


نحوه سخن گفتن فرشته با حضرت فاطمه زهرا (س)

سخن گفتن فرشتگان با غیر انبیا و امامان (ع)، نشانه نبوت و رسالت او نیست، بلکه نشانه ارتقای مخاطب به قلّه کمال است.

تردید نیست که فرشته وحی و یا دیگر فرشتگان با انبیا و اولیا سخن می‌گویند و وحی الهی را در اختیار آنان می‌گذارند؛ ولی سخن گفتن آنان به پیامبران اختصاص ندارد، بلکه با انسان‌های والا، هر چند نبی نباشند، نیز سخن می‌گویند و گروهی را که فرشتگان در برابر آنها متمثل می‌شوند و با آنان سخن می‌گویند، «محدث» می‌نامند.

در احادیث فریقین گروهی به نام محدث معرفی می‌شوند و آنها کسانی هستند که فرشته با ایشان به گفتگو می‌پردازد. فرد محدث از نظر کمال باید به پایه‌ای برسد که بتواند اصوات برزخی را با گوش دنیوی بشنود. جهان، پر از صور و اصوات برزخی است که اغلب



آبومعظرات آیت‌اللهی سماوی

















